

اداره مخطوطات

نام کتاب ادعیه (عربی)

مؤلف متن

محشی

شارح

مترجم

تاریخ تحریر ق ۱۳ نوع خط نسخ تعداد سطر ۱۳

نام کاتب

موضوع ادعیه زبان عربی عدد اوراق ۲۵۱

طول ۱۶٫۴ عرض ۹ شماره عمومی ۳۲۶۰۹

~~وقفی~~ / خریداری از زینب بیع نامه تاریخ وقف ۱۳۷۵/۵/۲۴

ملاحظات

[illegible] ف [illegible] بود است دیگر

بطلمیوس ملک یونان کشف و ظط طیموس از رقت یونس

یونس یونس کشاف یونس [illegible] کلبهم قطعه

[illegible]

و بر چهار برج قلعه بگاه و دارد [illegible]

[illegible] بنویسد

[illegible] محفوظ مانند [illegible]

فالکرسی

[illegible]

[illegible] اصحاب کهف [illegible]

یملیخا مکسلمینا کشفوططیونس اذرفطیونس

یونس کشافطیونس و اسم کلبهم قطمیر

و اگر [illegible] بنویسند [illegible] محفوظ باشد [illegible]

[illegible] قلعه بنویسند [illegible] در چهار برج قلعه بگذارند [illegible]

و اگر در کشتی [illegible] از غرق محفوظ ماند [illegible]

چهل شب جمعه باید

خواند هر شب جمعه یک پنج

تسبیح را رو بقبله او و نیز زن زند

اللهم تعوی مالک تعوی و ملک تعورا است

یک ملکی نفت شتک کرد این بند و در بند بلا است



[illegible]	سیاه	[illegible]	[illegible]	زنجبیل	[illegible]
۱ ول	۱ ول	۱ ول	۱ ول	۳ ول	۱ ول

ادویه‌ها که [illegible] در زنجبیل [illegible] تخم داده [illegible] [illegible]

بعد کشند و در [illegible] [illegible] آب دادن یک [illegible] [illegible]

[illegible] و بعد از آن گاه [illegible] اگر [illegible] که اصلاح [illegible]

[illegible] [illegible] روز [illegible] الله [illegible]

جهت زهرباد مایه سبب مالش دو ساک

کشراد دیه را آکنده و بیخ کرده خوابکه
ترنجبین و مایه است بجوشند
و شام را ب بکرم نوشند تمام
محالند صبح نوشند تا مدت شش
روز

فلفل دراز	مرچ سیاه
۱ ۱۹ ر	۱ ۱۹ ر

نحری ۱۹ ر	مرچ لسرخ
کی ۱۹ ر	کی ۱۹ ر

دکنی کنیا	جواله
۱ ۱۹ ر	۱ ۱۹ ر

سرکه بقدر	کشراز مس
	کی ۱۹ ر

مرچ	زردچوبه
۱ ۱۹ ر	۱ ۱۹ ر

جوارش کوفته بعسل
داله که بقدر سیب صبح
بپزند از آن سکو اید
و فیصله نمایند بعد
مرهم که مالش دراثر
بکرب شود خواهد

جهت سوام آب دالد
کهربا درزید هند پیش از آب
داده قیطه نمایند بعد آن

کالازیره	کنگرو سب
۳ ل	۲ ل

مردازره سد	مرچ لسرخ
	۲ ل

هو علی

جهت بردن خط از روی کاغذ

سنگهای زرد تیشه دو نخود در کلو اسفر

سمق دو انار زبر بود را آب اندر آمیخته

که آنرا نماید و لقدر کف آب اندر آمیخته

اندر روی خط در او که حب پنبه بیته در

سر خط بگذرد حک برود

نارنگه تمام شود بعد

ناخن جهت در سر محراب

سه کرانکور به رستم خرید را سوده

بیتال ۱۰ بیتال

جو شاندن بنم متعال

که خوب علم از خود

کرده در شیشه نگاه

در دهان گیرد به نماند

خبر محمد آمده ملا ابراهیم

صاحب کو علی

از برای ملاقات سلاطین هر از برای طلب علم از اسلام بهم یا دکیم بر من

سه صد مرتبه بعد فجر یا لطیف از برای رسیدن بهم یا باشت از برای

هر مطلب بارده مرتبه و از برای دفع حمله شیر من هفت مرتبه دم کرده به

انا المحمود دهم را عبده انا العلاء دهم را علیه انا ظرد دم طرح طرح انا المحسن

دهم را حسن دمیع الاحسان دهم را حسینی

نیست [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دوباره [illegible] بگرفت [illegible]

[illegible]
[illegible]
دوباره گردید [illegible] دو [illegible]



۳۱

بسم الله الرحمن الرحیم

اما اصناف زنان محمد ابن بابویه در کتاب
خصال آورده که حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه واله فرمودند که نکاح مکن با زن
شهبره ولهبره ونهبره وهیدره ولفوت
وفرمودند که زن شهبره زن ازرق فحش گو است
ولهبره زن دراز بالای لاغر است ونهبره زن کوتاه
بدخصلت است وهیدره زن پیر مدبر است ولفوت

زنی ه

انست که سفید رو باشد و مهرش کم باشد و نیز
در کتاب مذکور از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
آورده که نکاح کن زن کشاده چشم کندم گون بزرگ
بزرگ سرین میانه بالا را پس اگر خوش نیاید
ترا کابین آن زن بر من است و نیز در کتاب مذکور
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آورده
که بهترین زنان انست که خوشبو باشد اگر طعام دهد
بکسی بمحل بدهد و اگر امساک کند بمحل امساک
کند پس زنی که این صفت داشته باشد از کارکنان
خدای تعالی است و آن کسی که کار خدای تعالی
کند ناامید نشود از رحمت او و نیز در کتاب مذکور
از آن حضرت علیه السلام آورده که هرگاه نکاح
کند مردی زنی را بجهة مال یا جمال او هیچ کدام

روزی او نشود و اگر نکاح کند بجهة دین او
خدای تعالی روزی کند با او و مال آن زن و اولاد
اما آداب عقد و زفاف و مجامعت و مباشرت
با زنان بدانکه لازم است کسی را که نکاح کند
اینکه در وقت عقد ملاحظهٔ ساعت
نماید چنانچه در باب دوم و سیم در عمل
هفته و ماه بتفصیل مذکور شد و باید که
در وقت عقد کردن قمر در عقرب و محاق
نباشد چنانچه در فصل چهارم باب دهم گذشت
و کلینی در کتاب کافی آورده که بحضرت امام
محمد باقر علیه السلام خبر رسید که شخصی زنی خواسته
است در ساعتی که هوا گرم بوده است در میان
روز حضرت فرمودند که گمان نمی‌کنم که در میان ایشان
اتفاق

اتفاق و الفت بهم رسد پس بزودی از هم جدا
شدند و نیز در کتاب مذکور از حضرت امام رضا
علیه السلام که سنت است که تزویج در شب واقع
شود و نیز در کتاب مذکور از حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله اورده که از سنت پیغمبرانست
طعام دادن در وقت تزویج و نیز در کتاب مذکور
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آورده که
هر که نکاح کند نه برای خود خطر او نباشد که مهر را
بدهد پس او زنا کننده است و نیز در کتاب مذکور
از ابی بصیر اورده که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام بمن فرمودند که هرگاه احدی از
شما اراده تزویج میکند چه میکند عرض کردم
که نمیدانم فرمودند که هرگاه چنین باشد دو رکعت

۱

نماز کند و حمد خدا تعالی بگوید و این دعا بخواند

اَللّهُمَّ اِنّی اُریدُ اَن اَتَزَوَّجَ فَقَدِّر لی مِنَ

النِّساءِ اَعَفَّهُنَّ فَرجاً وَ اَحفَظَهُنَّ لی فی

نَفسِها وَ مالی وَ اَوسَعَهُنَّ رِزقاً وَ اَعظَمَهُنَّ

بَرَکَةً وَ قَدِّر لی وَلَداً طَیِّباً تَجعَلُهُ خَلَفاً

صالِحاً فی حَیوتی وَ بَعدَ مَماتی و محمد

ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه در

ضمن حدیث طولانی از حضرت رسالت پناه

صلی الله علیه و آله آورده که چون عروس

داخل خانه شود پایهای او را بشویند و آن آب را

اندر خانه تا منتهای خانه بپاشند که باعث

برکت و رحمت و دفع پریشانی و ایمنی عروس از

دیوانگی و خوره و پیسی میشود و منع کند عروس را

از خوردن شیر و سرکه و کشنیز و سیب ترش که
رحم بسبب خوردن اینها سرد و عقیم میشود
و حصیر یکه در ناحیهٔ خانه افتاده باشد بهتر است
از زنی که فرزند از و بوجود نیاید و کلینی
در کتاب کافی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
اورده که چون عروس داخل خانه شود و دست
بر پیشانیش بگذار و بگو اَللّٰهُمَّ عَلیٰ کِتابِكَ
تَزَوَّجْتُها وَفی اَمانَتِكَ اَخَذْتُها وَبِکَلِماتِكَ
اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَها فَاِنْ قَضَیْتَ فی رَحِمِها
شَیْئاً فَاجْعَلْهُ مُسْلِماً سَوِیّاً وَلا تَجْعَلْهُ
شِرْكَ شَیْطانٍ و نیز در کتاب مذکور
از ان حضرت علیه السلام اورده که مکروه است
جماع کردن از طلوع فجر تا طلوع آفتاب و

واز وقت فرو رفتن آفتاب تا برطرف شدن
سرخی مغرب ودر روزیکه دران روز آفتاب بگیرد
ودر شبی که دران شب ماه بگیرد ودر شب یا
روزیکه دران باد سیاه ویا باد سرخ یا باد
زرد حادث شود ودر شب یا روزیکه دران
زلزله حادث شود ونیز در کتاب مذکور
از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام اورده
که هرکه جماع کند با زن خود در حیض الشعاع
پس با خود قرار افتادن فرزند را ازشکم پیش
از انکه تمام شود ونیز در کتاب مذکور از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام آورده که
جماع نباید کرد در وقتی که خضاب بسته باشد
ودر کتاب مذکور از انحضرت علیه السلام اورده

که جماع

که جماع نکند با زن خود یا کنیز خود در خانه
که طفل در انجا باشد که ان طفل زناکار میشود
و نیز در کتاب مذکور از حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و اله اورده که چون کسی خواهد
که با زن خود جماع کند بروش مرغان بنزد او نرود
بلکه اول با او دست بازی و خوش طبعی بکند
و بعد از ان جماع کند ایضا دعا بجهة طلب فرزند
و فضیلت ان کلینی در کتاب کافی از حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و اله اورده که
حضرت عیسی علیه السلام بقبری کذشت که
صاحبش را عذاب میکردند پس از سال دیکر
بهمان قبر کذشت که او را عذاب نمیکردند پس از ان
سال سوال کرد از پروردکار وحی باو رسید

که در این سال فرزند شایستهٔ ازو بحدّ بلوغ
رسید و راهی را اصلاح کرد و یتیمی را جا داد
باین سبب او را بکردهٔ فرزندش امرزید
بعد ازان حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
و آله فرمودند که میراثی که از برای خدا از بندهٔ
میماند فرزندیست که بعد ازو عبادت خدا
کند و نیز در کتاب مذکور ازان حضرت
صلی الله علیه و آله اورده که فرزند صالح گلیست
از گلهای بهشت و نیز در کتاب مذکور ازان
حضرت صلی الله علیه و آله اورده که هر که سه
دختر یا سه خواهر عیال او باشد واجب میشود
بهشت عرض کردند یا رسول الله اگر کسی را
دو تا عیالش باشد فرمودند که اگر دو تا باشد

عرض

امام حسن علیه السلام وعرض کرد که من مال
بسیاری دارم و فرزند ندارم بیا بیاموزم
چیزی که بسبب آن خدای تعالی مرا فرزندروزی
گرداند فرمودند که بر تو باد که استغفار کنی
پس آن شخص استغفار بسیار میکرد تا آنکه هرروز
هفصد مرتبه استغفار میکرد پس او را خدای تعالی
ده پسر روزی گردانید و در کتاب طب الائمه
علیهم السلام آورده که شکایت کرد شخصی در
درخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام
از کمی فرزند فرمودند که سه روز بعد از نماز
صبح و نماز خفتن هفتاد مرتبه بگو سبحان الله
و هفتاد مرتبه استغفار بکن بعد از آن بگو
اَسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ اِنَّهُ کَانَ غَفَّارًا یُرْسِلِ

السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ
وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا
پس در شب سیم با زن خود جماع کن که خدا تعالی
پسری که خلقتش درست باشد بتو عطا میفرماید
پس آنشخص چنین کرد و در همان سال او را فرزند شد
و شیخ طوسی در کتاب امالی از علی بن محمد الصیمری
آورده که عرض کردم در خدمت حضرت امام
علی النقی علیه السلام که مرا فرزند نمیشود فرمود
که بگیر انگشتری که نگینش فیروزه باشد و نقش
بران رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ
پس چنان کردم یکسال نگذشت که خدا تعالی
مرا پسر نرینه روزی کرد و کلینی در کتاب کافی
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام آورده که

ازواج

از برای طلب فرزند هر روز در وقت صبح وشا
بگو سبحان الله هفتاد مرتبه و استغفار ده
مرتبه بعد از ان بگو نه مرتبه سبحان الله
و یک مرتبه استغفار راوی گوید که جمع کثیری
باین عمل کردند و فرزندان بسیار بهم رسانیدند
[illegible] دعاها از برای تسهیل ولادت در
طب الائمه علیهم السلام اورده که شکایت کرد
شخصی در خدمت حضرت امام محمد باقر
علیه السلام از اینکه زن من از درد زائیدن
مشرف بر مردن شده است فرمودند که برو
و این ایه را برو بخوان فَاَجَاءَهَا الْمَخَاضُ
اِلَی جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ یَا لَیْتَنِی
مِتُّ قَبْلَ هٰذَا وَکُنْتُ نَسْیًا مَنْسِیًّا

فَنَادٰيهَا مِنْ تَحْتِهَا اِلَّا تَحْزَنِى قَدْ جَعَلَ
رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا وَهُزِّى اِلَيْكِ بِجِذْعِ
النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا بعد
ازان باواز بلند بكو وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِنْ
بُطُونِ اُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ
جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْئِدَةَ
لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ كَذٰلِكَ اُخْرُجْ اَيَّتُهَا
الطَّلْقُ اُخْرُجْ بِاِذْنِ اللّٰهِ بدرستى كه در
همان ساعت خلاصى مى يابد بيارى خداى تعالى
ونيز در كتاب مكور از حضرت امام جعفر صادق
عليه السّلام آورده كه اين ايات را براى حامله
بر كاغذى بنويسد در وقتى كه داخل شود
براں
در ماهى كه در انماه وضع حمل ميشود وچيزى

به پنجیدن وکره نزنند و بر کمر از زن به بنده وجوه
چنین کند درد و از ازرا ئیدن با و نرسد
و بعد از زائیدن بزودی بکشاید و یکسا عش
با و نکذارد اینست ایات اَوَلَمْ یَرَ الَّذِینَ
کَفَرُوا اَنَّ السَّمٰوٰتِ وَالاَرْضَ کَانَتَا رَتْقاً
فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کُلَّ شَیْءٍ
حَیٍّ اَفَلَا یُؤْمِنُونَ وَآیَةٌ لَهُمُ اللَّیْلُ نَسْلَخُ
مِنْهُ النَّهَارَ تا اِلَی رَبِّهِمْ یَنْسِلُونَ و در شب
کا غذ این ایات بنویسد کَاَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَ
مَا یُوعَدُونَ لَمْ یَلْبَثُوا اِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ
بَلَاغٌ فَهَلْ یُهْلَکُ اِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ
کَاَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَهَا لَمْ یَلْبَثُوا اِلَّا عَشِیَّةً
اَوْ ضُحٰیهَا و جسن طبرسی در کتاب مکارم

الاخلاق اورده که هرگاه زنی یا چهار پای
دشوار بزاید باید که بر وی خوانند یا خالق
النَّفس مِن النفس اخلصه تحولت وقونت
ونیز در کتاب مذکور اورده که برای
دشوار زائیدن هفت مرتبه بنویسند بر
ورقی فاِنَّ مَعَ العُسرِ یُسرًا اِنَّ مَعَ العُسرِ
یُسرًا ویکمرتبه بنویسند بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیم
یَا اَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُم اِنَّ زَلزَلَةَ
شَیءٌ عَظِیمٌ یَومَ تَرَونَهَا تَذهَلُ کُلُّ
مُرضِعَةٍ عَمَّا اَرضَعَت وَتَضَعُ کُلُّ ذَاتِ
حَملٍ حَملَهَا وبه بندد ان ورقی را بر ران
آن زن وبخواند بر زنی که وضع حمل برو دشوار
باشد دعاء الحمد لله الذی لا اله الا هو

الملک

اما ٩ اَلْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ اما آداب حمل و ولادت
محمّد ابن بابویه در کتاب امالی آورده که حضرت
رسالت پناه صلّی الله علیه و آله فرمودند
که هرگاه زنی حامله شود خواهد بود بمنزلهٔ
کسی که در روز روزه باشد و در شب بعبادت
خدا ایستاده باشد و جهاد میکرده باشد
در راه خدا بنفس و مال خود و چون بزاید
خواهد بود او را از ثواب بقدر آنچه
هیچکس درک آن نتواند کرد از جهت بزرگی
و چون شیر دهد طفل را باشد در بدل
هر مکیدنی بقدر ثواب آزاد کردن یکی
از فرزندان اسمعیل و چون فارغ شود از
شیر دادن فرشته دست زند بر پهلوی او

وبگویند که از سرگیر عمل خود را که بتحقیق
آمرزیده شدی وحسن طبرسی در کتاب مکارم
الاخلاق از انحضرت صلی الله علیه و آله
اورده که بفرمائید که خرما بخورد در انماه که
میزاید بدرستی که فرزندش خوش خلق و بردبار
میشود وکلینی در کتاب کافی از انحضرت
صلی الله علیه و آله اورده که بخورانید زنان
حامله را کندر بدرستی که طفل در شکم باشد
غذای او کندر باشد دلش محکم و عقلش زیاد میشود
واگر پسر باشد شجاع میشود واگر دختر باشد
سرینش بزرگ میشود و نزد شوهر خود
عزیز میباشد ونیز در کتاب مذکور اورده
که زن حامله به بخورد تا فرزندش صاف رنگ باشد

دخوشبو

وخوشبو و نیز در کتاب مذکور از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام اورده که فرزند را در
شکم مادر نام بگذارید و نیز در کتاب مذکور
از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
اورده که اول چیزی که زن بعد از زائیدن
بخورد باید که رطب باشد و اگر رطب نباشد
نه دانه از خرمای مدینه بخورد و اگر نه باشد
نه دانه از هر خرمای که باشد بخورد که باعث
بردباری فرزند میشود و نیز در کتاب
مذکور اورده که چون بحضرت امام زین
العابدین علیه السلام بشارت فرزند
میدادند نمی پرسیدند که پسر است یا دختر
بلکه اول میپرسیدند که خلقتش درست است

پس اگر میگفت شد که درست است و عیبی در
خلقتش نیست میفرمود الحمد لله الذی لم یخلق
منی شیئا مشوها ونیز در کتاب مذکور
اورده که شخصی را پسر شد وحضرت امام جعفر
صادق علیه السلام از برای تهنیت او فرمودند
رزقک الله شکر الواهب وبارک لک
فی الموهوب وبلغ به اشده ورزقک
بره وعلامه حلی در کتاب قواعد الاحکام
اورده که سنت است غسل دادن مولود
در وقت تولد و بعضی از علما واجب میدانند
وکلینی در کتاب کافی از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام اورده که حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه واله فرمودند که هر که

فرزندی

فرزندی از و متولد شود باید که از ان
در گوش راست او و اقامت در گوش چپ
او بگوید که نگاه دارنده اوست از شر شیطان
و نیز در کتاب مذکور از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام آورده که بر دارید کام آن طفل
را با آب فرات و اقامت بگوئید در گوش او

اما ۶ آداب عقیقه و ختنه حسن طبرسی
در کتاب مکارم الاخلاق از حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله
آورده که هرگاه فرزند متولد شود
هفت چیز بجا آوردن سنت است
۱ نام نهادن ۲ سر تراشیدن ۳ تصدق
کردن بوزن موی سر او طلا و یا نقره

اگر قدرت داشته باشد عقیقه

کردن زعفران بر سر او مالیدن

ختنه کردن طعام دادن بهمسایگان

از ان عقیقه و محمد ابن بابویه در کتاب

من لا یحضره الفقیه اورده که حضرت

رسالت پناه صلی الله علیه واله بحضرت

فاطمه علیها السلام فرمودند که ای

فاطمه سوراخ کن گوشهای حسن و حسین

بجهت مخالفت یهود و نیز در کتاب

مذکور از حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام اورده که عقیقه لازمست

کسی را که مالدار باشد وکسی که فقیر

باشد هرگاه میسر شود عقیقه بکند

واگر میسر نشود بر وچیزی نیست واگر کسی
را عقیقه نکرده باشند تا آنکه قربانی کنند
از برای او از عقیقه مجزیست وهر فرزندی
در گرو عقیقه است ونیز در کتاب مذ
کور آورده که سوال کردند از آنحضرت
علیه السلام که در عقیقه چه چیز میباید
ذبح کرد فرمودند که گوسفند یا گاو یا
شتر ونام باید کرد وسر باید تراشید
در روز هفتم وتصدق میباید کرد
بوزن موی سر او طلا یا نقره واگر فرزند
پسر باشد حیوان نر عقیقه بکنند واگر
دختر باشد حیوان ماده عقیقه بکنند
وجایز است که در عقیقهٔ پسر ماده بکشند

و در عقیقهٔ دختر نر بکشند و علما ذکر
کرده اند که بهتر است که شروط قربانی را
در عقیقه رعایت کنند و آن سلامتی از عیوب
و فربهی و سن است و کلینی در کتاب کافی از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
آورده که حصهٔ چهارم عقیقه را بقابله
میباید داد و اگر قابله نداشته باشد تعلق
بمادر آن طفل دارد بهر که خواهد بدهد
و طعام می باید داد از عقیقه ده مسلمانرا
و اگر زیاده از ده کس باشد افضل است و روایت
کرده شده است که بهترین عقیقه آن بود
که بآب و نمک پخته شود و نیز در کتاب
مذکور از آنحضرت علیهم السلام آورده

عقیقه

در روز هفتم میباید کرد و یك پاره ازان
بقابله میباید داد و استخوانهارا نمی باید
شکست ونیز در کتاب از انحضرت علیه
السلام آورده که اول سر طفل را بتراشند بعد
ازان عقیقه کنند و بوزن موی انطفل
نقره تصدق کنند و باید که این کارها
در یك مکان واقع شود و محمد ابن بابویه
در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده که روایت
کرده شده است که پدر و مادر از گوشت
عقیقه نخورند و بعضی از علما ذکر
کرده اند که اگر در عقیقه تاخیری شود
تا بلوغ طفل برپدر سنت است و بعد
از بلوغ تا آخر عمر بر خودش سنت است.

وکلینی در کتاب کافی از حضرت امام
صادق علیه السلام آورده که در وقت کشتن
عقیقه این دعا بخوانند بسم الله و بالله
اللهم عقیقة عن فلان و نام انطفل را
برد لحمها بلحمه و دمها بدمه و
عظمها بعظمه اللهم اجعلها وقاء
لآل محمد صلی الله علیه و علیهم اجمعین
و نیز در کتاب مذکور از آنحضرت علیه السلام
آورده که در وقت ذبح کردن عقیقه بگوید
یا قوم انی بریء مما تشرکون انی وجهت
وجهی للذی فطر السموات و الارض
حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین
ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی

لله

لله رب العالمين لا شريك له وبذلك
امرت وانا من المسلمين اللهم منك ولك
بسم الله وبالله والله اكبر اللهم صل
على محمد وال محمد من فلان بن فلان ونام آن طفل
ونيز ش را ببرد پس انرا بكشد امّا كيفيت
تربيت فرزندان بدانكه بعضى از علما واجب
ميدانند كه مادر بطفل بخوراند از شير اول
كه به پستانش مى ايد وكفته اند كه اكر آن شير را
طفل باقى نميماند يا قوت نميايد واز
احاديث بسيار ظاهر ميشود كه منتهاى شير
دادن تا دو سال است وكلينى در كتاب كافى
از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام
اورده كه اكر كمتر از بيست ويكماه شير دهم

ظلم است بر طفل و نیز در کتاب مذکور

حدیث دیگر آورده که نباید داد طفل را

شیری که از زنا بهم رسیده باشد و از حضرت

امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که دایه

بگیرید که بصورت و سیرت نیکو باشد

زیرا که شیر در طفل سرایت میکند و طفل

شبیه میشود بدایه در صورت و سیرت

و محمد ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آورده که

تربیت بکن طفل را تا هفت سال و ادب بیاموز

باو تا هفت سال و خدمت بفرما تا هفت سال

دیگر و نیز محمد ابن بابویه در کتاب امالی از

حضرت از حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام

جعفر

جعفر صادق علیهما السلام آورده که هرگاه
پسر سه سال شود بگویند باو که هفت مرتبه
لا اِلَهَ اِلّا الله بگوید و چون سه سال و هفت
ماه و بیست روز از عمرش بگذرد بگویند باو
که هفت مرتبه مُحَمَّد رَسُولُ الله بگوید و چون
چهار ساله شود بگویند باو که هفت مرتبه
صَلَّی الله عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بگوید و چون
پنج ساله شود بگویند باو که طرف راست تو
کدام است و طرف چپ تو کدام است پس
اگر دانیست روی او را بجانب قبله کنند
و سجده بفرمایند و چون شش ساله شود
نماز بیادش آورد و چون هفت ساله شود
وضو بیادش آورد و امر بنماز بکنند

نه ساله شود وضو و نماز خوب بیاد او دهند

و بر ترك بزنند پس چون وضو و نماز را دا نیست

خدا یده و مادرش را می امرزد و کلینی

در کتاب کافی از حضرت امام جعفر صادق

اورده که طفل تا هفت سال بازی میکند

و هفت سال دیگر خط و سواد می اموزد

و هفت سال دیگر حلال و حرام می اموزد

و نیز در کتاب مذکور از انحضرت علیه

السلام اورده که فرزندان خود را زود

احادیث بیاموزید تا

ایشانرا گمراه نکنند و نیز در کتاب مذکور

از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و

آله اورده که بیاموزید اولاد خود را شنا

کردن

کردن و تیر انداختن باب آداب حمام
رفتن کلینی در کتاب کافی از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام اورده که
نیکو خانه ایست حمام که جهنم را بیادمی اورد
و چرك را از بدن میبرد و گوشت بدن را
زیاد میکند و هر روز رفتن به کرده هارا
میکدازد و در حدیث دیگر در کتاب
مذکور از حضرت امام رضا علیه السلام
آورده که هر روز بحمام رفتن باعث مرض
سل می شود و نیز در کتاب مذکور
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
اورده که داخل حمام مشو مگر انکه
اندك چیزی در شکم تو باشد که حرارت

معده را فرو نشاند و این بیشتر باعث
قوّت بدن است و داخل حمام مشو در
وقتی که معده پر باشد از طعام و بعد
از اینکه خالی شود و در کتاب طب الائمه
علیهم السّلام از انحضرت علیه السّلام
آورده که ناشتا داخل شدن حمام بلغم
را برطرف میکند و بعد از طعام داخل شدن
حمام صفرا و سودا را دور میکند و بر سیری
داخل شدن حمام بدن را فربه میکند
و بر گرسنگی داخل شدن حمام بدن را لاغر
میکند و حسن طبرسی در مکارم الاخلاق
از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام اورده
که هرگاه از حمام در ائید سه کف اب گرم
بخورید

بخورید که می افزاید طراوت رورا

و میبرد درد والم را از بدن و محمد ابن

بابویه در کتاب خصال از حضرت ابی الحسن

علیه السلام اورده که ناخن بگیرید در روز

سه شنبه و بحمام بروید در روز چهار شنبه

و حجامت بکنید در روز پنجشنبه و بهترین

بوهای خوش بکار برید در روز جمعه

و نیز محمد ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه

آورده که منع کردند حضرت رسالت پناه

صلی الله علیه و اله از غسل کردن در

زیر اسمان بی لنگ و از داخل شدن

در نهرها بی لنگ بدرستی که در آب

جمعی ساکنند و شیخ طوسی در کتاب تهذیب

از ابو بصیر اورده که گفتم در خدمت
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که آیا غسل میتواند کرد مرد برهنه فرمودند
که چون کسی او را نه بیند باکی نیست و حسن
طبرسی در مکارم الاخلاق از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام اورده
باید که نظر نکند کسی بجانب عورت برادر
مؤمن خود در حمام واگر [illegible]
باکی نیست و کلینی در کتاب کافی از آنحضرت
علیه السلام اورده که نظر کردن بجانب
عورت غیر مسلمان مثل نظر کردن است بجانب عورت
خر و نیز در کتاب کافی از حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و اله اورده که هر که ایمان

دارد

داود بخدا در روز قیامت باید که
در نیاید بحمام مگر انکه لنک بسته باشد
ونیز در کتاب مذکور از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام آورده که هر که
ایمان بخدا و روز قیامت داشته باشد
باید که نفرستد زن خود را در حمام ونیز در
کتاب مذکور از انحضرت علیه السلام
اورده که بر پهلو مخواب در حمام که پیه
گرده را آب میکند وشانه مکن در حمام
که موها را تنک میکند وسر را بگل مشوی
که غیرت را میبرد وبسفال بدن خود
را دلك مکن که مورث برص است
ولنك را بر روی خود ممال که آب رو را

میبرد و نیز در کتاب مذکور از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام آورده که در
حمام بر پشت مخوابید که پیه گرده ها را
میگدازد و سفال و آجر را بر پای خود
مسائید که مورث برص است و محمد ابن
بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده
که روایت کرده شده است که مراد ازین
گل مصر و سفال شام است و [illegible] کرده
در حمام دندانها را میریزاند [illegible] اما
فضیلت و آداب نوره کشیدن و حنا
مالیدن و کلینی در کتاب کافی از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام آورده که نوره
کشیدن دفع دلگیری و پریشانی میکند

و بدن

و بدن پاک میسازد و نیز مردر کتاب مذکور
از عبد الرحمن ابن ابی عبد الله آورده که
داخل شدم در خدمت حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام در حمام پس فرمودند
که نوره بکش عرض کردم که چند روز است
که نوره کرده ام فرمودند که دیگر بکش
که پاک کننده بدن است و محمد ابن ادریس
در کتاب سرایر از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام آورده که موی بدن چون
بلند میشود آب پشت را قطع میکند
و بندها را سست میکند و ضعف
می آورد و نوره کشیدن آب پشت را
زیاد میکند و بدن را قوی میگرداند

وپیه کرده‌ها را زیاد میکنند و بدن را
فربه میسازد و حسن طبرسی در کتاب
مکارم الاخلاق از حضرت امام رضا
علیه السلام آورده که چهار چیز است
که از خصلت پیغمبرانست بوی خوش بکار
بردن و سر تراشیدن و نوره کشیدن
و بسیار جماع کردن و نیز در کتاب مذکور
از امام جعفر صادق علیه السلام آورده
که موی پشت زهار را زیاده بر یکهفته نکذارند
و هر که نوره کشیدن را زیاده از یکماه
ترک کند نمازش مقبول نیست و محمد ابن
ابن بابویه در کتاب خصال از آنحضرت
علیه السلام آورده که سنت در نوره کشیدن

انست

آنست که هر پانزده روز یکمرتبه بکشند
و هرکه بیست و یک روز برو بگذرد
و نوره نکشیده باشد پس قرض کند بر خدا
و نوره بکشد و هرکه چهل روز برو بگذرد
و نوره نکشیده باشد پس او مؤمن و مسلمان
نیست و کرامتی پیش خدا ندارد و کلینی
در کتاب کافی از حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله وارده که هرکه
ایمان بخدا و روز قیامت دارد ترک
نکند گرفتن موی پشت زهار را زیاده
از چهل روز و حلال نیست زنی را
که ایمان بخدا و روز قیامت دارد ترک
کند آنرا زیاده از بیست روز و کلینی

در کتاب کافی از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام اورده که هرکه پیش از نوره
کشیدن اندکی از آن بانگشت بردارد
وببوید وبر سر بینی بگذارد وبگوید
صَلَّی اللهُ عَلی سُلَیمانَ ابنِ داودَ کَما
اَمَرَنا بِالنُّورَةِ نوره او را نسوزاند ونیز
در کتاب مذکور از حضرت امام زین العابدین
علیه السلام آورده که هرکه در وقت نوره
کشیدن این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ
ما طَهُرَ مِنّی وَطَهِّرْ ما طابَ مِنّی و
اَبْدِلْنی شَعْراً طاهِراً لا یَعْصیكَ اَللّٰهُمَّ
اِنّی تَطَهَّرْتُ ابْتِغاءَ سُنَّةِ الْمُرْسَلینَ
وَابْتِغاءَ رِضْوانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ فَحَرِّمْ

شعرهی

شَعْرِی وَبَشَرِی عَلَی النَّارِ وَطَهِّرْ خَلْقِی
وَطَیِّبْ خُلُقِی وَزَکِّ عَمَلِی وَاجْعَلْنِی
مِمَّنْ یَلْقَاکَ عَلَی الْحَنِیفِیَّةِ السَّمْحَةِ مِلَّةِ
اِبْرَاهِیمَ خَلِیلِکَ وَدِینِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
وَآلِهِ حَبِیبِکَ وَرَسُولِکَ عَامِلاً بِشَرَایِعِکَ
تَابِعاً لِسُنَنِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ
آخِذاً بِهِ مُتَأَدِّباً بِحُسْنِ تَأْدِیبِکَ وَتَأْدِیبِ
رَسُولِکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَتَأْدِیبِ
أَوْلِیَائِکَ الَّذِینَ غَذَوْتَهُمْ بِأَدَبِکَ
وَزَرَعْتَ الْحِکْمَةَ فِی صُدُورِهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ
مَعَادِنَ لِعِلْمِکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمْ پاک
گرداند او را خدای تعالی از چرکها و کثافتهای
دنیا و از گناهان و بعوض آن موها با و کرامت کند

موهائی که دران گناه نکند و بعد مرگ وی
از بدنش ملکی خلق کند که از برای تسبیح الهی
بکند تا روز قیامت و بدهد هر تسبیحی یک تسبیح
از تسبیح ملائکه ثوابش برابر است با هزارتا
اهل زمین فضیلت خضاب کردن محمد اما ۱۰
ابن بابویه در کتاب خصال از حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله اورده که چهار چیز است
که از سنتهای پیغمبران است بوی خوش بکار بردن
و نزدیکی با زنان و مسواک و خضاب کردن بحنا
و نیز محمد بن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه روایت کرده
وصیت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام اورده
که یک درهم که در خضاب خرج شود بهتر است

از هزار

از هزار درهم که در راه خدا داده شود و در احیا ردن بی
خصلت است باد را از گوشها دور میکند و غبار را
از چشم میبرد و جلا میدهد و بینی را نرم میکند
و دهن را خوشبو میکند و بن دندان محکم میکند
و گند زیر بغل را دور میکند و وسوسهٔ شیطان
را کم میکند و فرشتگان بسبب آن شاد میشوند
و سبب خوشحالی مؤمنان و خشم کافران میشود
و زینت است و بوی خوش است و منکر و نکیر از و
شرم میکند و باعث خلاصی از عذاب قبر میشود
و کلینی در کتاب کافی از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام آورده که آمد شخصی در خدمت
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
پس نظر کردن آنحضرت صلی الله علیه و آله بجانب

موی سفیدی که در ریش او بهم رسیده بود
فرمودند که این موی سفید نور است و هر که
در اسلام یک موی سفید در ریش او بهم رسد
خواهد بود از برای او نوری در روز قیامت
پس آن شخص بحنا خضاب کرد و بنزد آن حضرت
آمد حضرت چون او را بدیدند فرمودند که
هم نور است و هم اسلام پس آن شخص رفت و خضاب
سیاه کرده و آمد حضرت فرمودند که هم نور است
و هم اسلام و هم ایمان است و محبوب میگرداند
بسوی زنان و خوف و بیم می افکند در دل دشمنان
و نیز در کتاب مذکور آورده که حضرت امام
حسین و حضرت امام محمد باقر علیهما السلام
خضاب میکردند بحنا و وسمه باهم و محمد ابن
بابویه

بابویه در کتاب ثواب الاعمال از حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه واله آورده که بهترین خضابها
نزد خدای تعالی رنگ سیاه است ا ا
فضیلت شستن سر بخطمی وسدر کلینی در
کافی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
آورده که شستن سر بخطمی میبرد چرک را و برطرف میکند
شپش را و نیز در کتاب مذکور از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام آورده که
گرفتن ناخن و شارب و شستن سر بخطمی فقر را
میبرد و روزی را زیاد میکند و محمد بن بابویه
در کتاب ثواب الاعمال از آنحضرت علیه السلام
آورده که شستن سر بخطمی امان است از درد سر
و دور میکند فقر و پاک میکند سر را از کرمها

و نیز در کتاب محاسن از آنحضرت علیه
السلام صلی الله علیه و اله آورده که حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و اله سر خود را
بسدر می شستند و میفرمودند که بشوئید
سر خود را به برگ سدر که هر فرشتهٔ مقرب
و هر پیغمبری مرسل آنرا پاکیزه یاد کرده است
و هر که سر خود را بآن بشوید دور گرداند
خدای تعالی از او وسوسهٔ شیطان را تا
هفتاد روز و هر که دور شود از او وسوسهٔ
شیطان تا هفتاد روز معصیت خدا
نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل
بهشت شود و نیز در کتاب کافی از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام آورده که شستن
سر

سر بدره زیاده میکند و زیرا و از حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلم مرویست که شستن سر

چرک را میبرد و آزار چشم را دفع میکند و

شستن جامه غم و اندوه را میبرد و پاکیزه کیت

برای نماز آداب و فضیلت موی سر

و شارب و زیر بغل کرفتن حسن طبرسی

در کتاب مکارم الاخلاق آورده که حضرت

رسالت پناه صلی الله علیه و اله بشخصی

فرمودند که بتراش سر خود را که زیاد میشود

جمال تو و کلینی در کتاب کافی از آنحضرت

صلی الله علیه و اله آورده که هر که موی

سر را بلند بگذارد باید که نیکو رعایت

و ترتیب آن بکند یا آنکه از ته ببرد و بلند

بگذارد باید که نیکو رعایت کند یا آنکه
از ته ببرد و بلند نگذارد و نیز در کتاب
مذکور از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
آورده که من در هر جمعه سر خود را میتراشم
و نیز در کتاب مذکور از آنحضرت امام جعفر
صادق علیه السلم آورده که سه چیز است که
هر که لذت آنها را یافت ترک نمیکند موی را
از بیخ گرفتن و جامه را کوتاه کردن و وطی کردن
با کنیزان و محمد ابن ادریس در کتاب سرایر
از آنحضرت علیه السلم آورده که چون موی
سر بلند شود چشم را ضعیف میکند و نورش
را کم میکند و دور کردن موی سر دیدها را
جلا میدهد و مرویست از حضرت رسالت
پناه

پناه صلّی الله علیه وآله موی سر را بقدر
چهار انگشت میگذاشتند و درج وعمره
میتراشیدند وانحضرت صلّی الله علیه وآله
نهی فرمودند از کاکل گذاشتن وموی
را در پیش سر گره زدند ونقش خضاب کردن
وحسن طبرسی در کتاب مکارم الاخلاق
اورده که مرویست که چون کسی خواهد
که سر خود را بتراشد باید که ابتدا کند
از پیشانی وبگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ
وَعَلٰی مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
وَاٰلِهِ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِیْ بِکُلِّ شَعْرَةٍ نُوْرًا
یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وچون فارغ شود بگوید
اَللّٰهُمَّ زَیِّنّیْ بِالتَّقْوٰی وَجَنِّبْنِیْ الرَّدٰی

امّا اداب و فضیلت ناخن گرفتن و احادیث
در این باب بسیار است بعضی از انها
در باب دوم گذشت و چند حدیث درین
مقام مذکور میشود و کلینی در کتاب
کافی از حضرت رسالت پناه صلّی الله علیه
و اله اورده که گرفتن ناخن دردهای بزرگ
را دفع میکند و روزی را فراخ میکرداند
و نیز در کتاب مذکور از حضرت امام محمّد باقر
علیه السّلام اورده که برای این امر کرده اند
بناخن گرفتن که چون بلند شد شد شیطان
دران جا میکند و مورث نسیان است
و نیز در کتاب مذکور از انحضرت امام جعفر
صادق علیه السّلام آورده که چندگاه وحی

بو حرثه

بر حضرت رسالت پناه صلّی اللّه علیه واله
نازل شده از سبب آن پرسیدن فرمودند
که چگونه از من وحی باز نایستد وحال
انکه شما ناخن نمیگیرید وچرك انگشتانرا
دور نمیکنید وسیّد ابن طاوس در کتاب
جمال الاسبوع اورده که روایت کرده
شده است اینکه ابتدا کند نزد گرفتن
ناخنهای هر دو دست خود بانگشت کوچك
دست چپ وختم نماید بانگشت کوچك
دست راست ولیکن چنین کند در ناخنهای
هر دو پای خود ومحمّد ابن بابویه در کتاب
من لا یحضره الفقیه از حضرت امام جعفر صادق
علیه السّلام اورده که هرگاه ناخن

بلند شوند بکربند و نیز محمد ابن بابویه
در کتاب خصال در ضمن حدیث از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام اورده که
از وسواس شیطان است ناخن را بلند
کردن و در بشرا خائیدن و نیز در کتاب
مذکور اورده که حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و اله امر کردن بدفن کردن
چهار چیز مو و دندان و ناخن و خون
باب فضیلت واداب شانه کردن ۱۴
و در اینه دیدن محمد ابن بابویه در
کتاب خصال در ضمن حدیث از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام اورده که شانه
کردن روزی را زیاد میکند و مو را نیکو

میکند

وسبب برامدن حاجت میشود و پشت
را محکم میکند و بلغم را قطع میکند و در
روایت دیگر از انحضرت علیه السلام وارد
شده که دردها را میبرد و در روایت دیگر
وارد شده که موجب بسیاری فرزند شود
و کلینی در کتاب کافی اورده که حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام وادرمیان
جای نماز شانه بود که هرگاه از نماز فارغ
میشدند شانه میکردند و نیز در کتاب
مذکور از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
اورده که هر که شانه کند ریش خود را هفتاد
مرتبه و بشمارد یکی یکی را تا چهل روز
شیطان نزدیک او نیاید و نیز در کتاب

مذکورست از حضرت امام موسی کاظم علیه
السلام آورده که هرگاه شانه کنی سر وریش
خود را باید که بر سینه خود بکشی که اندوه
و وبا را دور میکند و مرویست که در وقت
شانه کردن سنت است که این دعا بخواند
اللهم صل علی محمد وآل محمد والبسنی جمالا
فی خلقك وزینة فی عبادك وحسن
شعری وبشری ولا تبتلنی بالنفاق
وارزقنی المهابة بین بریتك والرحمة
من عبادك یا ارحم الراحمین
فضیلت وآداب مسواك کردن کلینی ذکر کتاب
کافی از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
وآله آورده که چرا من دندانهای شما را زرد
می بینم

می بینیم و چرا مسواک نمیکنید و نیز در کتاب
مذکور از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام آورده که در مسواک دوازده خصلت
وسنت است و پاک کنندهٔ دهان است و جلا
میدهد چشم را و دور میکند بلغم را و زیاد
میکند حافظه را و سفید میسازد دندانها را
و دو چند میکند حسنات را و دور میکند
پوست انداختن و پوسیدن دندانرا و محکم
میکند بن دندانرا و اشتهای طعام می آورد
و خوشنود میسازد فرشتگان را و
نیز در کتاب مذکور از آن حضرت علیه
السلام آورده که مسواک کردن آب زمین
چشم را بر طرف میکند و محمد بن بابویه

در کتاب ثواب الاعمال از حضرت امام محمد بن
باقر علیه السلام اورده که شکایت کرد کعبه
بجانب خداتعالی از نفسهای بد بوی
کافران پس وحی کرد خدای تعالی بجانب او
کهای کعبه قرار گیر که در بدل انها میفرستم
بجانب تو قومی را که پاک کنند دندانهای
خود را بشاخهای درخت پس هرگاه حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و اله مبعوث
شدند جبرئیل علیه السلام مسواک را از خدا
از برای انحضرت اورد و نیز محمد ابن بابویه
در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و اله اورده که پیوسته
جبرئیل مرا وصیت میکرد بمسواک کردن تا
انکه

انکه گمان کردم که واجب خواهد کرد ونیز
در کتاب مذکور از ان حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم پیش از وفات بدو سال ترک
مسواک کرده بودند از جهة انکه دندانهای
ان حضرت بسیار ضعیف شده بود ونیز
در کتاب مذکور از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلم اورده که مسواک کردن در بیت
الخلا مورث کند دهان همیشود وحسن
طبرسی در کتاب مکارم الاخلاق از حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه واله اورده که
خوب مسواکی است مسواک چوب زیتون
ومسواک کردن بزیتون میبرد تباهی دندان
واز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

مرویست که هر که مسواک کند باید بعد از آن
مضمضه کند بدانکه احادیث در فضیلت
مسواک کردن بسیار است و از جهة اختصار
ذکر کرده نشد و چند حدیث ذکر شد
فضیلت و اداب سرمه کشیدن و
احادیث در اینباب بسیار است و چند
حدیث ذکر میشود حسن طبرسی در
کتاب مکارم الاخلاق از حضرت امام
رضا علیه السلام آورده که هر که ایمان
بخدا و روز قیامت داشته باشد باید که
سرمه بکشد و کلینی در کتاب کافی از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام آورده
که سرمه کشیدن بسنگ اثمد دهان را خوشبو
میکند

میکند و مژکانرا محکم میکند و نیز در کتاب
مذکور از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام آورده که سرمه کشیدن میرویاند
موی مژکانرا و باصره را شده میکند و اعانت
میکند بر طول دادن سجود و نیز در کتاب
مذکور در روایت دیگر از آنحضرت علیه
السلام آورده که سرمه کشیدن بسنگ اثمد
آب ریختن چشم را از بالا میکند و نیز
در مذکور از آنحضرت علیه السلام آورده
که سرمه کشیدن زیاد میکند قوة جماع را
و نیز در کتاب مذکور از آنحضرت علیه
السلام آورده که سرمه کشیدن در شب نفع
میرساند و در روز زینت است و نیز

در کتاب مذکور اورده که سرمه دان حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام از استخوان بود
و میلش از اهن و نیز در مذکور از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام اورده که هر که
سرمه بکشد نیکو انست که طاق باشد
واکر چنین نکند هم باکی نیست و در کتاب
فقه الرضا علیه السلام مذکور است که چون
اراده نمائی که سرمه بکشی میل را بدست راست
بکیر و در سرمه دان بزن و بسم الله بکو و
چون میل را بچشم کشی بکو اَللّهُمَّ نَوِّرْ بَصَرِی
وَاجْعَلْ فِیهِ نُورًا اَبْصِرُ بِهِ حَقَّكَ وَاهْدِنِی اِلَی الطَّرِیقِ الْحَقِّ وَاَرْشِدْنِی اِلَی
سَبِیلِ الرَّشَادِ اَللّهُمَّ نَوِّرْ عَلَیَّ دُنْیَایَ وَ
اخرتی

واخرتی آن فضیلت وآداب استعمال بوی
خوش نمودن کلینی در کتاب کافی از حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه وآله آورده
که بوی خوش دل را قوی میکند و قوت جماع را
می افزاید و نیز در کتاب مذکور آورده که
آنحضرت صلی الله علیه وآله زیاده از طعام
از برای بوی خوش صرف میکردند و نیز در
کتاب مذکور از حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام آورده که حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه وآله رد نمیکردند بوی خوش
والوا را و نیز در کتاب مذکور از آنحضرت
علیه السلام آورده که مالیدن بوی خوش
بر شارب از اخلاق پیغمبران است واکرام

از برای ملائکه نویسندکان اعمال و نیز
در کتاب مذکور از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام اورده که بوی خوش از سنتهای
پیغمبران است و نیز در کتاب مذکور از ان
حضرت علیه السلام اورده که یک نماز کسی
که خوشبو باشد بهتر است از هشتاد نماز
کسیکه بغیر آن باشد و نیز در کتاب مذکور
آورده که آن حضرت علیه السلام موضعی را که
سجده میفرمودند معطر میساختند تا انکه شناخته
میشد ان موضعی که انحضرت بران سجده کرده
بودند و نیز در کتاب مذکور در حدیث دیگر
اورده که هرچه از برای بوی خوش صرف کنی
اسراف نیست و نیز در کتاب مذکور اورده

که حضرت

که حضرت امام زین العابد علیه السلام رامشك
دانی از قلعی بود وهر وقت که ارادهٔ رخت پوشیدن
میکردند انرا میطلبیدند وازان مشك بر خود میمالیدند
ونیز در کتاب مذکور اورده که ان حضرت
علیه السلام در جای نماز خود شیشهٔ میکذاشتند
که دران مشك بود وهرگاه بنماز برمیخواستند
خود را با ان خوشبو میکردند ونیز در کتاب مذکور
اورده که حضرت امام رضا علیه السلام حقهٔ
داشتند از ابنوس وآن خانها داشت که در
هر خانهٔ بوی خوشی بود ودر هر یکی از انها مشك
بود ونیز در کتاب مذکور اورده که انحضرت
علیه السلام فرمودند که روغن را با مشك
برای انحضرت بعمل اوردند وبمقصد درهم برامد

وان ۱۱ أمّا فضیلت وآداب روغن مالیدن کلینی
در کتاب کافی از حضرت امیر المؤمنین علیه
السلم آورده که روغن مالیدن بشره را نرم
میکند و دماغ را زیاد میکند و مجاری آبرا
در بدن اسان میکند و خشونت جلد را
برطرف میکند و رو را نورانی میگرداند و نیز
در کتاب کافی از حضرت امام محمّد باقر علیه السلم
آورده که در شب روغن مالیدن در عروق بدن
جاری میشود و بشره را سیراب میگرداند
و رو را سفید میکند و نیز در کتاب مذکور از
حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام که روغن
مالیدن توانگری را ظاهر میسازد و نیز در کتاب
مذکور از آنحضرت علیه السّلام آورده که هر که موی را

روغن

روغن بماليد عطا فرمايد خداى تعالى باو
بعدد هر موى نورى در روز قيامت ونيز
در كتاب مذكور از آن حضرت عليه السلام
آورده كه چون روغن را بركف دست بريزى
بگو اللهم انى اسئلك الزين والزينة
والمحبة واعوذ بك من الشين والشنان
والمقت پس كف را بر بالاى سر بگذارد واز
آنجا ابتدا كند بروغن ماليدن واحاديث
در فضيلت روغن بنفشه و زنبق وخيرى
وبان وزيت بسيار است وبعضى از آنها
در فصل اول ذكر شد آداب بيت الخلا ١٩ ١١
رفتن شيخ طوسى در كتاب متهجد آورده كه
در وقت استنجا بگويد اللهم حصن فرجى

وَاعِفَّهُ وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَحَرِّمْنِي عَلَى
النَّارِ وَوَفِّقْنِي لِمَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ يَا
ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وچون خواهد كه بر
خيزد دست بر شكم بمالد وبگويد اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي رَزَقَنِي آمَادًا عَنِّي الْأَذَى وَ
هَنَّانِي طَعَامِي وَشَرَابِي وَعَافَانِي مِنَ الْبَلْوَى
وچون خواهد كه بيرون آيد پاى راست
را مقدّم دارد وبگويد اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
رَزَقَنِي مَا غَذَيْتُ بِهِ وَعَرَّفَنِي لَذَّتَهُ
وَأَبْقَى فِي جَسَدِي قُوَّتَهُ وَأَخْرَجَ عَنِّي
أَذَاهُ يَا لَهَا نِعْمَةً يَا لَهَا نِعْمَةً يَا لَهَا نِعْمَةً
لَا يَقْدِرُ الْقَادِرُونَ قَدْرَهَا ومرويست
كه چون غايط يا بول بد شوارى بيرون آيد

دبعضى

بعضی گفته‌اند که مطلقا این دعا بخوانند
اَللّهُمَّ كَمَا اَطْعَمْتَنِيهِ طَيِّبًا فِي عَافِيَةٍ
فَاَخْرِجْهُ مِنِّي خَبِيثًا فِي عَافِيَةٍ ومحمد
ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام اورده
که هر که سهو او بسیار شود در نماز پس بگوید
در وقت داخل شدن در بیت الخلا بِسْمِ اللّهِ
وَبِاللّهِ اَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِيثِ
الْمُخْبِثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وسنت است
که بعد از انقطاع قطرات بول استبرا
کند و بعضی انرا واجب میدانند و طریقش
انست که انگشت میان دست چپ را نزد مقعد
گذاشته سه مرتبه بقوت بکشد تا زیر

خصیتین بعد از ان انکشت شهادة را
بزیر ذکر کذارد و انکشت مهین را بر بالای
ان و سه مرتبه بقوّت بکشد تا سر ذکر را
نیز سه مرتبه بیفشارد و واجبست مخرج
بول را باب مطلق شستن و اقلّش بدو بود
چیزی که بر حشفه باشد و همچنین مخرج غایط را
اکر حوالی ان الوده باشد باب باید شست تا
انکه عین نجاست برطرف شود و لازم نیست
که بوی ان برطرف شود و جایزاست طهارت
دادن مخرج غایط بکلوخ و امثال آن هرکاه
حوالی ان الوده نباشد امّا لازم است که از
سه نوبت کمتر نباشد و اکرچه الودکی ان بدو
نوبت پاکیزه و برطرف شود و سنّتست استنجا
باب

باب سرد کردن که دفع بواسیر میکند و
بسیار نشستن در بیت الخلا مکروه است
و مورث بواسیر میشود و مکروه است
استنجا با استخوان و سرکین کردن و همچنین
استنجا بدست راست کردن با عدم ضرورت
مکروه است و مکروه است سخن گفتن در بیت
الخلا مگر ذکر خدا و ادعیهٔ مقرّره و آیة
الکرسی و حمد خدا گفتن و لبیک مؤذّن میگوید
از پی او گفتن و واجب است ردّ سلام کردن
و فرستادن صلوات در وقت شنیدن
نام حضرت رسالت پناه صلّی الله علیه
و آله بنا بر قول جمعی و سنّت است که اگر
عطسه کند حمد بگوید و صلوات بفرستد

وجایز است سخن کردن اگر کاری داشته باشد
وترسد که بیرون امدن فوت شود و
باشان شوانید مهمانید ومرویست که هرکه
در بیت الخلا حرف بزند حاجتش برآورده
نمیشود ومکروه است خوردن واشامیدن
درحال بول وغایط کردن وهمچنین استنجا
کردن بابی که رنگش متغیر شده باشد
ومکروه است باخود بردن در بیت الخلا
قران وتعویذ ودعا وانگشتری وفیروزه که
در واسم خدا نقش باشد وواجب است که عورت
خود را از نظر نامحرم بپوشانند نه از زن
ومتعه وکنیز وطفل غیر ممیز وعورت
ذکر وخصیتین ودبر وفرج است واگر

علما برانند که حرام است در وقت بول
وغایط رو بقبله و پشت بقبله نشستن
و احوط انست که در وقت استنجا نیز
رو و پشت بقبله نکند و از حضرت امام رضا
علیه السلم مرویست که هر که برابر قبله بول
کند از روی فراموشی پس بخاطرش اید
و از برای تعظیم و اجلال قبله بجانبی دیگر
بگردد از انجا بر نخیزد مگر انکه خدایتعالی
او را بیامرزد و مکروهست بول در آب
خصوص در آب ایستاده که باعث تسلط
شیاطین و مورث دیوانگی و فراموشی است
و همچنین مکروه است بول کردن که بیم
انست که دیوانه شود و مکروه است بول

کردن در سوراخ جانوران و بول و غایط
کردن در مجرای اب هر چند که آب نداشته
باشد و هم چنین در میان راهها و کنارابها
و بر در مسجدها و نزدیک دیوارهای مسجد
بر در خانها و در جاهائیکه بسبب ان مردم
دشنام دهند و لعنت کنند و در زیر درختان
میوه دار و در جاهائی که مردم قافله فرو
می ایند فصل در بیان فضیلت و اداب
رخت پوشیدن و زینت کردن و رخت نو
پوشیدن و فضیلت و خواص بعضی از نصوص
و اداب رخت پوشیدن و زینت کردن
و خانه ساختن و انچه متعلق است بان مثل
افروختن چراغ و رفتن خانه و غیر آن و فضیلت

نگاهداشتن بعضی از حیوانات و مجملی
از احوال انها ا[illegible] فضیلت و اداب رخت ۲۰۱۱
پوشیدن کلینی در کتاب کافی از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم اورده که
پوشیدن جامهٔ پاکیزه دشمن را منکوب
میکرداند و در کتاب مذکور از انحضرت اسحق
بن عمار اورده که پرسیدم از حضرت اما
جعفر صادق علیه السلام که ایا مؤمن را
ده جامه میباشد فرمودند که بلی گفتم
که بیست جامه میباشد فرمودند که بلی
گفتم که سی جامه میباشد فرمودند که بلی
نیست این از اسراف بلکه اسراف انست
که جامه نگاهداشتن بجای جامهٔ غیر

نگاه داشتنی بپوشی و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم مرویست که آدمی
اسراف نست که جامه اندرون و بیرون
یکی باشد و عبد الله ابن جعفر در کتاب
قرب الاسناد آورده که حضرت امام
رضا علیه السلام فرمودند که حضرت
امام زین العابدین علیه السلم جامهٔ خز را
به پانصد درهم و ردای خز را به پنجاه دینار
میخریدند و در زمستان میپوشیدند
و چون زمستان بیرون میشد میفروختند و قیمت
انرا تصدق میکردند بعد از ان این ایه را
تلاوت کردند قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِیْنَةَ اللهِ
الَّتِیْ اَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّیِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ

ومحمد ابن بابویه در کتاب عیون الاخبار
آورده که حضرت امام رضا علیه السلام
در تابستان بر روی حصیر می نشیند و در
زمستان بر روی پلاس و در خانه جامهای
کنده می پوشیدند و چون بیرون می آمدند
از برای مردم زینت میکردند و نیز و محمد
ابن بابویه در کتاب خصال از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام در حدیث اربعمأة
آورده که شستن جامه اندوه و حزن را میبرد
و پاک کننده است از برای نماز و نیز در کتاب
مذکور در حدیث دیگر از ان حضرت علیه
السلام علیه السلام آورده که جامه را بر زمین
کشیدن از روی تکبر و بندهای قبا و پیراهن را

۱۲۱ | ۱ کشودن از عمل قوم لوط است آما
فضیلت زینت کردن و زیور پوشیدن
کلینی در زینت کردن و زیور پوشیدن
در کتاب کافی از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام اورده که از برای برادر مؤمن
خود زینت کنید چنانچه از برای بیگانه
زینت میکنید و میخواهید که شما را به
نیکوترین هیئتی به بینند و نیز در کتاب
مذکور از ابی الصباح اورده که پرسید
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که آیا جایز است که پسران نابالغ زیور
طلا بپوشانند فرمودند که حضرت امام
زین العابدین علیه السلام زینت میفرمودند

زنان واطفال خود ربز بور طلا ونقره ونیز
در کتاب مذکور از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم اورده که سر غلاف شمشیر حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه واله ودسته
اش از نقره بود وزره آن حضرت سه حلقه
نقره بود در عقب داشت ونیز در کتاب
مذکور از آن حضرت امام محمد باقر علیه
السلام اورده که باکی نیست بزینت کردن
مصاحف وشمشیرها بطلا ونقره ونیز
در کتاب مذکور از حضرت امام محمد باقر علیه
السلام اورده که زنان همیشه زیور می پوشیدن
ومحمد ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه
از حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام

اوره که هر که سهو او بسیار شود در نماز

پس بگوید در وقت داخل نماز در بیت الخلاء

بسم الله واعوذ بالله من الرجس النجس

الخبیث المخبث الشیطان الرجیم

وسنت است که بعد انقطاع قطرات

بول استبرا کند و بعضی نزا واجب دانسته اند

وطریقش نست که انگشت میان دست

چپ را نزد مقعد گذاشته سه مرتبه

بقوت بکشد تا زیر خصیتین بعد

ازان انگشت شهادت را بزیر ذکر گذارد

وانگشت مهین را بر بالای آن و سه مرتبه

بقوت بکشد تا سر ذکر و بعضی از علما

گفته اند که سر ذکر را نیز سه مرتبه بیفشارد

و واجب است مخرج بول را باب مطلق شستن
واقلش بدو برابر چیزی که بر حشفه باشد
وهم چنین مخرج غایط را اگر حوالی ان الوده
باشد باب باید شست تا انکه عین نجاست
برطرف شود ولازم نیست که بوی ان برطرف
شود وجایز است طهارت دادن مخرج غایط بکلوخ
وامثال ان هرگاه حوالی ان الوده نباشد
اما لازم است که از سه نوبت کمتر نباشد
واگرچه الودگی ان بدو نوبت یا کمتر از ان
برطرف شود ومستحب است استنجا باب
سرد کردن که دفع بواسیر میکند وبسیار
نشستن در بیت الخلا مکروه است وموجب
بواسیر میشود ومکروه است استنجا با ستخوان

و سرگین کردن و هم چنین استنجا بدست راست
کردن با عدم ضرورت مکروه است و مکروه
است سخن گفتن در بیت الخلاء مگر ذکر خدا
و ادعیهٔ مقرّره و آیة الکرسی و حمد خدا
گفتن و آنچه مؤذن میگوید از پی او گفتن
و واجب است رد سلام کردن و فرستادن صلوة
در وقت شنیدن نام حضرت رسالت پناه
صلّی الله علیه و آله بنا بر قول جمعی و سنّت
است که اگر عطسه کند حمد بگوید و صلوات
بفرستد و جایز است سخن کردن اگر کاری
داشته باشد و ترسد که تا بیرون آمدن
فوت شود و باشاره نتوان فهمانید [illegible] ١١٢٢
فضیلت و آداب رخت پوشیدن کلینی

در کتاب

در کتاب کافی از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام اورده که پوشیدن جامهٔ
پاکیزه دشمن را منکوب میگرداند و نیز در
مذکور از اسحق بن عمار اورده که پرسیدم
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که آیا مومن را ده جامه باشد فرمودند که
بلی گفتم که بیست جامه میباشد فرمودند
که بلی گفتم که بیست جامه میباشد فرمودند
که بلی گفتم که سی جامه میباشد فرمودند
که بلی نیست این از اسراف انست که جامه
نگاهداشتنی را بجای جامهٔ غیر نگا
هداشتنی بپوشی و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام مرویست

که ادنی اسراف انست که جامهٔ اندرون
و بیرون یکی باشد و عبد الله ابن جعفر
در کتاب قرب الاسناد اورده
امام رضا علیه السلام فرمودند
امام زین العابدین علیه السلام جامه
خز را به پانصد درهم و ردای خز را به پنجاه
دینار میخریدند و در زمستان میپوشیدند
و چون زمستان میرفت میفروختند
و قیمت ان را تصدق میفرمودند بعد
از ان این ایه را تلاوت کردند قُلْ مَنْ
حَرَّمَ زِینَةَ اللهِ الَّتِی اَخْرَجَ لِعِبَادِهِ
وَالطَّیِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ و محمد ابن بابویه در
کتاب قرب الاسناد و در عیون الاخبار

آورده که حضرت امام رضا علیه السلام
در تابستان بر روی حصیر می نشست و در زمستان
بر روی پلاس و در خانه جامهای کنده می
پوشیدند و چون بیرون بیرون می آمدند
از برای مردم زینت میکردند و نیز
محمد ابن بابویه در کتاب خصال از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام در حدیث
اربعمائة آورده که شستن جامه اندوه و حزن
میبرد و پاک کننده است از برای نماز و نیز
در کتاب مذکور در حدیث دیگر [illegible]
حضرت علیه السلام آورده که [illegible]
بر زمین کشیدن از روی تکبر و بندهای
قبا و پیراهن را گشودن از عمل قوم لوط است

و نیز محمد ابن بابویه در کتاب ثواب الا
عمال از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام اورده که هر که گریبان جامه را
بپینه زند و چیزی کفش را پینه زند
و چیزی که برای خانهٔ خود میخرد خود بردارد
و بخانه برد از تکبر ایمن گردد و کلینی در
کتاب کافی اورده که شخصی در خدمت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام امد و دید
که گریبان جامهٔ آن حضرت علیه السلام را
پینه کرده بودند پس تعجب نظر کرد حضرت
فرمودند که چرا چنین نظر میکنی گفت
از پینهٔ که در گریبان جامهٔ شما است فرمودند
که این کتاب را ببین و بخوان که در آن چه
نوشته

نوشته اند وکتابی در پیش روی آن حضرت
بود دید که در آن نوشته بوده اند که ایمان
ندارد کسی که حیا ندارد و مال نیست کسی را
که معیشت خود را باندازه خرج نکند
ونو نیست کسی را که کهنه ندارد ونیز در
کتاب مذکور از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام آورده که خدا یتعالی پیغمبر را
فرمود که ثیابک فطهر یعنی جامهای
خود را پاک کردان وجامهای آن حضرت
پاک بود ولیکن مراد الهی آنست که جامه را
کوتاه کن امّا فضیلت زینت کردن و
زیور پوشیدن کلینی در کتاب کافی
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آورده

که او برای برادر مؤمن خود زینت کنید
چنانچه از برای بیگانه زینت میکنید و
میخواهید که شما را به نیکوترین هیئتی
ببینند و نیز در کتاب مذکور از ابی
الصباح آورده که پرسیدم از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام که آیا جایز است
که پسران نابالغ را زیور طلا بپوشانند فرمودند
که حضرت امام زین العابدین زینت میفرمودند
زنان و اطفال خود را بطلا و نقره و نیز در کتاب
مذکور از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
آورده که سر غلاف شمشیر حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله و دسته اش از نقره بود و بر
آن حضرت سه حلقه نقره در پیش و دو حلقه
نقره

نقره در عقب داشت ونیز در کتاب مذکور
ازان حضرت علیه السلام اورده که باکی نیست
بزینت کردن مصاحف وشمشیرها بطلا
ونقره ونیز در کتاب مذکور از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام اورده که زنان
همیشه زیور میپوشیدن ومحمد ابن بابویه
در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام اورده که سزاوار
نیست زن را که خود را معطل بگذارد و
زینت نکند واگرچه گردن بندی در گردن
خود به بندد وحسن ابن محمد طوسی در
کتاب امالی ازان حضرت علیه السلام
اورده که خدای تعالی زینت واظهار

نعمت را دوست میدارد و ترک زینت
واظهار بدحالی را دشمن میدارد و دوست
میدارد که اثر نعمت را در بنده به بیند
باینکه جامهٔ خود را پاکیزه کند و خود
را خوشبو سازد و خانه را نیکو دارد و
ساحتهای خانه را بروبد حتی انکه چراغ
را پیش از فرو رفتن آفتاب روشن کند که
فقر را زایل میکند و روزی را زیاد میسازد
اما فضیلت و خواص بعضی از نصوص
بدانکه احادیث در این باب بسیار است
بعضی از انها در مقصد پنجم مقدمه و فصل
در اینمقام مذکور میشود محمد ابن بابویه در
کتاب علل الشرایع اورده که حضرت امیر

المؤمنین

المؤمنین علیه السلام چهار انگشتر در
دست میکردند یاقوت از برای شرافت
و زینت و فیروزه برای یاری و نصرت و
حدید صینی از برای قوه و عقیق از برای یاری و
حرز و دفع دشمنان و بلاها و نیز محمد
ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه از
یونس بن مفضل آورده که حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرمودند
که من دوست میدارم برای هر مؤمن
که پنج انگشتر در دست داشته باشد
یاقوت و آن بهتر است از همه و عقیق و
آن خالص تر است از برای خدا و برای
ما اهل بیت و فیروزه و آن چشم راقوت

میشود هندوستان را میگشاید و قوت
دل را زیاد میکند و جدید صیدنی و انرا
دوست نمیدارد که همیشه در دست
داشته باشد ولیکن در دست کند انرا
در وقتی که بدیدن اهل شر رود و
از برای اطفای شر انها و دوست میدارم
در دست کردن ان از جهة انکه دور
میکند شیاطین را د بکر دوم نجف عرض
کردم که چه فضیلت دارد در دست کردن
آن فرمودند که مینویسد خدای تعالی
بهر نظر کردن بجانب ان ثواب روزه و ثو
حج با عمره است بعد از ان فرمودند که اگر
نمیشود رحمت خدایتعالی شامل شیعیان ما

هر آینه

هرایینه هرنکینی ازان بقیمت بسیار میرسد
ولیکن خدایتعالی ارزان کرده است انرا که
توانکران و فقیران ایشان توانند در دست
کرد و نیز در کتاب مذکور در وصیت حضرت
رسالت پناه صلّی الله علیه و اله بحضرت
امیر المؤمنین علیه السّلام اورده که یا علی
انکشتررا در دست راست بکن که آن فضیلت
است از جانب خدایتعالی برای مقربان عرض
کردند که کدام انکشتررا در دست راست
بکن که آن فضیلت است از جانب خدایتعالی
برای مقرّبان عرض کردند که کدام انکشتررا
در دست کنم فرمودند که عقیق سرخ بدرستی
که آن اول کوهی است که اقرار کرده است برای

خدای تعالی به یکانکی و برای من به پیغمبری و
برای تو بانکه وصی منی و برای فرزندان تو
بامامت و برای شیعیان تو به بهشت و برای
دشمنان تو باتش جهنم و مرویست که عقیق
کوهی است در یمن و نیز محمد ابن بابویه در
کتاب عیون الاخبار از حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و اله اورده که انکشتری
عقیق بکیرید را در دست کنید بدرستی
که اندوهی نمیرسد شما را مادام که از او در
باشید و نیز محمد ابن بابویه در کتاب ثواب
الاعمال از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
اورده که هر که بسازد انکشتری از عقیق
و نقش کند بران محمد نبی الله و علی ولی الله نکاه میدارد

اورا

او را خدا تعالی از مردن بد و نمی میرد مگر بر
فطرة اسلام و نیز در کتاب مذکور از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام آورده که چون
موسی بن عمران علیه السلام بر کوه طور با
خدا تعالی مناجات کرد پس خلق کرد خدای
تعالی از نور روی او عقیق را و فرمود که قسم
خوردم بذات مقدس خود اینکه عذاب
باتش جهنم دستی را که انگشتر عقیق
در آن باشد اگر ولایت علی را داشته باشد
و حسن بن محمد الطوسی در کتاب امالی از بشیر
دهان آورده که عرض کردم در خدمت حضرت
امام محمد باقر علیه السلام که کدام است یک
نگینها بر انگشتر خود بنشانم فرمودند که چرا

غافلی از عقیق سرخ و عقیق زرد و عقیق سفید
بعد از ان فرمودند که هر که از شیعیان ما
ال محمّد یکی از این عقیق ها در دست داشته
نه بیند مگر خیر و نیکی و فراخی روزی و سلامتی
از جمیع بلاها و امان یابد از پادشاهان و از هرچه
ادمی از ان میترسند و حذر مینمایند [illegible] ۱۲۱۱
آداب خانه ساختن و انچه متعلق است بان
حسن طبرسی در کتاب مکارم الاخلاق از
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله اور
که چهار چیز است که از سعادت است زن صالحه
و خانه فراخ و همسایه شایسته و مرکب نیکو
و چهار چیز است که از شقاوت است همسایه
بد و زن بد و خانه تنگ و مرکب بد و کلینی

در کتاب

در کتاب کافی از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام اورده که از سعادت ادمی انست
که خانۀ او وسیع باشد و نیز در کتاب مذکور
اورده که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
خانۀ را خریدند و یکی از موالیان خود را
فرمودند که در اینخانه ساکن شو که خانۀ
تو تنگ است انشخص گفت که این خانه ایست که
پدرم احداث کرده است حضرت فرمودند
که اگر پدر تو احمق بود تو نیز میباید که احمق باشی
و نیز در کتاب مذکور از حضرت امام موسی
کاظم علیه السلام اورده که نیکی زندگانی
در وسیع بودن خانه و بسیاری خدمتکاران
است و نیز در کتاب مذکور از انحضرت علیه

السلام اورده که زیادتی لذت دنیا در

فراخی خانه و بسیاری دوستان است

و نیز در کتاب مذکور اورده که شکایت

کرد شخصی در خدمت حضرت رسالت پناه

صلی الله علیه و اله از تنگی خانه فرمودند

که با واز بسیار بلند از خدا بطلب که خانهٔ

وسیع بتو عطا کند و نیز در کتاب مذکور

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام اورده

که از مشقت زندگانی است خانهٔ تنگ

و نیز در کتاب مذکور از حضرت امام جعفر

صادق علیه السلام اورده که از تلخی زندگانی نیست

از خانه بخانهٔ نقل کردن و خوردن نان بازاری

و نیز در کتاب مذکور از ان حضرت علیه

السّلام اورده که هر بنائی که زیاده بر قدر
احتیاج باشد در قیامت بر صاحبش وبال
خواهد بود ونیز در کتاب مذکور از ان حضرت
علیه السّلام اورده که خدای تعالی موکل کردانیده
فرشته را بعمارت ومیکوید کسی را که سقف خانه
اش زیاده از هشت ذرع بلند باشد کند که کجا
میخواهی بروی ای فاسق ونیز در کتاب مذکور
اورده که شکایت کرد شخصی در خدمت حضرت
امام جعفر صادق علیه السّلام از اینکه جنیان
از اهل خانه وعیال من میکنند پرسیدند
که سقف خانه تو چه مقدار بلند است کفت ده
ذرع است فرمودند که از زمین تا هشت
ذرع بد پیما واز ما بین هشت تا ده ایة الکرسی

بنویس بدرستی که هر خانهٔ که ارتفاع آن
زیاده از هشت ذرع است جنیان در انخانه
حاضر باشند یعنی حاضر میشوند و مسکن میکنند
و نیز در کتاب مذکور آورده که شکایت کرد
شخصی در خدمت حضرت امام محمد باقر علیه
السلام از اینکه جنیان ما را از خانه بدر کرده
بفرمودند که سقف خانهای خود را تا
هفت ذرع کشید و کبوتر را در اطراف خانه جا
بدهید راوی گوید چنین کردیم پس هرگز بدی
ندیدیم و نیز در کتاب مذکور از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام آورده که هر که مالی
را از غیر حلال کسب کند خدای تعالی مسلط میکند
بر او عمارت کردن و آب و خاک را

۱۰۴ اثنا فضیلت نگاهداشتن بعضی از
حیوانات و مجملی از احوال آنها در کتاب
طب الائمه علیهم السلام از حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله وارده که حیوانات بسیار
در خانه نگاه دارید که شیاطین بآنها مشغول
شوند و باطفال شما ضرر نرسانند و حسن طبرسی
در کتاب مکارم الاخلاق از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام وارده که هر که ما اهل بیت را
دوست دارد باید که کبوتر را دوست و کلینی
در کتاب کافی از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام وارده که شکایت کرد شخصی در خدمت
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله از
تنهائی فرمودند که یکجفت کبوتر در خانه نگاهدار خود

ونیز در کتاب مذکور از ان حضرت علیه
السلام اورده که هر خانه که در ان کبوتر
باشد افتی از جن باهل انخانه نمیرسد
زیرا که بچه های جن بازی میکنند در خانه
وچون کبوتر در خانه باشد مشغول آن
میشوند ومتوجه ادمی نمیشوند ونیز
در کتاب مذکور از ان حضرت علیه السلام
آورده که کبوتر را در خانه نگاه دارید
که دوست داشتنی است ودعا کرد حضرت
نوح است وهیچ چیز در خانه مثل آن باعث
انس نمیشود ونیز در کتاب مذکور از ان
حضرت علیه السلام اورده که حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام چاهی را کنده بودند

انحضرت

انحضرت را که جنیان دران چاه سنگ می
انداختند انحضرت بر سران چاه امدند
وفرمودند که دست ازاین عمل بردارید
واگرنه شما را کبوتر را درانجا میدهم ونیز
در کتاب مذکور از حضرت امام موسی کاظم علیه
السلام اورده که هر بالی که کبوتر میزند باعث
نفرت وگریختن شیاطین میشو ونیز در کتاب
مذکور از داود بن فرقد اورده که در خانهٔ
امام جعفر صادق علیه السلام کبوتر راعبی دیدم
که بسیار میخواند آن حضرت فرمودند که
میدانی که این کبوتر را چه میگوید گفتم نه
فرمودند که نفرین میکند بر قاتلان امام حسین
علیه السلام پس ایشانرا در خانهٔ خود نگاه دارید

١٤٠٢ آداب فضیلت اطعام مؤمنین خدایتعالی
در قران مجید میفرماید وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ
شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ
یعنی آنچه نفقه میکنید در راه خدایتعالی
پس او عوض میدهد واو بهترین روزی
دهنده هاست ونیز میفرماید وَيُؤْثِرُونَ
عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ
مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
یعنی آنکسانی که اختیار میکنند دیگرانرا
برخود دران چیزهائی که نزد ایشان است
واگرچه احتیاج است ایشانرا بان چیزها وانکسانی
که نگاه میدارند نفس خودرا از بخیلی پس ایشان
رستکارانند وکلینی در کتاب کافی اورده

که پرسید

که پرسیدند از حضرت رسالت پناه صلی
الله علیه و آله که کدام عمل بهتر است فرمودند
که خورانیدن طعام و نیز در کتاب مذکور
آورده که حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام بسیار بود که نانها و فرنی و حلوا
های لذیذ بمردم میخورانیدند و میفرمودند
که هرگاه خدایتعالی بر ما توسعه کند ما
نیز توسعه میکنیم و هرگاه بر ما تنگ بگیرد
ما نیز تنگ میگیریم و نیز در کتاب مذکور
از آن حضرت علیه السلام آورده که یک لقمه
که برادر مؤمن نزد من بخورد دوست‌تر میدارم
از بنده آزاد کردن و برقی در کتاب محاسن
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آورده

که چون طعام حاضر شود هر سایلی که بیاید
رد مکنید ونیز در کتاب مذکور از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام اورده که از
دوست ترین عملها نزد خدا تعالی سیر کردن
برادر مؤمن است یا بردن غم او یا ادا کردن قرض
او ونیز در کتاب مذکور از ان حضرت علیه
السلام اورده که هر که اطعام کند ده مسلمان را
واجب میشود اورا بهشت ومرویست که چون
طعام نزد حضرت امام رضا علیه السلام حاضر
میشد کاسه می طلبیدند واز طعامهائیکه
لذیذ بود از هر طعامی قدری بر میگرفتند
ودران کاسه میگذاشتند ومیفرمودند
که بمساکین ودرویشان بدهند ومحمد ابن
بابویه

بابویه در کتاب خصال از حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله آورده که بهترین
شما کسی است که بخوراند طعام را بر هر کس که
سلام کند و نماز بگذارد در شب در وقتی
که مردمان در خواب باشند و نیز در کتاب
مذکور از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
و آله لعنت کردند بر سه کس کسی را که توشه
خود را تنها بخورد و کسی که بسفر تنها برود
و کسی که در خانه تنها بخوابد و حسن
طبرسی در کتاب مکارم الاخلاق از حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله آورده که
ایمان نیاورده است بخدای تعالی آنکسی که سیر
باشد و برادر مؤمن او گرسنه باشد و همچنین

ایمان نیاورده است بخدای تعالی آنکسی که بپوشد
و برادر مؤمن او برهنه باشد و نیز در کتاب مذکور
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
آورده که اگر مردی خرج کند در طعام هزار درم را
و یك مؤمن از آن بخورد اسراف نکرده است
و نیز در کتاب مذکور از آن حضرت علیه
السلام آورده که بهترین شما سخی ترین شما است
و از ایمان خالص است نیکوئی کردن به برادران
مؤمن و سعی کردن در حاجت های ایشان
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست
که هر مؤمنی که صدای مهمان را بشنود و بآن
شاد شود گناهانش آمرزیده شود اگر چه میان
آسمان و زمین را پر کرده باشد و حضرت

امام

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که مؤمنی
را که طعام دهم نزد من بهتر است از هفت
بنده آزاد کردن و کلینی در کتاب کافی از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آورده
که چون برادر مؤمن بخانه تو بیاید با او خورد تکلیف نی بکن
و اگر قبول نکند تکلیف آشامیدن بکن
و اگر قبول نکند تکلیف دست و رو شستن با
آب یا بعرق خوشبو بکن **آداب** چیزی خوردن ۴۸۱۱
کلینی در کتاب کافی از حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله آورده که گرامی دارید
نان را پس عرض کردن که گرامی داشتن نان
کدام است فرمودند که چون حاضر شود
بخورید و انتظار چیزی مبرید و نیز در کتاب

مذکور از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
اورده که مکذارید نان را در زیر کاسه و نیز
در کتاب مذکور از حضرت امام رضا علیه السلام
اورده که بکار دم مرید نان را بطریق عجمان
ولیکن بدست بشکنید و نیز در کتاب
مذکور از سماعه اورده که سوال کردم از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام از اینکه وقت
نماز داخل می شود و طعام رسیده است بکدام
یک ابتدا کنیم فرمودند که اکر اول وقت
نماز باشد ابتدا بطعام بکنید و اکر وقت پاره
کذشته باشد و بیم فوت شدن وقت باشد
ابتدا بنماز بکنید و اکر از وقت پارهٔ کذشته
و نیز در کتاب محاسن از حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام

علیه السلام آورده که کفران نعمت الهی است
اینکه کسی گوید که فلان طعام را خوردم و مرا آزار
داد و نیز در کتاب مذکور از آن حضرت علیه
السلام آورده که سزاوار نیست مؤمن را که از
خانه بیرون رود تا آنکه چاشت نخورد که
باعث عزت او میشود و نیز در کتاب مذکور
از آنحضرت علیه السلام آورده که اگر خواهی
که بی حاجتی بروی پارهٔ از نانی با نمک بخور
که بیشتر باعث عزتست و حاجت زود تر بر
می آید و نیز در کتاب مذکور از آنحضرت علیه
السلام آورده که ترک نمودن عشا خرابی بدنست
و نیز از آن حضرت علیه السلام مرویست که
بسبب ترک نمودن عشا کم میشود قوتی که بر

نمیکردد بسوی او هرکز و محمد ابن بابویه در کتاب
خصال از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
اورده که دست شستن پیش از طعام و بعد
ازان فقر را زایل میکند و روزی را زیاد میکند
و چرک را از جامه دور میکند و چشم را جلا
میدهد و در روایت دیگر از انحضرت علیه
السلام زیاد کرده است برین که درد ها را از
بدن دور میکند و حسن طبرسی در کتاب مکارم
الاخلاق از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام اورده که دست شستن پیش از طعام
و بعد از طعام میبرد درویشی را همچنانکه دم
اهنکران میبرد کثافت اهن را و بفراغت میکند بدن را
مادام که زنده است و فرشتکان طلب آمرزش میکنند

از برای کسی که می لیسد انگشت خود را بعد از طعام

۲۹ اما آداب آب خوردن کلینی در کتاب کافی

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آورده که

آب سید شربتهاست در دنیا و آخرت و نیز

در کتاب مذکور از حضرت امام جعفر [illegible]

علیه السلام آورده که گاه باشد که شخصی

یک شربتی آب بخورد و او را بهان [illegible]

به بهشت برند بآنکه چون ظرف آب [illegible]

بگذارد بسم الله بگوید پس بخورد و او هنوز

خواهش داشته باشد که لب را بردارد و الحمد لله

بگوید پس باز بخورد و حمد الهی بجا بیارد بهشت

او را واجب شود و نیز در کتاب مذکور از آن

حضرت علیه السلام آورده که هرگاه یکی از

شما آب بخورد و در وقت خوردن لبسم الله بگوید مرید

پس بگذارد الحمد لله بگوید پس باز بخورد و لبسم الله

بگوید و بگذارد و الحمد لله بگوید پس باز

بخورد و لبسم الله بگوید و بعد از گذاشتن

الحمد لله بگوید مادام که ان آب در شکم او باشد

تسبیح خدا میگوید و ثوابش از و باشد و نیز

در کتاب مذکور از انحضرت علیه السلام اورده

که هر که آب بخورد و حضرت امام حسین علیه

السلام و اهل بیت او را یاد کند و لعنت کند

کشنده کان انحضرت را خدا تعالی صد هزار

حسنه از برای نبویسد و صد هزار گناه از و محو

نماید و صد هزار درجه برای او بلند کند و

چنان باشد که صد هزار بنده آزاد کرده باشد

دخواهد

وخدایتعالی در قیامت اورا خوشحال و مطمئن
خاطر محشور کرداند و نیز در کتاب مذکور
از انحضرت علیه السلام اورده که حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه واله چون
ابرا میخوردند این دعا میخواندند الحمد
لله الذی سقانا عذبا زلالا ولم
یسقنا ملحا اجاجا ولم یواخذنا بذنوبنا
و نیز در کتاب مذکور از انحضرت علیه
السلام اورده که هرگاه خواهی که در شب
اب بخوری ظرف ابرا حرکت بده و بگو
یا ماء ماء زمزم و فرات یقرانک
السلام و در بعضی از روایات از ان
حضرت علیه السلام وارد شده است

که هر که بخورد ابرا در شب و بگوید یا
ماءُ علیکَ السلامُ مِن ماءٍ زَمزَم وَ
ماءٍ فُراتٍ ضرر نمیکند او را و نیز در
مذکور از انحضرت علیه السلام اورده
که ابر ابسه نفس اب خوردن بهتر است
از خوردن بیک نفس و نیز در کتاب مذکور
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
اورده که نخورید اب را از جائی که کوزه
شکسته باشد یا رخنه داشته باشد و
از پیش دسته کوزه که این هر دو جای نشستن
شیطان است و نیز در کتاب مذکور از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام اورده که خوردن
اب در روز ایستاده طعام را هضم میکند

دو در شب

ودر شب موجب صفرا و زرداب میشود

بنا فضیلت وخواص بعضی از ماکولات ۳۰۵۱

ومشروبات وبقول وفواکه غیر انچه مذکور

شد وکلینی در کتاب کافی از حضرت رسالت

پناه صلی الله علیه واله اورده که گرامی دارید

نان را که کار کرده اند در ان فرشتکان از ما بین

عرش تا زمین وبسیاری از اهل زمین تا

انکه برای شما بعمل امده است ونیز در کتاب

مذکور از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

اورده که فضیلت نان جو بر نان کندم مانند

فضیلت ما اهل بیت بر سایر مردم وهیچ

پیغمبری نیست مکر انکه هر دردی که در ان

هست بیرون میکند وان قوت پیغمبران

وطعام نیکوکاران است و خدای تعالی نکرد است
قوت پیغمبر انرا مکر جو و حسن طبرسی در کتاب
مکارم الاخلاق از ان حضرت علیه السلام
اورده که اکر در چیزی دیکر غیر از جو شفا
بیشتر می بود نمیکردانید خدای تعالی جو را قوت
پیغمبران و نیز در کتاب مذکور از حضرت
ابی الحسن علیه السلام اورده که هر کنزبان جو
بخورد بیرون می رود از و هر دردی که در بدن
اوست و نیز در کتاب مذکور از حضرت اما
جعفر صادق علیه السلام اورده که قوت
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله
از جو بود حلوای ان حضرت خرما بود و نان
خورش روغن زیتون و محمد ابن الحسن الصفار
در کتب

در کتاب بصایر الدرجات اورده که محمد بن
جعفر عاصمی روایت کرده از پدرش جدش که حج کردم
و با من جماعتی از یاران بودند پس در حوالی مدینه
در نخلستان فرود آمدیم و حضرت موسی کاظم در آن
منزل فرود آمدند و طعام اوردند و آن حضرت
ابتدا بنمک کردند و فرمودند که بسم الله
الرحمن الرحیم بگوئید و طعام بخورید بعد
از آن سرکه آوردند پس فرمودند که شانه
گوشت بریان آوردند و گفتند که بسم الله
الرحمن الرحیم بگوئید و بخورید بدرستی
که این طعامیست که حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله دوست میداشتند
این را پس فرمودند که سرکه و روغن

زیتون آوردند و گفتند که بسم الله الرحمن
الرحمن الرحیم بگویید و بخورید بدرستی
که حضرت فاطمه علیها السلام دوست
میداشتند این طعام را پس فرمودند
که سبکباج آوردند و گفتند بسم الله الرحمن
الرحیم بگویید و بخورید بدرستی که حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام دوست میداشتند
این طعام را و سبکباج قلیه ترشی است
که از سرکه و گوشت و پیاز و ادویه حاره
میپزند بعد از آن فرمودند که گوشت و نان
بریانی که در آن بادنجان بود آوردند و گفتند
که بسم الله الرحمن الرحیم بگویید و بخورید بدرستی که
امام حسن علیه السلام دوست میداشتند این
طعام

این طعام را پس فرمودند که بخنی آوردند و گفتند
که بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید و بخورید که
امام زین العابدین دوست میداشتند این
طعام را پس فرمودند که حلوا آوردند و
گفتند که بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید و بخورید
که من دوست میداوم این را [illegible] کیفیت معاشرت ۳۱۱۱
وملاقات با مؤمنان نمودن و فضیلت
برآوردن حاجات مؤمنان کلینی در کتاب کافی
از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه واله
آورده که یکدیگر مذاکره کنید و ملاقات
کنید که حدیث جلا میدهد دلها را و
بدرستی که دلها را و بدرستی که دلها زنگ
میگیرند چنانچه شمشیر زنگ میگیرد و جلای

بحدیث است و نیز در کتاب مذکور از آن
حضرت صلی الله علیه و آله آورده که هرکه
یك راهی برود برای طلب علم خدای تعالی راهی
بگشاید برای او بسوی بهشت و بدرستی که
ملائکه بالهای خود را میگذارند از برای طالب
کننده علم با رضا و خوشنودی و استغفار
میکنند از برای طلب کننده علم هرکه در آسمان
و هرکه در زمین است حتی ماهیان دریا و
فضل عالم بر عابد مانند فضل ماه است در
شب چهارده بر سایر ستارگان و نیز در کتاب
مذکور از حضرت امام محمد باقر علیه السلام آورده
که عالمی که منتفع شوند از علم او بهتر است از
هفتاد هزار عابد و نیز در کتاب مذکور از آن
حضرت

حضرت علیه السلام اورده که مذاکرهٔ علم
ثواب نماز مقبول دارد و نیز در کتاب
مذکور از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
اورده که در مذبلها با عالم صحبت داشتن
بهتر است از صحبت داشتن با جاهل بر روی
فرشهای نیکو و از حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و اله مرویست که حکیم ترین
مردمان کسی است که از صحبت جاهلان
بگریزد و دیلمی در کتاب ارشاد القلوب ا
از ان حضرت صلی الله علیه و اله اورده که
پرسیدم از جبرئیل علیه السلام که علما گرامی
ترند نزد خدا تعالی یا شهدا پس گفت که یک
عالم نزد خدا تعالی بهتر است از هزار شهید بدر

که علما اقتدا میکنند به پیغمبران و شهدا اقتدا
میکنند بعلما ونیز در کتاب مذکور از ان
حضرت صلی الله علیه و اله اورده که هرگاه روز
قیامت شود وزن کرده میشود مداد علما با
خون شهدا پس مداد علما راجح میشود برخون
شهدا و ابن فهد در کتاب عدة الداعی از
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام اورده
که نشستن یکساعت در پیش علما دوست ترست
بسوی خدا یتعالی از عبادت هزار سال و نظر
کردن بجانب عالم دوست تراست بجانب خدا یتعالی
از اعتکاف یک سال در خانهٔ کعبه و زیارت
کردن علما دوست تراست بجانب خدا یتعالی
از برای او هفتاد درجه و نازل میکند بر او رحمت

داو

را و شاهد میشوند از برای او و فرشتگان اینکه
بهشت او را واجب شد و از حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و اله مرویست که هر که از خانهٔ
خود بطلب علم بیرون اید هفتاد هزار فرشته
مشایعت او نمایند و از برای او استغفار
کنند و نیز از آن حضرت صلی الله علیه
و اله مرویست که نظر کردن بر روی پدر و
مادر از روی مهربانی عبادتست و نظر کردن
بر روی برادری که دوست داری او را برای خدا
عبادت است و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام مرویست که خدا رحمت کند
بنده را که با دیگری بنشیند و یاد احادیث
ما کند که سیم ایشان فرشته ایست که از برای

ایشان استغفار میکند و بهترین مردم بعد
از ما کسی است که مذاکرهٔ احادیث ما کند
و ما را یاد کند و کلینی در کتاب کافی از حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله آورده که یاد
کنندهٔ خدا در میان غافلان مانند کسی است که
جهاد کند و در راه خدا در هنگام گریختن دیگران
و چنین کسی ثواب او بهشت است و از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام مرویست که در همه جا خدا را
یاد کنید که او همه جا با شما است و اما فضیلت
بر آوردن حاجات مؤمنان و یاری کردن ایشان
و ادخال سرور ابن فهد در کتاب عدة الداعی از
از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله آورده
که هر که بر آورد حاجت از برادر مؤمن خود خواهد بود

مانند

مانند کسی که عبادة کرده باشد نه هزار سال
که روزه باشد در روزهای ان وایستاده
باشد در شبهای آن وکلینی در کتاب کافی
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
آورده که هر یک حاجت برای برادر مؤمن
خود بر آورد خدا تعالی در قیامت صد هزار
حاجت او را بر آورد که یکی از ان ها بهشت
باشد و دیگری آنکه خویشان و آشنایان
خود را داخل بهشت کند اگر ناصبی نباشد
ونیز در کتاب مذکور از ان حضرت علیه
السلام آورده که بر آوردن حاجت مؤمن
بهتر است از بیست حج که در هر حج صاحبش
صد هزار در صرف کند ونیز در کتاب مذکور

65

ازان حضرت علیه السلام اورده که هرکه
هفت شوط طواف در دور خانهٔ کعبه بکند
خدا تعالی از برای او شش هزار حسنه بنویسد
و شش هزار گناه محو کند و شش هزار درجه
بلند کند و شش هزار حاجت او را براورده
و براوردن حاجت مؤمن بهتر است از ده طواف
و نیز در کتاب مذکور از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام اورده که مومنی که
برادر مؤمنش حاجتی نزد او بیاورد و او
قادر نباشد بر براوردن حاجت او و دلش
غمگین شود بسبب این خدا بهشت را برای
او واجب کرداند و نیز در کتاب مذکور از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام اورده که هرکه

برادر مؤمن او بنزد او بیاید برای حاجتی
او رحمتی است که خدا بسوی او فرستاده است
اگر قبول کرد پس پیوند کرده است دوستی
او را بدوستی ما و دوستی ما بدوستی خدای تعالی
موصول است و اگر او را رد کرد و او قادر بود
که حاجتش را براورد خدای تعالی برو مسلط
کرداند در قبرش ماری از آتش که او را بگزد
تا روز قیامت خواه در قیامت خدا او را بیامرزد
و خواه عذاب کند و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام رویت که هر مؤمنی
که یاری نکند برادر مؤمن خود را و او قادر بر یاری
کردن او باشد خدای تعالی در دنیا و اخرت
یاری او نکند ۱۱۳۲ حقوق مؤمنین بر یکدیگر

محمد ابن بابویه در کتاب خصال از حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله اورده که مؤمن را بر
مؤمن هفت حق واجب هست انکه در حضور
تعظیم نماید و محبتش در سینهٔ او باشد و مال خود را
با او صرف نماید و غیبت او را بر خود حرام داند
و چون بیمار شود بعیادت او برود و چون بمیرد
بجنازه اش حاضر شود و بعد از مرگش بغیر نیکی او
چیزی نگوید و کلینی در کتاب کافی از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام اورده که حق مؤمن
بر مؤمن انست که بر روی او اف نگوید و اگر اف
بگوید دوستی از میان ایشان بر طرف شود و اگر بگوید
که تو دشمن منی یکی از ایشان کافر باشد زیراکه
اگر دروغ گفته خود کافر است یعنی صاحب کبیره است

و اگر

راست گفت آن دیگری کافراست و نیز در کتاب
مذکور از آنحضرت علیه السلام آورده که مؤمنی
که میان او و مؤمنی حجابی باشد که او شوابدر
خدای تعالی در قیامت میان او و بهشت هفتاد
هزار حصار قرار دهد که غلظت هر حصاری
هزار سال راه باشد و ما بین هر حصاری تا حصار
دیگر هزار سال راه باشد و در حدیث دیگر
از آن حضرت علیه السلام مرویست که برادران
خود را یاد کنید هرگاه غایب باشند بشما اهرد
آنچه که دوست میدارید که شما را غایبانه
۳۴۶ یاد کنند صله رحم کلینی در کتاب کافی
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
آورده که صله رحم و نیکی با برادران مؤمن

حساب قیامت را اسان میکند از کناهان نکاه

میدارد پس صلهٔ رحم و نیکی را با برادران ترک

مکنید اکرچه بسلام کردن و جواب نیکو دادن

باشد و نیز در کتاب مذکور از حضرت

علیه السلام اورده که ما چیزی را نمیدانیم که عمر را

زیاد کند مانند صلهٔ رحم تا انکه کاه هست

که شخصی سه سال از عمرش مانده است و بسبب

صلهٔ رحم سی و سه سال می شود و کاه هست

که عمرش سی و سه سال مانده است و بسبب

قطع صلهٔ رحم سه سال میشود و نیز در کتاب

مذکور از حضرت علیه السلام اورده که

صلهٔ رحم کردن با همسایکان سلوک کردن

خانهارا ابادان میکند و عمرهارا زیاد میکند

و نیز

ونیز در کتاب مذکور اورده که شخصی از ان
حضرت علیه السلام سوال کرد که خویشان
دارم که شیعه نیستند آیا ایشانرا حقی هست
فرمودند که بلی حق رحم را هیچ چیز قطع نمیکند
واکر شیعه باشند وحق دارند حق رحم
وحق اسلام ونیز در کتاب مذکور از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام آورده که نیکی با
خویشان کردن باعث قبول اعمال است
ومال زیاده میکند وبلاها را دفع میکند
وعمر را دراز میکند وحساب قیامت را
اسان میکند ونیز در کتاب مذکور از
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه واله
اورده که دو طرف صراط امانت وصله

رحم است پس کسی که امانت را خیانت نکرده است
و با خویشان خود نیکی کرده است از صراط
باسانی میگذرد و بهشت میرود و کسی که
خیانت در امانتها کرده و قطع رحم کرده
است عمل دیگر او را نفع نمیدهد و صراط او
او را در آتش می افکند و نیز در کتاب مذکور
از آنحضرت صلی الله علیه و آله اورده که بوی
بهشت از هزار ساله راه شنیده می شود و انرا
نمی شنود و عاق پدر و مادر و قطع کننده رحم
و پیر زناکار و از حضرت امام محمد باقر علیه
السلام مرویست حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام در بیماری بدیدن صعصعه ابن صوحان
که از بزرگان اصحاب آنحضرت بود تشریف

اوردند

اوردند پس فرمودند که باینکه من بعیاث
تو آمده ام فخر مکن بر قوم خود و اگر ایشانرا
در امری بد بینی خود را از ان امر برکنار مگیر که
ادمی بی نیاز نیست از قوم و قبیله خود و بایشان
محتاج است و اگر ایشان نکنی یك یاری را از
ایشان نکنی یك یاری را در ایشان منع کرده
و یاریهای بسیار ایشانرا از خود کردانیده پس
اگر ایشانرا از خود در حال خوبی بد بینی یاری
ایشان بکن بران امر و کرد ر بلای باشند ایشانرا
و امکذار و باید که یاری کردن شما یکدیگررا
در طاعت خدا باشد اما حقوق همسایکان ۳۵ ا
محمد ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه
از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله

اورده که پیوسته مرا جبرئیل وصیّت می نمود

برعایت همسایه تا انکه گمان کردم که برای

او میراث قرار خواهد داد ونیز در کتاب

مذکور از انحضرت صلّی الله علیه واله اورده

که هرکه همسایهٔ خود را ازار کند خدا تعالی

بوی بهشت را بر وی حرام کرداند وماوای

او جهنّم باشد ونیز در کتاب مذکور

در خدمت ماهی از انحضرت صلّی الله علیه

واله اورده که هرکه از همسایه اش بقدر

یک شبر زمین خیانت کند خدا تعالی

آن زمین را تا طبقهٔ هفتم طوقی کرداند

در کردن او تا اورا بمقام حساب اورند آن

طوق در کردن او باشد مکر انکه توبه کند

دان زمین را

وان زمین را پس دهد و کلینی در کتاب
کافی از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام اورده که تا چهل خانه از هر طرف
همسایه اند و نیز از انحضرت علیه السلام
مرویست که هر که ازار خود را از همسایه
باز دارد خدایتعالی در قیامت از گناهان
او در گذرد و فرمودند که هر که آزار
همسایه کند برای طمع در خانهٔ او
خدای تعالی خانهٔ او را بهمسایه اش رساند
و فرمودند که حلال نیست منع کردن نمک
و آتش از همسایگان اما حقوق ۳۶
ایتام از حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه واله وسلم مرویست که هر که یتیمی

در عیال خود داخل کند و خرج او را بدهد
تا مستغنی شود خدا تعالی بهشت را برای
او واجب کرداند چنانچه خورنده مال
یتیم را جهنم کردانیده است و محمد ابن بابویه
در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام که هر مرد مؤمن و زن
مؤمنه که دست بر سر یتیم بکشد از روی ترحم
خدا تعالی بعدد هر موی نوری باو کرامت
فرماید در قیامت و نیز در کتاب مذکور از حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله آورده که
هر که از سنگینی دل خود آزرده باشد و خواهد
که دلش نرم شود یتیمی را نزد خود بخواند و باو
مهربانی کند و بر سر خوان خود بنشاند و از رو

نفقت

شفقت دست بر سرش بمالد بدرستی که یتیم
بر مردم حق عظیم هست و نیز در کتاب مذکور
از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام
آورده که خوردن مال یتیم بناحق از جملهٔ
گناهان کبیره است اما حقوق بندگان ٣٧١١
محمّد ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه
در وصیّت حضرت رسالت پناه صلّی
الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین
علیه السّلام آورده که چهار صفت است
که هر که باشد خدای تعالی او را می آمرزد و
ساکن میگرداند در اعلا علیّین در اعلای
غرفهای شرف کسی که پناه دهد یتیمی
را متوجه احوال او گردد و از برای منزلهٔ

پدر مهربان باشد و کسی که رحم کند بر ضعیفان
و اعانت ایشان نماید و کسی که مال خود را
صرف کند از برای پدر و مادر و با ایشان مدارا
کند و احسان نماید و ایشانرا آزرده نکند و
کسی که شدی و سفاهت با بندهٔ خود نکند
و او را یاری نماید بر خدماتی که باو میفرماید
و کاری که بر او دشوار باشد با و نفرماید و نیز
در کتاب مذکوره در وصیت آن حضرت صلی
الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه
السلام آورده که سه کسند که اگر بر ایشان ظلم
نکنی ایشان بر تو ظلم میکنند سفله و زن و
خادم و نیز از آن حضرت صلی الله علیه و آله
مرویست که بنده کان خود را بخورانید انچه خود
میخورید

میخورید و بپوشانید انچه خود میپوشید
ونیز از ان حضرت صلی الله علیه واله
مرویست که بنده کان خود را بقدر عقل
ایشان موزد عتاب سازید ونیز ازان
حضرت صلی الله علیه واله مرویست که اول
کسی که داخل بهشت میشود شهید است
وغلامی که نیکو عبادت کند پروردکارش
وخیرخواه اقای خود باشد ومرد عیال باری
که از حرام وشبهه عفت ورزد ومرویست
که از راه از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام سوال کرد از دن بنده فرمودند
که هرچیزی که در دست او تلف شود وبی
تقصیر او چیزی نیست اما اکر دانسته ناقوما

تو کند میتوانی زد او را گفت چه مقدار
بزنم فرمودند که سه یا چهار یا تازیانه و نیز
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست
که در تادیب اطفال و غلامان و کنیزان پنج تازیانه
یا شش تازیانه بیشتر مزنید و انرا هم برفق و
همواری بزنید و نیز در کتاب مذکور از ان حضرت
علیه السلام مرویست که بنده که مؤمن باشد
چون هفت سال خدمت کند ازاد شود و
بعد ازان خدمت فرمودن او حلال نیست
و علما حمل کرده اند این حدیث را برانکه سنت
موکده است که بعد از هفت سال ازاد کنند
۳۱۱۱ آداب حقوق پدر و مادر کلینی در کتاب کافی
آورده که از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله

پرسیدند که حق پدر بر فرزند چیست فرمودند
که آنکه نام او را نگوید و پیش از و راه نرود
و پیش از آنکه پدر بنشیند او ننشیند و
کاری نکند که مردم بپدرش دشنام دهند
و نیز در کتاب مذکور آورده که شخصی
بخدمت آنحضرت صلی الله علیه و آله
آمد و عرض کرد که یا رسول الله بسیار رغبت
دارم بجهاد آنحضرت فرمودند که جهاد کن
در راه خدا که اگر کشته شوی شوی نزد خدا
زنده خواهی بود و روزی در بهشت خواهی
یافت و اگر بمیری مزدت بر خداست و اگر
برگردی از گناهان بدر می آئی مانند روزیکه
از مادر متولد شده شخصی عرض کرد که یا

رسول الله پدر و مادر [illegible] دارم که با

انس دارند و میخواهند که من از ایشان جدا شوم علیه السلام

فرمودند که با پدر و مادر خود باش بحق آن

خداوندی که جانم بدست قدرت اوست که

انسی که ایشان یکشبانه روز با تو داشته باشند

بهتر است از یکسال الجهاد کردن در راه خدا و نیز

در کتاب مذکور از حضرت امام محمد باقر

علیه السلام اورده که کسی که از روی غضب

وخشم نظر بسوی پدر و مادر کند در وقتی

که ایشان برو ظلم کنند خدا هیچ نماز او را

قبول نکند و نیز در کتاب از ان حضرت

علیه السلام اورده که از عقوق است انکه

شد نظر کند بسوی پدر و مادر خود و نیز

از انحضرت علیه السلام مرویست که گاه هست
که نیکوکار است باپدر و مادر در زندگی ایشان
و بعد از مرگ ایشان قرض ایشان را ادا نمیکند و
طلب امرزش از برای ایشان نمیکند پس خدا او را
عاق پدر و مادر می نویسد و گاه هست که عاق
ایشان است در زندگی ایشان پس چون مردند
قرض ایشان را ادا میکند و استغفار برای ایشان
میکند پس او را خدا نیکوکار مینویسد و از
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله
مرویست که سه گناه است که عقوبتش زودتر
در دنیا باینکس میرسد عقوق پدر و مادر
و ظلم کردن بر مردم و کفران نعمت خدا و
خلق کردن و ... حضرت

صلی الله واله که هر فرزند نیکوکاری که از روی
شفقت و مهربانی بسوی پدر و مادرش
نظر کند بهر نگاه کردنی ثواب یک حج مقبولی
برای او نوشته شود و عرض کردند که یا
رسول الله هرچند روزی صد مرتبه
نظر کند فرمودند که خدا بزرگتر و کریمتر
اما حقوق فرزندان کلینی در کتاب کافی
اورده که شخصی در خدمت حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که با که
نیکی کنم فرمودند که با پدر و مادرت گفت
ایشان مرده اند که فرمودند که با فرزند خود
نیکی بکن و نیز در کتاب مذکور از حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه واله اورده که پدر و مادر

نیز

نیز عقوق فرزند میباشد و عاق فرزندان میشوند
چنانچه فرزندان عاق پدر و مادر میشوند
و نیز در کتاب مذکور از آنحضرت صلی الله
علیه و آله اورده که خدا تعالی رحم کند
پدر و مادری را که یاری کند فرزندان خود را
در نیکی کردن بایشان و نیز در کتاب مذکور
از آنحضرت صلی الله علیه و آله اورده که
فرزند بر پدر انست که بنام نیکو او را بخوانند
و نیکو تادیب کند و بکسب نیکو او بدارد
و نیز در کتاب مذکور از حضرت امام موسی
کاظم علیه السلام اورده که خدا غضب نمیکند
برای چیزی مثل انکه غضب میکند از برای ظلم
کردن بر زنان و طفلان و حسن طبرسی در کتاب

مکارم الاخلاق از انحضرت علیه السلام
اورده که عیال آدمی اسیران ویند پس
کسے که خدا با و نعمتی کرامت کند باید
که بر اسیران خود توسعه کند که اگر نکند
نزودی آن نعمت از وزایل شود و نیز در
کتاب مذکور از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام اورده که حضرت موسے
علیه السلام اورده که حضرت موسی علیه
السلام عرض کرد که بار خدایا کدام عمل
فاضلتر و بهتر است نزد تو حق سبحانه
تعالی فرمود که دوست داشتن اطفال
بندۀ سنی که من افریدم ایشانرا بر وجهی که
اعتقاد دارند بوحدانیت ویکانکی من

برا کر

پس اگر بمیرانم ایشانرا میبرم به بهشت
برحمت خود. ونیز از انحضرت علیه السلام
مرویست که پنج کسند نفقه دادن ایشان
واجبست فرزند و فرزند فرزند وپدر و مادر
وزن وبنده و فرزند شامل فرزند فرزند
هم هست هر چند پائین روند وپدر و
مادر شامل جد وجده پدری و مادری
هم هست هر چند بالا روند ودر احادیث
بسیار وارد شده است که ملعون است کسی
که عیال خود را ضایع گذارد و خرج ایشانرا
ندهد یعنی با قدرت اما حق شوهر ۱۱۴۰۰
بر زن حسن طبرسی در کتاب مکارم الاخلاق
از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه واله

اورده که اگر زن پستان خود را به پزد و
دیگری را بریان کند برای شوهر خود هنوز
ادا نکرده است حق شوهر را و با وجود این
اگر نافرمانی کند شوهر خود بقدر یک
چشم بر هم زدن ببندد از داور آنخدای تعالی
بدرک اسفل از دوزخ مگر آنکه توبه کند
و زیاد باز گردد و نیز در کتاب مذکور از
انحضرت صلی الله علیه و آله اورده که اگر
تمام انچه در زمین است از طلا و نقره زن
بر دارد و بخانه شوهر بیاورد بعد از آن
سرزنش کند روزی از روزها و بگوید
که تو کیستی و مالها از من است باطل میشود
عمل او و اگر چه آن زن عابدترین مردمان باشد

مگر انکه توبه کند و عذرخواهی شوهر
خود کند و نیز در کتاب مذکور از ان
حضرت صلی الله علیه و آله اورده که
زنی که تکلیف کند شوهر خود را بنفقه
و هر چیزی که طاقت ان نداشته باشد
قبول نمیکند خدایتعالی توبهٔ او را از
گناهان و نیکوئی او را مگر انکه توبه کند
ازین کار و طلب نماید از شوهر خود چیزی را
که طاقت داشته باشد و فرمودند
که زن نماز خود را طول ندهد
برای انکه منع کند شوهر خود را از انچه ازو
میخواهد و نیز فرمودند که حلال نیست
زن را خواب کردن تا انکه عرض کند نفس

خود را بر شوهر خود باین طریق که برهنه شود
و برود در زیر لحاف و بچسپاند بدن خود را
ببدن او پس هرگاه چنین کند عرض کرده است
خود را بشوهر خود و نیز در کتاب مذکور
از آنحضرت صلی الله علیه و آله اورده
که حق مرد بر زن آنست که چراغ روشن کند
برای شوهر خود و طعام بپزد و چون شوهر
بخانه درآید استقبال کند او را تا پیش در
و بگوید بشوهر خود که خوش آمدی و بجهة
دست شستن طشت و مندیل کند پیش آورد
و آب بر دست او بریزد و منع نکند شوهر را از
نفس خود مگر بجهة علتی و نیز در کتاب مذکور
از آن حضرت صلی الله علیه و آله اورده که

هر زنی

که هر زنی که شوهر او را برای مجامعت بطلبد
و او تاخیر کند تا شوهر بخواب رود پیوسته
ملائکه او را لعنت کنند تا شوهر بیدار شود
و نیز در کتاب مذکور از ان حضرت صلی الله
علیه و آله آورده که ادا نمیتوانند کردن مر
خدای تعالی را مگر انکه ادا کند حق شوهر را
و محمد ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه
از ان حضرت صلی الله علیه و آله آورده
که اگر امر میکردم کسی را که برای غیر خدا سجده
کند هر آئینه میگفتم که زنان بر شوهران
سجده خود کنند اما حق زن بر شوهر در کتاب
کافی از حضرت جعفر صادق علیه السلام
آورده که بترسید از خدا در حق دو ضعیف

یتیمان وزنان ونیز در کتاب مذکور از
حضرت علیه السلام اورده که حق زن بر مرد
انست که او را سیر کند و بدنش را بپوشاند
واگر بدی کند برو ببخشد ونیز در کتاب
مذکور از حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه واله آورده که مثل زنان مثل استخوان
کج پهلو است اگر او را بحال خود میگذاری متمتع
میشوی واگر میخواهی که راست کنی میشکند
وحسن طبرسی در کتاب مکارم الاخلاق از ان
حضرت صلی الله علیه واله آورده که هرکسی
که صبر کند بر کج خلقی زن خود خدا تعالی باو
انمقدار ثواب بدهد که بحضرت داود علیه السلام
داده است بجهت بلائی که باو رسیده بود و

آن زن که صبر کند بر کج خلقی شوهر خود خدا تعالی
باو بدهد ثواب آسیه بنت مزاحم که زن فرعون
بود و فرمودند که گفتن مرد با زن که ترا دوست
میدارم هرگز از دل او بدر نمیرود و نیز در کتاب
مذکور از حضرت امام زین العابدین صلوة‌الله اورده
که رحمت کند خدا تعالی بنده را که نیکو
بزن خود بد هر سببی که اختیار زن را بشوهر
داده است و گردانیده است شوهر را حاکم
برو و نیز در کتاب مذکور از ان حضرت
علیه السلام اورده که انکسی که کنیزی
داشته باشد باید که هر چهل روز یکبار
باو مجامعت کند و نیز در کتاب مذکور
از ان حضرت علیه السلام آورده که انکسی

که کنیزی داشته باشد باید که هر چهل روز
یکبار با او مجامعت کند و نیز از ان حضرت
علیه السلام مرویست که موجب هلاک
صاحب ثروة است که در شهری که زنش
دران شهر باشد و شب در خانهٔ دیگر بخوابد
و نزد او نیاید و محمد ابن بابویه در کتاب
من لا یحضره الفقیه از ان حضرت علیه السلام
اورده که زنان را که بازی کنند و تعلیم مکنید
ایشانرا بخط نوشتن و بفرمائید که چرخ بر بسند
و تعلیم کنید ایشانرا سورهٔ نور آیه ـــا
حق پادشا در کتاب جامع الاخبار از حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و اله اورده که
دشنام ندهید پادشاه را بلکه سعی که پادشاه

شاید

سایه خدا است در زمین خدا ونیز
ازان حضرت صلی الله علیه واله مرویست
که خدا رحمت کند کسی را که یاری کند
پادشاه خود را بر نیکی کردن ونیز ازان
حضرت صلی الله علیه واله مرویست که
دو صنفند از امت من که صلاح ایشان
موجب صلاح تمام امت است وفساد ایشان
موجب فساد است فقیهان وپادشاهان
ونیز ازان حضرت صلی الله علیه واله
مرویست که چون روز قیامت شود منادی
از جانب خدای تعالی ندا کند که کجایند
ظالمان ومددکاران ایشان وانانکه
دوات ایشانرا لیقه گذاشتند یا سر کیسه

برای ایشان بسته اند یا مدد قلمی بایشان
داده اند انها را هم با ظالمان محشور کنند
و نیز از انحضرت صلی الله علیه و اله
مرویست که چهار چیز است که دل را فاسد
میکند و نفاق را در دل میرویاند شنیدن
سازها و خواندن غنا و فحش گفتن و بدر
خانهٔ پادشاهان رفتن و نیز از آن حضرت
صلی الله علیه و اله صلی الله علیه و اله مرویست
که هر که راهنمائی کند ظالمی را بر ظلمش با هامان
وزیر فرعون باشد و هر که از جانب ظالمی
خصومت کند یا یاوری نماید در آن خصومت
پس چون ملک الموت نزد او اید بگوید که
بشارت باد ترا بلعنت خدا و اتش جهنم و هر که

تازیانه دردست کرفته نزد پادشاه حاکم
جایری باًیستند خدای تعالی آن تازیانه
را در روز قیامت اژدهای کرداند از
اتش که درازی آن هفتاد ذراع باشد
ومسلّط کرداند او ابرود رجهنم واز حضرت
امام جعفر صادق علیه السّلام مرویست
که هر که متعرّض پادشاه ظالمی بشود وازو
ازاری بیابد خدایتعالی اورا بران ثواب
ندهد وصبر اورا روزی نکند ومرویست
که مفضل ابن یزید که نویسندهٔ خلفای بنی امیه
بود وشیعه بود بخدمت امام جعفر صادق
علیه السّلام امد وعرض کرد که میدانید
خدماتی که من این خلفارا میکنم حضرت

۸۱

فرمودند که انچه بهم میرسانی بشیعیان بده

که خدایتعالی میفرماید که حسنات گناهان

وسیّات را میبرند آیتا فضیلت واداب سلام ۶۲

کردن محمّد ابن بابویه در کتاب خصال اورده

که حضرت رسالتپناه صلی الله علیه واله

اصحاب خودرا امر فرمودند بهفت خصلت

عیادت بیماران وشایعت جنازهٔ مردگان

وقبول کردن گفتهٔ کسی که این کس را قسم دهد

ودعا کردن برای کسی که عطسه کند ویاری

کردن بر مظلوم وبهرکس سلام کردن وقبول

ضیافت نمودن نیز درکتاب مذکور از

انحضرت صلی الله علیه واله اورده که

هرکه ابتدا کند بسخن گفتن پیش از سلام جواب

میکویند وکسی را بطعام خود مطلبید تش
ازانکه سلام کند نیز محمد ابن بابویه در کتاب
الاخوان ازانحضرت صلی الله علیه وآله اورده
که چون ملاقات کنید یکدیکر را سلام کنید
ومصافحه نمائید وچون ازیکدیکر جدا
شوید طلب آمرزش ازبرای یکدیکر بکنید
نیز حدیث دیکر فرمودند که هرکه بده
نفر از مسلمانان برخورد وبرایشان سلام کند
ثواب یک بنده ازاد کردن در نامه عملش نوشته
میشود ابن جعفر در کتاب قرب الاسناد
ازانحضرت صلی الله علیه واله آورده
که چون کسی از مجلسی برخیزد وداع کند اهل
ان مجلس را بسلام کردن که اکر بعد از وی

خیر بکویند در ثواب ایشان شریک خواهند بود
واکر حرف بدی بکویند کناهش بر ایشان
خواهد بود و بر و کناهی نخواهد بود از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
مرویست که هر مؤمنی که بجماعتی از مؤمنان
سلام کند ملائکه در جواب سلام او میکویند
سَلَامٌ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ أَبَدًا ایضا
نیز در کتاب کافی از انحضرت علیه السلام
آورده که از جمله تواضع و شکستکی آنست
که با هر که برخوری سلام کنی نیز در کتاب مذکور
از انحضرت علیه السلام آورده که کفت
خدایتعالی که بخیل کسی است که در سلام
کردن بخیلی کند نیز در کتاب مذکور از ان
حضرت

حضرت علیه السلام آورده که هر که السلام
علیکم بگوید ده حسنه برای او باشد
اگر السلام علیکم و رحمة الله بگوید بیست
حسنه برای او باشد و اگر سلام علیکم
و رحمة الله و برکاته بگوید سی حسنه
برای او باشد اما فضیلت و اداب مصافحه
و معانقه کردن و پیشانی را بوسیدن
در کتاب کافی از ابو عبیده آورده که من هم
کجاوه حضرت امام محمد باقر علیه السلم
بودم و من اول بکجاوه میرفتم پس آنحضرت
بکجاوه میرفتند و چون هر دو بکجاوه درست
می نشستیم حضرت بر من سلام میکردند
و احوال از من میگرفتند مانند دو کس که

مدتی باشد که یکدیگر را ندیده باشند و
با من مصافحه میکردند و چون از انجا ره
فرود می آمدیم اول آنحضرت فرود می آمدند
پس چون هر دو در زمین قرار میگرفتیم سلام
میکردند و احوال میگرفتند مانند دو
کس که مدتها یکدیگر را ندیده باشند
من گفتم یا بن رسول الله شما کاری میکنید
که مردمی که نزد ما هستند چنین نمیکنند
فرمودند که مگر نمیدانی که مصافحه کردن
چه ثواب دارد بدرستی که دو مؤمن که
با یکدیگر ملاقات کنند و مصافحه کنند
پیوسته گناه از ایشان میریزد چنانچه
برگ از درخت میریزد و خدا تعالی نظر رحمت

بسوی ایشان میکند تا از یکدیگر جدا شوند
ونیز در کتاب مذکور از حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه واله آورده که مصافحه
کردن با مؤمن بهتر است از مصافحه کردن
با ملائکه ونیز حدیث دیگر در کتاب مذکور
اورده که با یکدیگر مصافحه کنید که کینها را
از سینها میبرد واز حضرت امام محمد باقر
علیه السلام مرویست که هر که دست را دیرتر
بکشد ثوابش بیشتر است ونیز در کتاب
مذکور از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
اورده که حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه واله هرگز باکسی مصافحه نکردند که
دست را از دست او بکشند تا آنکه آن شخص

دست را میکشید و نیز در کتاب مذکور
از انحضرت علیه السلم اورده که حد مصافحه
انست که در دور درخت خرما بکردند پس
بعد از ان با او مصافحه سنت است و نیز
در کتاب مذکور از ابو بصیر اورده که پرسیدم
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم که ایا
جایز است که مصافحه کند مرد با زنی که محرم
او نباشد فرمودند که جایز نیست مگر در
وقتی که جامه حایل باشد و نیز در کتاب
مذکور از انحضرت علیه السلم اورده که
هر مومنی که از خانه خود بیرون رود بقصد
دیدن برادر مومن خود و حق او را شناسد
بنویسد خدا یتعالی از برای او بهر کامی حسنه

ومحو کند سیئه و بلند کرداند از برای او
درجه پس چون در خانه آن مومن را بکوبد در
های اسمان برای او کشوده شود پس چون
بایکدیکر ملاقات و مصافحه کنند و معانقه
کنند یعنی دست در کردن یکدیکر بکنند
خدایتعالی روی رحمت خود را بسوی
ایشان بکرداند پس با فرشتکان مباهات
نماید و کوید که نظر کنید بجانب این دو
بندهٔ من که بدیدن یکدیکر رفتند و
باهم دوستی کردند از برای رضای من
وبر من لازم است که عذاب نکنم ایشانرا
٢٥ بعد ازین بآتش تا اخر حدیث آنا
فضیلت و آداب عطسه و آروق کلینی

در کتاب کافی از حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه واله اورده که چون کسی عطسه کند
او را دعا کنید اگرچه دریا در میان فاصله
باشد ونیز در کتاب مذکور از انحضرت
صلی الله علیه واله اورده که چون مسلمانی
عطسه کند وساکت بماند از برای علتی
ملائکه از جانب او میگویند الحمد لله رب
العالمین واگر بگوید الحمد لله رب العالمین
ملائکه میگویند یَغفرُ اللهُ لَکَ ونیز در
کتاب مذکور از حضرت امام محمد باقر ع
اورده که نیکو چیزیست عطسه نفع میرساند
ببدن وخدا را بیاد می آورد ونیز در کتاب
مذکور از انحضرت علیه السلام آورده

که چون کسی عطسه کند بگوید اَلحمدُ لله ربّ
العالمین و صلّی الله علی محمّدٍ و اهل بیته
تبن در کتاب مذکور از انحضرت علیه السّلم
اورده که چون کسی عطسه کند باو بگوید
یرحمک الله و او در جواب بگوید یغفر الله
لکم و یرحمکم تبن در کتاب مذکور از ان
حضرت علیه السّلم اورده که کسی که عطسه کند
بگوید الحمد لله لا شریک له و دیگران بگویند
یرحمک الله و او در جواب بگوید یغفر الله
لک و لنا تبن در کتاب مذکور از انحضرت
علیه السلم اورده که عطسه را تا سه مرتبه
دعا بگو و چون زیاده از سه مرتبه شود اورا
واگذار تبن در کتاب مذکور از حضرت امام

جعفر صادق علیه السلم آورده که طفل نابالغی
نزد حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
عطسه کرد و گفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حضرت با و فرمودند
بَارَكَ اللّٰهُ فِيْكَ از حضرت رسالت پناه
صَلَی الله علیه و آله مرویست که کسی که آروغ
زند بجانب آسمان بلند نکند و فرمودند
که آروغ نعمت خدا است بعد از ان حمد الهی
بکنند اَمّا کیفیت نوشتن نامه و نیز در ۴۶
کتاب کافی از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام آورده که جواب کتاب نوشتن
واجبست مانند جواب سلام گفتن و نیز در
کتاب مذکور از انحضرت علیه السلام آورده
که مهربانی و مواصلت میان برادران مومن

در حضر بایست که ببینند یکدیگر بروند
و در سفر بایست که نامه بیکدیگر بنویسند
و نیز در کتاب مذکور از انحضرت علیه السلام اورده که
ترك مکن نوشتن بسم الله الرحمن الرحیم را و اگرچه
بعد ازان شعری بنویسی و نیز در کتاب مذکور
از انحضرت علیه السلام اورده که بنویس بسم
الله الرحمن الرحیم را بهتر از چیزهائی که مینویسی و
مد مده با را پیش از انکه دندانهای سین را بلند
برداری و نیز در کتاب مذکور اورده که پرسیدند
از انحضرت علیه السلام که در نامه ابتدا باسم
انشخص که نامه را باو مینویسند چونست فرمودند
که باکی نیست این کرامتی است که او را میکند
و نیز در کتاب مذکور اورده که حضرت امام جعفر

صادق علیه السلم امر فرمودند که نامه عای بنویسند
پس چون نوشته شد بر انحضرت عرض کردند و دران
ان شاء الله ننوشته بودند انحضرت علیه السلم
فرمودند که چگونه امید دارید که انچه در نامه
نوشته اید بعمل اید و حال انکه انشاء الله را در
جاهائیکه مناسب ست ننوشته اید پس فرمودند
که هر بیند هر جا که انشاء الله ندارد بنویسید
نیز در کتاب مذکور اورده که حضرت امام رضا
علیه السلام هرگاه بکسی نامه مینوشتند خاک
بر روی نامه میپاشیدند و نیز از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم اورده که چون
رقعه یا نامه برای حاجتی بکسی بنویسی و خواهی
که انحاجت براید اول بقلم بی مداد بر سر رقعه بنویس
ام

بسم الله الرحمن الرحیم إنّ الله وعد الصّابرین
المخرج ممّا یکرهون والرزق من حیث لا
یحتسبون جعلنا الله وایّاکم من الذین
لا خوف علیهم ولا هم یحزنون راوی گفته
هرگاه چنین میکردم حاجتم برآورده میشد
۴۷ باب فضیلت وآداب تجارت کردن خبر در
کتاب کافی از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام آورده که هر که طلب تجارت کند مستغنی
میشود از مردم وبدرستی که نه عشر روزی
در تجارتست خبر در کتاب مذکور از آنحضرت
علیه السلام آورده که از تجارت کردن زیاد
میشود در عقل خبر در کتاب مذکور از آنحضرت
علیه السلام آورده که ترک کردن تجارت کم

میکند عقل را خبر در کتاب مذکور از انحضرت
علیه السلام آورده که خیری نیست در کسی
که نخواهد که مالی از حلال جمع کند که با نمال
روی خود را از سؤال حفظ کند و قرض خود را
ادا کند و با خویشان خود احسان کند خبر
در کتاب از انحضرت علیه السلم آورده که توانکری
که ترا از ظلم منع نماید بهتر است از پریشانی
که ترا بر کناه بدارد خبر در کتاب مذکور
اورده که شخصی از انحضرت علیه السلم پرسید
که من طلب دنیا میکنم و دوست میدارم
که مال دنیا داشته باشم حضرت فرمودند
که برای چه میخواهی از اکفت برای انکه خرج خود
و عیال خود بکنم و صله رحم بجا آورم و تصدق

وحج وعمره بکنم فرمودند که برای اینها کسب مال کردن
طلب دنیا نیست بلکه طلب اخرتست ونیز در
کتاب مذکور اورده که شخصی در خدمت امام حضرت
علیه السلام عرض کرد که میخواهم که دعا کنی که خدا
مرا روزی بدهد با راحت فرمودند که طلب
روزی بکن چنانچه خدا ترا امر کرده است ومن
دعا نمیکنم برای تو ونیز در کتاب مذکور از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام اورده که
کسی که طلب دنیا کند برای انکه از مردم سوال
نکند وروزی عیال خود را فراخ گرداند
وبهمسایکان خود احسان کند در روز
قیامت روی او مانند ماه شب چهارده
۲۰۶ باشد آداب فضیلت واداب زراعت کردن

و درخت نشانیدن و نیز در کتاب کافی از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
اورده که خدا یتعالی برای پیغمبرانش شخم و زراعت
کردن را اختیار کرده است که از امدن باران کراهت
نداشته باشند و نیز در کتاب مذکور از
انحضرت علیه السلم اورده که خدا یتعالی
روزی پیغمبران از در زراعات و شیر پستان
حیوانات قرار داده است تا از باران کراهت
نداشته باشند و نیز در کتاب مذکور از
انحضرت علیه السلم اورده که کیمیای
بزرك زراعت کردن است و نیز در کتاب
مذکور از انحضرت علیه السلم اورده که
زراعت کنندکان کنجهای مردم اند میکارند

و روزي پاکيزه خدا با يشان کرامت ميفرمايد
و جايگاه ايشان در قيامت از ساير مردم
نيکوتراست و منزلت ايشان از ديگران نزديک
تر است وايشان از در آن روز مبارک ميباشند
و نيز در کتاب مذکور آورده که حضرت امام
جعفر صادق عليه السلام بر جماعتي گذشتند
که شخم ميکردند پس فرمودند که زراعت کنيد
که خدا تعالي باد ميرواند زراعت را بجهت
باران ميرواند ابن بابويه در کتاب
خصال از انحضرت عليه السلام آورده
که شش چيز است که مؤمن بانها منتفع مي
شود بعد از مردن فرزند صالحي که براي
او استغفار کند و مصحفي که از و بماند

و تلاوت کنند و چاهی که بکنند و درختی
که بکارد و تصدق ابی که جاری کند و سنت
نیکی که در میان مردم بگذارد که بعد از و مردم
بان عمل کنند نیز کتاب جامع الاخبار از
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه واله
اورده که هر که بخورد از لذید خود میگذرد
بر صراط مانند برق خاطف حدیث
دیگر در کتاب مذکور اورده که واکرده میشود
از برای او درهای بهشت که از هر دری که داخل
خواهد داخل شود و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم مرویست که هیچ چیز ادمی بعد از
مرگ خود نمیگذارد که برو دشوارتر باشد از
زر براوی گفت که چه کند فرمودند که باغ

وخانه بجرد از علی بن حمزه مرویست که حضرت امام
امام موسی کاظم علیه السلام را دیدم که در
زمین خود کار میکردند و پاهای آنحضرت علیه السلام
در عرق فرو رفته بود پس فرمودند که حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه وآله وحضرت امیر
المؤمنین علیه السلام وتمام پدران من در
زمین بدست خود کار کرده اند واین کار پیغمبران
واوصیای ایشان وصالحانست ونیز در کتاب
کافی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
آورده که چون خواهی که زراعت کنی یک کف از
تخم بگیر و رو بقبله بایست وبگو أَفَرَأَيْتُم مَّا
تَحْرُثُونَ ءَأَنتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ
سه مرتبه پس بگو بَلِ اللّٰهُ الزَّارِعُ سه مرتبه

پس بگو اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَارْزُقْنَا
فِيهِ السَّلامَةَ پس ان دانه را در کف دارى
بپاش نيز در کتاب مذکور از انحضرت ع
اورده که چون دانه را بپاشى بگو اَللّٰهُمَّ
قَدْ بَذَرْتُ وَاَنْتَ الزَّارِعُ فَاجْعَلْهُ حَبًّا
مُبَارَكًا نيز در کتاب مذکور از انحضرت
عليه السلام اورده که در وقت درخت
نشانيدن و دانه پاشيدن بر هر درختى و
دانه بخواند سُبْحَانَ الْبَاعِثِ الْوَارِثِ که ان
شاء الله خطا نميکند نيز در کتاب مذکور
از انحضرت عليه السلم آورده که در وقت درخت
کشتن و زراعت کردن اين ايه را بخواند و
مَثَلُ كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ

وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ
بِإِذْنِ رَبِّهَا ره ابن بابویه در کتاب علل الشرایع
از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله
آورده که حضرت عیسی علیه السلم بشهری که شد
ودر میوهای ایشان کرم بسیار بود پس در بن
باب بانحضرت علیه السلم شکایت کردند
فرمودند که شما چون درخت میکارید اول
خاک میریزید وبعد از آن آب میدهید
باین سبب کرم در میوهای شما بهم میرسد
بعد از این اول آب بریزید وبعد از آن خاک
بریزید پس چون چنین کردند کرم از میوهای
ایشان برطرف شد انتهی نمازهای سنتی نماز ۱۰۹
شد چهارده معصوم علیه السلم سید ابن

طاوس در کتاب جمال الاسبوع از ائمه علیهم السلم
اورده که هر که هدیه بکند ثواب نماز خود را
از برای حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
واله وائمه علیهم السلم و چند میشود ثواب
نماز او باضعاف مضاعف وگفته میشود
او را پیش از انکه روح او از جسد او براید انکه
ای فلان هدیهٔ تو بما رسید واین روز
جزا و مکافات است از برای تو پس پاکیزه گردان
نفس خود را و روشن کن چشم خود را بانچه
مهیا گردانیده است خدا تعالی از برای تو
از ثواب راوی عرض کرد که چگونه هدیه کند
نماز خود را و چه بگوید فرمودند که نیت بکند
تما ثواب نماز شرا از برای حضرت رسالت پناه

صلى الله عليه واله واگرچه ممکن شود اورا
اینکه زیاد کند بر نماز پنجاه رکعت در هر روز
دو رکعت و هدیه کند از جانب یکی از ائمه
علیه السلم و افتتاح کند در رکعت اول
از هر دو رکعت مثل افتتاح نماز فریضه
بهفت تکبیر یا سه تکبیر یا یک تکبیر و بگوید بعد
هر یک از تسبیح رکوع و سجود صلی الله علیه
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ سه مرتبه و بعد از
سلام دعا بخواند بعد از نماز هدیه
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ يَا
ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْاَخْيَارِ وَ
اَبْلِغْهُمْ مِنِّي اَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ

اللّهمّ انّ هذه الرّكعات هديّة منّى الى

عبدك ونبيّك ورسولك محمّد بن

عبد الله خاتم النّبيّين وسيّد المرسلين

اللّهمّ فتقبّلها منّى وابلغه ايّاها

عنّى واثبنى عليها افضل املى ورجائى

فيك وفى نبيّك ووصىّ نبيّك وفاطمة

الزّهراء ابنة نبيّك والحسن والحسين

سبطى نبيّك واوليائك من ولد الحسين

عليهم السّلام يا ولىّ المؤمنين يا ولىّ

المؤمنين يا ولىّ المؤمنين ودر هديه

حضرت امير المؤمنين عليه السلم بگويد اللّهمّ

انّ هاتين الرّكعتين هديّة منّى الى عبدك

ووليّك وابن عمّ نبيّك ووصىّ امير

المؤمنين

اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِيطَالِبٍ اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْهُمَا
مِنّيْ وَاَبْلِغْهُ اِيَّاهُمَا عَنِّيْ وَاَثِبْنِيْ عَلَيْهِمَا اَفْضَلَ
اَمَلِيْ وَرَجَائِيْ فِيكَ وَفِيْ نَبِيِّكَ وَوَصِيِّ نَبِيِّكَ
وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
سِبْطَيْ نَبِيِّكَ وَاَوْلِيَآئِكَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ
يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا وَلِيَّ
الْمُؤْمِنِينَ نماز جعفر طيار كه مسمّى است بنماز
حبوه ونماز تسبيح سيد ابن طاوس در كتاب
جمال الاسبوع از حضرت امام زين العابدين ع
اورده كه چون جعفر ابن ابيطالب رضى الله عنه
از هجرت حبشه مراجعت نمود حضرت رسالت
پناه صلى الله عليه وآله تا يك تير پرتاب استقبال
او كردند وچون جعفر آنحضرت را ديد بجانب

آنحضرت دوید پس حضرت رسالت پناه صلی
الله علیه واله او را در بر گرفتند و ساعتی
با او سخن گفتند پس سوار شوند بر ناقه عضبا
و جعفر را ردیف خود ساختند و چون بناقه
براه افتاد رو بجانب جعفر کردند و گفتند که ای
جعفر ای برادر میخواهی که بخشش بزرگی کنم ترا میخواهم
که عطیه گران بهائی بدهم ترا میخواهی که برگزینم
ترا پس مردم گمان کردند که عطا خواهد کرد حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه واله مال بسیاری
از غنایم خیبر و این وقتی بود که فتح خیبر شده بود
پس گفت جعفر که بلی پدر و مادرم فدای تو باد
پس تعلیم او کردند نماز تسبیح را در نزد در کتاب
مذکور از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

آورده

اورده که این نماز چهار رکعت است بدو
تشهد و دو سلام بخواند در رکعت اول
الحمد و اذا زلزلت و در رکعت دوم الحمد و العادیات
و در رکعت سیم الحمد و اذا جاء نصر الله و
در رکعت چهارم الحمد و قل هو الله احد و
چون از قراءت فارغ شود در هر رکعتی پیش از
رکوع پانزده مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ و بگوید این
در رکوع ده مرتبه و چون از رکوع برخیزد در
حالتی که ایستاده باشد بگوید این ده مرتبه
و چون سجده کند بگوید این ده مرتبه پس
چون بنشیند در میان دو سجده بگوید این
ده مرتبه و چون سجده دوم کند بگوید این

ده مرتبه وچون بنشیند برای ایستادن بگوید
این را ده مرتبه وهر چهار رکعت را بهمین نحو
بگذارد که مجموع این سیصد مرتبه است که
هزار ودوصد تسبیح میشود نماز غیر موقت
محمد ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام اورده
که هرکه بگذارد دو رکعت نماز وبخواند در
هر رکعتی قل هو الله احد شصت مرتبه یعنی
بعد از الحمد بر میگردد در حالتی که نماند در
میان او وخدایتعالی هیچ گناهی نماز شکر انه
کلینی در کتاب کافی از انحضرت علیه السلام آورده
که هرگاه انعام کند خدایتعالی بتو نعمتی را پس
دو رکعت نماز بگذار بخوان در رکعت اول

فاتحة الکتاب وقل هو الله احد و در رکعت

دوم فاتحة الکتاب وقل یا ایها الکافرون

وبگوید در رکوع وسجود رکعت اول الحمد لله شکراً

شکراً وحمداً احمداً و در رکوع وسجود رکعت

دوم اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اسْتَجَابَ دُعَائِیْ وَ

اَعْطَانِیْ مَسْئَلَتِیْ ومناسب است که بعد از

این نماز بخواند دعائی را که حضرت امام زین

العابدین علیه السلام در وقت اعتراف بتقصیر

ازبجا آوردن شکر میخوانند و از ادعیه صحیفه

کامله است وهم چنین مناسب است که بخوانند

مناجات نهم را از ده مناجات ونیز در کتاب

مذکور از آنحضرت علیه السلام آورده که

صاعقه بمؤمن وکافر میرسد وبذاکر نمیرسد

ونیز در کتاب مذکور از انحضرت علیه السلام
اورده که رعد اواز فرشته ایست وبرق
تازیانه اوست ونیز در کتاب مذکور
اورده که روایت کرده شده است که
رعد اواز فرشته ایست که بزرکتر از مکس
وکوچکتر از زنبور پس شایسته است که
در انوقت بکوید سبحان من یسبح
الرعد بحمده والملائکة من خیفته
ونیز طبرسی در کتاب مکارم الاخلاق اورده
که چون آواز رعد بشنوی وصاعقه ببینی
بکو اللهم لا تقتلنا بغضبك ولا تهلکنا
بعذابك وعافنا قبل ذلك ونیز در
کتاب مذکور اورده که در وقت باریدن باران
بکو

بکو صَبیًّا هَنیْئًا دیگر در کتاب کافی آورده
که شکایت کردند در خدمت حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه وآله از
بسیاری باران فرمودند که بکوئید اَللّٰهُمَّ
حَوَالَیْنَا وَلَا عَلَیْنَا اَللّٰهُمَّ صُبَّهَا فِی بُطُونِ
الْاَوْدِیَةِ وَنَبَاتِ الشَّجَرِ وَحَیْثُ یَرْعَیٰ
اَهْلُ الْوَبَرِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا رَحْمَةً
وَلَا تَجْعَلْهَا عَذَابًا دیگر در کتاب مذکور
از انحضرت صلی الله علیه واله آورده
که اشارت نکنید بجانب باران وبجانب
هلال که خدای تعالی مکروه میدارد
انزالما شکیات نماز دیگر محمد تقی مجلسی در
کتاب حدیقة المتقین اورده که اگر کسی

شك کند در نماز دو رکعتی و نماز شام نماز ش
باطل است و اکر در نماز چهار رکعتی شك کند
پس در ان پنج صورت است و جمعی از علما
کفته اند که دانستن این پنج صورت واجب
عینی است بر همه کس بلکه شرط صحت صلوة
است که اکر کسی نداند نمازش صحیح نیست اکرچه
عادت او این باشد که شك نکند و این احوط است
اوّل انست که شك کند میان دو و سه پس
اکر پیش از اکمال سجدتین بوده باشد نمازش
باطل است و اکر بعد از اکمال سجدتین باشد
اکرچه سر بر نداشته باشد یا ذکر سجدهٔ دوم را نکرده
باشد بنا بر سه می نهد و نماز را تمام میکند و
بعد از نماز دو رکعت نشسته یا یکرکعت ایستاده

میکند و در

میگذارد دوم انست که شك کند میانهٔ سه و چهار

و درین صورت بنا بر چهار گذارد و چون سلام

دهد دو رکعت نشسته بگذارد که اگر سه رکعت

باشد چهار شود سیم انست که شك کند میان

دو و چهار پس اگر بعد از اکمال سجدتین باشد

بنا بر چهار گذارد و سلام دهد بعد ازان دو

رکعت نماز ایستاده بگذارد که اگر دو باشد

چهار شود چهارم انست که شك کند میانهٔ دو

و سه و چهار پس اگر بعد از اکمال سجدتین

بنا بر چهار گذارد و سلام دهد و دو رکعت

ایستاده بگذارد که اگر دو باشد چهار شود

بعد ازان دو رکعت نشسته بگذارد و اگر سه

باشد چهار شود و بعضی گفته اند که ه

یکرکعت ایستاده ودو رکعت نشسته بگذارد
پنجم آنست که شک کند میان چهار وپنج
پس اگر شك بعد از سجدتین است نماز راتمام
میکند ودو سجدۀ سهو بواسطۀ احتمال زیادتی
بکند واگر درمیان دو سجده شك کند درمیان
چهار وپنج ظاهر انست که تمام میکند ودو سجدۀ سهو
میکند واگر احتیاطا اعادۀ نماز کند بهتر است
اما بعضی مسائل زکواة بدانکه ایات و
احادیث که بر وجوب ان وبر عقاب ترك کنندۀ
آن وارد شده است بسیارست ازانجمله است که حق تعالی
میفرماید وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ
الْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَبَشِّرْهُمْ
بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ

فتکوی

فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ
هٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ
یعنی انکسانی که جمع میکنند طلا و نقره را و حق
الهی را نمیدهند و در راه خدا صرف نمینمایند
پس بشارت ده ازا بعذابی که دردناک باشد
در ان روزی که سرخ کنند این طلا و نقره را در
آتش جهنم و داغ کنند بانها پیشانیها و پهلوها
و پشت های ایشان را و بایشان گویند که اینست
مالهائی که از برائی خود جمع کرده بودید الحال
بچشید عذاب انها را و در حق تعالی میفرماید
مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ
كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي
كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللّٰهُ يُضَاعِفُ

لِمَنْ يَشَاءُ يعنی مثل جماعتی که صرف مینماید
مالهای خود را در راه خدا مانند دانه ایست که
که برویند از ان هفت خوشه صد دانه باشد و
خدایتعالی مضاعف میکرداند از برای هر که
میخواهد محمد ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه
اورده که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و
واله امر کردند بمنادی که ندا بکند در میان مسلمانان
که زکوا اموالکم حتی تقبل صلوتکم یعنی زکوة
مال خود بدهید تا نماز شما قبول شود و نیز انحضرت
صلی الله علیه واله فرمودند که هر که منع کند زکوة را
در اتش خواهد سوخت اما بعضی از مسائل خمس
خاتم المجتهدین شیخ بهاء الدین در کتاب جامع عباسی
آورده که خمس در هفت چیز واجب است اول غنیمتی

که از

که از کافران حربی بدست اید هر مقدار که باشد
دوم هر کانی که بهم رسد بشرط انکه بعد از اخراجات
ضروری مثل کندن وصاف نمودن قیمت انچه
بماند بیست مثقال شرعی طلا شود و بعضی از مجتهدین
را مذهب انست که دادن خمس واجبست هر چند
که قیمت ان از بیست مثقال کمتر باشد سیم هرچه
از دریا بغواصی بیرون اورند هر گاه قیمت ان بیست
مثقال طلا شود چهارم مال حلال هر گاه با مال
حرام مخلوط شود و قدر حرام بر صاحب معلوم نباشد
اما اینقدر معلوم باشد که از پنج یک زیاده نیست
در اینصورت خمس انرا باید داد هر مقدار که باشد
و باقی حلال میشود و اگر معلوم باشد که از
پنج یک زیاده است خمس را باید داد و آن زیادتی

را خمس باید نمود و بفقرا و مساکین تصدق
باید کرد پنجم زمینی که کافر ذمی از مسلمان
بخرد واجبست که خمس آن زمین یا خمس قیمت آن
یا خمس حاصل هر ساله از او بدهد ششم زری که
از زیر زمین یافته شود بشروط مقرره که ذکر
آن موجب تطویل میشود هفتم فایده که از تجارت
یا زراعت یا حرفه و مانند آن بهم رسد پس
هرگاه آن فائده زیاده از کل اخراجات یکساله
اینکس باشد خمس آن زیاده را باید داد اگر
در آنسال پیشکشی بشخصی بدهد یا نذری بجا آورد
یا غلامی یا کنیزی یا مانند آن بخرد یا او را بحج
کنند از جملهٔ اخراجات سال حساب میشود
پس آنچه بعد از وضع کل آنها بماند هر قدر

که بعد

که باشد دادن خمس آن واجبست و دادن
خمس یکمرتبه واجب است نه هر سال و مشهور است
که در میراث و بخشش دهد به خمس نیست بدانکه
نصف خمس تعلق بحضرت صاحب الامر دارد
ونصف دیگر بسادات یعنی جمعی که از جانب
پدر بهاشم که جد حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه واله است منسوبند واگر
چه از اولاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلم
نباشند بشرط آنکه شیعه اثنا عشریه
باشند ونصفی که با ایشان متعلق است
صاحب مال میتواند که خود میانه ایشان
قسمت نماید واما نصفی که تعلق بحضرت
صاحب الزمان علیه السلام دارد در زمان

غیبت انحضرت بر صاحب مال واجب است که
بمجتهد دهد تا مجتهد از میان ان جماعت قسمت
آنه احکام حج بدانکه احادیث در فضیلت ٥٣
حج بیش از ان است که درین رساله تواند گنجید و
بعضی از ان اینست محمد بن بابویه در کتاب من
لا یحضره الفقیه در وصیت حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه واله بحضرت امیر المؤمنین علیه
السلام اورده که یا علی هر که حج نکند و مستطیع
باشد کافر است زیرا که خدا تعالی میگوید
وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ
سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ
یا علی هر که تاخیر در حج کند تا انکه بمیرد مبعوث
میکند او را خدا تعالی در روز قیامت یهودی یا

یا نصرانی

یا نصرانی و شیخ طوسی در کتاب تهذیب از حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام اورده که شخصی

در خدمت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه

واله امد و عرض کرد که ای رسول خدا از خانه

خود بعزم بیت الله امده بودم وچون بدانجا

رسیدم وقت حج کذشته بود ومن مردی ام غنی

وما لدار پس بفرما مرا کاری که مال خود را

دران صرف کنم که ثواب ان مثل ثواب حج

باشد حضرت رسالت پناه صلی الله علیه

واله فرمودند که بکوه ابو قبیس نظر کن اکر

برابر ان طلای سرخ داشته باشی ودر راه

خدا صرف نمائی ثواب ان بثواب حج نمیرسد

بعد از ان فرمودند که هر که اراده داشته باشد

چون بمهیا ساختن اسباب آن مشغول شود
هرگاه بردارد یا بر زمین گذارد چیزی از آن
اسباب بنویسند از برای او خدای تعالی ده ثواب
ومحو کند از وده گناه وبلند گرداند برای او
ده درجه در بهشت وشتری که بر او سوار
باشد هرگام که از زمین بردارد یا بر زمین
گذارد مثل آن ثواب نوشته شود تا آخر حدیث
وحدیث طولانی است مشتمل بر ثواب بسیاری
ونیز در کتاب مذکور اورده که حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه واله فرمودند
که از برای کسی که حج یا عمره کند یکی از سه
چیز است یا انکه گفته میشود باو که گناهان
گذشته تو آمرزیده شد از سر گیر عمل خود را

یا انکه

یا انکه کفته میشود باو که بتحقیق حفظ کرده
شد اهل ترا و فرزندان ترا و این کمتر چیزیست
که باو کفته میشود و برقی در کتاب محاسن
اورده که انحضرت صلی الله علیه واله فرمودند
که حج و عمره دور میکند فقر را و کناهان را
چنانچه دور میکند دمه اهنکری چرک اهن را
و کلینی در کتاب کافی از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام اورده که هر که بمیرد در
راه مکه خواه در وقت رفتن و خواه در وقت
برکشتن ایمن میماند از فزع اکبر در روز
قیامت و محمد ابن بابویه در کتاب معانی
الاخبار از عبد الله بن فضل هاشمی آورده که
عرض کردم در خدمت حضرت امام جعفر

صادق علیه السلام اینکه مرا قرض بسیار است
وعیال مندم و قدرت بر گذاردن نیز ندارم یا مونت
مرادهائی که بخواهم انرا فرمودند که بگو در عقب
نمازهای فریضه اللهم صل علی محمد و
ال محمد و اقض عنی دین الدنیا و دین
الاخرة پس عرض کردم که دین اخرت کدامست
فرمودند که حج است و برقی در کتاب محاسن
از انحضرت علیه السلام اورده که هر که بخواند
هزار مرتبه ما شاء الله را در یکدفعه روزی
شود او را حج و در کتاب جامع الاخبار از ان حضرت
علیه السلام اورده که هر که بگوید هزار
مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله روزی
او میشود حج و اگر اجل او نزدیک شده باشد

بتاخیر

بنا خبر می اندازد از خدای تعالی تا آنکه حج
کند و در بعضی از روایات خواندن ذکر مذکور
هزار مرتبه از برای حج در یک مجلس وارد شده است
۱۱۴۵ آیـنا بعضی از مسائل کفارات خاتم المجتهدین
شیخ بهاء الدین در کتاب جامع عباسی
آورده که کفارهٔ ظهار یک بنده آزاد کردن است
واگر عاجز شود از آن دو ماه پی در پی روزه
بگیرد واگر از آن عاجز شود شصت مسکین
را طعام دهد هر مسکین را نیم من گندم
بوزن تبریز وکفارهٔ کسی که مؤمنی را از
روی خطا بکشد نیز مثل کفارهٔ ظهار است
و در کفارهٔ افطار قضاء ماه رمضان اگر
بعد از زوال باشد واجبست که ده مسکین را

طعام یا جامه بدهد واگر از ان عاجز باشد

سه روز پی در پی روزه بگیرد و کفارهٔ افطار

کردن یکروز ماه رمضان و افطار روزهٔ

نذر روز معین همان سه چیز است که گذشت

اما در دادن هر یک از انها مخیر است و

در کفارهٔ اینه خلاف کردن نذر خلاف است

اصح انست که مثل کفارهٔ افطار ماه رمضانست

و کفارهٔ خلاف سوگند کردن ازاد کردن

بنده است یا طعام یا جامه دادن ده مسکین

واگر از هر دو عاجز سه روز روزه بدارد

کفارهٔ خلاف عهد کردن مثل کفارهٔ

خلاف سوگند کردن است بعضی

از اخبار و اعمال و احکام متفرقه محمد ابن بابویه

در کتاب

در کتاب من لا یحضره الفقیه در ضمن حدیث طولانی
آورده که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
منع فرمودند از انداختن آب دهن را در مسجد
و منع فرمودن از خواب دروغ بستن و منع
کردن از صورت حیوان ساختن و منع کردن
از سوختن حیوانات باتش و از دشنام
دادن خروس و منع کردن از داخل شدن
در سوداء برادر مسلمانان و منع کردن
از رفتن نزد منجم و فرمودند که هرکه برود
نزد منجمی و تصدیق کند سخنان او را پس
بتحقیق اعتقاد ندارد بانچه خدای تعالی
بر پیغمبرش فرستاده است و منع کردند از
باختن نرد و شطرنج و از نواختن عود و طنبور

ومنع کردن از سنو کند در روغن خوردن و
منع کردن از نشستن در مجلس شراب و
منع کردن از دست بر رو زدن و از سخنانی
که در ان فایدهٔ اخرت نباشد و منع کردن
از چیزی خوردن در ظروف طلا و نقره و منع ۵۵
کردن از فروختن خرما برطب و مویز بانکور
پیش از انکه زرد یا سرخ شود و هرچه که مشابه
اینها باشد و از فروختن نرد و فرمودند
که لعنت کرده است خدا تعالی شراب را و هرکه
تاک می نشاند بقصد شراب و هرکه انکور
می افشرد بجهة شراب و هرکه شراب میخورد
و هرکه ساقی میشود و هرکه میفروشد
و هرکه میخرد و هرکه بهای انرا میخورد و هرکه

برمیدارد و می برد برای مردم و فرمودند که
هرکه شراب بخورد و قبول نمیکند خدایتعالی
نماز او را تا چهل روز پس اگر بمیرد و باشد در
شکم او چیزی از شراب واجب است بر خدای
تعالی که بخوراند او را از زرداب اهل دوزخ
وانچیزی که بر می آید از فرجهای زناکاران
وجمع میشود در دیگهای جهنم ومیخورند
ازان اهل دوزخ وکداخته میشود پوست
تن انها وانچه در شکم انهاست مناسب آن دعائیه
که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
میخواندند در وقت پناه جستن از مکروهات
وخوهای بد وکردارهای ناپسندیده واز
ادعیهٔ صحیفهٔ کامله است اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ

بِكَ مِنْ هَيَجَانِ الْحِرْصِ وَسَوْرَةِ الْغَضَبِ
وَغَلَبَةِ الْحَسَدِ وَضَعْفِ الصَّبْرِ وَقِلَّةِ الْقَنَاعَةِ
وَشَكَاسَةِ الْخُلُقِ وَإِلْحَاحِ الشَّهْوَةِ وَمَلَكَةِ
الْحَمِيَّةِ وَمُتَابَعَةِ الْهَوَىٰ وَمُخَالَفَةِ الْهُدَىٰ
وَسِنَةِ الْغَفْلَةِ وَتَعَاطِي الْكُلْفَةِ وَ
إِيثَارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ وَالْإِصْرَارِ عَلَى
الْمَأْثَمِ وَاسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ وَ
اسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ وَمُبَاهَاتِ الْمُكْثِرِينَ
وَالْإِزْرَاءِ بِالْمُقِلِّينَ وَسُوءِ الْوِلَايَةِ
لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا وَتَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنِ
اصْطَنَعَ الْعَارِفَةَ عِنْدَنَا وَأَنْ
نَعْضُدَ ظَالِمًا أَوْ نَخْذُلَ مَلْهُوفًا
أَوْ نَرُومَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ أَوْ نَقُولَ

فِي الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَنَعُوذُ بِكَ أَنْ
نَنْطَوِيَ عَلَى غِشٍّ أَحَدٍ وَأَنْ نُعْجَبَ
بِأَعْمَالِنَا وَنَمُدَّ فِي آمَالِنَا وَنَعُوذُ
بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ وَاحْتِقَارِ
الصَّغِيرَةِ وَأَنْ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا
الشَّيْطَانُ أَوْ يَنْكُبَنَا الزَّمَانُ
أَوْ يَتَهَضَّمَنَا السُّلْطَانُ وَنَعُوذُ
بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ وَمِنْ
فِقْدَانِ الْكَفَافِ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ
شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَمِنَ الْفَقْرِ إِلَى
الْأَكْفَاءِ وَمِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ
وَمِيتَةٍ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ وَنَعُوذُ بِكَ
مِنَ الْحَسْرَةِ وَالْعُظْمَى وَالْمُصِيبَةِ

الكبرى واشقى الشقاء وسوء المآب
وحرمان الثواب وحلول العقاب
اللهم صل على محمد وآله واعذني
من كل ذلك برحمتك وجميع المؤمنين
والمؤمنات يا ارحم الراحمين
دعا آنحضرت علیه السلام میخواندند
در وقت التجا کردن و پناه بردن بجانب
خدای تعالی و از دعاهای صحیفه کامله است
اللهم ان تشأ تعف عنا فبفضلك
وان تشأ تعذبنا فبعدلك فسهل
لنا عفوك بمنك واجرنا من عذابك
بتجاوزك فانه لا طاقة لنا بعدلك
ولا نجاة لاحد منا دون عفوك

يا غني

يَا غَنِيَّ الأَغْنِيَاءِ هَا نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ
يَدَيْكَ وَأَنَا أَفْقَرُ الفُقَرَاءِ إِلَيْكَ فَاجْبُرْ
فَاقَتَنَا بِوُسْعِكَ وَلَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا
بِمَنْعِكَ فَتَكُونَ قَدْ أَشْقَيْتَ مَنِ اسْتَسْعَدَ
بِكَ وَحَرَمْتَ مَنِ اسْتَرْفَدَ فَضْلَكَ فَإِلَى
مَنْ حِينَئِذٍ مُنْقَلَبُنَا عَنْكَ وَإِلَى أَيْنَ
مَذْهَبُنَا عَنْ بَابِكَ سُبْحَانَكَ نَحْنُ
الْمُضْطَرُّونَ الَّذِينَ أَوْجَبْتَ إِجَابَتَهُمْ
وَأَهْلُ السُّوءِ الَّذِينَ وَعَدْتَ الْكَشْفَ
عَنْهُمْ وَأَشْبَهُ الأَشْيَاءِ بِمَشِيئَتِكَ وَأَوْلَى
الأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحْمَةُ مَنِ اسْتَرْحَمَكَ
وَغَوْثُ مَنِ اسْتَغَاثَ بِكَ فَارْحَمْ تَضَرُّعَنَا
إِلَيْكَ وَأَغْنِنَا إِذْ طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَيْنَ

يديك اللهم ان الشيطان قد شمت
بنا اذ شايعناه على معصيتك فصل
على محمد واله ولا تشمته بنا بعد
تركنا اياه لك ورغبتنا عنه اليك
دعائيكه انحضرت عليه السلام ميخواندند در وقت ۵۷ دعای دیگر
ترسيدن از عقوبت پروردگار از ادعيهٔ
صحيفهٔ كامله است اللهم انك خلقتني
سويا وربيتني صغيرا ورزقتني مكفيا
اللهم اني وجدت فيما انزلت من
كتابك وبشرت به عبادك ان
قلت يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم
لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب
جميعا انه هو الغفور الرحيم وقد تقدم
منى

مِنّي ما قد علِمتَ وما انتَ اعلم بهِ منّي

فيا سوأتاه على كتابك فلولا المواقف

التي أؤمِّل من عفوك الذي شمل كل شيء

لالقيتُ بيدي ولو انّ احدًا استطاع

الهرب من ربّه لكنتُ انا احقّ بالهرب

منك وانت لا تخفى عليك خافيةٌ في

الارض ولا في السماء الّا اتيت بها وكفى

بك جازيًا وكفى بك حسيبًا اللهمّ انّك

طالبي ان انا هربتُ ومدركي ان انا فررتُ

فها انا ذا بين يديك خاضعٌ ذليلٌ

راغمٌ ان تعذّبني فانّي لذلك اهلٌ

وهو يا ربّ منك عدلٌ وان تعف عنّي

فقديمًا شملني عفوك والبستني

عافيتك فاسئلك اللهم بالمخزون من

من اسمائك وبما وارته الحجب من بهائك

الا رحمت هذه النفس الجزوعة وهذه

الرمة الملوعة التي لا تستطيع حر

شمسك فكيف تستطيع حر نارك التي

لا تستطيع صوت رعدك فكيف تستطيع

غضبك فارحمني اللهم فاني امرؤ

حقير وخطري يسير وليس عذابي مما

يزيد في ملكك مثقال ذرة ولو ان عذابي

مما يزيد في ملكك لسالتك الصبر عليه

واحببت ان يكون ذلك لك ولكن

سلطانك اللهم اعظم وملكك ادوم من

ان تزيد فيه طاعة المطيعين او تنقص

منه

مِنهُ مَعصِيَةُ المُذنِبِينَ فَارحَمنِي
يَا اَرحَمَ الرَّاحِمِينَ وَتَجاوَز عَنِّي يَاذَالجَلالِ
وَالاِكرَامِ وَتُب عَلَيَّ اِنَّكَ اَنتَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ قصيده سيّد اسماعيل حميری از سهل ٥٨
بن ذبيان مرويست كه رسيدم روزی
در خدمت حضرت امام رضا عليه السّلام
پيش از آنكه ديگری بخدمت آن حضرت
برسد پس فرمودند مرا كه خوش آمدی ای
پسر ذبيان در اين وقت ميخواستم كه ترا ببينم
گفت از برای چه ای فرزند رسول خدا فرمودند
از برای خوابی كه ديدم در شب گذشته و بر
سنی كه بعجب و رقت آورد مرا گفتم بخير باد ان
خواب انشاء الله پس فرمودند كه ای پسر ذبيان

دیدم که گویا نصب کرده شد از برای من نردبانی
که صد پایه داشت پس بر آمدم بر آن تا پایه بالا
ترین آن گفتم ای مولای من مبارکباد میگویم ترا
بطول عمر بسا باشد که زنده کانی کنی صد سال
بعدد هر پایه سالی فرمودند که هرچه خدا
خواهد میشود پس فرمودند که ای پسر ذبیان
هرگاه بر آمدم بر بالا ترین زینها دیدم که گویا
در آمدم در قبهٔ سبزی که دیده میشد
از ظاهر آن باطن آن دو دیدم جد خود رسول
خدا صلی الله علیه و آله را که در آن نشسته است
و بجانب راست وجب آنحضرت دو جوان خوش
حسن بودند که نور از روی ایشان میدرخشید
و نیز دیدم زنی را که خلقتی نورانی داشت

و دیدم مرد خوش خلقتی را که در پیش روی
انحضرت ایستاده است و این قصیده را میخواند
لام عمرو باللوی مربع پس چون حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و اله مرا دیدند فرمودند
که خوش آمدی ای فرزند من ای علی بن موسی الرضا
سلام کن پدر خود علی علیه السلام را پس سلام
کردم برو بعد ازان فرمودند که سلام کن
مادر خود فاطمه زهرا علیها السلام را پس
کردم برایشان بعد ازان فرمودند که سلام
کن بر شاعر ما و مادح ما در دار دنیا سید
اسمعیل حمیری پس سلام کردم برو و نشستم
پس رو کردند انحضرت صلی الله علیه و اله
بسوی سید اسماعیل و فرمودند که برکرد

بسوی انچه بودیم دران از خواندن قصیده پس
خواند لأم عمرو باللوی مربع لها مستنا اعلامه بلقع
پس گریه کردند انحضرت صلی الله علیه و اله
وچون رسید بقول خودش دوجهه کالشمس
اذا انطلع گریه کردن انحضرت صلی الله علیه
واله وچون رسید بقول خودش و وجه
کالشمس اذ نطلع گریه کردن انحضرت و
حضرت فاطمه و هرکه با ما انحضرت بود
وچون رسید بقول خودش قالوا له لو شئت
اعلمت من الغاية والمفزع برداشتند انحضرت
صلی الله علیه واله هردو دست خود را و
فرمودند که الهی تو شاهدی بر من و براینها
بدرستی که من اعلام کردم بخلق که غایت

دنباله

پناه من علی ابن ابی طالب است و اشاره کرد بدست
مبارک خود بجانب حضرت امیر المومنین علیه
السلام و آنحضرت در پیش روی حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله نشسته
بودند پس فرمودند حضرت امام رضا علیه
السلام که چون فارغ شد سید سمعیل از
خواندن قصیده متوجه شدند آنحضرت
صلی الله علیه و آله بسوی من و فرمودند
که ای علی ابن موسی یاد بگیر این قصیده را
و امر کن شیعیان مرا بحفظ کردن این قصیده
و اعلام کن ایشانرا که هر که حفظ کند این
قصیده را و مداومت نماید بر خواندن
آن ضامنم از برای او بهشت را از پیش خدا

تعالى اينست قصيده مباركه شريفه

لِاُمِّ عَمرٍو باللِّوىٰ مَربَعُ

طَامِسَةٌ اَعلامُهُ بَلقَعُ

تَرُوحُ عَنهُ الطَّيرُ وَحشِيَّةً

وَالاُسدُ مِن خِيفَتِهِ تَفزَعُ

بِرَسمِ دَارٍ مَا بِهَا مُونِسٌ

اِلَّا الصِّلَالُ فِي الثَّرَىٰ وُقَّعُ

رُقشٌ يَخَافُ المَوتَ مِن نَفثِهَا

وَالسَّمُّ فِي اَنيَابِهَا مُنقَعُ

لَمَّا وَقَفنَ العِيسَ فِي رَسمِهَا

وَالعَينُ مِن عِرفَانِهِ تَدمَعُ

ذَكَرتُ مَن قَد كُنتُ اَلهُو بِهِ

فَبِتُّ وَالقَلبُ شَجٍ مُوجَعُ

كانت

كَانَ بِالنَّارِ لَمَّا شَفَّنِي
مِنْ حُبِّ أَرْوَى كَبِدِي تَلْذَعُ

عَجِبْتُ مِنْ قَوْمٍ أَتَوْا أَحْمَدًا
بِخُطْبَةٍ لَيْسَ لَهَا مَوْضِعُ

وَقَالُوا لَوْ شِئْتَ أَعْلَمْتَنَا
إِلَى مَنِ الْغَايَةُ وَالْمَفْزَعُ

إِذَا أَتَوَفَّيْتَ وَفَارَقْتَنَا
وَفِيهِمِ فِي الْمُلْكِ مَنْ يَطْمَعُ

فَقَالَ لَوْ أَعْلَمْتُكُمْ مَفْزَعًا
كُنْتُمْ عَسَيْتُمْ فِيهِ أَنْ تَصْنَعُوا

صَنِيعَ أَهْلِ [illegible] ذْ فَارَقُوا
هَارُونَ فَالتَّرْكُ لَهُ أَوْدَعُ

وَفِي الَّذِي قَالَ بَيَانٌ لِمَنْ

كَانَ إِذَا يَعْقِلُ أَوْ يَسْمَعُ
ثُمَّ أَتَتْهُ بَعْدَ ذَا عَزْمَةٌ
مِنْ رَبِّهِ لَيْسَ لَهَا مَدْفَعُ
أَبْلِغْ وَإِلَّا لَمْ تَكُنْ مُبْلِغًا
وَاللهُ مِنْهُمْ عَاصِمٌ يَمْنَعُ
فَعِنْدَهَا قَامَ النَّبِيُّ الَّذِي
كَانَ بِمَا يَأْمُرُهُ يَصْدَعُ
يَخْطُبُ مَأْمُورًا وَفِي كَفِّهِ
كَفُّ عَلِيٍّ ظَاهِرًا يَلْمَعُ
رَافِعُهَا أَكْرِمْ بِكَفِّ الَّذِي
يَرْفَعُ وَالْكَفِّ الَّذِي يُرْفَعُ
يَقُولُ وَالْأَمْلَاكُ مِنْ حَوْلِهِ
وَاللهُ فِيهِمْ شَاهِدٌ يَسْمَعُ

مرکزت

من كنت مولاه فهذا له

مولى فلم يرضوا ولم يقنعوا

فاتهموه وحنت منهم

على خلاف الصادق الأضلع

وضل قوم غاظهم فعله

كأنما آنافهم تجدع

حتى إذا واروه في

وانصرفوا عن   تبعوا

ما قال بالأمس وأوصى به

واشتروا الضر بما ينفع

وقطعوا أرحامه بعده

فسوف يجزون بما قطعوا

وأزمعوا   بمولاهم

ثم كان لما كان به ازمعوا

وقاتلوا اولاده بعده

كل لكل للعمى يتبع

لا هم عليه يردون حوضه

غدا ولا هم فيهم يشفع

حوض له ما بين صنعا الى

ايلة والعرض به اوسع

ينصب فيه علم للهدى

والحوض من ماء له مترع

يفيض من رحمته كوثر

ابيض كالفضة او انصع

يفيض منه شعب خمسة

والخلق من جانبه تنزع

حَصاهُ ياقوتٌ وَمَرجانَه

وَلؤلؤٌ لم تجنِهِ اصبع

بطحاؤهُ مِسكٌ وَحافاتُهُ

يهتزّ مِنها مونِقٌ مَربَعُ

اخضَرُ ما دُونَ الوَرى ناضِرٌ

وَفاقِعٌ اصفَرُ او اَصنَعُ

فيهِ اباريقُ وقِدحانُهُ ضلَعُ

يَذُبُّ عَنها الرَّجُلُ الاَ

يَذُبُّ عنها ابنُ ابي طالِبِ

كَما يَذُبُّ الاِبِلُ الشُّرَعُ

نبأ عظيمٌ انزلَتْ هل اتى

فيهِ وَفي اولادِهِ اجمَعُ

وَالعِطرُ والرَّيحانُ انواعُهُ

ذاكَ وَقَد هَمَّت بِهِ زَعزَعٌ

رِيحٌ مِنَ الجَنَّةِ مَأمُورَةٌ

ذاهِبَةٌ لَيسَ لَها مَرجِعُ

إذا دَنَوا مِنهُ لِكَي يَشرَبُوا

قِيلَ لَهُم تَبًّا لَكُم فَارجِعُوا

دُونَكُم فَالتَمِسُوا مَنهَلًا

يُردِيكُم أو مَطعَمًا يُشبِعُ

هٰذا لِمَن والا بَني أحمَدٍ

وَلَم يَكُن غَيرَهُم يَتبَعُ

وَأنتُم يا شِيعَةَ المُرتَضى

لا تَجزَعُوا اليَومَ وَمِنها كَرِعُ

فَالفَوزُ لِلشّارِبِ مِن حَوضِهِم

وَالوَيلُ وَالذُّلُّ لِمَن يُمنَعُ

للناس

لِلنَّاسِ يَوْمَ الْحَشْرِ رَايَاتُهُمْ

فَمِنْهَا هَالِكٌ

فَرَايَةٌ

الْمُشْنِعُ

وَرَايَةٌ يَقْدُمُهَا وَلَمْ

لُكَعَ الْأَكْوَعُ

وَرَايَةٌ يَقْدُمُهَا

تَدَابَعُ

وَرَايَةٌ يَقْدُمُهَا

لَا بَرَّدَ اللّٰهُ لَهُ مَضْجَعُ

فِي سَقَرٍ أُودِعُوا

وَلَيْسَ لَهُمْ مِنْ قَعْرِهَا مُطْلَعُ

وَرَايَةٌ يَقْدُمُهَا حَيْدَرٌ

وَوَجْهُهُ كَالشَّمْسِ اِذْ تَطْلَعُ

غَدًا يُلَاقِي الْمُصْطَفَى حَيْدَرٌ

وَرَايَةُ الْحَمْدِ لَهُ تُرْفَعُ

مَوْلًى لَهُ الْجَنَّةُ مَأْمُولَةٌ

وَالنَّارُ مِنْ اِجْلَالِهِ تَفْزَعُ

اِمَامُ صِدْقٍ وَلَهُ شِيعَةٌ

يُرْوَوْا مِنَ الْحَوْضِ وَلَمْ يُمْنَعُوا

هٰذَا الَّذِي وَالِي بَنِي اَحْمَدٍ

وَالْحُبُّ فِي غَيْرِهِمْ لَا يَنْفَعُ

بِذَا اِلَيْهِ جَاءَ الْوَحْيُ مِنْ رَبِّنَا

يَا شِيعَةَ الْحَقِّ فَلَا تَجْزَعُوا

اَلْحِمْيَرِيُّ مَادِحُكُمْ لَمْ يَزَلْ

وَلَمْ يُقَطَّعْ اِصْبَعٌ اِصْبَعُ

وَبَعْدَها صَلُّوا عَلَى الْمُصْطَفى
وَصِنْوِهِ حَيْدَرَةِ الْاَمِينِ
يارَبِّ اغْفِرْ لِمَنْ عَمِلَها
وَمَنْ قَرَأَها وَمَنْ يَسْمَعُ

۵۹ وسید ابن طاؤس در کتاب مهج الدعوات از
عبد الله بن سنان اورده که حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرمودند
که عنقریب بشما خواهد رسید شبهه
که نه خواهد بود در آن زمان علامتی
و نه امامی که هدایت بکند شما را و
نجات نمی یابد از ان مگر کسی که دعاء
غریق را بخواند عرض کردم که آن دعا
کدام است فرمودند که بگو یا الله

یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب
ثبت قلبی علی دینک گفتم یا مقلب
القلوب والابصار ثبت قلبی
علی دینک فرمودند که خدا یتعالی
مقلب القلوب والابصار هست ولیکن
بگو چنانچه میگویم یا مقلب القلوب
والابصار ثبتنی قلبی علی دینک
که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
واله بشخصی پریشان فرمودند که ایا بازار
میروی و چیزهای نفیس می بینی که قادر بر
خریدن انها نداری گفت بلی فرمودند
که بهر چیزی که می بینی و قدرت بر خریدن
آن نداری حسنهٔ برای تو نوشته میشود
وار

و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
مرویست که فقرای مسلمانان چهل سال
پیش از توانگران ایشان به بهشت منتعم
میشوند پس فرمودند که از برای تو
مثلی بزنم مثل فقیر و غنی مثل دو کشتی
است که بعشاری بگذرند و کشتی خالی را
زود روانه می کنند و نگاه میدارند کشتی
پر بار را از برای حساب ... و از ان حضرت
علیه السلام مرویست که هرچند ایمان
بنده زیاد میشود تنگی روزیش بیشتر
می شود و فرمودند که اگر این بود که الحاح
و مبالغه در طلب روزی میکردند هر اینه
ایشانرا بحالی تنگتر از انچه دارند می‌انداخت
در

حد ۶۱ ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
آورده که قسم بذاتی که مبعوث کرده است
جدّم را به پیغمبری که خدای عزّ و جلّ روزی
می دهد بنده را بقدر مروّت و نازل میکند
معونت را بقدر تعب و صبر بقدر سختی بلا
و نیز در کتاب مذکور آورده که شخصی در خدمت
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد
و عرض کرد که مرا موعظه بگو فرمودند که اگر
خدای تعالی متکفّل روزی مردم است پس غم خوردن
تو از برای چیست و اگر روزی از جانب خدا قسمت
شده است پس حرص از برای چیست و اگر حساب
قیامت حق است پس جمع کردن مال از برای چیست

واگر آنچه

واگر آنچه در راه خدا میدهی خدا عوض میدهد
پس بخل از برای چیست واگر عقوبت خدا
آتش جهنم است پس نافرمانی از برای چیست
واگر مرگ حق است پس شادی از برای چیست
واگر همه چیز بر خدای عرض میشود پس مکر از برای
چیست واگر شیطان دشمن است پس غافل شدن
از برای چیست واگر همه کس بر سراط باید گذشت
پس عجب و خودستائی از برای چیست واگر همه
چیز بقضا و قدر الهی است پس اندوه از برای چیست
واگر دنیا فانی است پس دل بستن از برای چیست
دعا[ی] [نام] منقولست از حضرت امیر المومنین ۲ عم
علیه السلام که حضرت رسالت پناه صلی
الله علیه واله مرا فرمود دعاء بجهت کاتب

مهمات خصوصا دفع اعدا واین دعا را روح
القدس بر انحضرت صلی الله علیه واله فرود
اورده باید که انرا هر روز سه مرتبه بخواند
وبعد هر یکبار بکوید سبحان القادر القوی
الجبار الحی القیوم بلا معین وهر مطلب
که دارد سؤال نماید که انشاء الله مطلب با نجاح
مقرون کردد باذن الله تعالی واکر مؤمنی انرا
صد بار بخواند باخلاص نیت از اهل کشف
ویقین شود واکر هزار بار بخواند از اسرار
توحید چندان او را حاصل شود که هیچ چشمی
ندیده وهیچ کوشی نشنیده باشد ودعاء مبارک
اینست در خواندن باید که باطهارت باشد
بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّٰهُمَّ يَا ذَى الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَالْمُلْكِ
الْقَدِيمِ وَالْعَطَاءِ الْعَظِيمِ وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ
يَا مُرْسِلَ الرِّيَاحِ يَا فَالِقَ الْاِصْبَاحِ يَا بَاعِثَ
الْاَرْوَاحِ يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّمَاحِ يَا اَللّٰهُ يَا
رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا فَرْدُ يَا
وِتْرُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ
اِرْحَمْ ذُلِّى وَفَاقَتِى وَانْفِرَادِى وَخُضُوعِى
وَاعْتِمَادِى وَتَضَرُّعِى اِلَيْكَ رَبِّ سَهِّلْ
عَلَىَّ كُلَّ عَسِيرٍ وَاَمْنَعْ عَنِّى كُلَّ ظَالِمٍ
وَحَاسِدٍ وَعَاهَةٍ وَآفَةٍ وَمَرَضٍ وَشَيْنٍ
وَبَلَاءٍ وَوَبَاءٍ وَزَلْزَلَةٍ وَكُلِّ عِلَّةٍ
وَبَلِيَّةٍ يَا سُبُّوحُ يَا قُدُّوسُ يَا رَبَّ
الْمَلٰٓئِكَةِ وَالرُّوحِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ

الرّاحمین وصلّی الله علی محمّدٍ وآله

اجمعین ۶۴

ریح الاحمر در دعوات میر سلطان محمود

علیه الرحمة قصه طولانی بزبان عربی

ازبرای ایندعا دیده شد وملخّص آن اینست

که روزی درخاطر حضرت سلیمان علی نبیّنا

وعلیه السلام گذشت که آیا خدایتعالی را

خلقی خواهد بود که مسخّر او کرده باشد چیزیرا

که مسخّر من کرده است پس درانوقت شخصی

عظیم الخلقه ظاهر شد ومثل آتش

شعله می کشید حضرت سلیمان ازو پرسید

که تو کیستی گفت من ریح احمرم ومن مرضی هستم

از مرضها که خدای تعالی مرا باینصورت خلق کرده است

بر بنی آدم

بر بنی ادم و مثل خون در رکهای انها در می ایم
پس چون خدا تعالی میخواهد که کسی را بمرضی
مبتلا کند مرا بسوی او میفرستند پس اکر داخل
میشوم در دماغ او خالی میکنم دماغ او را
و دور میکنم عقل او را و دیوانه میکنم او را
و اکر داخل میشوم در چشم او کور میکنم او را
و هم چنین بیان کرد جمع اعضا را و برای هر کدام
علامت مخصوصی کفت و اکثر علما و امراض
را بیان کرد که ذکر انها موجب تطویل
میشود پس سلیمان علیه السلام فرمود
که او را بکشند او کفت که ای نبی خدا
احدی را قوت برکشتن من نیست و از
نظر سلیمان غایب شد تا انکه روزی حضرت

امام حسین علیه السلام بیمار شدند وحضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و اله
با صحابه بعیادت انحضرت تشریف
فرمودند درانحال جبرئیل علیه السلام
نازل شد وگفت ای محمد دریا فته است
او را ریح احمر حضرت فرمودند که ای برادر
من جبرئیل ایا از برای این ریح احمر علاجی
دوائی هست پس جبرئیل علیه السلام غائب
شد ودر همانوقت امد وگفت یا نبی الله
خدایتعالی هدیه فرستاده است بجانب
تو این دعاء مبارک مستجاب را وهر که بخواند
انرا در عمر خود یکبار ایمن میماند از این بلا
پس حضرت رسالت پناه صلی الله علیه واله

این دعا

این دعا را بر حضرت امام حسین علیه السلام
خواندند و امام حسین علیه السلام در همان
وقت شفا یافت بعد از آن حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله وصیت
کردند باصحاب خود که بیاموزید این
دعا را بعد از من بامت من تا آنکه باشد
از برای آنها حرزی از این بلا و اگر کسی
را ذریافته باشد ریح احمر و نجس نباشد
و این دعا بخوانند و بنویسند در ظرف
و بیاشامند از آن در همان ساعت شفا
می یابد باذن خدای تعالی و اگر بنویسد
کسی این دعا را بر کاغذ سفیدی و با خود دارد
ایمن میماند از جمیع مرضها و علتها و بلاها

ونیمرسد او را شدتی هرکز یاری میدهد
او را خدا ایتعالی بر دشمنانش اینست دعا
بسم الله الرحمن الرحیم
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ
لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَأَعَزُّ
وَأَنْصَرُ وَأَلْطَفُ وَأَكْرَمُ مِنْ كُلِّ مَا
أَخَافُ وَأَحْذَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ
كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَ
بِحَمْدِهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا بِسْمِ اللّٰهِ الشَّافِي بِسْمِ
اللّٰهِ الْكَافِي بِسْمِ اللّٰهِ الْمُعَافِي بِسْمِ اللّٰهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ
بِسْمِ اللّٰهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ بِسْمِ اللّٰهِ
رَبِّ الْعَرْشِ إِلَى الثَّرَى بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ
مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

وهو

وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ
مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ اَللّٰهُمَّ
أَنَا الرَّاقِي وَأَنْتَ الشَّافِي أَعُوذُ بِكَ
مِنْ شَرِّ مَا قَضَيْتَ اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ
أَيُّهَا الْمَلَكَانِ الْأَكْبَرَانِ أَعُوذُ بِاللّٰهِ رَبِّي
وَرَبِّكُمَا وَخَالِقِي وَخَالِقِكُمَا وَمُصَوِّرِي
وَمُصَوِّرِكُمَا خَالِقِ الصُّوَرِ وَوَازِقِ
الْبَشَرِ أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ جَمِيعِ الْآفَاتِ وَ
الْعَاهَاتِ وَالْعِلَلِ وَالْأَمْرَاضِ وَالْأَسْقَامِ
وَالْكَسَلِ وَالْجُنُونِ وَالْخَلَلِ وَالْخَبَالِ وَ
أُعِيذُ نَفْسِي بِأَسْمَائِكَ الْعِظَامِ وَبِا
الْآيَاتِ التَّمَامِ وَبِالْمَلَائِكَةِ الْكِرَامِ
يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا مَنْ لَهُ الْمُلْكُ

وَالْبَهَاءُ
وَالْمَلَكُوتِ يَا مَنْ لَهُ الْجَلَالُ وَالْجَمَالُ
وَالْكَمَالُ وَالْجَبَرُوتُ سُبْحَانَكَ مَا
اَعْظَمَ شَاْنَكَ وَمَا اَعَزَّ سُلْطَانَكَ يَا فَاطِرَ
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِينَ يَا مَلْجَأَ الْمَلْهُوفِينَ
يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ يَا ذَا الْعَظَمَةِ وَالْبُرْهَانِ
يَا ذَا الْعِزَّةِ وَالسُّلْطَانِ يَا ذَا الرَّأْفَةِ وَ
الْاِحْسَانِ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا قَاهِرًا لَا
يُقْهَرُ يَا جَبَّارًا لَا يُجْبَرُ عَلَيْهِ يَا مَنْ لَا
يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ اَعُوذُ بِكَ مِنْ
عَذَابِ الْبَدَنِ وَتَوَاتُرِ الْمِحَنِ اَعُوذُ بِكَ
مِنَ الرِّيحِ الْاَحْمَرِ وَمِنَ الدَّاءِ الْاَكْبَرِ
فِي النَّفْسِ وَالرُّوحِ وَالدَّمِ وَالْعَظْمِ وَ
اللَّحْمِ وَالْجِلْدِ وَالْعُرُوقِ وَالْعَصَبِ سُبْحَانَكَ
اِذَا

اِذا قضیت امراً فاِنّما یقول لهٗ کن
فیکون اللّٰهُ اکبرُ اللّٰهُ اکبرُ اللّٰهُ اکبرُ
یا بارِیُٔ یا بَرُّ یا ملِیُّ یا مُقضِی یا مُبدِیُٔ
یا مُغنِی یا رافِعُ یا دافِعُ یا رافِعُ یا مانِعُ
یا مُعیدُ یا دافِعُ یا رافِعُ یا ضارُّ یا نافِعُ
یا شافِی یا کافِی یا مُعافِی یا غِیاثُ
یا مُغیثُ یا جبّارُ یا قهّارُ یا باسِطُ
یا مُقسِطُ یا قائِماً بالقِسطِ یا صریخَ
المُستصرِخینَ یا غیاثَ المُستغیثینَ
یا شکورُ یا شاکِرُ یا عطوفُ یا
رءوفُ یا ناصِرُ یا مُنتصِرُ یا منصورُ
یا قادِرُ یا مُقتدِرُ یا تمخیثا شمخینا
یا اھیّا شراھیّا آدونای اصباوت

اَلْشَدائی ابلوهم یا بثونا یا تمهیثا
شمهیثا یا عَظیمَ الشّانِ یا مَذکوراً
بِکُلِّ لِسانٍ یا کَبیرُ یا عَظیمُ

ر۴۲۲۴۱۴۱۴۱۶ ۱۲ ۸ ۱۱ ۹ خو۲ع۵و۹۹۱۶۱۲ ۸ ۹۹

۶
و۴۱۱۱و۷ ۱۳ ۲ ۳ ۵ ۶ ع ر۲ع۵و۲و۶۴ ۱۱ ۲۱۵۱ا

۱۴۱
ع۴۱۵۱۱۴۶۳۱۵۱۱ ۲ ع۵و۱۵۱۱۴۱۶۳۶۴ ۱۱ ۲۳

۱۱ ۱۱ ۵۳۱۲۳۱ع۵و۱۱ ۵۳۱ ۸ ع۵و۱۱ع۵و۱۷۳۱۴۴۴۱

۱۳
۳ ۸۱۶ع۵و۱۷۸۳۵۱۱۲۳۱۴ ۷ ۵۴ع۱۳۱۲۳۱۱۱۹۲۴

۸ ۲۴۱۳۱۲۳۱۱۳ع۴۶۴ ۱۵۹۷۶۱۱۲۳۱۱ ۳ ۲ ۱

ع۴۲۲۳ ۸ ۵۱۱۴۲۲۶۲۱۱۳ص ۱۱۹۱۵۲۲۳۳۳۱طا۵ا
۳ع

۴ ۲۲۸۴۱۱۱۹۱ص۴۳ ۳ ۲ ۳ ۳ ط۲ ۳۱ ۷ ۵۱ا
ع۳

یا نِعْمَ الْمَولیٰ وَ یا نِعْمَ النَّصیرُ یا رَزّاقُ
یا مُقَدِّمُ یا مُؤَخِّرُ یا اَوَّلُ یا آخِرُ یا حَیُّ

یا قیوم

يا قيّومُ يا قآئماً على كُلِّ نفسٍ بما
كسبت يا رَبّاه يا سيّداه يا مَلِكاه
يا مُحسِن يا مُجمِل يا مولاه يا مُغيثاه
يا غياثَ المُستغيثين بجاهِ مُحمّدٍ صلّى الله
عليهِ وآلِهِ وسلّم أغِثنا يا مُحسِن
يا مَن يعلم ما نُخفي وما نُعلِن يا حليم
يا حكيم يا عليم يا أحكمَ الحاكمين
يا وليّ المؤمنين يا غوثَ الضُّعفاء
والمساكين يا غوثَ العاجزين
والسّآئلين يا كافي المتوكّلين يا
يا مُكوِّرَ الليلِ على النّهارِ ومُكوِّرَ
النّهارِ على الليلِ يا قاهِرَ كُلِّ شيطانٍ
مريدٍ يا قاصِمَ كُلِّ جبّارٍ عنيدٍ يا نِعمَ

المولى ونعم النصير   مناجات ۲۳   مناج

حضرت امام زین العابدین   ألم تسمع بفضلك يا

مناجي   دعاء من ضعيف مبتلائي

غريقا في بحور الغم حزنا

أسيرا بالذنوب وبالخطاء

أنادي بالتضرع كل يوم

مجدا بالتبتل والدعاء

لقد ضاقت علي الأرض طرا

وأهل الأرض ما عرفوا دوائي

فخذ بيدي فإني مستجير

بعفوك يا عظيم ويا رجائي

أتيتك باكيا فارحم بكائي

حيائي منك أكثر من خطائي

سايلي

سأبكي حسرةً دمعي وأبكي
إذا لم يبقَ من دمعي دماءُ
جزائي أن تعذبني ولكن
أعوذُ بحسنِ عفوكَ من جزائي
ولي همٌّ وأنت تزيلُ همّي
ولي داءٌ وأنت دواءُ دائي
وأيقظني الرجاءُ فقلتُ إلّا
رجائي تحقّقْ لي رجائي
تفضّل سيّدي بالعفوِ عنّي
فإنّي من بلاءٍ في بلاءِ

من كلام سيد الساجدين زين العابدين عليه السلام

يا من بك حاجتي وروحي بيدك
من غيرك أعرضتُ وأقبلتُ إليك

مَالِی عَمَلٌ صَالِحٌ اَسْتَظْهِرُ بِهِ
قَدْ جِئْتُكَ رَاجِیاً تَوَكَّلْتُ عَلَیكَ

دعا ۶۵ دعای از حضرت امام علی بن موسی الرضا
علیه التحیه والثنا

اِلٰهِی تُبْتُ عَنْ كُلِّ الْمَعَاصِی
بِاِخْلاصٍ رَجَائِی عَنْ خَلاصِی
اَغِثْنِی یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ
بِفَضْلِكَ یَوْمَ یُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِی

زیارت ۶۶ زیارت جامعهٔ چهارده معصوم علیهم
السلام بنیت چنین کند که زیارت
میکنم حضرات چهارده معصوم علیهم
السلام را از جانب خود و پدران و فرز
ندان خود و جمیع مؤمنین و مؤمنات

از دور

از دور از برای آنکه سنّت است تقرّب نجد

پس بگوید اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللّهِ

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

یا اَمینَ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبیبَ اللّهِ

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صِفْوَةَ اللّهِ اَلسَّلامُ

عَلَیْکَ یا اَبَا الْقاسِمِ مُحَمَّدُ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ

وَ آلِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خاتَمَ النَّبِیّینَ

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ رَبِّ الْعالَمینَ

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ

اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ رَسُولِ اللّهِ

اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ نَبِیِّ اللّهِ اَلسَّلامُ

عَلَیْکِ یا بِنْتَ حَبیبِ اللّهِ اَلسَّلامُ

عَلَیْکِ یا سَیِّدَةَ نِساءِ الْعالَمینَ

فاطمة الزهراء السلام عليكِ وعلى
بعلكِ وابيكِ ورحمة الله وبركاته
وبركاته السلام عليك يا امين
الله في ارضه وحجته على عباده
السلام عليك يا امير المؤمنين
اشهد انك جاهدت في الله حق
جهاده وعملت بكتابه واتبعت
نبيه صلى الله عليه وآله حتى
دعاك الله في جواره السلام عليك
ورحمة الله وبركاته السلام عليك
يا ابا محمد الحسن بن علي ركن الدين
السلام عليك يا ابا عبد الله الحسين بن
علي نور المبين السلام عليك يا ابا محمد

علي

عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ سَیِّدَ الْعابِدِینَ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ
عَلِیٍّ الْباقِرِ جامِعَ عُلُومِ الْاَوَّلِینَ وَ
الْاٰخِرِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ
جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ سَیِّدِ الصّادِقِینَ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا اِبْرٰهِیمَ مُوسَی
بْنَ جَعْفَرٍ خَیْرَ الْعالَمِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
یا اَبا الْحَسَنِ عَلِیَّ بْنَ مُوسَی الرِّضا فِی
الْمَرْضِیِّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا جَعْفَرٍ
مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ الرِّضا فِی الْمُؤْمِنِینَ اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ یا اَبا الْحَسَنِ عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِیٍّ هادِیَ الْمُسْتَرْشِدِینَ اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ یا اَبا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْمَیْمُونَ

خزانة الوصيين السلام عليك يا ابا
القاسم محمّد بن الحسن الهادى المهدى
حجة الله على العالمين السلام
عليكم يا ساداتي السلام عليكم يا صادقين
عن الله السلام عليكم يا حاكمين ورحمة
وبركاته اشهد انكم الائمة الراشدون
المهديون الناطقون الصادقون
المطهرون المعصومون يا محمّد
يا علىّ يا فاطمة الزهراء يا حسن يا
حسين سيّدى شباب اهل الجنة
يا موالى الطاهرين يا عيون الله
فى خلقه انا منتظر لامركم مترقب
لدولتكم معكم لا مع غيركم لا الى

عدوكم

عَدُوَّكُمْ اٰمَنْتُ بِكُمْ وَبِمَا اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ وَاَبْرَءُ
اِلَى اللّٰهِ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَاَشْهَدُ يَا مَوَالِيَّ
اَنَّكُمْ تَسْمَعُونَ كَلَامِي وَتَرَوْنَ مَقَامِي
وَتَعْرِفُونَ مَكَانِي وَتَرُدُّونَ سَلَامِي
وَاَنَّكُمْ حُجَجُ اللّٰهِ الْبَالِغَةُ وَنِعْمَتُهُ
السَّابِغَةُ وَاذْكُرُونِي عِنْدَ رَبِّكُمْ
وَاَوْرِدُونِي حَوْضَكُمْ وَاَسْقُونِي بِكَأْسِكُمْ
وَاحْشُرُونِي فِي زُمْرَتِكُمْ وَاحْرُسُونِي
مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ فَاِنَّ لَكُمْ
عِنْدَ اللّٰهِ مَقَامًا مَحْمُودًا وَشَاْنًا عَرِيضًا
وَشَفَاعَةً مَقْبُولَةً فَاِنِّي قَصَدْتُ اِلَيْكُمْ
وَرَجَوْتُ بِسَلَامِي عَلَيْكُمْ وَوُقُوفِي بِعِرَاصِكُمْ
وَاسْتِشْفَاعِي بِكُمْ اِلَى اللّٰهِ اَنْ يَعْفُوَ عَنِّي وَ

یَغفِرَ ذَنبی وَیُعَزِّزَنی وَیَرفَعَ صَرعَتی
وَیُقَوّی ضَعفی وَیَسُدَّ فَقری وَ
یُبَلِّغَنی اَمَلی وَیُعطِیَنی مُنیَتی وَ
وَیَقضِیَ حاجَتی فیما ذَکَرتُهُ مِن
حَوائِجی وَما لَم اَذکُرهُ مِمّا عَلِمَ اَنَّ
فیهِ الخِیَرَةَ لی حَتّی یوصِلَنی بِذلِکَ
اِلَی الرِّضاهُ وَالجَنَّةِ اَللّهُمَّ شَفِّعهُم
وَشَفِّعنی بِهِم وَبَلِّغنی ما سَئَلتُ
وَسَئَلتُ وَتَوَسَّلتُ بِهِم وَلا تُخَیِّبنی
مِمّا رَجَوتُهُ فیهِم یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ
بعد از ان دو رکعت نماز زیارت بکند
عربیات تحفة الزائر زیارت هشتم
زیارتیست که سید ابن طاؤس در ضمن ادعیه
عرفه

مرکبات ۶ ۷

اَلْقِيٰمَةِ [illegible] وَعَلَيْهِمْ

وَ [illegible] اَشْياعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ

وَاَهْلِ [illegible] وَبَرِئْتُ اِلَى اللهِ

وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ [illegible] حضرت امام حسین زیارت ۶۱

علیه السلام که ملا محمد باقر مجلسی علیه

الرحمة در روزهای جمعه و سایر ایام متبرکه

که میکردند این است اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا

اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ

اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراۤءِ

سَيِّدَةِ نِساۤءِ الْعالَمينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

يا وَلِيَّ اللهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ اَلسَّلامُ

عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ اَلسَّلامُ

عَلَيْكَ يا صَفِيَّ اللهِ وَابْنَ صَفِيِّهِ اَلسَّلامُ
عَلَيْكَ يا حَبيبَ اللهِ وَابْنَ حَبيبِهِ
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ وَابْنَ
حُجَّتِهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللهِ وَ
ابْنَ ثارِهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَريعَ
الدَّرَجَةِ الشّاكِيَةِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
يا صاحِبَ الْمُصيبَةِ الرّاتِبَةِ اَلسَّلامُ
عَلَيْكَ اَيُّهَا الشَّهيدُ وَابْنُ الشَّهيدِ
يا اَخَ الشَّهيدِ يا اَبَا الشُّهَداءِ اَلسَّلامُ
عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ وَ
عَلى جَدِّكَ وَاَبيكَ وَعَلى اُمِّكَ وَ
اَخيكَ وَعَلَى الْاَئِمَّةِ الطّاهِرينَ
مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَبَنيكَ اَشْهَدُ لَقَدْ

طيّب

طَيَّبَ اللهُ بِكَ التُّرابَ وَاَوْضَحَ بِكَ
الْكِتابَ وَاَعْظَمَ بِكَ الْمُصابَ وَجَعَلَكَ
وَاٰبائَكَ وَجَدَّكَ وَاَخاكَ وَاُمَّكَ
وَبَنيكَ اَئِمَّةً لِاُولِي الْاَلْبابِ
يَا بْنَ الْمَيامينِ الْاَطْيابِ التّالينَ
الْكِتابَ وَجَّهْتُ سَلامي اِلَيْكَ
صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَجَعَلَ اَفْئِدَةً
مِنَ النّاسِ تَهْوي اِلَيْكَ ما خابَ
مَنْ تَمَسَّكَ بِكَ وَلَجَاَ اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِياءِ
الْمَرْضِيّينَ بِاَفْضَلِ صَلَواتِكَ وَبارِكْ
عَلَيْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَكاتِكَ اَلسَّلامُ
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَعَلى اَرْواحِهِمْ

وَاَجسادِهِم وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

[illegible] هرگاه بانگ نماز بشنوی ۶۶
مُستحب است که همچنانکه مؤذّن گوید
تو نیز فصول را بگوئی امّا چون مؤذن
شهادتین را بگوید تو بگوئی وَاَنَا اَشهَدُ
اَن لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ
وچون حَیَّ عَلَی الصَّلوٰة گوید تو بگوی لا حَولَ
وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظیمِ و
بعد ازان بگوی مَرحَباً بِالقائِلینَ عَدلاً
۲۰ وَبِالصَّلوٰةِ مَرحَباً وَاَهلاً [illegible]
که حضرت امام حسین و ائمهٔ معصومین
علیهم السلام را هر صبح باین نحو زیارت
کنند اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا سَیِّدی وَمَولائی

یا اباعبدالله

يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَ
بَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ
وَعَلَى اَبِيكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى اُمِّكَ
وَعَلَى اَخِيكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى
الْاَئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ اَلسَّلَامُ عَلَى الْاَرْوَاحِ
الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ سَلَامُ اللهِ عَلَيْكَ
مِنِّي اَبَدًا دَائِمًا اَلسَّلَامُ عَلَى اَنْصَارِ اللهِ
وَخُلَفَائِهِ اَلسَّلَامُ عَلَى اُمَنَاءِ اللهِ وَ
اَحِبَّائِهِ اَلسَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ
وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللهِ وَحَفَظَةِ سِرِّ اللهِ
وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللهِ وَاَوْصِيَاءِ نَبِيِّ
اللهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاَوْلَادِهِ النُّجَبَاءِ وَرَحْمَةُ اللهِ

وَبَرَكاتُهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يا اَبا
عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ سه مرتبه بگويد
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَبّاسُ الشَّهيدُ
اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ
بعد از آن دست بردارد و بگويد اَللّهُمَّ
اكْتُبْنا مِنْ زُوّارِ الْحُسَيْنِ وَتَقَبَّلْ
مِنّا بِاَحْسَنِ الْقَبُولِ اَللّهُمَّ اغْفِرْ لي
وَلِوالِدَيَّ وَلِجَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ
بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ دعا دعا
روزهاى هفته از حضرت فاطمه زهرا
عَلَيْهَا السَّلامُ كه كفعمى در تعليقات
كتاب بلد الامين آورده دعا روز جمعه دعا
اللهم

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا اَقْرَبَ مَنْ تَقَرَّبَ
اِلَيْكَ وَاَوْجَهَ مَنْ تَوَجَّهَ اِلَيْكَ
وَاَنْجَحَ مَنْ سَئَلَكَ وَتَضَرَّعَ اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْنَا مِمَّنْ كَاَنَّهُ يَرَاكَ اِلٰى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ الَّذِىْ فِيْهِ يَلْقَاكَ وَلَا
تُمِتْنَا اِلَّا عَلٰى رِضَاكَ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْنَا
مِمَّنْ اَخْلَصَ لَكَ بِعَمَلِهِ وَاَحَبَّكَ فِىْ
جَمِيْعِ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لَنَا مَغْفِرَةً جَزْمًا حَتْمًا
لَا نَقْتَرِفُ بَعْدَهَا ذَنْبًا وَلَا نَكْسِبُ
خَطِيْئَةً وَلَا اِثْمًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً نَامِيَةً دَائِمَةً زَاكِيَةً
مُتَتَابِعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً بِرَحْمَتِكَ

دعاء

يا أرحم الراحمين دعاء روز شنبه اللهم
افتح لنا خزائن رحمتك وهب لنا
اللهم رحمة لا تعذبنا بعدها أبدا
في الدنيا والآخرة وارزقنا اللهم
من فضلك الواسع رزقا حلالا طيبا
ولا تحوجنا ولا تفقرنا الى احد سواك
وزدنا لك شكرا واليك فقرا و
فقرا وبك عمن سواك غنا وتعففا
اللهم وسع علينا في الدنيا والآخرة
اللهم انا نعوذ بك ان تزوي وجهك
عنا في حالة ونحن نرغب اليك
فيها اللهم صل على محمد وآل محمد واعطنا
ما تحب واجعله لنا قوة فيما تحب

يا ارحم

يا أرحم الراحمين دعاء روز يكشنبه اللهم
اجعل أول يومي هذا فلاحا وأوسطه
صلاحا وآخره نجاحا اللهم صل على
محمد وآل محمد واجعلنا ممن أناب إليك
فقبلته وتوكل عليك فكفيته و
تضرع إليك فرحمته دعاء روز دوشنبه
اللهم إني أسئلك قوة في عبادتك
وتبصرا في كتابك وفهما في
حكمك اللهم صل على محمد وآل محمد
ولا تجعل القرآن لنا ماحلا والصراط
بنا زائلا ومحمدا صلى الله عليه وآله
وسلم عنا موليا دعاء روز سه شنبه
اللهم اجعل غفلة الناس ذكرا واجعل

ذِكْرَهُم لَنا شُكْراً وَاجْعَلْ صالِحَ ما
نَقُولُ بِاَلْسِنَتِنا نِيَّةً في قُلُوبِنا اَللّهُمَّ
اِنَّ مَغْفِرَتَكَ اَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِنا مِنْ
ذُنُوبِنا وَرَحْمَتَكَ اَرْجى عِنْدَنا مِنْ اَعْمالِنا
اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَفِّقْنا
لِصالِحِ الْاَعْمالِ وَالصَّوابِ فِي الْفِعالِ
دوزچهارشنبه اَللّهُمَّ احْرُسْنا بِعَيْنِكَ
الَّتي لا تَنامُ وَرُكْنِكَ الَّذي لا يُرامُ وَ
بِاَسْمائِكَ الْعِظامِ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ
احْفَظْ عَلَيْنا ما لَوْ حَفِظَهُ غَيْرُكَ لَضاعَ
وَاسْتُرْ عَلَيْنا ما لَوْ سَتَرَهُ غَيْرُكَ لَشاعَ
وَاجْعَلْ ذلِكَ لَنا مِطْواعاً اِنَّكَ سَميعُ
الدُّعاءِ قَريبٌ مُجيبٌ دعاء روزپنجشنبه

اللهم إني أسألك الهدى والتقى و
العفاف والغنى والعمل بما تحب
وترضى اللهم إني أسألك من قوتك
لضعفنا ومن غناك لفقرنا وفاقتنا
ومن حلمك وعلمك لجهلنا اللهم
صل على محمد وآل محمد وأعنا على شكرك
وذكرك وطاعتك وعبادتك برحمتك
یا ارحم الراحمین اوراد هر روز از روز اوراد
های هفته که حضرت صاحب الامر علیه
السلام بجهة برآمدن مطالب و مقاصد
مأثور است روز شنبه هزار بار بخوانند
لا اله الا الله روز یکشنبه هزار بار بخوانند
یا حی یا قیوم روز دوشنبه هزار بار
بخوانند اللهم صل على محمد وآل محمد

روز سه شنبه هزار بار بخواند لا حول
ولا قوة الا بالله روز چهارشنبه هزار بار
بخواند استغفر الله روز پنجشنبه هزار بار
بخواند سبحان الله روز جمعه هزار بار
بخواند یا الله اورادی که در روزهای هفته
صد بار خواندن آنها موجب افاضهٔ
فیوضات و فتوحات دینیه و دنیویه
میشود چنانچه مختار و عادت اهل کرامت است
روز شنبه صد بار بخواند لا اله الا
انت سبحانك انی کنت من الظالمین
روز یکشنبه صد بار بخواند لا اله الا الله
الملك الحق المبین روز دوشنبه صد بار
بخواند لا اله الا الله عزیزا جلیلا یا

اوراد

روز

عزیز یا جلیل روز سه شنبه صد بار
بخوانند اللهم صل علی محمد و آل محمد
وسلم تسلیما روز چهارشنبه صد بار
بخوانند لا اله الا الله خالصا مخلصا
لوجه الله روز پنجشنبه صد بار بخوانند
لا اله الا الله خالق کل شیء فاعبدوه
وهو علی کل شیء قدیر روز جمعه صد بار
بخوانند سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم مشهور است
که هر که در وقت رؤیت هلال این
نقش را نگاه کند آن ماه بخیر و خوشی
بگذرد ان شاء الله تعالی والله اعلم بالصواب

لا	الله	الا الله
محمد رسول	الله	ا ر
ع۱۱	۵۸	۹۳
۳۴۴	۱۱۳	۳۴۲
۷۸	۷۷	۷۸
۱۱۴	۱۷۳	۱۳۸
۷۶	۱۱۷	۱۱۷۱
۱۲۷	۲۱۱۷	۲۱۷۱
۳۲۷	۱۸	۳

بیان آنکه هرماه را بکدام چیز باید دید

محرم بسورهٔ الرحمن یا باب وسبزه وزر

وفیروزه ونقره صفر بسورهٔ حمعسق

یا باهینه یا آب یا انکشتر یا کف دست

ربیع الاول بسورهٔ قد سمع الله یا آب روان

یا روی زن جوان ربیع الثانی بسورهٔ تبارك

یا جواهر یا اسپ یا کوسفندان جمادی الاول

بسورهٔ مزمل یا روی پسران یا زر یا نقره

جمادی الثانی بسورهٔ مدثر یا روی فرزندان وبیرون

رجب

رجب بسورهٔ یس یا برگ گل و یا حین وکف
دست و مصحف مجید شعبان بسورهٔ ص
یا سبزه یا جامهٔ رنگین یا روی صالحان
یا گل ماه رمضان بسورهٔ محمد صلی الله
علیه واله یا پیران محتشم یا اهل وعیال
خود یا شمشیر شوال بسورهٔ فتح یا کف دست
یا نگین فیروزه یا آب یا سبزه ذی قعده
بسورهٔ نسا خوب روی یا آئینه یا کوه
یا طفل ذی حجه بسورهٔ فجر یا روی خوب یا
آب روان یا دختر خوب دیدار تعویذ
روز نوروز بمشک و زعفران بنویسند
و با خود دارند بسم الله الرحمن الرحیم
حط ۱۱۱ د ۱۱۱ ۹ ۱۱۱ ۱۱۱ ۷ ا
بروایت دیگر الا ۹ ۱۱۱ ۹ ۱۱۱ ۱۱۱ لا = ۱۱۱ حر حط

دعاء روز عاشورا مشهور است که هرکه
این دعا را در روز عاشورا سه مرتبه
بخواند دران سال نمیرد واگر اجل او
دران سال مقدر شده باشد خوندن
این دعا را فراموش کند دعا نیست
بسم الله الرحمن الرحیم
سُبْحَانَ اللهِ مِلأَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهى
الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ
لَامَلْجَأَ وَلَامَنْجَا مِنَ اللهِ اِلَّا اِلَيْهِ
سُبْحَانَ اللهِ عَدَدَ الشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَ
عَدَدَ كَلِمَاتِهِ التَّامَاتِ لَاحَوْلَ
وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ
هُوَ نِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ

النَّصِيرُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ أَجْمَعِينَ دعاء چهار شنبه صفر منقولست
که در چهار شنبه آخر ماه صفر بیند عمارا
باید خواند بسم الله الرحمن الرحیم
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ
وَسَلِّمْ وَعَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ
وَالْمَلَائِكَةِ أَجْمَعِينَ اَللّٰهُمَّ اصْرِفْ
عَنِّي شَرَّ هَذَا الْيَوْمِ وَاعْصِمْنِي مِنْ شَرِّهِ وَ
حَصِّنِّي مِمَّا يُخَافُ فِيهِ مِنْ نُحُوسَاتِهِ
وَمِنْ كُرُبَاتِهِ بِفَضْلِكَ يَا دَافِعَ الشُّرُورِ
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى
اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

تعویذ روز چهارشنبه سوری باید که
نوشته بر بازو بندد و یا در تیغ یا در ترکش
یا بر کمان بندد که در جنگ مظفر و منصور
گردد و مشهور است که این تعویذ را حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله روایت نموده اند

۳۵	۴۳	۴۵	۳۷
۴۱	۳۶	۳۱	۴۲
۳۵	۳۸	۴۵	۳۲
۴۴	۳۳	۳۴	۳۹

دعا شب برات ده مرتبه باید خواند

اللهم ان کنت کتبت اسمی فی دیوان
السعداء فلک الحمد و لک الشکر و ان
کنت کتبت اسمی فی دیوان الاشقیاء

فامح

فَامْحُهُ بِفَضْلِكَ وَكَرَمِكَ يَمْحُوا اللّٰهُ مَا
يَشَآءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْكِتَابِ
ایضا درشب پانزدهم شعبان که مشهور است
بشب براة بیست ویك مرتبه ایند عارا با
خوانند جهة ایمنی از بلیّات وامراض واسقام
وبا وطاعون اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ عَلِيمٌ ذُو اَنَاتِكَ
وَلَا طَاقَةَ لَنَا بِحُكْمِكَ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا
اَللّٰهُ الْاَمَانَ الْاَمَانَ الْاَمَانَ مِنَ الطَّا
عُونِ وَالْوَبَاءِ وَالْمَوْتِ الْفُجَاةِ وَ
شَمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا
الْعَذَابَ اِنَّا مُؤْمِنُونَ بِرَحْمَتِكَ يَا
اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بعد از ان یکمرتبه سورهٔ
دخان رابخوانند من انیس الطالبین تعوید جمعه

اخر ماه رمضان بجهت حفظ نفس و مال و وقایه
بدن از آفات و احوال در آخر روز بنویسید
در یک سطر بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا
الاول یا الله محیط به علمات لع سرل
م ون و بالحق انزلناه و بالحق نزل و
ما ارسلناک الا رحمة للعالمین ابا تراب
ابا تراب و این نسخه بدین طریق بی زیاده
و کم بخط افضل المجتهدین شیخ بهاء الدین
محمد العاملی موجود است و بعضی فقره قصیو تصحیح
توجه حیث شئت فانک منصور را بعد
از للعالمین اضافه میکنند و بعضی بعد از
لفظ ابا تراب این شکل را بسو بسند ✡ ااا م ⊟ ااا ع
سوال است منقولست که این ایه را با نقش مسطور بمشک و زعفران
بیش

پیش از صبح نوشته ناشتای روز عید نظر باید
خورد ولو ان قرآنا سیرت به الجبال او
قطعت به الارض او کلم به الموتی بل
لله الامر جمیعا ✡ ۱۱۱ م ▯ ۱۱ ۱۱ ۹۱۱ و
من مجربات منعبد خان رحمه الله طریق ختم سوره
اذا وقعت الواقعة اینست که در شب شنبه
پنج نوبت بخوانند و دیگر شبها همچنین
تا شب جمعه و شب جمعه یازده نوبت
بخوانند که مجموع چهل یکنوبت باشد
این ختم موجب فواید بسیار است از انجمله
آنکه قاری او محتاج نشود و روزی بروی
کشاده شود و غم و حزن از و زایل شود
و جمیع مرادات ببرکت این عمل مجربست و

من مجربات

فضل الهی برآید و طریق خواندن او آنکه هر نوبت

این اعتصام بخوانند یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ اَسْئَلُکَ

بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَیْکَ عَظِیْمٌ اَنْ تُصَلِّیَ

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَرْزُقَنِی الْعَمَلَ

بِمَا عَلَّمْتَنِیْ مِنْ مَعْرِفَةِ حَقِّكَ وَاَنْ

تَبْسُطَ عَلَیَّ مَا حَظَرْتَ مِنْ رِزْقِكَ یَا

رَزَّاقُ یَا وَهَّابُ یَا جَوَادُ یَا غَنِیُّ یَا

مُنْعِمُ یَا مُغْنِیْ یَا کَرِیْمُ یَا وَاسِعُ یَا مُسَبِّبَ

الْاَسْبَابِ یَا رَازِقَ مَنْ یَّشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ

وچون تمام کند هر نوبت این اعتصام بخوانند

اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذُنُوْبِیْ لَمْ یَبْقَ لَهَا اِلَّا

رَجَاءُ عَفْوِكَ وَقَدْ قَدَّمْتُ لَهُ الْحِرْمَانَ

بَیْنَ یَدَیَّ فَاَنَا اَسْئَلُكَ مَا لَا اَسْتَحِقُّهُ

وَاَدْعُوكَ وَاَسْئَلُكَ بِمَا لا اَسْتَوْجِبُهُ
وَاَتَضَرَّعُ اِلَيْكَ بِمَا لا اَسْتَاهِلُهُ
وَلَمْ يَخْفَ عَلَيْكَ حَالِي وَاِنْ خَفِيَ
عَلَى النَّاسِ كُنْهُ مَعْرِفَةِ اَمْرِي اَللّٰهُمَّ
اِنْ كَانَ رِزْقِي فِي السَّمَاءِ فَاَهْبِطْهُ
وَاِنْ كَانَ فِي الْاَرْضِ فَاَظْهِرْهُ
وَاِنْ كَانَ بَعِيدًا فَقَرِّبْهُ وَاِنْ كَانَ
قَرِيبًا فَيَسِّرْهُ وَاِنْ كَانَ قَلِيلًا
فَكَثِّرْهُ وَبَارِكْ لِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ تمّ سوره انّا ختم
فتحنا بنحوی که شرف الدین الحسنی الحسینی
نسبا السولستانی مولدا النجفی موطنا
از مشایخ خود اجازه شنیده اینست که

کسی اراده این نماید از روز شنبه ابتدا
کند تا روز پنجشنبه هر روز پنج نوبت
بخواند و روز جمعه یازده نوبت بخوانند
که مجموع چهل و یکنوبت شود و متیا[؟]
که وقت خواندن با طهارت باشد
و هر مرتبه که شروع نماید می باید که در
خواطر بگذراند که بجهة فلان مطلب ختم
این سوره میکنم و میباید که مطلب امر غیر
مشروع نباشد و در اثنای خواندن سوره
حرف نزند و هر مرتبه که بقول خدا فتحنا
قریبا برسد این دعا بخواند ما شاء الله
لا حول و لا قوة الا بالله اللهم لك
الدنیا و الاخرة تعطی من تشاء و تمنع
عمن

عَمَّنْ تَشَآءُ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ غَنِیٌّ مِنَ الْفَقْرِ
وَالْعَیْلَةِ وَاقْضِ دَیْنِیْ وَوَفِّقْنِیْ
فِیْ عِبَادَتِكَ وَارْزُقْنِیْ جِهَادًا
فِیْ سَبِیْلِكَ بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ وَ
مَعَاقِدِ عَرْشِكَ وَسُكَّانِ سَمٰوَاتِكَ
وَاَنْبِیَآئِكَ وَرُسُلِكَ اَنْ تَسْتَجِیْبَ
لِیْ فَقَدْ رَهِقَنِیْ مِنْ اَمْرِیْ عُسْرًا فَاَ
سْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
وَاَنْ تَجْعَلَ لِیْ مِنْ اَمْرِیْ فَرَجًا وَمَخْرَجًا
وَمِنَ الْعُسْرِ یُسْرًا بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِیْنَ وهر بنده که سورهٔ اَلفتحنا
را تمام کند صلوات فرستد و سورهٔ اذا

جاء نصر الله بخوانند و بعد از ان این دعا
بخوانند یا مَنْ اِذا تضایقتِ الامور
تفتح لنا باباً لاتصِلُ الیهِ اوهامنا
ضاقت علیّ اُمُوری فافتح لی باباً
لایصِلُ الیهِ وهمی اِنّکَ علی ذلِکَ
قدیرٌ وبالاِجابةِ جدیرٌ اللّهمّ
افتح لنا ابواب رحمتِکَ یا رحمٰن و
ابوابَ لطفِکَ یا لطیفُ وابوابَ
کرمِکَ یا کریمُ وابوابَ رِزقِکَ
یا رزّاقُ وابوابَ فتحِکَ یا فتّاح الٰهی
بحقّ اِنّا فتحنا لکَ فتحاً مبیناً وبحقّ ینصرکَ
اللهُ نصراً عزیزاً وبحقّ اِنّا ارسلناکَ
شاهِداً ومُبشِّراً ونذیراً وبحقّ سراجاً
منیراً

مِنْبَرًا وَبِحَقِّ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَ
سَقٰيهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا يَا مُفَتِّحُ يَا
فَتَّحُ وَيَا مُسَبِّبُ سَبِّبْ وَيَا مُسَبِّبُ سَبِّبْ
وَيَا مُسَهِّلُ سَهِّلْ وَيَا مُيَسِّرُ يَسِّرْ وَيَا
مُفَرِّجُ فَرِّجْ وَيَا مُكَرِّمُ كَرِّمْ نَصْرٌ
مِنَ اللّٰهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ
يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ وَيَا غَافِرَ الْمُذْنِبِينَ
وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا اِلٰهَ الْعٰلَمِينَ
وَيَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ وَبِحَقِّ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ
اَجْمَعِينَ ودر روز جمعه بعد از خواندن
انا فتحنا یازده مرتبه و سوره اذا جاء

ودعاء مذکوره‌ی با یدکه سه مرتبه
قل هو الله احد و سه مرتبه قل اعوذ
برب الفلق و سه مرتبه قل اعوذ برب
الناس و سه مرتبه لایلاف قریش
و یکمرتبه ایة الکرسی تا هم فیها خالدون
و یکمرتبه وَاِنْ یَکَادُ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا
لَیُزْلِقُوْنَکَ بِاَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّکْرَ
وَیَقُوْلُوْنَ اِنَّهُ لَمَجْنُوْنٌ وَمَا هُوَ اِلَّا
ذِکْرٌ لِّلْعَالَمِیْنَ بخواند بعد از ان اینرا
بخواند اَللّٰهُمَّ اَنْتَ خَلَقْتَنِیْ وَلَمْ اَکُ
شَیْئًا وَعَلَّمْتَنِیْ وَلَمْ اَعْلَمْ شَیْئًا وَرَزَقْتَنِیْ
وَلَمْ اَمْلِکْ شَیْئًا رَبِّ اِنِّیْ ظَلَمْتُ نَفْسِیْ
وَارْتَکَبْتُ الْمَعَاصِیْ وَاَنَا مُقِرٌّ بِذُنُوْبِیْ

الٰهی

الهی ان غفرتنی فلا ینقص من ملکك
شیءٌ وان عذبتنی فلا یزید فی سلطانك
شیءٌ تجد من تعذبه غیری ولا اجد
من یرحمنی غیرك اسئلك بعزتك
ان تغفر لی وتغفر لی وترحمنی
وترزقنی وتعطینی وتقضی حاجاتی
برحمتك یا ارحم الراحمین
بعد از ان مطلبی که داشته باشد از
خدای تعالی بطلبد که باجابت مقرون
خواهد بود انشاء الله تعالی بر دعوات
میر سلطان محمود مرویست از حضرت رسول
صلی الله علیه وآله که هر که را حاجتی
باشد باید که یا زده نوبت سورهٔ مزمل

بخوانند بعد از آن یازده نوبت این دعا
بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم یا مفتح فتح
یا مفرج فرج یا مسبب سبب یا مسهل
سهل یا میسر یسر یا متمم تمم و
صلی الله علی محمد و آله اجمعین
الطیبین الطاهرین مروی از حاجی محمد مجربست
سعید رحمه الله هر که چهل و یکروز
هر روز چهل و یکبار سوره فاتحة الکتاب
را بخواند و بعد از اتمام سوره مذکوره
سیزده بار هر روز این دعا بخوانند
یا مفتح فتح و یا مفرج فرج و یا مسبب
سبب و یا مسبب سبب و یا مسهل
سهل و یا متمم تمم مطالب دنیوی

و اخروی

واخروی او حاصل شود و باید که در ایام
مذکور متصل بخوانند و اگر در میان فراموش
شود باید که از سر گیرد من دعوات میر سلطان
محمود علیه الرحمة هرگاه ختم کند قرآن بگیرد
آنرا بدست خود و بایستد بر حالی که گوئی
مصحف را شفیع خود کرده پس بخواند این دعا را
بصدق واخلاص و زاری و عرض کند
حاجات خود را پس بدرستی که فی الحال
بحاجات رسد ان شاء الله تعالی دعا
اینست اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ تَوَجَّهْتُ اِلَیْكَ بِمَا
فِیْ هٰذَا الْمُصْحَفِ وَفِیْ اَسْمَآئِكَ الْكُبْرٰی
وَاَسْمَآئِكَ الْحُسْنٰی وَاَسْئَلُكَ بِجَمِیْعِ مَا
فِیْهِ مِنْ اَسْمَآئِكَ وَصِفَاتِكَ وَبِجَمِیْعِ

وَبِما اَنْزَلْتَهَا عَلى جَمِيعِ اَنْبِيائِكَ
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَنْ تَقْضِيَ حاجَتِي
يا قاضِيَ الْحاجاتِ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ
الرّاحِمِينَ ايضا من دعوات مير سلطان
از براى دفع هموم سه مرتبه بخوانند اَللّهُمَّ
رَبَّ السَّمواتِ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
اِكْفِنِي كُلَّ هَمٍّ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ
وَكَيْفَ شِئْتَ وَمِنْ اَيْنَ شِئْتَ
وَاَنّى شِئْتَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ
آلِهِ جهة وسعت رزق واداى دين
بر اين اسم مداومت بايد نمود يا مَنْ
ذُو الْاِحْسانِ قَدْ عَمَّ كُلَّ الْخَلائِقِ
مَنُّهُ وَفَضْلُهُ من زبدة الدعوات چون كسى

راح

را محنتی و شدتی پیش آید که بهیچ چیز
دفع نشود باید که هزار بار در موضع خالی
روی بقبله بنشیند و با کسی سخن نگوید
تا هزار نوبت بگوید یا مغیث اغثنی
بحق بسم الله الرحمن الرحیم یا صاحب
المرای والمسمع اغثنی بحق الطه
ویس و چون فارغ شود صد نوبت
بگوید ادفع العظیم وانت اعظم
من کل عظیم که محنت براحت مبدل
گردد ~~منقول~~ از میر محمد با فرداماد علیه الرحمة منقول
که هر گرامهمی پیش آید و بهیچ وجه ساخته
نگردد باید که در روز چهارشنبه
شروع نموده هر روز صد بار آیه علیه بخواند

تا روز جمعهٔ دیگر که مجموع ده روز
باشد امّا باید که در اثنای خواندن
با هیچکس سخن نگوید تا صد مرتبه
تمام شود و اگر احیاناً ساخته نشود نشود
باز از سر گیرد که در مرتبهٔ ثانی البته مراد
او حاصل شود یا مُفتّح الاَبواب یا
مُسبّب الاَسباب یا مُقلّب القلوب
والاَبصار یا دلیل المُتحیّرین یا
غیاث المُستغیثین یا صریخ المُستصرخین
یا مالک یوم الدین ایّاک نعبد وایّاک
نستعین نقل عن خط خاتم المجتهد بهاء
الملة والدین الشیخ بهاء الدین محمد العاملی
قدس سره باید یکصد و یازده مرتبه از برا

مرهی

مر مهمی که مشروع باشد بعد از نصف شب
یا بعد از فراغ از نماز صبح بخوانند که مجرب است
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
يَا مَنْ لَيْسَ فِي السَّمٰوَاتِ الْعُلَى إِلَى مُنْتَهَى
قَرَارِ نُجُومِ الْأَرْضِينَ غِيَاثٌ لِأَحَدٍ عِنْدَ
شِدَّةٍ نَزَلَتْ بِهِ غَيْرُكَ يَا اللّٰهُ فَرِّجْ مَا
بِنَا وَأَنْجِحْ طَلِبَتَنَا فَإِنَّكَ أَعْرَفُ بِحَاجَاتِنَا
جهت حصول مطالب در این این کلمات را
بسیار بخوانند مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ [illegible]
[illegible] الاذکار للمطالعه اَللّٰهُمَّ أَخْرِجْنِي
مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَأَكْرِمْنَا بِنُورِ الْفَهْمِ
اَللّٰهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ

وَانشُرْ عَلَینا خزائِن علوُمِکَ بِرَحمَتِکَ
یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ چوُن در مجلسی حاکمی
بنشیند بسیار بگوی اللهُ اللهُ رَبّی لا
اُشرِکُ بِهِ شَیئًا وَیُنَجّی اللهُ الَّذِینَ
اتَّقَوا بِمَفازَتِهِم لا یَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَ
وَلاهُم یَحزَنُونَ [illegible] میر سلطان محمود دعوا
هرکه کلمات وَکَلبُهُم باسِطٌ ذِراعَیهِ
بالوَصیدِ را نوشته با خود دارد از سگ
متضرّر نگردد اگر کسی خواهد که متاع
او فروخته شود هر روز هفتاد بار این
ایه را بر پیاله اب بخواند وقدری از ان
آب بران متاع بپاشد زود فروخته شود
و ایه اینست وَمَن اَوفی بِعَهدِهِ مِنَ اللهِ
فاستبشروا

فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُم بِهِ
وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ازبرای
دفع اعدا مشت خاکی از زمین بردارد واین
ایه رابخوانند وبر روی اعدا بپاشد که بعون
الهی ظفر خواهد یافت سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ
وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ
وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرُّ در مصباح کفعمی
از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اورده
که این شکل صورت اسم اعظم است وخواص
بسیاری از برای آن مذکور ساخته اینست
ااام اا اا هو وبعضی در شرح آن
گفته اند: ولین خاتمی همی باید: که بود پنج
گوشه ان خاتم: لیک شرط نوشتنش انست:

در مصباح

که نراند بران دو بار قلم ؛ بنوانید عقیب
آن سه الف ؛ که صد و یازده بود برقم ؛
بر سر هر سه چون سنان مدی ؛ بکشد لیکنا لیکه
نبود خم ؛ بعد از ان میم بی دمی باشد ؛ که
بود کور و چشم ان برهم ؛ پس بود نردبان پایه
که نباشد ازان زیاد و نه کم ؛ بعد ازان چار
الف بود هم سر ؛ چون نا مالستاده پهلوی هم ؛
هست انگاه ها و پس واوی ؛ که بود کج بهیئت
مجحم ؛ سیزده حرف باشد این صورت ؛ هر یکی
در صفا چو باغ ارم ؛ چار حرف و بیت از توریه
چار از انجیل عیسی مریم ؛ پنج حرف دگر ز قران است ؛
اسم اعظم همین فا فهم ؛ ای که تو حامل چنین اسمی ؛
ایمنی از همه بلا و سقم ؛ از وبا و علل تو ازادی ؛

دوزتب

وزتب ودرد عضو جمله الم؛ نکوزد ما دوعقرب
مرکز؛ نشوی هیچکه غمین ود ژم؛ وفی دیوان علی
علیه السلام هذه العبارة المنظومة؛ خمس
هاءات وخط فوق خط؛ وصلیب حوله اربع نقط؛
ثم همزات اذا اعددتها؛ فهی سبع لم تجد
فیها الغلط؛ ثم واو ثم هاء بعدها؛ ثم
صاد ثم میم فی الوسط؛ تلک اسماء عظام
قدرها؛ فاحفظ فیها وایاک الغلط؛
تشفی الاسقام والداء الذی؛ عجزت عنه
الاطباء النمط؛ والذی یحملها یدفع عن
جسمه کل بلاء وسخط؛ ه ه ه ه ه
ه ص ه و ء ء ء ء ء ء ء
من قوال الیقین خلاف نیست در تحریم سحر و آن

١٤٦

کرهی است یا افسونیست یا سخنی است که
تکلم کنند یا بنویسند یا عملی بکنند که
تاثیری بکند در بدن کسی یا دل او یا
در عقل او بدون انکه بظاهر مباشر ان کرده
وبعضی مطلقا ازجمله سحر شمرده اند خدمت
فرمودن ملائکه وجن را و نازل کردانیدن
شیاطین را از برای کشف امور غایبه و
شهید علیه الرحمه گفته است که از جمله
سحر است نیز نیرنجات و طلسمات و خلافی نیست
در انکه عمل سحر وکسبش حرام است وظاهرا
کبیره است اما یاد گرفتن آن بعضی تجویز
کرده اند نه بقصد عمل کردن بلکه از برای
انکه احتراز از ان بکنند [illegible] مزد عوات

میر سلطان محمود نقل است از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام که هر که شب
از ماه خواب به بیند حکمش بر اینموال
باشد شب اول و دوم هر چه بیند دروغ
باشد شب سیم اگر نیک بیند بد شود و
اگر بد بیند نیک شود شب چهارم و پنجم
و ششم بعد از چند روز یا چند ماه
یا چند سال اثر آن ظاهر شود شب هفتم
و هشتم هر چه بیند همان نوع شود شب
نهم تا چهاردهم هر چه بیند دروغ باشد
شب پانزدهم راست است و تعبیر ندارد
شب شانزدهم و هفدهم و هژدهم و نوزدهم
هر خواب که بیند انچنان شود شب بیستم

وبیست ویکم دروغ باشد شب بیست ودوم
انچه بیند همان نوع باشد شب بیست وسیم
وبیست چهارم اکر نیك دیده باشد بد اید
واکر بد دیده باشد نیك اید شب بیست پنجم
وبیست ششم بعد از چند روز یا چند ماه
یا چند سال اثر ان راست ظاهر شود شب
بیست وهفتم وبیست وهشتم وبیست نهم
وشب سی ام راست باشد جهة شیر دادن
ماده کاوی که نکذارد که بدوشند این
ایه را بنویسند وبروی به بندد که بجز بست
وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ
وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ
جهة دفع مورچه هرکس این ایت را بر کاوخ

کاز

که از سوراخ مورچه برداشته باشد و با الم
ترکیف ولایلاف بخوانند و باد بران دمد و
دور اندازد مورچها باطراف روان شوند
ایت اینست یا ایها النمل ادخلوا مسا
کنکم لا یحطمنکم سلیمان و جنوده
وهم لا یشعرون من المجربات لعود المسافر
سریعا مع السلامة یکتب فی ورقة لا اله
الا الله محمد رسول الله فیترك کلمة
التوحید عند المقیم و محمد رسول الله عند
المسافر از عبد الله عباس مرویست که اسماء
اصحاب کهف برای چند چیز نافع است از
برای کریه کودك نوشته در زیر سرش بگذارند
و از برای دشوار زاییدن نوشته بر ران راست

عورت بندند و بواسطۀ جاه بنویسند
و با خود دارند و کسی که از دشمن ترسد
بنویسد و بر بازوی راست خود بندد و کسی
که انرا با خود دارد در اب غرق نشود و از خشم
زخم ایمن ماند و خواص بسیاری از برای این
اسما نقل کرده که ذکر همه موجب تطویل است
اینست اسما مکسلمینا تملیخا ذو ثوانس
مرطونس بلینونس کنسسططوس قطمیر
و بروایت دیگر سه اسم اخر چنین است سونس
قدبرنوس شادنوس و بروایت چنین
است مکسمینا غسلکلمینا قرطنیوس
دسروس تملیخا ملیخا منقولات از روی
خط شهید علامه محمد مکی از جهة براوردن

دزد

مسطور

دزد انکشتری نقره بکیرند و به بند ذی حلقه

انکشتر را بر ریسمانی که طول آن یک شبر باشد

و بکیرند طاسی که در ان آب باشد و بیندازند

آن خاتم را در ان آب طاس هم چنانکه باسفل

طاس نرسد و ریسمانی که خاتم بآن بسته

شده است در دست نکهدارند و آن کس

که متهم است بدزدی او را در پیش خود

حاضر کنند و بخوانند این دعا را یا رب

اِن کانَ فُلانٌ سارِقًا فَلتُحَرِّكِ الخاتَمَ

بِمَشِیّتِكَ و بخوانند هر یک از معوذتین

و حمد و آیة الکرسی هفت بار پس اکر آن شخص

متهم دزد باشد میخورد و زده می شود خاتم

بدو طرف طاس و اکر آن شخص متهم حاضر نباشد

نام او بنویسند و در زیر طاس بگذارند
که این نوشتن نام او در زیر طاس مستغنی میکند
از حاضر کردن او شرح سورهٔ قل هو الله
احد نقل است از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام که هر که سورهٔ قل هو الله را
بدین دستور بنویسد و با خود دارد حضرت
عزت در همه کارها حافظ و ناصر او باشد
و دارندهٔ این سوره اگر با دشمن حرب کند
ظفر یابد و از شر دیو و پری و جن و انس
و چشم زخم و طاعون و جملهٔ بلاها در پناه
حق باشد و صاحب این تعویذ در نظر
پادشاهان و سلاطین مکرم و عزیز
باشد و اگر در میان رخت نهند از شر

دزدان وغازبان ایمن باشد وشك نباید
اورد که مجرب است وسورهٔ قل هو الله اینست

قل	هو	الله	احد	الله	الصمد	لم یلد	یلد
هو	الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم
الله	احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد
احد	الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم
الله	الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن
الصمد	لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له
لم	یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له	کفوا
یلد	ولم	یولد	ولم	یکن	له	کفوا	احد

نقل است از خاتم المجتهدین شیخ بهاء الدین که هرکه بدید بیمار رود و اینها بخواند در بیمار دمد و این نوشته در گردن بیمار ببندد واگر بیمار در حال

نزع روان باشد که بسبب اینها خدای
تعالی صحت می بخشد بسم الله الرحمن الرحیم
اللهُ قدیمٌ ازلیٌّ یزیل العلل وهو
قدیمٌ ازلیٌّ فی ازلیّة لم یزل ولا
یزال برحمتك یا ارحم الراحمین
دعاء دانه که بر اعضا پیدا شود وصله
نمك بر دارد و بما الد بران وسه مرتبه بران
بخواند لو انزلنا هذا القرآن علی
جبلٍ لرایته خاشعاً متصدعاً من
خشیة الله وتلك الامثال نضربها
للناس لعلهم یتفکرون و در تنوری
اندازد و باز کرد دجهنه کم بیرون استاد
ابله طفلان چون معلوم شود که کودکی

ابله

ابله بیرون خواهد آورد بنویسد الحمد
را باین شکل و بر کردن طفل بندد که
باسانی میگذرد و پیشتر از پوست داخته
بیرون نیاورد باذن الله تعالی و شکل اینست

الحمد لله ١٦	رب العالمین ٢	الرحمن ٣	الرحیم ١٣
مالک یوم الدین ٥	ایاک ١١	نعبد ١٠	وایاک ٨
نستعین ٩	اهدنا الصراط ٧	المستقیم ٦	صراط الذین ١٢
انعمت علیهم ٤	غیر المغضوب ١٤	علیهم ١٥	ولا الضالین ١

جهت دفع قی کردن در ظرف بنویسد و جهه
بشوید و بخورد و اگر شیرخواره باشد
مرضعه بخوراند

ق	٢	سبو	و	
ر	و	ر	ک	
ح ح	٧		ه	
ء	ع	٧	ر	

از حضرت سلیمان علی نبینا و آله و علیه السلام
منقول است که اگر در خانهٔ دیو و پری
مسلط شوند و سنگ اندازند این اسم
اعظم را بمشک و زعفران بنویسند و بیاویزند
که دیو و پری مقهور می شوند بفضل الله
تعالی بسم الله الرحمن الرحیم سعل للدا دا دا دا
مح ۱۱۸ ۷ ۱۹ ۱۱۱ ۸ ۸ ه ط ۱۱ ... د سوا ام ا ه ا د
ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ولنولد تولد بحق ایاک
نعبد و ایاک نستعین این نقش را نوشته
بشویند و بمار گزیده بخورانند که بحکم الله
تعالی شفا می یابد و اگر مار گزیده دور باشد
بخورد کسی دهد که خبر آورده مار گزیده هر جا
که باشد باذن الله تعالی به شود نقش اینست

و	م	ح
ص	ق	ل
و	ط	ی

صورت رقعهٔ که حضرت
شیخ بهاء الدین علیه
الرحمة بشاه عباس بوده ند بعرض اشرف
میرسانند که دعائیکه مجهة ابطال سحر
برکف دست راست بخاک کربلا با آب
باران نیسان باید نوشت اینست
بسم الله الرحمن الرحیم یا من اذل السحرة
باعجاز موسی علیه السلام لما القی عصاه
فاذا هی ثعبان مبین اذل عمن قصدته
سحر السحرة وکید الفجرة انک علی کل شئ
قدیر ودر وقت نوشتن مسحور باید
ناشتا باشد وچون تمام نوشته شود
کف دست را بلیسد بنوعی که هیچ چیز

دران نماند وسه روز بیابی این عمل بکند

سحر با طلا کرده طرنی تصدّق نمودن کو طرنی

سفند بجهة شفاء مریض باید که اوّل

این دعا بخواند اللهمّ منك والیك

اللهمّ هذا فداء فلان بن فلان

فتقبّل منه انّك انت السّمیع العلیم

وبعد از خواندن دعا شربتی در دهان

گوسفند گذارد در مکان مسقّف که

آسمان پیدا نباشد واین دعا بخواند

اللهمّ لحمه بلحمه ودمه بدمه

وعظمه بعظمه اللهمّ اجعله

وقاء لآل محمّد صلّی الله علیه

واله بسم الله والله اکبر انگاه ذبح

کند و بدین دستور بفقرا و مساکین
قسمت کند پوست و پاچهای بپوست
چسپیده یک قسم کله و هرچه در شکم
است دو قسم دنبه هفت قسم گوشت
پنجاه قسم چنانچه مجموع شصت قسم
شود و اگر دنبه دار نباشد گوشت را
پنجاه و هفت قسم کند و این عمل از مجربات است
طریق دیگر از شیخ بهاء الدین علیه الرحمه
منقول است که سه راس گوسفند یا پنج
راس گوسفند یا هفت راس از وجه حلال
بهم رساند که بی عیب باشد نه شاخ
شکسته و نه خصی و یک یک را برکرد
بیمار بگردانند و در وقت گردانیدن

ایندعا بخوانند اللهم یا منزل الشفاء
ومذهب الداء صل علی محمد وآل
محمد وانزل علی هذا المریض الشفاء
انک علی کل شیء قدیر وهرکوسفند
راکه بکردانند یک پارچه قندی دردهن
آن کوسفند کذارند وبعد ازان کوسفند
زنده را میانه مستحقین قسمت نمایند
واکر بکشند وکوشت انرا قسمت نمایند
هم خوب است اما پوست وکله وپاچه
انرا هم بمستحق رسانند جهت دفع طاعون
باخود نکاه دارد بسم الله الرحمن الرحیم الله
الواحد الحی القیوم الله الواحد القهار
ربی الله الذی یحیی ویمیت حسبنا اللهم

انا نعوذ

اِنّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الطَّعْنِ وَالطّاعُونِ
وَالْوَبآءِ وَالْفَجآءَةِ وَشَماتَةِ الاَعْدآءِ
وَما قَدْ سَبَقَ رَبَّنا اصْرِفْ عَنّا
الْعَذابَ اِنّا مُوقِنُونَ وَصَلَّى اللّٰهُ
عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ حَسْبُنا اللّٰهُ وَنِعْمَ
الْوَكِيلُ فَاللّٰهُ خَيْرٌ حافِظاً وَهُوَ اَرْحَمُ
الرّاحِمِينَ منقول است که این هشت اسم را
بر صاحب تب باید خواند هر اسمی را بعد
صغر ابنت اسما یا حَیُّ : یا حَکِیمُ :
یا حَلِیمُ : یا حَمِیدُ : یا حَنّانُ : یا
حَبِیبُ : یا حَفِیظُ : یا حَقُّ : برای دفع
تب این مکتوب حضرت رسالت پناه
صلّی اللّٰه علیه وآله را بر صاحب تب

هر نوع که باشد نوشته بر بازوی راست
یا بر کلو بندند و نام او و نام پدر او را
بنویسند بحکم خدا و رسول برطرف شود
بسم الله الرحمن الرحیم هذا کتاب محمد
بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم
بن عبد مناف رسول الثقلین نبی الحرمین
الی ام ملدم التی حرها من فیح جهنم اذا و
صل کتابی هذا الیک فاخرجی من جسد
فلان بن فلان ولا تکسری عظمه و
لا تاکلی لحمه ولا تشربی دمه ولا تصدعی
راسه ولا تحرقی امعاءه قلنا یا نار
کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و علی
فلان بن فلان لقطع الحمی یاخذ بیضة

دجاجة يكتب عليها هذه الاسماء ديزوى
ودحا ولى ولى واه ويلف البيضة فى
خرقة ويشويها فى النار والبيضة ينفج
والخرقة لم يحرق باذن الله ثم تقشر
البيضة ويأكلها المحموم ويحط القشور
فى الخرقة ويعلقها على عضد المحموم
يبرئ باذن الله تعالى من امان الاخطار
مجرب لدفع الحمى يكتب على القرطاس ويمحوا
ويشرب على الريق كل يوم واحدا منه و
يبتدئ بيوم الاحد والاثنين والثلثا
فان لم يزل فليشرب بعد يوم الاربعا
والخميس والجمعة فيبرا ان شاء الله تعالى
الاول لـ ااا ع ط ا و ا كـ ا ا ع ح ا

الثانی ٩ ٦ ١١١ ک ٩ ١١ و

الثالث لـ ١١١ ١١ و ک ٨ واحد ب

لدفع الحمّی یکتب هذا الطلسم ویوضع

تحت رأس المحموم یبرء باذن الله تعالی

هذا صورته پاره کاغذ باید نوشت وهر

روز بخورد بیمار دادن که مجرب است

بسم

ولا حول

ونعم

جهت دفع تب لرز بر سه پاره کاغذ باید

نوشتن وهر روز بخورد بیمار دهد که

مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم

هطط

هطك هطك هطك ههه شفاء
من الله العزيز الحكيم بحق اطط اطط
هل ترضى اطط اطيط هل ترضى اطط
اطيط هل ترضى اطط اطيط ایضًا
بجهة دفع تب لرز برنه مغز بادام
بنویسند وهر روز سه عدد در نهار
بیمار دهد که تب لرز برطرف شود
روز اول بسم الله بر یکطرف باید نوشت
و برطرف دیگر سوما و روز دوم الرحمن
برطرف و برطرف دیگر واسوما روز
سیم الرحیم برطرف وابرسوما برطرف
دیگر جهة دفع درد چشم پنبه تر کرده
برچشم نهند و بکوید عین الشمس

فی لجة البحر یا نار کونی بردا و
سلاما علی ابراهیم جهة دفع درد
دندان سر نکشت برد ندان نهد
که درد میکند وهفت بار ایند علی نحو
ایها الضرس المضروس اسکن
بعزة الله الملك القدوس صحت
یابد باذن الله تعالی جهة دفع نزله وزکام
بنویسد وبآن استنشاق نماید که البته دفع
شود بسم الله الرحمن الرحیم تمت کلمة ربك
صدقا وعدلا لا مبدل لکلماته
وهو السمیع العلیم تعویذ جهة دفع سرفه
شسته ناشتا بخورد ومریض دهند که البته
شفا باید

جهة

جهت دفع بواسیر این طلسم را بر هفت پاره
کاغذ نوشته هر کدام را در موم کافوری
کرفته هر روز صبح ناشتا بخورد مریض
دهند که تا فرو برد انشاء الله تعالی صحت
یابد ۱۱ جهت خلاص صوط طلاع الاطط ۱۱
زن حامله بر ظرف کوزه این مهر را نو اسند
وشته بخورد وی دهند که زود خلاص
شود باذن الله تعالی المص الر الر
کهیعص طه طسم طس یس ص حم حم عسق
ق ق ایضا چون زن حامله دشوار زاید
شکل سه درسه بر سه پاره سفال آب
نارسیده نویسند برین صورت و یکی را
در زیر پای راست حامله نهند و حامله

بران حمل کند وبشکند ودیکری را درزیر
پای چپ او نهند تا بشکند ویکی را
در پیش روی او بدارند تا در آن نکاه
کند که خون بآن سفال نرسد فی الحال
وضع حمل شود واین را مکرر تجربه کرده اند
اکر آدمی یا حیوانی را
حبس بول شود این اسم را

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

از جهت آدم بر انکشت پا واز جهت حیوان بر شم آن
نویسند اهکه ومکه چون
دابه را علتی شود اینها را بران موضع باید
خواند ودمید تا هفت روز اقسمت
علیك أیتها العلة بعزة عزة الله
الله وبعظمة عظمة الله وبجلال جلال الله

وبقدرة قدرة الله وبسلطان سلطان
الله وبلا اله الا الله وبما جرى به القلم
من عند الله ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم واين شكل را در پيش سر او
بايد آويخت حرز ||||| تعويذ اسپ و
غيره آورده اند كه حضرت امير المؤمنين
عليه السلام بر كردن دلدل بسته هر كه
بر اسپ يا غير اسپ بنويسد از همه بلا
ايمن باشد دعا اينست بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله وبالله والله اكبر رب الملائكة
والروح رب العرش العظيم رب الانبياء
والمرسلين اللهم احفظ من كل شدة وافة
وعلة بحرمة محمد واله المعصومين برحمتك

یا ارحم الراحمین احکام غرهٔ محرم و گرفتن
افتاب و ماه قطب راوندی در کتاب
قصص الانبیا روایت کرده است بسند
خود از شیخ صدوق محمد ابن بابویه
قمی و سند را متصل کردانیده است بحضرت
مبین الحقایق حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه که انحضرت فرمودند
که در کتاب حضرت دانیال پیغمبر نوشته
که هرگاه اول ماه محرم روز شنبه باشد در
انسال زمستان بسیار سرد باشد و باد و
باران بسیار باشد و طاعون و مرگ کودکان
بسیار شود و تب بسیار بهم رسد و عسل
کم باشد و دملان بسیار باشد و زراعتها

از افتها

ازانها بسلامت ماند و بعضی
از درختان میوه وانکور افت برسد
وارزانی باشد و در روم طاعون
باشد و عرب با ایشان جنک کنند
واسیر و غنیمت بسیار از ایشان بدست
عرب در اید و پادشاه را در جمیع مواضع
غلبه باشد بمشیت حق تعالی وهر سال
که اول محرم روز یکشنبه باشد زمستان
نیکو کذرد و باران بسیار بباید و بعضی
از درختان و زراعتها افت برسد و
دردهای مختلف و مرکهای صعب شایع
کردد و عسل کم بعمل اید و در هوا اثر
وبا بهم رسند و در اخر سال اندک

گرانی در خرد بنها حادث شود و
در اخر سال پادشاه را غلبه بود هد
و هر سال که اول محرم روز دوشنبه
باشد زمستان نیکو گذرد و تابستان
بسیار گرم باشد و باران در وقتش
بسیار بیارد و گاو و گوسفند بسیار
بوجود اید و عسل بسیار باشد و
نرخ خورد نیها در بلاد جبل یعنی شهر
هائی که در میان اذربایجان و عراق
و عرب و خورستان و فارس است
ارزان باشد و میوه بسیار باشد و زنان
بسیار بمیرد و در اخر سال کسی بر پادشاه
خروج کند و در نواحی مشرق و
بعضی

بعضی از اهل فارس غم و دلگیری برسد
و زکام در بلاد جبل بسیار باشد و
هر سال که اول محرم روز سه شنبه
زمستان بسیار سرد باشد و برف
و یخ بسیار باشد و در بلاد جبل و
ناحیهٔ مشرق گوسفند و عسل بسیار
باشد و بعضی از درختان میوه دار
و انگور کم و آفت رسد و در ناحیهٔ مغرب
و شام بادشاهٔ در آسمان ظاهر شود
که از آن خلق بسیار بمیرند و بر پادشاه
صاحب خروجی قوی خروج کند و پادشاه
برو غالب آید و در زمین فارس بعضی
از ازغالها آفت یابد و نرخها گران شود

ودر اخر سال وهر سالی که اول محرم دوشنبه
چهارشنبه باشد زمستان وسط باشد
ودر تابستان بارانهای نافع بباردو
غلات ومیوها در بلاد جبل وبلاد مشرق
بسیار باشد اما مردمان بسیار بمیرند
ودر اخر سال در زمین بابل وبلاد جبل
افتی بمردم رسد ونرخهای ایشان ارزان
باشد ویاد بر دشمنا غالب اید وهر سال
که اول محرم روز پنجشنبه باشد زمستان
ملایم کدزد ودر جمیع نواحی مشرق کند
ومیوه ها وعسل بسیار باشد ودر اخر
واخر سال شب بسیار بهم رسد وودم
بر مسلمان غلبه بهم رسد پس عرب بر ایشان
غالب

غالب شود و در ناحیهٔ مغرب و در زمین
سند محاربات واقع شود و پادشاهان
عرب مظفر باشد و هر سال که اول محرم
روز جمعه باشد در زمستان سرما
نباشد و باران کم بارد و آب چشمها
و رودخانها کم باشد و در بلاد جبل صد
فرسخ در صد فرسخ غله کم باشد و مرگ در
همهٔ مردم بسیار باشد و در ناحیهٔ مغرب
گرانی باشد و بعضی از درختان آفت
برسد و در روم در بر فرس غلبهٔ عظیم بهم رسد
اما احکام گرفتن آفتاب در ماه هاهای
دوازده گانه پس هر سال که محرم آفتاب
بگیرد در آن سال ارزانی باشد و در آخر

سال دردها و بیماریها در مردم حادث
شود و پادشاه بر دشمنان ظفر یابد و زلزله
حادث شود و بعد از آن بسلامت باشد
و هر سال که در ماه صفر آفتاب بگیرد در ناحیهٔ
مغرب ترس و گرسنگی مردم را روی دهد
و جنگ و کشش بسیار در مغرب بظهور
آید پس در ماه ربیع الاول آفتاب بگیرد
درمیان مردم صلح پدید آید و اختلاف
کم باشد و پادشاه در مغرب یابد و گاو
و گوسفند کم باشد و در آخر سال فراوانی
بهم رسد و در بادیه درمیان مردم شر و با
بهم رسد و هر سال که در ربیع الاخر آفتاب
بگیرد درمیان مردم اختلاف بسیار باشد

وطو

وخلق عظیم بقتل رسند وکسی بر پادشا
خروج کند و بیم ترس وکشش و غارت
شود و مرگ بسیار باشد و هر سال که
در ماه جمیدالاولی آفتاب بگیرد روزی
مردم فراخ شود در ناحیهٔ مشرق و مغرب
و پادشاه با رعیت در مقام شفقت
باشد و با ایشان احسان نماید و پاس
خواطر ایشان بدارد و هر سال که در ماه
جمید الثانی آفتاب بگیرد مرد عظیمی
در جانب مغرب بمیرد و در بلاد مصر
جنگهای عظیم وکشش بسیار واقع شود
و در بلاد مغرب در آخر سال گرانی
بهم رسد و هر سال که در ماه رجب آفتاب

بگیرد زمین آبادان شود ودر کوهستانها
وناحیهٔ مشرق باران بسیار بارد ودر
ناحیهٔ فارس ملخ فرود آید اما ضرر بایشان
نرسانند وهر سال که در ماه شعبان
آفتاب بگیرد همگی مردم از شر پادشاه سالم
باشند وپادشاه بر دشمنان شود ودر مغرب
ظفر یابد ودر بلاد جبل در اخومرات بسیار
پدید آید وبزودی بر طرف شود وهر سال
که در ماه رمضان آفتاب بگیرد مردمان
همگی پادشاه فارس را اطاعت کنند
ودوم دا بر عرب غلبهٔ عظیم بهم رسد
پس ایشان بر روم غالب شوند وغنیمت
واسیر بسیار از ایشان بگیرند وهر سال

که در

که در ماه شوال آفتاب بگیرد در بلاد
هند ذبح وکشش بسیار شود وکیاه زمین
در شهرهای مشرق بسیار باشد وهر سال
که در ماه ذی القعده آفتاب بگیرد باران
بسیار ببارد وخرابی در ناحیهٔ فارس
بظهور آید وهر سال که در ماه ذی الحجه
آفتاب بگیرد باد بسیار بود ودرختان
کم شود ودر هر شهر از شهرهای مغرب خرابی
پدید آید وگندم وجو کم وگران باشد و
کسی بر پادشاه خروج کند واز آن زوبه بسیار
پادشاه برسد ودر فارس خوردنیها گران
شود ودر سال دیگر ارزان شود آثار
آثار گرفتن ماه پس در هر سال که در ماه محرم ماه

آثار گرفتن ماه

بگیرد در مغرب بزرگی بمیرد و میوه در بلاد
جبل کم باشد و در میان مردم خارش بدن
بسیار باشد و در زمین بابل درد چشم
بسیار بهم رسد و مرگ بسیار بود و نرخها
گران باشد و کسی بر پادشاه خروج کند
و پادشاه برو مظفر یابد و لشکر او را بقتل
آورد و هر سال که در ماه صفر ماه بگیرد
قحط و بیماری در شهرهای بابل شود بحدی
که بیم هلاک باشد پس بعد از آن باران
بسیار ببارد و گیاه زمین و احوال مردم نیک
شود و در بلاد جبل میوه بسیار شود و
هر سال که در ماه ربیع الاول ماه بگیرد
در بلاد مغرب کشش بسیار شود و مرض

یرقان

یرقان در مردم بهم رسد و در ناحیهٔ شهرها
میوه بسیار شود و در بلاد جبل کرم در
سبزیهای ایشان بیفتند و خرابی بسیار
در شهرها پدید آید و هر سال که در ماه
ربیع الاخر ماه بگیرد آب در کوهها بسیار
باشد و فراوانی بهم رسد و آب بسیار باشد
و آنسال مبارک باشد و پادشاه در مغرب
ظفر یابد و هر سال که در ماه جمید الاول
ماه بگیرد خون بسیار در بادیه ریخته
شود و پادشاه شام را بلائی عظیم رسد
وکسی بر پادشاه خروج کند و پادشاه ظفر
یابد و هر سال که در ماه جمید الاخر ماه
بگیرد باران کم آید و آب کم باشد در نینوی

که در حوالی کوفه ست یا موصل و در آن حال

جزع عظیم و گرانی شد یا حادث شود

و پادشاه بابل را بلائی عظیم رود و نقل و

هر سال که در ماه رجب ماه بگیرد در ناحیه

مغرب طاعون و قحط پیدا شود و در بابل

باران بسیار بارد و در همه شهرها درد چشم

بسیار شود و هر سال که در ماه شعبان

ماه بگیرد پادشاه کشته شود یا بمیرد و بر پیش

پادشاه شود و شعرات بالا رود و قحط

در میان مردم پیدا شود و هر سال که در ماه

رمضان ماه بگیرد در بلاد جبل سرما سخت

شود و برف و باران بسیار بارد و آب

بسیار باشد و در زمین فارس درندگان

بسیار

بسیار بهم رسند و در شهرها مرگ اطفال
و زنان بسیار باشد و هر سال که در ماه
شوال ماه بگیرد پادشاه بر دشمنان غالب
شود و در میان مردم بلا و فتنه بسیار
باشد و هر سال که در ماه ذی القعده ماه
بگیرد در شهرهای عظیم فتح شود و گنجها در بعضی
از زمینها و کوهها پیدا شود و هر سال که
در ماه ذی الحجه ماه بگیرد مرد بزرگی در مغرب
بمیرد و مرد ناسفی و فاجری دعوی پادشاهی
کند بدانکه محقق قدوه خواجه نصیر الملة و
الدین الطوسی قدس سره بعینی چند در باب
خواص نزول قمر در بروج اثنا عشر ذکر فرموده
اند و ملخص آن این است نیکوست از برای

سفر کردن و تیر انداختن و جامه نو پوشیدن
و شکار کردن و ابتدا در کاری نمودن و
فصد و حجامت کردن و ملاقات پادشاهان
نمودند و بداست از برای وضع بنا و خانه
و زراعت [illegible] نیکوست از برای عقد و تزویج
و دیدن دوستان و نوشتن نامه بجانب
ایشان و استعمال خوشبوئی نمودند و شرکت
کردن و بیع کردن بندگان و کنیزکان و نشاندن
درختان و گریختن از نزاع و جدال و بدست از
برای فصد کردن و حمام رفتن جوزا نیکوست
از برای خریدن و فروختن بندگان و از برای
دیدن کتاب و از برای ملاقات امرا و نوشتن
خطوط و تیر انداختن و جامه نو پوشیدن

و نو کردن

وسفر کردن وبداست از برای ناخن کردن و
فصد وحجامت کردن سرطان نیکوست از برای
سفر کردن ومسهل خوردن ونوشتن خطوط
ورفتن حمام وتراشیدن سر وپوشیدن جامه
نو وبداست از برای تزویج وبناه وفصد
اسد نیکوست از برای عهد وپیمان وشروع
درکارهای آتشی وفصد واشتغال با مردم
وطلب حاجات وامان خواستن وبیع بندها
وبداست از برای سفر کردن ونو پوشیدن
سنبله نیکوست از برای بریدن جامها
وتعلیم وتعلم وکار زراعت وبیع بندکان
وبداست از برای تزویج وسفر خشکی وعلاج
امراض وفصد وامر صناعت وهنروری

میزان نیکوست از برای سفر و بیع جواهر
و پوشیدن جامهٔ نو و خوردن شربتها
تا وقتی که ماه بهجده درجه از میزان برسد
و هرگاه ماه بهجده درجه از میزان بگذرد
شایسته نیست برای هیچ کار و هر که کاری کند
بعد از انقضای هجده درجه از میزان مبارک
نخواهد بود آن کار برو عقرب نیکوست از
برای خوردن ادویه و قی کردن و غرغره کردن
و معاجین ساختن و حمام رفتن و بر دشمن
حمله آوردن و اسپ تاختن و ناخن گرفتن
و بداست از برای غیر این کارها قوس نیکوست
از برای تزویج و تعلیم و فصد و شکار کردن
و بداست از برای خریدن جواهر و حیوانات

و سرتراشیدن

وسر تراشیدن ومسهل خوردن وقرض
دادن وجامهٔ نو پوشیدن جدی نیکوست
از برای ساختن کاریزها وپوشیدن جامهٔ
نو وشکار کردن وپناه بخدا بودن از سحر
خصوصا هرگاه عطارد بسوی قمر ناظر باشد
وبد است از برای ملاقات سلاطین وترویج
وفصد دلو نیکوست از برای زراعت
واخذ عهد ومیثاق وخریدن بندگان
وتعمیر حصون وبد است از برای نقل از خانها
وترویج وفصد حوت نیکوست از برای
ناخن گرفتن وفصد کردن ونو پوشیدن
ودعوت نمودن واز برای ملاقات اشراف
بدانکه حمل وثور وجوزا بفصل بهار تعلق

۱۷۰

دارد و هم چنین شش برج بیکی از فصول

اربعه تعلق دارد بترتیب فصول و برج

و برجهای اول فصول را منقلب خوانند

و برجهای اواسط فصول را ثابت و

برجهای اواخر فصول را ذوجسدین

خوانند. مثلا حمل منقلب ثور ثابت جوزا

ذوجسدین و اگر خواهی که بدانی که قمر

در کدام برج است طریق معرفتش اینست

که هر چه از ماه عربی گذشته باشد آنرا

مضاعف کن و پنج دیگر بران بیفزای پس

هر چه جمع شود پنج پنج روز از آن بهر بات

از بروج بنه و ابتدا کن در طرح پنج پنج از

برجی که آفتاب دران برج است تا برسد

به برجی

به برجی که نیز با و نمیرسد پس بدانکه ماه
دران برج است و در تقویم المحسنین
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام اورده
که در سال بیست و چهار روز نحس ردیت
بانجام نمیرسد کاری که شروع کرده شود
در انها و نیکو نمیکند درختی که
غرس کرده شود در انها در هر ماهی
از انها دو روز است پس در محرم یازدهم
و چهاردهم و در صفر اول و بیستم و در
ربیع الاول دهم و بیستم و در ربیع الثانی
اول و یازدهم و جمادی الاول دهم و
یازدهم و در جمادی الثانی اول و یازدهم
و در رجب اول و سیزدهم و در شعبان

چهارم و پنجم و در ماه رمضان سیم
و بیستم و در شوال ششم و هشتم و در ذی
القعده ششم و دهم و در ذی الحجه هشتم
و بیستم و از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام آورده که در هر سالی دوازده روز است
که هر که اجتناب نماید از انها نجات می یابد
و هر که واقع شود در انها بهلاکت می افتد
حفظ کنید انها را در هر ماهی از انها یک روز است
در محرم بیست و دوم و در صفر دهم و در
ربیع الاول چهارم و در ربیع الثانی بیست و هشتم
و در جمادی الاول بیست و هشتم و در جمادی
الثانی دوازدهم و در رجب دوم و در شعبان
بیست و ششم و در ماه رمضان بیست و چهارم

و دوم

ودر شوال دوم ودر ذی القعده پست وهشتم
ونیز در تقویم المحسنین از حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه واله اورده که هر که قطع
کند جامه را در روز یکشنبه میرسد او را غم
ومبارک نیست ودر روز دوشنبه هر که
جامه را قطع کند مبارکست ودر روز سه شنبه
هر که جامه را قطع کند دزد ان را میبرد یا
غرق میشود یا میسوزد ودر روز چهارشنبه
هر که جامه را قطع کند خواهد بود در عیش
واسانی ودر روز پنجشنبه هر که جامه را
قطع کند روزی او میشود علم نه را نیجامه
وخواهد بود گرامی در پیش ادمی ودر
روز جمعه هر که قطع کند جامه را طولانی میشود عمر او

وزیاد میشود دولت او و در روز شنبه

هر که جامه را قطع خواهد بود نیماد تا آنجا

در بدنش باشد مگر آنکه ببخشد آنرا

من کتاب وسایل الشیعه عن ابی عبد الله

علیه السلام قال السبت لنا والاحد لشیعتنا

والاثنین لاعدائنا والثلثا لبنی امیه و

الاربعاء یوم شرب الدواء والخمیس یقضی

فیه الحوائج والجمعة للتنظیف والتطیب الی

اخر الحدیث من مصباح الکفعمی ومما ینسب

الی علی علیه السلام فیما یصلح فعله فی الایام

اذا الاحد المبارک یوم سعد

لغرس العود یصلح والبناء

وفی الاثنین للتعلیم امر

وبالکره

وَبِالْبَرَكَاتِ يُعْرَفُ وَالرَّجَاءِ
وَإِنْ رُمْتَ الْحِجَامَةَ فِي الثُّلَثَا
فَذَلِكَ الْيَوْمُ إِهْرَاقُ الدِّمَاءِ
وَإِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَسْقِي دَوَاءً
فَنِعْمَ الْيَوْمُ يَوْمُ الْأَرْبِعَاءِ
وَفِي يَوْمِ الْخَمِيسِ طِلَابُ رِزْقٍ
لِإِدْرَاكِ الْفَوَائِدِ وَالْغِنَاءِ
وَيَوْمُ الْجُمُعَةِ التَّزْوِيجُ فِيهِ
وَلَذَّاتُ الرِّجَالِ مَعَ النِّسَاءِ
وَيَوْمُ السَّبْتِ إِنْ سَافَرْتَ فِيهِ
وُقِيتَ مِنَ الْمَكَارِهِ وَالْعَنَاءِ
وَهٰذَا الْعِلْمُ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا
نَبِيٌّ أَوْ وَصِيُّ الْأَنْبِيَاءِ

وفي كتاب انوار العقول لقطب الراوندي عن علي عليه السلام

لَنِعمَ العهدُ يومُ السبتِ حقًا
لِصيدٍ انْ اردتَ بلا امتراءِ
وَفي الاحدِ البناءُ لِانَّ فيهِ
تبدّى اللهُ في خلقِ السماءِ
وَفي الاثنينِ ان سافرتَ فيهِ
ستظفرُ بالنجاحِ وبالثراءِ
وَمَنْ يُرِدِ الحجامةَ فالثلاثا
فهي ساعاتِهِ سفكُ الدماءِ
وَانْ شربَ امرؤٌ يومًا دواءً
فنعمَ اليومُ يومُ الاربعاءِ
وَفي يومِ الخميسِ قضاءُ حاجٍ
ففيهِ اللهُ يأذنُ بالدعاءِ

وَفِي الجُمُعَاتِ تَزْوِيجٌ وَعُرْسٌ
وَلَذَّاتُ الرِّجَالِ مَعَ النِّسَاءِ

وهذا العِلْمُ لا يَعْلَمُهُ إِلَّا
نَبِيٌّ أَوْ وَصِيُّ الأَنْبِيَاءِ

اختيار الساعات للأسفار وغيرها
عن الصادق عليه السلم يوم السبت من طلوع الفجر
ثم من الظهر الى العصر يوم الاحد من الصبح الى
الظهر ثم من العصر الى المغرب يوم الاثنين من الصبح
الى الطلوع ثم من الضحى الى العصر يوم الثلثا
من الضحى الى الظهر ثم من العصر الى العشاء
يوم الاربعاء من الصبح الى الزوال ثم من العصر
الى العشاء يوم الخميس من الصبح الى الطلوع
ثم من الظهر الى العشاء يوم الجمعة من الصبح

الی الطلوع ثم من الضحی الی العصر ثم من المغرب الی
العشاء در باب گرمابه رفتن نزد عوام سلطان
محمود علیه الرحمة از حضرت امام رضا ع
مرویست که روز شنبه هرکه بگرمابه رود
نیک نبود و او را مضرت رسد روز یکشنبه
هرکه بگرمابه رود خوب و مبارک بود و
دولت و سعادت روی او کند روز دو
شنبه هرکه قبل از ظهر خوب بود و بعد
از ظهر نیکو نباشد روز سه شنبه هرکه
بگرمابه رود او را دردی برسد و بیمار
شود و گرانی پیدا کند روز چهارشنبه
هرکه بگرمابه رود راحت و نعمت بیند روز
پنجشنبه هرکه بگرمابه رود میان خلایق عزیز

دکر

ومکرم باشد و دولتش زیاد شود روز جمعه
هرکه بکرمابه رود بروی مبارک بود ودر
چشم خلایق عزیز وشیرین کردد وخلق بر
وی مهربان کردند وهر علتی که در تن وی
بود وبیماری بیرون رود بفرمان خدای
عزوجل در باب سر تراشیدن امام رضا
علیه السلام فرمودند که هرکه روز شنبه سر تراشد
نیک بود ودرد شقیقه پیدا کند ودر
چشم مردم زشت نماید روز یکشنبه
هرکه سر بتراشد توانکر کردد واز آفتها
ایمن شود وهر کاری که کند نیک بود واکر
تجارت کند یا مهمی دیکر در پیش کیرد از ان
راحت یابد روز دوشنبه هرکه سر بتراشد

غمکین کردد و بناکام درغمها افتد وزیان
بیند روز سه شنبه هرکه سر بتراشد نا
کاه بیچاره کردد و درد شقیقه پیدا کند
روز چهارشنبه هرکه سر بتراشد اندام وی
بر آتش دوزخ حرام بود وازخواسته توانکر
کردد روز پنجشنبه هرکه سر بتراشد مبارک
بود و در چشم خلایق عزیز و مکرم کردد
روز جمعه هرکه سر بتراشد از همه آفتها
ایمن کردد وخلایق بروی مهربان کردند و
مرادات وی حاصل کردد نقل عن حکماء
الیونان ان الفصد والحجامة فی النصف الاول
من الشهر مضرات للبدن غایة الضرر وفی
النصف الاخر منه نافعان له غایة المنفعة

ويؤيده ما روى عن النبى صلى الله عليه
واله قال لعلى عليه السلام اياك والحجامة فى
اول الشهر الى يوم النصف ففى كل يوم داء وعلة
ولكن عليك بالحجامة من يوم سبع عشر الى
الهلال ففى كل يوم شفاء وبركة اما مضار
نصف الاول من كل شهر الاول يضر العروق
الثانى يورث السهو الثالث يضعف الدماغ
الرابع يورث الصداع الخامس يورث صفرة
اللون السادس يورث رعشة الاعضاء
السابع يورث موت الفجاءة الثامن يورث
الصداع التاسع يورث وجع الاعضاء
العاشر يورث الداء والالم الحادى عشر
يورث خبط الدماغ الثانى عشر يورث ضعف

البدن الثالث عشر يورث الضجر والملالة

الرابع عشر يورث الحكة والنقبة الخامس عشر

يورث القولنج   منافع ايام نصف الثاني

السادس عشر يورث الفرح والنشاط السابع عشر

يورث صحة البدن الثامن عشر يقوي البدن

التاسع عشر يرفع وجع العين العشرون يورث

الصحة الحادي والعشرون يزيد في نور القلب

الثاني والعشرون يقوي القلب الثالث والعشرون

يفرح القلب ويقويه الرابع والعشرون

يرفع صفرة اللون الخامس والعشرون يضيع

السادس والعشرون يخلص من البرص السابع

والعشرون يومن من الخوف الثامن والعشرون

يقوي القلب التاسع والعشرون يخلص من

البرص

من البرص الثلثون ليس له حكم روبيف از
بزرگان دین که هرگاه کسی برای انجاح مهمات
وتاثیر طلسمات وتعویذات ساعتی اختیار
نماید بعد از تحقیق ساعت تشخیص کند
که رجال الغیب بکدام سمت اند پس چون
بیقین تیقن اینمعنی نماید درودی بروان
خواجهٔ دوجهان و بر آل مجرمالش بفرستد
وبعد از صلوة بگوید اَلسَّلامُ عَلَیکُم
یا رِجالَ الغَیبِ اَلسَّلامُ عَلَیکُم یا
اَرواحَ المُقَدَّسَةِ اَعِینُونِی بِقُوَّةٍ وَ
انظُرُونِی بِنَظرَةٍ یا رُقَباءُ یا نُقَباءُ یا
نُجَباءُ یا اَبدالُ یا اَوتادُ اَغِیثُونِی
بِغَیثَةٍ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ المَعصُومِینَ انکاه

پشت بجانب انها کند بنوعی که کوئی تکیه بر
چیزی کرده و در حالت پشت کردن بگوید
اَسْتَظْهِرُ بِکُمْ وَاِیَّاکُمْ اَسْتَعِیْنُ فِیْ
هٰذِهِ الْحَاجَةِ فَاقْضُوْا حَوَائِجِیْ وَاَعِیْنُوْنِیْ
وَانْظُرُوْنِیْ بِعَیْنِ الْعِنَایَةِ که البته زمام مهام
بدست او خواهد افتاد و هرگاه متوجّه
راهی شود پشت بجانب انها کند و مقابله
انها نشود که اگر خود را مقابل انها نماید
مرکز دائره سرکشتگی خواهد شد ایام
عبور رجال الغیب بر ینمو الست در مشرق
هفتم و چهاردهم و بیست و دوم و بیست و
نهم در ما بین مشرق و شمال که انرا ایسان
گویند ششم و بیست و یکم و بیست و هشتم

در شمال هشتم و پانزدهم و بیست و سیم
وسی اُم در ما بین شمال و مغرب که انرا
بایب گویند پنجم و سیزدهم و بیستم در
مغرب چهارم و دوازدهم و نوزدهم
و بیست و هفتم در ما بین مغرب و جنوب
که انرا نیرب گویند دوم و دهم و هفدهم
و بیست و پنجم در جنوب سیم و یازدهم
و هجدهم و بیست و ششم در ما بین جنوب
و مشرق که انرا اگنی گویند اول و نهم
و شانزدهم
و بیست و
چهارم
قد تم

دانسته چون دوشنبه باشد اگر نوروز در جدی است دران سال قحط و تنگی بود و بارها از [illegible] بسیار شود

نوروز نامه خواجه محمد علی حکیم برای اصحاب نوروز چون [illegible]

آن [illegible] شمس است دران سال فراخی باشد و فتنه در میان [illegible] کم باشد [illegible]

شود و فالیزها خوب شود و گندمها بسیار [illegible] بر خوب و در آخر

[illegible] باشد اما زود بگذرد و چون نوروز سه شنبه باشد آن نوروز [illegible] است دران [illegible] فراخی

نعمت فراوان [illegible] و بارانها ضعیف [illegible]

[illegible] سال [illegible] شود [illegible] اما زود [illegible] و چون نوروز چهارشنبه [illegible] آن نوروز بخجسته

و [illegible] فراخی غله بسیار بود [illegible] شود [illegible] میان مردم [illegible]

[illegible] باید [illegible] مغرب [illegible] بسیار

شود [illegible] کم بارد و آخر [illegible] سیل بسیار آید چون نوروز

چهارشنبه باشد اگر نوروز در عطارد است دران سال قحط و تنگی [illegible] فتنه [illegible] بسیار

شود گندم و جو [illegible] گنج [illegible] آتش [illegible] کودکان

[illegible] بسیار شود چون نوروز پنجشنبه شود [illegible] دران سال نعمت فراوان

و نرخ غله ارزان بود و بارانها [illegible] وقت بارند

[illegible] نیکو شوند [illegible] نیکو شود [illegible] مردم [illegible] و غله

نگاه باید داشت [illegible] چون نوروز جمعه شود [illegible]

ونیز در کتاب اقبال از علی بن حسن بن
عبدی اورده که شنیدم از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام که روز
روز غدیر خم برابری میکند با روزه عمر
دنیا که اگر کسی بقدر تمام عمر دنیا زنده
مانی کند و روزه بدارد ثواب از دادن
و برابری میکند روزه این روز نزد خدای
تعالی بصد حج و صد عمره و این روز عید
بزرگ خدا است و مبعوث نکرده است
خدای تعالی پیغمبری را مگر انکه در ین روز عید
کرده است و حرمتش را شناخته است
و نام این روز در آسمان روز عهد
معهود است و در زمین روز میثاق

ماخوذ وجمع مشهود است وهر که درین
روز بپلش از زوال اقتاب به نیم ساعت
از برای شکر خدا یتعالی دو رکعت نماز
بگذارد بخواند در هر رکعتی الحمد یکمرتبه
وقل هو الله احد ده مرتبه وانا انزلناه
فی لیلة القدر ده مرتبه وایة الکرسی
ده مرتبه برابری میکند نزد خدای تعالی
بصد هزار حج وصد هزار عمره وهر حاجت
از حاجتهای دنیا واخرت که از خدا سوال
کند باسانی وعافیت براورده شود بعد
ازان فرمودند که شاید کمان کنی که خدا
تعالی روزی را بزرکتر ازین روز خلق نکرده
باشد نه والله نه والله نه والله وفرمودند

که بعد از

که بعد از دو رکعت این دعا بخوان رَبَّنا
اِنَّنا سَمِعنا مُنادِیاً یُنادی لِلْاِیمانِ
اَنْ اٰمِنُوا بِرَبِّکُمْ فَاٰمَنّا رَبَّنا فَاغْفِرْ
لَنا ذُنُوبَنا وَکَفِّرْ عَنّا سَیِّئاٰتِنا وَ
تَوَفَّنا مَعَ الْاَبْرارِ رَبَّنا وَاٰتِنا ما وَ
عَدْتَنا عَلٰی رُسُلِکَ وَلا تُخْزِنا یَوْمَ
الْقِیامَةِ اِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمِیعادَ
اَللّٰهُمَّ اِنّی اُشْهِدُکَ وَکَفیٰ بِکَ شَهِیداً
وَاُشْهِدُ مَلٰئِکَتَکَ وَاَنْبِیاۤئَکَ وَ
حَمَلَةَ عَرْشِکَ وَسُکّانَ سَمٰواتِکَ
وَاَرْضِکَ بِاَنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا
اَنْتَ الْمَعْبُودُ الَّذی لَیْسَ مِنْ لَدُنْ
عَرْشِکَ اِلٰی قَرارِ اَرْضِکَ مَعْبُودٌ

يُعبد سواك الا باطل مضمحل غير
وجهك الكريم لا اله الا انت
المعبود لا معبود سواك تعاليت
عما يقول الظالمون علوا كبيرا
واشهد ان محمدا عبدك ورسولك
واشهد ان عليا امير المؤمنين
وليهم ومولاهم ومولاي ربنا
اننا سمعنا النداء وصدقنا
المنادي رسولك صلى الله عليه
واله اذ نادى نداء عنك بالذي
امرته ان يبلغ عنك ما انزلت
اليه من موالاة ولي المؤمنين
وحذرته ان لم يبلغ ان تسخطا

عليه

عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذا بَلَّغَ رِسالاتِكَ
عَصَمْتَهُ مِنَ النّاسِ فَنادى مُبَلِّغاً
وَحْيَكَ وَرِسالاتِكَ أَلا مَنْ كُنْتُ
مَوْلاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلاهُ وَمَنْ كُنْتُ
وَلِيَّهُ فَعَلِيٌّ وَلِيُّهُ وَمَنْ كُنْتُ
نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ رَبَّنا قَدْ
أَجَبْنا داعِيَكَ النَّذِيرَ الْمُنْذِرَ
مُحَمَّداً عَبْدَكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ
وَجَعَلْتَهُ مَثَلاً لِبَنِي إِسْرائِيلَ
رَبَّنا آمَنّا وَاتَّبَعْنا مَوْلانا وَ
وَلِيَّنا وَهادِيَنا وَداعِيَنا وَداعِيَ
الْأَنامِ وَصِراطَكَ السَّوِيَّ الْمُسْتَقِيمَ
وَمَحَجَّتَكَ الْبَيْضاءَ وَسَبِيلَكَ الدّاعِيَ

إِلَيْكَ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ هُوَ وَمَنِ اتَّبَعَهُ
وَسُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ بِوِلَايَتِهِ
وَبِأَمْرِ رَبِّهِمْ بِاتِّخَاذِ الْوَلَائِجِ مِنْ
دُونِهِ فَاشْهَدْ يَا إِلٰهِي أَنَّ الْإِمَامَ
الْهَادِيَ الْمُرْشِدَ الرَّشِيدَ عَلِيَّ
بْنَ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِي ذَكَرْتَهُ
فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ وَإِنَّهُ فِي
أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ
اَللّٰهُمَّ فَإِنِّي نَشْهَدُ بِأَنَّهُ عَبْدُكَ
الْهَادِي مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ النَّذِيرِ
الْمُنْذِرِ وَالصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَإِمَامُ
الْمُؤْمِنِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ

وَمُحَمَّد

وَحُجَّتُكَ البالِغَةُ وَلِسانُكَ
المُعَبِّرُ عَنْكَ فِي خَلْقِكَ وَالقائِمُ
بِالقِسْطِ بَعْدَ نَبِيِّكَ وَدَيّانُ
دِينِكَ وَخازِنُ عِلْمِكَ وَعَيْبَةُ
وَحْيِكَ وَعَبْدُكَ وَأَمِينُكَ المَأْمُونُ
المَأْخُوذُ مِيثاقُهُ مَعَ مِيثاقِكَ وَ
مِيثاقِ رُسُلِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ
بَرِيَّتِكَ بِالشَّهادَةِ وَالإِخْلاصِ
بِالوَحْدانِيَّةِ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ
لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَ
رَسُولُكَ وَعَلِيٌّ أَمِيرُ المُؤْمِنِينَ
وَجَعَلْتَ الإِقْرارَ بِوِلايَتِهِ تَمامَ
تَوْحِيدِكَ وَالإِخْلاصَ لَكَ بِوَ حْدانِيَّتِكَ

وَاكْمَالَ دِيْنِكَ تَمَامَ نِعْمَتِكَ عَلٰى
جَمِيْعِ خَلْقِكَ فَقُلْتُ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ
اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَاَتْمَمْتُ
عَلَيْكُمْ نِعْمَتِيْ وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ
دِيْنًا فَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى مَا مَنَنْتَ بِهٖ عَلَيْنَا
مِنَ الْاِخْلَاصِ لَكَ بِوَحْدَانِيَّتِكَ
وَجُدْتَ عَلَيْنَا بِمُوَالَاتِ وَلِيِّكَ
الْهَادِيْ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ النَّذِيْرِ
الْمُنْذِرِ رَضِيْتَ لَنَا الْاِسْلَامَ
دِيْنًا بِمَوْلَانَا وَاَتْمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ
بِالَّذِيْ جَدَّدْتَ لَنَا مِنْ عَهْدِكَ وَ
مِيْثَاقِكَ وَذَكَّرْتَنَا ذٰلِكَ وَجَعَلْتَنَا
مِنْ اَهْلِ الْاِخْلَاصِ وَالتَّصْدِيْقِ

لعهد

لِعَهْدِكَ وَمِيثاقِكَ وَمِنْ اَهْلِ الوَفاءِ
بِذلِكَ وَلَمْ تَجْعَلْنا مِنَ النّاكِثِينَ
وَالْمُكَذِّبِينَ وَالْجاحِدِينَ بِيَوْمِ
الدِّينِ وَلَمْ تَجْعَلْنا مِنْ اَتْباعِ المُغَيِّرِينَ
وَالْمُبَدِّلِينَ وَالمُحَرِّفِينَ وَالْمُتَبَكِّينَ
اِذانَ الاَنْعامِ وَالْمُغَيِّرِينَ خَلْقَ اللهِ
وَالَّذِينَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطانُ
فَاَنْساهُمْ ذِكْرَ اللهِ وَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ
وَالصِّراطِ الْمُسْتَقِيمِ وَبِسْيارِ بِكُو
اَللّهُمَّ الْعَنِ الْجاحِدِينَ وَالنّاكِثِينَ
وَالْمُغَيِّرِينَ وَالْمُبَدِّلِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ
الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ
مِنَ الاَوَّلِينَ وَالاخِرِينَ بَعْدَ ازان

بكوا اللهم لك الحمد على نعمتك
علينا بالذى وهديتنا الى موالاة
ولاة امرك من بعد نبيك والائمة
الهادين الذين جعلتهم اركانا لتوحيدك
واعلام الهدى ومنارا لتقوى
والعروة الوثقى وكمال دينك وتمام
نعمتك ومن بهم وبموالاتهم رضيت
لنا الاسلام دينا ربنا فلك الحمد
امنا بك وصدقنا نبيك الرسول
النذير المنذر واتبعنا الهادى
من بعد النذير المنذر والينا وليهم
وعادينا عدوهم وبرئنا من الجاحدين
والناكثين والمكذبين بيوم الدين
اللهم

اَللّٰهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ يَا صَادِقَ

الْوَعْدِ يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ يَا مَنْ

هُوَ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ أَنْ أَتْمَمْتَ

عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ بِمُوَالَاةِ أَوْلِيَائِكَ

الْمَسْؤُولِ عَنْهُمْ عِبَادُكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ

ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ وَقُلْتَ

وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُولُونَ وَمَنَنْتَ

بِشَهَادَةِ الْإِخْلَاصِ لَكَ بِوِلَايَةِ

أَوْلِيَائِكَ الْهُدَاةِ مِنْ بَعْدِ النَّذِيرِ

الْمُنْذِرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ وَأَكْمَلْتَ لَنَا

الدِّينَ بِمُوَالَاتِهِمْ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ

وَأَتْمَمْتَ عَلَيْنَا النِّعَمَ بِالَّذِي جَدَّدْتَ

لَنَا عَهْدَكَ وَذَكَّرْتَنَا مِيثَاقَكَ

المأخوذ منّا في مبتدا خلقك ايّانا و
جعلتنا من اهل الاجابة وذكّرتنا
العهد والميثاق ولم تنسنا ذكرك
فانّك قلت واذ اخذ ربّك من بني
آدم من ظهورهم ذرّيّتهم واشهدهم
على انفسهم الست بربّكم قالوا بلى شهدنا
بمنّك ولطفك بانّك انت الله
لا اله الّا انت ربّنا وانّ محمّدا عبدك
ورسولك نبيّنا وانّ عليّا امير المؤمنين
وليّنا ومولينا وشهدنا بالولاية لوليّنا
ومولانا من ذرّيّة نبيّك من صلبه و
وليّنا ومولانا عليّ بن ابي طالب امير
المؤمنين عبدك الذي انعمت عليه

وجعته

وَجَعَلْتَهُ فِي اُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْكَ عَلِيًّا
حَكِيمًا وَجَعَلْتَهُ اٰيَةً لِنَبِيِّكَ وَاٰيَةً
مِنْ اٰيَاتِكَ الْكُبْرٰى وَالنَّبَاَ الْعَظِيمَ الَّذِى
هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَالنَّبَاَ الْعَظِيمَ الَّذِى
هُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ وَعَنْهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
مَسْئُولُونَ وَتَمَامَ نِعْمَتِكَ الَّتِى
عَنْهَا يُسْئَلُ عِبَادُكَ اِذْ هُمْ مَوْقُوفُونَ
وَعَنِ النَّعِيمِ مَسْئُولُونَ اَللّٰهُمَّ وَكَمَا
كَانَ مِنْ شَاْنِكَ مَا اَنْعَمْتَ عَلَيْنَا
بِالْهِدَايَةِ اِلٰى مَعْرِفَتِهِمْ فَلْيَكُنْ مِنْ
شَاْنِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا
هٰذَا الَّذِى اَكْرَمْتَنَا بِهِ وَذَكَّرْتَنَا

فِيهِ عَهْدَكَ وَمِيثَاقَكَ وَاَكْمَلْتَ لَنَا
دِينَنَا نِعْمَتَكَ وَجَعَلْتَنَا بِنِعْمَتِكَ
مِنْ اَهْلِ الاِجَابَةِ وَالاِخْلاَصِ بِوَحْدَانِيَّتِكَ
وَمِنْ اَهْلِ الاِيمَانِ وَالتَّصْدِيقِ بِوِلاَيَةِ
اَوْلِيَائِكَ الْجَاحِدِينَ الْمُكَذِّبِينَ
بِيَوْمِ الدِّينِ فَاَسْئَلُكَ يَا رَبِّ تَمَامَ
مَا اَنْعَمْتَ عَلَيْنَا وَلاَ تَجْعَلْنَا مِنَ
الْمُعَانِدِينَ وَلاَ تُلْحِقْنَا بِالْمُكَذِّبِينَ
بِيَوْمِ الدِّينِ وَاجْعَلْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ
مَعَ الْمُتَّقِينَ وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ
رَحْمَةً وَاجْعَلْ لَنَا مِنَ الْمُتَّقِينَ
اِمَامًا اِلَى يَوْمِ الدِّينِ يَوْمَ يُدْعَى
كُلُّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ وَاجْعَلْنَا

فى ظلّ

فِی ظِلِّ الْقَوْمِ الْمُتَّقِینَ الْهُدَاةِ بَعْدَ
النَّذِیرِ الْمُنْذِرِ وَالْبَشِیرِ وَالْاَئِمَّةِ
الدُّعَاةِ اِلَی الْهُدٰی وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ
الْمُکَذِّبِینَ الدُّعَاةِ اِلَی النَّارِ وَهُمْ
یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَاَوْلِیَآئِهِمْ مِنَ
الْمَقْبُوحِینَ رَبَّنَا فَاحْشُرْنَا فِی
زُمْرَةِ الْهَادِی الْمَهْدِیِّ وَاَحْیِنَا
مَا اَحْیَیْتَنَا عَلَی الْوَفَآءِ بِعَهْدِكَ
وَمِیثَاقِكَ الْمَاْخُوذِ مِنَّا عَلٰی مُوَالَاةِ
اَوْلِیَآئِكَ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ اَعْدَآئِكَ
الْمُکَذِّبِینَ بِیَوْمِ الدِّینِ وَ
النَّاکِثِینَ بِمِیثَاقِكَ وَتَوَفَّنَا عَلٰی
ذٰلِكَ وَاجْعَلْ لَنَا مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلًا

وَاَثْبِتْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ فِي الْهِجْرَةِ
اِلَيْهِمْ وَاجْعَلْ مَحْيَانَا خَيْرَ الْمَحْيَاةِ وَ
مُنْقَلَبَنَا خَيْرَ الْمُنْقَلَبِ عَلَى مُوَالاَةِ
اَوْلِيَائِكَ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ اَعْدَائِكَ حَتّٰى
تَوَفَّانَا وَاَنْتَ عَنَّا رَاضٍ قَدْ اَوْجَبْتَ
لَنَا الْخُلُودَ فِي جَنَّاتِكَ بِرَحْمَتِكَ وَالْمَثْوٰى
فِي جِوَارِكَ وَالْاِنَابَةِ اِلٰى دَارِ الْمُقَامَةِ
مِنْ فَضْلِكَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ
وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ رَبَّنَا اِنَّكَ
اَمَرْتَنَا بِطَاعَةِ وُلَاةِ اَمْرِكَ وَاَمَرْتَنَا
اَنْ نَكُونَ مَعَ الصَّادِقِينَ فَقُلْتَ
اَطِيعُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاُولِي
الْاَمْرِ مِنْكُمْ وَقُلْتَ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا

اتقوا الله وكونوا مع الصادقين
ربنا سمعنا واطعنا ربنا ثبت
اقدامنا وتوفنا مع الابرار المسلمين
مسلمين مصدقين لاوليائك و
ولا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا
وهب لنا من لدنك رحمة انك
انت الوهاب ربنا امنا بك و
صدقنا نبيك وواليناوليك و
الاولياء من بعد نبيك وليك
مولى المؤمنين على بن ابى طالب
صلوات الله عليه والامام
الهادى من بعد الرسول النذير
المنذر والسراج المنير ربنا

فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأنِكَ اَنْ جَعَلْتَنَا
مِنْ اَهْلِ الْوَفَاءِ لِعَهْدِكَ بِمَنِّكَ
وَلُطْفِكَ لَنَا فَلْيَكُنْ مِنْ شَأنِكَ
اَنْ تَغْفِرَ لَنَا ذُنُوبَنَا وَتُكَفِّرَ
عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ
رَبَّنَا وَاٰتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰى رُسُلِكَ
وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّكَ لَا
تُخْلِفُ الْمِيعَادُ رَبَّنَا اٰمَنَّا بِكَ وَ
فِينَا بِعَهْدِكَ وَصَدَّقْنَا رُسُلَكَ
وَاتَّبَعْنَا وُلَاةَ اَمْرِكَ مِنْ بَعْدِ
رُسُلِكَ وَوَالَيْنَا اَوْلِيَائَكَ وَ
عَادَيْنَا اَعْدَآئَكَ فَاكْتُبْنَا
مَعَ الشَّاهِدِينَ وَاحْشُرْنَا مَعَ

الْاَئِمَّةِ

علیه السلام فرمودند که اگر توانی
هر روز از خانهٔ خود این زیارت
بکن که همهٔ آن ثوابها را داشته باشی
و نیز در کتاب صفوان جمال آورده که
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
بمن فرمودند در زیارت اربعین که زیارت
میکنی در وقتی که روز بلند شود و میگوئی
اَلسَّلامُ عَلیٰ وَلِیِّ اللهِ وَحَبیبِهِ اَلسَّلامُ
عَلیٰ خَلیلِ اللهِ وَنَجیبِهِ اَلسَّلامُ عَلیٰ صَفِیِّ
اللهِ وَابْنِ صَفِیِّهِ اَلسَّلامُ عَلَی الْحُسَیْنِ
الْمَظْلُومِ الشَّهیدِ الرَّشیدِ اَلسَّلامُ
عَلیٰ اَسیرِ الْکُرُباتِ وَقَتیلِ الْعَبَراتِ
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِیُّکَ وَابْنُ

وَصَفِيِّكَ وَابْنِ صَفِيِّكَ الْفائِزِ
بِكَرامَتِكَ أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ وَحَبَوْتَهُ
بِالسَّعادَةِ وَاجْتَبَيْتَهُ بِطيبِ الْوِلادَةِ
وَجَعَلْتَهُ سَيِّداً مِنَ السّادَةِ وَقائِداً
مِنَ الْقادَةِ وَذائِداً مِنَ الذّادَةِ وَأَعْطَيْتَهُ
مَوارِيثَ الْأَنْبِياءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً
عَلى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِياءِ فَأَعْذَرَ
فِي الدُّعاءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ
فيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبادَكَ مِنَ الْجَهالَةِ
وَحَيْرَةِ الضَّلالَةِ وَقَدْ تَوازَرَ عَلَيْهِ مَنْ
غَرَّتْهُ الدُّنْيا وَباعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ
الْأَدْنى وَشَرى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَ
وْكَسِ وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدّى فِي هَواهُ وَ

اسخطك

أَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ وَأَطَاعَ مِنْ
عِبَادِكَ أَهْلَ الشِّقَاقِ وَالنِّفَاقِ
وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ
لِلنَّارِ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا
مُحْتَسِبًا حَتَّى سُفِكَ فِي طَاعَتِكَ
دَمُهُ وَاسْتُبِيحَ حَرَمُهُ اَللّٰهُمَّ
فَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَثِيرًا وَبِيلًا
وَبِيلًا وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا
أَنَا يَا مَوْلَايَ عَبْدُ اللّٰهِ وَزَائِرُكَ
جِئْتُكَ مُشْتَاقًا فَكُنْ لِي شَفِيعًا
إِلَى اللّٰهِ يَا سَيِّدِي أَسْتَشْفِعُ إِلَى اللّٰهِ
بِجَدِّكَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَبِأَبِيكَ
سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَبِأُمِّكَ سَيِّدَةِ

نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ
اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ سَيِّدِ الْاَوْصِيَاءِ اَشْهَدُ
اَنَّكَ اَمِيْنُ اللّٰهِ وَابْنُ اَمِيْنِهِ عِشْتَ
سَعِيْدًا وَمَضَيْتَ حَمِيْدًا وَمُتَّ
فَقِيْدًا مَظْلُوْمًا شَهِيْدًا وَاَشْهَدُ
اَنَّ اللّٰهَ مُنْجِزٌ لَكَ مَا وَعَدَكَ وَ
مُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَمُعَذِّبٌ
مَنْ قَتَلَكَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ وَفَيْتَ
بِعَهْدِ اللّٰهِ وَجَاهَدْتَ فِيْ سَبِيْلِ
اللّٰهِ حَتّٰى اَتَاكَ الْيَقِيْنُ فَلَعَنَ اللّٰهُ
مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَكَ
وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ

فرضيت

فَرَضِيتَ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُشْهِدُكَ
اَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ
بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي يَابْنَ رَسُولِ اللهِ
اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الاَصْلابِ
الشّامِخَةِ وَالاَرْحامِ الطّاهِرَةِ
لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ بِاَنْجاسِها
وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهِمّاتُ مِنْ
ثِيابِها وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعائِمِ
الدّينِ وَاَرْكانِ الْمُسْلِمينَ وَمَعْقِلِ
الْمُؤْمِنينَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الاِمامُ
الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهادِي
الْمَهْدِيُّ وَاَشْهَدُ اَنَّ الاَئِمَّةَ
مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوى وَاَعْلامُ

اَلْهُدیٰ وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقیٰ وَالْحُجَّةِ

عَلیٰ اَهْلِ الدُّنْیا وَاَشْهَدُ اَنّی بِکُمْ

مُؤْمِنٌ وَبِاِیابِکُمْ مُوقِنٌ بِشَرایِعِ

دینی وَخَواتیمِ عَمَلی وَقَلْبی

لِقَلْبِکُمْ سِلْمٌ وَاَمْری لِاَمْرِکُمْ مُتَّبِعٌ وَ

نُصْرَتی لَکُمْ مُعَدَّةٌ حَتّیٰ یَاْذَنَ اللهُ

لَکُمْ فَمَعَکُمْ مَعَکُمْ لا مَعَ عَدُوِّکُمْ

صَلَواتُ اللهِ عَلَیْکُمْ وَعَلیٰ اَرْواحِکُمْ

وَاَجْسادِکُمْ وَشاهِدِکُمْ وَغائِبِکُمْ

وَظاهِرِکُمْ وَباطِنِکُمْ آمینَ یا

رَبَّ الْعالَمینَ دعاء حمید کفعمی

در کتاب بلد الامین از حضرت رسالت

پناه صلی الله علیه واله اورده

که یاد

که یاد بگیرید این دعا را و بیاموزید نیکان
را و تعلیم میکند اشرار و قسم بذاتی که
مبعوث کرده است مرا براستی به پیغمبری
که هر که بخواند این دعا را اگرچه در عمر
خود یکمرتبه باشد داخل بهشت میشود
بغیر حساب و بد رستی که فرشتگان فرش
میکنند بالهای خود را جهت خواننده این دعا
وصلوات میفرستند برو و محو میگردانند
خدا تعالی شقاوت او را از لوح محفوظ
و ثبت میکند نام او را در انجا اینکه او
از اهل بهشت است و نمیخواند این دعا را
هیچ خایفی مگر انکه ایمن میگرداند خدای
تعالی او را و نمیخواند این دعا را هیچ گرسنه

مگر انکه سیر میکرداند او را خدا و نمیخواند
ایند عارا هیچ تشنهٔ مگر انکه سیراب
میکرداند او را و نمیخوانند ایند عارا هیچ
صاحب دینی مگر انکه ادای دین او میکند
و نمیخواند ایند عارا هیچ غریبی مگر انکه دور
میشود غربت او و نمیخوانند ایند عارا هیچ
غمناکی مگر انکه فرج میدهد او را از ان
غم و هر که با خود را ایند عارا خواهد بود
از برای او حرزی از انچه که بترسند و هر که
بگذارد این دعا را در کفن خود سهم شهادت
میدهد از برای او در پیش خدای تعالی اینکه
وفا بعهد خود کرده است و کفایت میکند
امر منکر و نکیر را و احاطه میکنند فرشتگان

از جپ

از چپ و راست او وبشارت دهند او را بحور
وغلمان وجای او در اعلا علیین مقرر شود
وبنا کرده شود از برای او خانه در بهشت از
مروارید سفید که دیده شود اندرون
ان از بیرون ان وبیرون از اندرون وان
وباشد انخانه را صد هزار در وعطا کرده
شود با وصد هزار شهر در هر شهری صد
هزار خانه در هر خانه صد هزار حجره در
هر حجره صد هزار غرفه صد در هر غرفه
صد هزار سریر و بر هر سریری صد هزار فراش
وبر هر فراشی صد هزار حوریه و هر حوریه
را صد هزار حله باشد در هر حله صد هزار
رنک وباهر حوریه کاسه باشد از شراب

بهشت و نظر میکند خدایتعالی بجانب
او از بالای عرش خود و میگوید که ای
بندۀ من از تو راضیم و خوانندۀ این دعا با
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
و آله در جوار آن حضرت بعد از حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله فرمودند
که قسم بذاتی که مبعوث کرده است مرا بر
به پیغمبری که نیست بندۀ که بخواند این دعا
به نیت خالص مگر آنکه قبول کند خدای
تعالی شفاعت او را در مثل امت محمد صلی
الله علیه و آله و داخل کرداند ایشان را بشفاعت
او در بهشت و خواهد بود خوانندۀ این دعا
در پیش خدایتعالی بهتر از هر شهید نیست

لبسم

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انك حميد مجيد ودود شكور
كريم وفي ملي اللهم انك تواب
وهاب سريع الحساب جليل عزيز
متكبر خالق بارئ مصور واحد
احد قادر قاهر اللهم لا ينفد ما
وهبت ولا يرد ما منعت فلك
الحمد كما خلقت وصورت وا[illegible]
واضللت واهديت واضحكت
وابكيت وامت واحييت وافقرت
واغنيت وامرضت واشفيت
واطعمت واسقيت ولك الحمد
في كل ما قضيت ولا ملجأ منك

إِلَّا إِلَيْكَ يَا وَاسِعَ النَّعْمَاءِ يَا كَرِيمَ
الْآلَاءِ يَا جَزِيلَ الْعَطَاءِ يَا قَاضِيَ
الْقُضَاةِ يَا بَاسِطَ الْخَيْرَاتِ يَا كَاشِفَ
الْكُرُبَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ
يَا وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ
يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ وَالْآيَاتِ اَللّٰهُمَّ
إِنَّكَ تَرَىٰ وَلَا تُرَىٰ وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ
الْأَعْلَىٰ يَا فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ وَ
لَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ اَللّٰهُمَّ
إِنَّكَ غَافِرُ الذُّنُوبِ وَقَابِلُ التَّوْبِ
شَدِيدُ الْعِقَابِ ذُو الطَّوْلِ لَا إِلٰهَ
إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ وَسِعَتْ كُلَّ
شَيْءٍ رَحْمَتُكَ وَلَا رَادَّ لِأَمْرِكَ وَلَا

معقب

مُعقبَ لِحُكمِكَ بلغتْ حُجَّتُكَ وَنَفَذَ
اَمْرُكَ وَبَقِيتَ اَنْتَ وَحدَكَ لاشريكَ
لَكَ فِي اَمرِكَ وَلا تُخَيِّبُ سَائِلَكَ
اِذا سألكَ اَسْئَلُكَ بحقِّ السَّائِلِينَ
اِلَيْكَ الطَّالِبِينَ مَا عِندَكَ اَسئلُكَ
يارَبِّ بِاَحَبِّ السَّائِلِينَ اِلَيْكَ
وَبِاَسمَائِكَ الَّتِي اِذا دُعِيتَ بِهَا
اَجَبْتَ وَاِذا سُئِلْتَ بِهَا اَعطَيْتَ
اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاَسئلُكَ بِاسمِكَ العَظِيمِ
الاَعظَمِ الَّذِي اِذا سُئِلتَ بِهِ
اَعطَيتَ وَاِذا اُقسِمَ عَلَيكَ بِهِ
كُفَيتَ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَكْفِيَنَا مَا اَهَمَّنَا
وَمَا لَمْ يُهِمَّنَا مِنْ اَمْرِ دِينِنَا وَدُنْيَانَا
وَآخِرَتِنَا وَتَعْفُوَ عَنَّا وَتَغْفِرَ لَنَا
وَتَقْضِيَ حَوَآئِجَنَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا
مِنَ الَّذِينَ اِذَا حَدَّثُوا صَدَقُوا وَ
اِذَا اَسَآؤُا اسْتَغْفَرُوا وَاِذَا ابْتُلُوا
صَبَرُوا وَاِذَا غَاضَبُوا رَفَقُوا وَاِذَا
غَضِبُوا غَفَرُوا وَاِذَا جَهِلُوا حَلُمُوا
وَاِذَا ظُلِمُوا لَمْ يَظْلِمُوا وَاِذَا خَاطَبَهُمُ
الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا وَالَّذِينَ
يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا وَ
الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا
عَذَابَ جَهَنَّمَ اِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

اِنَّهَا

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا اَللَّهُمَّ
اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ
مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ لِجَهْلِنَا
وَمِنْ قُوَّتِكَ لِضَعْفِنَا وَمِنْ غِنَاكَ
لِفَقْرِنَا اَللَّهُمَّ لَا تَكِلْنَا إِلَى أَنْفُسِنَا
طَرْفَةَ عَيْنٍ وَلَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَلَا
تَرُدَّنَا عَلَى أَعْقَابِنَا وَلَا تُزِلَّ أَقْدَامَنَا
وَلَا تُزِغْ قُلُوبَنَا وَلَا تَدْحَضْ
حُجَّتَنَا وَلَا تُخْزِ مَعْذِرَتَنَا وَلَا تُبْطِلْ
عَلَيْنَا سَعْيَنَا وَلَا تُشْمِتْ بِنَا
أَعْدَاءَنَا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا سُلْطَانًا
مُخِيفًا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ رَبَّنَا هَبْ لَنَا
مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ
وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا اَللّٰهُمَّ
لَا تُؤْمِنَّا مَكْرَكَ وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا
سِتْرَكَ وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا وَجْهَكَ
وَلَا تُحْلِلْ عَلَيْنَا غَضَبَكَ وَلَا تُنَحِّ
عَنَّا كَرَامَتَكَ وَاجْعَلْنَا اَللّٰهُمَّ مِنَ
الصَّالِحِينَ الْأَخْيَارِ وَارْزُقْنَا ثَوَابَ
دَارِ الْقَرَارِ وَاجْعَلْنَا مِنَ الْأَتْقِيَاءِ
وَوَفِّقْنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاجْعَلْ
لَنَا مَوَدَّةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ
آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ كَمَا
اجْتَبَيْتَ آدَمَ وَتُبْتَ عَلَيْهِ فَتُبْ

عَلَيْنَا وَكَمَا رَضِيتَ عَنْ اِسْحَاقَ فَارْضَ
عَنَّا وَكَمَا صَبَّرْتَ اِسْمٰعِيلَ عَلَى
الْبَلَاۤءِ فَصَبِّرْنَا وَكَمَا كَشَفْتَ الضُّرَّ
عَنْ اَيُّوبَ فَاكْشِفْ ضُرَّنَا وَكَمَا
جَعَلْتَ لِسُلَيْمَانَ زُلْفٰى وَحُسْنَ
مَاٰبٍ فَاجْعَلْ لَنَا وَكَمَا اَعْطَيْتَ مُوسٰى
وَهٰرُونَ سُؤْلَهُمَا فَاَعْطِنَا وَكَمَا
رَفَعْتَ اِدْرِيسَ مَكَانًا عَلِيًّا فَارْفَعْنَا
وَكَمَا اَدْخَلْتَ اِلْيَاسَ وَالْيَسَعَ وَذَا
الْكِفْلِ وَذَا الْقَرْنَيْنِ فِى الصَّالِحِينَ
فَاَدْخِلْنَا وَكَمَا رَبَطْتَ عَلٰى قُلُوبِ اَهْلِ
الْكَهْفِ اِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ

مِنْ دُونِهِ اِلٰهًا لَقَدْ قُلْنَا اِذًا
شَطَطًا وَنَحْنُ نَقُولُ كَذٰلِكَ فَا
رْبِطْ عَلٰى قُلُوبِنَا وَكَمَا دَعَاكَ زَكَرِيَّا
فَاسْتَجَبْتَ لَهُ فَاسْتَجِبْ لَنَا وَكَمَا
اَيَّدْتَ عِيسٰى بِرُوحِ الْقُدُسِ
فَاَيِّدْنَا بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى وَ
كَمَا غَفَرْتَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَاٰلِهِ فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ
عَنَّا سَيِّاٰتِنَا مَا قَدَّمْنَا وَمَا اَخَّرْنَا
وَمَا اَسْرَرْنَا وَمَا اَعْلَنَّا اِنَّكَ عَلٰى
كُلِّ شَيْءٍ وَاجْعَلْنَا اَللّٰهُمَّ وَجَمِيعَ
الْمُؤْمِنِينَ مِنْ عِبَادِكَ الْعَالَمِينَ الْعَامِلِينَ
الْخَاشِعِينَ الْمُتَّقِينَ الْمُخْلِصِينَ

الَّذِينَ

اَلَّذِينَ لَاخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَاهُمْ يَحْزَنُونَ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا
دعاء دیکر سید ابن طاوس در کتاب
مذکور از سلمان فارسی رضی الله تعالی
عنه آورده که شنیدم از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام که حضرت ر
سالت پناه صلی الله علیه و آله بمن
فرمودند که یا علی اکر بخوانند کسی این دعا را
بر تخته های آهن هر اینه کداخته شود
و قسم بذاتی که مبعوث کرده است
مرا برآستی به پیغمبری که اکر کسی دعا
بخواند این دعا را بر آب جاری هر اینه

ساکن شود ان اب تا بکذرد برو وقسم
بذاتی که مبعوث کرده است مرا براستی
به پیغمبری که اکر کسی را رسیده باشد
کرسنکی و تشنکی و بخواند این دعا را
سیر و سیراب کرداند خدای تعالی او را
وقسم بذاتی که مبعوث کرده است مرا
براستی به پیغمبری که اکر کسی بخواند
این دعا را بر کوهی که حایل باشد میان
او و میان موضعی که اراده ان داشته
باشد هر اینه شکافته میشود ان کوه
تا بمقصد خود تواند رسید و قسم بذاتی
که مبعوث کرده است مرا براستی بپیغمبری
که اکر خوانده شود این دعا بر دیوانه بهوش

می آید

می اید از دیوانکی خود وقسم بذاتی که
مبعوث کرده است مرا براستی به پیغمبری
اگر خوانده شود باین دعا بر زنی که دشوار
شده باشد بر و زائیدن هر اینه اسان
میکرداند خدا تعالی بر او آن دشواری را
وقسم بذاتی که مبعوث کرده است مرا
براستی به پیغمبری اگر بخواند این دعا را
کسی و در شهری باشد و شهر را آتش
بکیرد و خانه او در وسط ان باشد هر
اینه نجات می یابد از ان و نمیسوزد
وقسم بذاتی که مبعوث کرده است مرا
براستی به پیغمبری که اگر این دعا را
چهل شبانه روز بخواند این دعا را

می امرزد خدایتعالی از برای او هر گناهی
را که میان او و میان ادمیان باشد و
اگرچه کرده باشد فجور با ما در خود
می امرزد خدایتعالی از برای انرا و قسم
بذاتی که مبعوث کرده است مرا براستی
به پیغمبری که هر که در وقت خواب
اید عارا بخواند مبعوث میکند
خدایتعالی بجانب او بعدد هر حرفی
ازین دعا هزار هزار فرشته را از
روحانیان که روهای ایشان بهتر
باشد از افتاب و ماه هفتاد برابر
که استغفار میکرده باشند خدای
را و مینوشته باشند از برای او

حسنات

حسنات را و بلند میکرده باشند از برای
او درجات را سلمان فارسی رضی الله
تعالی عنه گفت که عرض کردم که پدر
و مادرم فدای تو باد یا امیر المؤمنین
آیا عطا کرده میشود بسبب خواندن
این اسما همه این چیزها فرمودند که
عرض کردم در خدمت حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله که
پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول الله
آیا عطا میکرده میشود بخواندن
این اسما همه این چیزها فرمودند
که یا علی خبر میدهم ترا به بزرگتر ازین
هر که بخواند و مرتکب همه گناهان

کبیره شده باشد و خواننده باشد
این دعا را پس اگر بمیرد شهید است
در پیش خدا و اگر بمیرد بر غیر توبه می
آرزد خدای تعالی ورا و اهل خانه
اورا و پدر و مادر او را و فرزندان
او را و مؤذن و امام مسجد او را بعفو
و رحمت خود اینست دعا اَللّٰهُمَّ
اِنَّكَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ وَصَادِقٌ وَلَا
تَكْذِبُ وَقَاهِرٌ لَا تُقْهَرُ وَبَدِیٌّ
لَا تَنْفَدُ وَقَرِیبٌ لَا تَبْعُدُ وَقَا
لَا تُضَادُّ وَغَافِرٌ لَا تُظْلَمُ وَصَمَدٌ لَا
تُطْعَمُ وَقَیُّومٌ لَا تَنَامُ وَمُجِیبٌ لَا
تَسْأَمُ وَجَبَّارٌ لَا تُعَانُ وَعَظِیمٌ لَا تُرَامُ

وعالم

وعالم لا يعلم وقوي لا يضعف
وحليم لا يجهل وجليل لا يوصف
ووفي لا يخلف وغالب لا يغلب
وعادل لا يحيف وغني لا يفتقر
وكبير لا يغادر وحكيم لا يجور
ووكيل لا يحيف وفرد لا يستشير
ووهاب لا يمل وعزيز لا يستذل
وسميع ولا يذهل وجواد لا
يبخل وحافظ لا يغفل وقائم لا يسهو
ودائم لا يفنى ومحتجب لا يرى
وباق لا يبلى وواحد لا يشبه و
مقتدر لا ينازع يا كريم الجواد
المتكرم يا ظاهر يا قاهر انت

الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ يَا عَزِيزُ الْمُتَعَزِّزُ
يَا مَنْ يُنَادَى مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ
بِأَلْسِنَةٍ شَتَّى وَلُغَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ
وَحَوَائِجَ مُتَتَابِعَةٍ لَا يَشْغَلُكَ شَيْءٌ
عَنْ شَيْءٍ أَنْتَ الَّذِي لَا تُغَيِّرُكَ الدُّهُورُ
وَلَا تُحِيطُ بِكَ الْأَمْكِنَةُ وَلَا تَأْخُذُكَ
سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ صَلِّ اللّٰهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَيَسِّرْ لِي مَا أَخَافُ عُسْرَهُ وَفَرِّجْ
عَنِّي مَا أَخَافُ كُرْبَهُ وَسَهِّلْ لِي مَا
أَخَافُ حُزُونَتَهُ سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلٰهَ
إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ دعای دیگر کلینی در کتاب
از عمرو بن ابی المقدام آورده که املا کرد

برمن حضرت امام حضرت جعفر صادق
علیه السلام این دعا را و این جامع است
از برای دنیا و آخرت میگوئی بعد از حمد
و ثنای خدای تعالی اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْحَلِیْمُ الْکَرِیْمُ وَاَنْتَ
اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ
وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْوَاحِدُ
الْقَهَّارُ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
الْمَلِكُ الْجَبَّارُ وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اَنْتَ الرَّحِیْمُ الْغَفَّارُ وَاَنْتَ اللّٰهُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الشَّدِیْدُ الْمِحَالُ وَ
اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْکَبِیْرُ الْمُتَعَالُ
وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ السَّمِیْعُ

الْبَصِيرُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ
الْمَنِيعُ الْقَدِيرُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ
إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الشَّكُورُ وَأَنْتَ
اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ
وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَنِيُّ
الْحَمِيدُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا
أَنْتَ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ وَأَنْتَ اللّٰهُ
لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الدَّيَّانُ
وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْجَوَادُ
الْمَاجِدُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ
الْوَاحِدُ الْأَحَدُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ
إِلَّا أَنْتَ الْغَائِبُ الشَّاهِدُ وَأَنْتَ
اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ

وانت

وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ
عَلِيمٌ ثُمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ وَبَسَطْتَ
يَدَكَ فَاَعْطَيْتَ رَبَّنَا وَجْهُكَ اَكْرَمُ
الْوُجُوهِ وَجِهَتُكَ خَيْرُ الْجِهَاتِ وَ
عَطِيَّتُكَ اَفْضَلُ الْعَطَايَا وَاَهْنَاهَا
تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ وَتُعْصٰى رَبَّنَا
فَتَغْفِرُ لِمَنْ شِئْتَ تُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ
وَتَكْشِفُ السُّوءَ وَتَقْبَلُ التَّوْبَةَ
وَتَعْفُو عَنِ الذُّنُوبِ لَا تُجَازٰى
اَيَادِيكَ وَلَا تُحْصٰى نِعَمُكَ وَلَا
يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلُ قَائِلٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فَرَجُهُمْ وَرَوْحُهُمْ
وَرَاحَتُهُمْ سُرُورُهُمْ وَاَذِقْنِي طَعْمَ فَرَجِهِمْ

وَاهْلِكْ اَعْدَآءَهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ
وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً
وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ
لَاخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَاهُمْ يَحْزَنُونَ وَاجْعَلْنِي
مِنَ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ
وَثَبِّتْنِي بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيٰوةِ
الدُّنْيَا وَفِي الْاٰخِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِي
الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَالْمَوْقِفِ وَالنُّشُورِ
وَالْحِسَابِ وَالْمِيزَانِ وَاَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ
وَسَلِّمْنِي عَلَى الصِّرَاطِ وَاَجِزْنِي عَلَيْهِ
وَارْزُقْنِي عِلْمًا نَافِعًا وَيَقِينًا صَادِقًا
وَتُقًى وَبِرًّا وَوَرَعًا وَخَوْفًا مِنْكَ وَفَرَقًا
يُبَلِّغُنِي مِنْكَ زُلْفٰى وَلَا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ

وَاحِبَّنِي

وَاَحِبَّنِی وَلَا تُبْغِضْنِی وَلَا تَخْذُلْنِی
وَاَعْطِنِی مِنْ جَمِیعِ خَیْرِ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ
مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ اَعْلَمْ وَاَجِرْنِی
مِنَ السُّوٓءِ کُلِّهٖ بِحَذَافِیرِهٖ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ
وَمَا لَمْ اَعْلَمْ دعاء دیگر در کتاب مجمع
الرائق از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام آورده که مطلع نسازید برین
دعا و تسبیح مگر شخصی را که در وی پنج
خصلت باشد راستی و پرهیزکاری
و ورع و نگاهداشت و زهد و تعلیم
نکنید این دعا را بسفیهان بدرستی
که هر که بخواند این دعا را در عمر خود
یکمرتبه باشد از برای او ثواب هر کرا

که خلق کرده است خدای تعالی از
فرشتگان و بنی آدم و جن و انس و
ساکنان دریاها و بهشت و دوزخ
و عرش و کرسی و انچه در انهاست
و زمین و انچه درانست و برانست و باشد
در زمان خدای تعالی تا آنکه ملاقات
نماید او را و اگر زیاده بر یکمرتبه بخواند
پس به تحقیق نمیرسد بتلم اهل آسمان
و زمین از جن و انس بر وصف ثواب
آن و اگر بخوانند این دعا را در هر جمعه
یکمرتبه و نوشته میشود نزد خدای
تعالی از انجماعت که ایمنند و نیست
خوفی و اندوهی برایشان و اگر بخوانند

ایند عار او بهر روزی یکمرتبه میرود
بر زمین د بحالتی که مغفور باشد
اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ ثُمَّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
ثُمَّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بِمَا عَلَّلَ اللّٰهُ بِهِ
نَفْسَهُ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بِمَا هَلَّلَ
اللّٰهُ بِهِ خَلْقَهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ بِمَا كَبَّرَ اللّٰهُ
بِهِ خَلْقَهُ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ بِمَا سَبَّحَهُ
بِهِ خَلْقُهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ بِمَا حَمِدَهُ بِهِ
خَلْقُهُ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بِمَا
هَلَّلَهُ بِهِ عَرْشُهُ وَمَنْ تَحْتَهُ
وَاللّٰهُ اَكْبَرُ بِمَا كَبَّرَهُ بِهِ عَرْشُهُ
وَمَنْ تَحْتَهُ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ بِمَا

سبّحه به عرشه ومن تحته و
الحمد لله بما حمده به عرشه ومن
تحته ولا اله الا الله بما هلّل
الله به كرسيه وما احاط به
علمه والله اكبر بما كبّره به
كرسيه وما احاط به علمه و
سبحان الله بما سبّحه به كرسيه
وما احاط به علمه والحمد لله
بما حمده به كرسيه وما احاط به
علمه ولا اله الا الله بما هلّل
الله به سمواته وارضه ومن
فيهن والله اكبر بما كبّره به سمواته
وارضه ومن فيهن وسبحان الله

بِمَا سَبَّحَهُ بِهِ سَمٰوَاتُهُ وَأَرْضُهُ وَ
مَنْ فِيهِنَّ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ بِمَا حَمِدَهُ بِهِ
سَمٰوَاتُهُ وَأَرْضُهُ وَمَنْ فِيهِنَّ
وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بِمَا هَلَّلَهُ بِهِ مَلَا
ئِكَتُهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ بِمَا كَبَّرَهُ بِهِ مَلَا
ئِكَتُهُ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ بِمَا سَبَّحَهُ
بِهِ مَلَآئِكَتُهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ بِمَا
حَمِدَهُ بِهِ مَلَآئِكَتُهُ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا
اللّٰهُ بِمَا هَلَّلَهُ بِهِ بِحَارُهُ وَمَا فِيهَا
وَاللّٰهُ اَكْبَرُ بِمَا كَبَّرَهُ بِهِ بِحَارُهُ وَمَا
فِيهَا وَسُبْحَانَ اللّٰهِ بِمَا سَبَّحَهُ بِهِ
بِحَارُهُ وَمَا فِيهَا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ بِمَا حَمِدَهُ
بِهِ بِحَارُهُ وَمَا فِيهَا وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

بما هو أهله بما أهل الآخرة والدنيا
وما فيهما والله أكبر بما أهل
الآخرة والدنيا وما فيهما وسبحان
الله بما يحمد به أهل الآخرة و
الدنيا وما فيهما ولا إله إلا الله مبلغ
رضاه وما لا يعلمه والله أكبر مبلغ
رضاه وزنة عرشه ومنتهى رضاه
ما لا يعلمه وسبحان الله مبلغ
رضاه وزنة عرشه ومنتهى رضاه
وما لا يعلمه والحمد لله مبلغ رضاه
وزنة عرشه ومنتهى رضاه وما
لا يعلمه ولا يعلمه ولا إله إلا
الله قبل كل شيء ومع كل شيء وعدد

كُلِّ شَيْءٍ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَعَ كُلِّ شَيْءٍ
وَعَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ
آيَاتِهِ وَأَسْمَائِهِ وَمِلْءَ جَنَّتِهِ وَنَارِهِ
وَاللّٰهُ أَكْبَرُ عَدَدَ آيَاتِهِ وَآيَاتِهِ وَأَسْمَائِهِ
وَمِلْءَ جَنَّتِهِ وَنَارِهِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ عَدَدَ
آيَاتِهِ وَأَسْمَائِهِ وَمِلْءَ جَنَّتِهِ وَنَارِهِ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ آيَاتِهِ وَأَسْمَائِهِ
وَمِلْءَ جَنَّتِهِ وَنَارِهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا
اللّٰهُ جُمْلَةً لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا
بِقُوَّةٍ وَلَا بِحِسَابٍ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ
جُمْلَةً لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا بِقُوَّةٍ
وَلَا بِحِسَابٍ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ جُمْلَةً لَا تُحْصَى
بِعَدَدٍ وَلَا بِقُوَّةٍ وَلَا بِحِسَابٍ

بِمَا هَلَّلَهُ بِهِ أَهْلُ الْآخِرَةِ وَالدُّنْيَا
وَمَا فِيهِمَا وَاللهُ أَكْبَرُ بِمَا كَبَّرَهُ بِهِ أَهْلُ
الْآخِرَةِ وَالدُّنْيَا وَمَا فِيهِمَا وَسُبْحَانَ
اللهِ بِمَا سَبَّحَهُ بِهِ أَهْلُ الْآخِرَةِ وَ
الدُّنْيَا وَمَا فِيهِمَا وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مَبْلَغَ
رِضَاهُ وَمَا لَا يَعْدِلُهُ وَاللهُ أَكْبَرُ مَبْلَغَ
رِضَاهُ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمُنْتَهَى رِضَاهُ
مَا لَا يَعْدِلُهُ وَسُبْحَانَ اللهِ مَبْلَغَ
رِضَاهُ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمُنْتَهَى رِضَاهُ
وَمَا لَا يَعْدِلُهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مَبْلَغَ رِضَاهُ
وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمُنْتَهَى رِضَاهُ وَمَا
لَا يَعْدِلُهُ وَلَا يَعْدِلُهُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا
اللهُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَعَ كُلِّ شَيْءٍ وَعَدَدَ

كُلِّ شَيْءٍ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَعَ كُلِّ شَيْءٍ
وَعَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ
آيَاتِهِ وَأَسْمَائِهِ وَمِلْءَ جَنَّتِهِ وَنَارِهِ
وَاللّٰهُ أَكْبَرُ عَدَدَ آيَاتِهِ وَآيَاتِهِ وَأَسْمَائِهِ
وَمِلْءَ جَنَّتِهِ وَنَارِهِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ عَدَدَ
آيَاتِهِ وَأَسْمَائِهِ وَمِلْءَ جَنَّتِهِ وَنَارِهِ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ آيَاتِهِ وَأَسْمَائِهِ
وَمِلْءَ جَنَّتِهِ وَنَارِهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا
اللّٰهُ جُمْلَةً لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا
بِقُوَّةٍ وَلَا بِحِسَابٍ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ
جُمْلَةً لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا بِقُوَّةٍ
وَلَا بِحِسَابٍ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ جُمْلَةً لَا تُحْصَى
بِعَدَدٍ وَلَا بِقُوَّةٍ وَلَا بِحِسَابٍ

وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ النُّجُومِ وَالْمِيَاهِ
وَالْاَشْجَارِ وَالْاَشْعَارِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ
عَدَدَ النُّجُومِ وَالْمِيَاهِ وَالْاَشْجَارِ وَ
الْاَشْعَارِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ النُّجُومِ
وَالْمِيَاهِ وَالْاَشْجَارِ وَالْاَشْعَارِ وَلَا
اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الْحَصٰى وَالنَّوٰى
وَالتُّرَابِ وَالْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ
عَدَدَ الْحَصٰى وَالنَّوٰى وَالتُّرَابِ
وَالْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ عَدَدَ
الْحَصٰى وَالنَّوٰى وَالتُّرَابِ وَالْجِنِّ
وَالْاِنْسِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ الْحَصٰى وَ
النَّوٰى وَالتُّرَابِ وَالْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ تَهْلِيلًا لَا يَكُونُ

بَعْدَهُ فِى عِلْمِهِ تَهْلِيلٌ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا
لَا يَكُونُ بَعْدَهُ فِى عِلْمِهِ تَكْبِيرًا لَا يَكُونُ
بَعْدَهُ فِى عِلْمِهِ تَكْبِيرٌ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ
تَسْبِيحًا لَا يَكُونُ بَعْدَهُ فِى عِلْمِهِ تَسْبِيحٌ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ تَحْمِيدًا لَا يَكُونُ بَعْدَهُ
فِى عِلْمِهِ تَحْمِيدٌ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ أَبَدَ
الْأَبَدِ وَبَعْدَ الْأَبَدِ وَقَبْلَ الْأَبَدِ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ أَبَدَ الْأَبَدِ وَبَعْدَ الْأَبَدِ وَ
قَبْلَ الْأَبَدِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ هٰذَا
وَأَضْعَافِهِ وَأَمْثَالِهِ وَذٰلِكَ لِلّٰهِ قَلِيلٌ
وَاللّٰهُ أَكْبَرُ عَدَدَ هٰذَا وَأَضْعَافِهِ
وَأَمْثَالِهِ وَذٰلِكَ لِلّٰهِ قَلِيلٌ وَسُبْحَانَ
اللّٰهِ عَدَدَ هٰذَا وَأَضْعَافِهِ وَأَمْثَالِهِ

وَذَالِكَ لِلّٰهِ قَلِيلٌ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ
هٰذَا وَاَضْعَافُهُ وَاَمْثَالَهُ وَذَالِكَ لِلّٰهِ
قَلِيلٌ وَلَاحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ عَدَدَ
هٰذَا كُلِّهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ
عَدَدَ هٰذَا كُلِّهِ وَاَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ
الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ عَدَدَ
هٰذَا كُلِّهِ وَاَتُوبُ اِلَى اللّٰهِ مِنْ كُلِّ
خَطِيئَةٍ اِرْتَكَبْتُهَا وَمِنْ كُلِّ ذَنْبٍ
عَمِلْتُهُ وَمِنْ كُلِّ فَاحِشَةٍ سَبَقَتْ
مِنِّي عَدَدَ هٰذَا كُلِّهِ وَمُنْتَهٰى
عِلْمِهِ وَرِضَاهُ يَا اَللّٰهُ الْمُؤْمِنُ الْخَالِقُ
الْعَلِيمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ
سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ يَا اَللّٰهُ الْجَمِيلُ

الجميل

الْجَلِيلُ يَا اَللهُ الرَّبُّ الْكَرِيمُ يَا اَللهُ
الْمُبْدِئُ الْمُعِيدُ يَا اَللهُ الْوَاسِعُ الْحَلِيمُ
يَا اَللهُ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ يَا اَللهُ الْعَلِيمُ
الْقَدِيمُ يَا اَللهُ الْعَظِيمُ الْكَرِيمُ يَا
اَللهُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ يَا اَللهُ الْعَظِيمُ
الْجَلِيلُ يَا اَللهُ الْقَوِيُّ الْاَمِينُ
يَا اَللهُ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ يَا اَللهُ الْقَرِيبُ
الْمُجِيبُ يَا اَللهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
يَا اَللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ يَا اَللهُ الرَّؤُفُ
الرَّحِيمُ يَا اَللهُ الْغَفُورُ الشَّكُورُ
يَا اَللهُ الرَّاضِي بِالْيَسِيرِ يَا اَللهُ السَّاتِرُ
لِلْقَبِيحِ يَا اَللهُ الْمُعْطِي الْجَزِيلَ يَا اَللهُ
الْغَفَّارُ لِلذَّنْبِ الْعَظِيمِ يَا اَللهُ

الْفَعَّالُ لِمَا يُرِيدُ يَا اَللّٰهُ الْجَبَّارُ
الْمُتَجَبِّرُ يَا اَللّٰهُ الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ يَا اَللّٰهُ
الْعَظِيمُ الْمُتَعَظِّمُ يَا اَللّٰهُ الْعَلِيُّ
الْمُتَعَالِي يَا اَللّٰهُ الرَّفِيعُ الْعَالِي يَا اَللّٰهُ
الْقَائِمُ الدَّائِمُ يَا اَللّٰهُ الْقَادِرُ
الْمُقْتَدِرُ يَا اَللّٰهُ الْقَاهِرُ الْبَاهِرُ
يَا اَللّٰهُ الْوَاجِدُ الْمَاجِدُ يَا اَللّٰهُ الْقَابِضُ
الْبَاسِطُ يَا اَللّٰهُ الْخَالِقُ الرَّازِقُ
يَا اَللّٰهُ الْبَاعِثُ الْوَارِثُ يَا اَللّٰهُ
الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ يَا اَللّٰهُ الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ
يَا اَللّٰهُ الطَّالِبُ الْمُدْرِكُ يَا اَللّٰهُ مُنْتَهَى
رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ يَا اَللّٰهُ جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ
يَا اَللّٰهُ أَقْرَبَ الْمُحْسِنِينَ يَا اَللّٰهُ أَرْحَمَ

الراحمين

الرّاحمين يا الله غياث المستغيثين
يا الله معطي السّائلين يا الله المنفس
عن المهمومين يا الله المفرّج عن
المكروبين يا الله المفرّج عن
الكرب العظيم يا الله النّور منك
النّور يا الله الخير من عندك الخير
يا الله يا رحمن أسألك بأسمائك
البالغة المبالغة يا الله يا رحمن
أسألك بأسمائك العزيزة الحكيمة
يا الله يا رحمن أسألك بأسمائك
الرّضيّة الرّفيعة الشّريفة يا
الله يا رحمن أسألك بأسمائك المخزونة
المكنونة المكتومة التّامّة الجزيلة

٢٠٨

یا اَللهُ یا رَحمنُ اَسئَلُکَ ما هُوَ رِضیً
لَکَ یا اَللهُ یا رَحمنُ اَسئَلُکَ اَن تُصَلِّیَ
عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ قَبلَ کُلِّ شَیءٍ وَ
مَعَ کُلِّ شَیءٍ وَ بَعدَدِ کُلِّ شَیءٍ وَ عَدَدِ
کُلِّ شَیءٍ صَلوٰةً لایَقوی عَلی
اَحصآئِها اِلّا اَنتَ بِعَدَدِ کُلِّ شَیءٍ
وَ بِعَدَدِ ما اَحصاهُ کِتابُکَ وَ اَحاطَ
بِهِ عِلمُکَ وَ اَن تَفعَلَ بی ما اَنتَ
اَهلُهُ لا ما اَنا اَهلُهُ وَ اَسئَلُکَ قَضاءَ
حَوآئِجی لِلدُّنیا وَ الاخِرَةِ اِن شِئتُما
وَ صَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِهِ وَ سَلَّمَ
دعاء ادم علیه السلام سید ابن طاوس
در کتاب مهج الدعوات از حضرت امام
جعفر

جعفر صادق علیه السلام اورده که
دعا کرد باید تا حضرت ادم علیه السلام
پروردگار خود را پس توبهٔ او قبول
شد و خطاب از خدا تعالی در رسید
که ای ادم سؤال کردی از من بحق محمد
و حال انکه ندیدهٔ او را گفت که دیدم
در عرش و که نوشته است لا اله
الا الله محمد رسول الله راوی
گوید که والله دعا نکردم باین کلمات
در پنهان و اشکار و نه در سختی و
اسانی مگر انکه مستجاب کرده خدا تعالی
از برای من اینست دعا یا ربّاه یا
ربّاه یا ربّاه لا یردّ غضبك الا

حِلْمُكَ وَلَا يُنْجِي مِنْ عُقُوبَتِكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ
إِلَيْكَ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا
لَمْ يَضُرَّنِي مَا حَرَمْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي
مَا أَعْطَيْتَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْفَوْزَ
بِالْجَنَّةِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ يَا
ذَا الْعَرْشِ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ يَا ذَا الْمُلْكِ
الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ
يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ يَا مَنْزُولًا بِهِ
كُلُّ حَاجَةٍ إِنْ كُنْتَ رَضِيتَ
عَنِّي فَازْدُدْ عَنِّي رِضًا وَقَرِّبْنِي
مِنْكَ زُلْفَى وَإِنْ لَمْ تَكُنْ رَضِيتَ عَنِّي
فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبِفَضْلِكَ عَلَيْهِمْ لَمَّا رَضِيتَ

عَنِّی اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیْم وکفعمی

در مصباح از حضرت رسالت پناه

صلی الله علیه و آله آورده که در این

دعا اسم اعظم است و هر که حفظ کند

این دعا را میگرداند خدا تعالی نور را

در بصر او و ایمان را در دل و گشاده میگرداند

از برای او نوری که درخشان باشد

و مباهات میکند بآن با فرشتگان

هر روز دو مرتبه و روزی او میگرداند

خدای تعالی حفظ کتاب خود و تفقه

در دین خود و محبوب میگرداند او را

در پیش بندگان خود و ایمن میگرداند

او را از فزع اکبر و می بخشد گناهان او

وعطا میکند نامهٔ اورا بدرد بدست
راست او ونمی ترسد واند وهکین نمیشود
ودر روزی کدمردمان بترسند واندو هکین
شوند ونوشته میشود در پیش خدایتعالی
ازجملهٔ صدیقان وسوالغیکند حاجتی
رامکرانکه عطا میکند باو وعطا میکند
باو وعطا میکند اورا خدایتعالی اجر
هرشهیدی که شهید شده باشد از ابتدای
خلقت دنیا تا روز قیامت وساکن میکرداند
اورا با ابراهیم علیه السلام در بهشت
عدن درزیر سایهٔ عرش خود وبخواند
این دعارا هرروز در سجاده اینست دعا
بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا
یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ اَنْتَ الْمُرْتَفِعُ فِیْ
عَرْشِكَ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمٰوَاتِكَ
وَاَنْتَ الْمُطَّلِعُ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ وَلَا یَطَّلِعُ
شَیْءٌ عَلَیْكَ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ
یَا اَللّٰهُ اَنْتَ اَعْظَمُ مِنْ كُلِّ شَیْءٍ فَلَا
یَصِلُ اَحَدٌ عَظَمَتَكَ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ
یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا نُوْرَ النُّوْرِ
قَدِ اسْتَضَاءَ بِنُوْرِكَ اَهْلُ سَمٰوَاتِكَ
وَاَرْضِكَ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ
یَا اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ تَعَالَیْتَ اَنْ
یَكُوْنَ لَكَ شَرِیْكٌ وَتَكَبَّرْتَ اَنْ
یَكُوْنَ لَكَ ضِدٌّ یَا نُوْرَ النُّوْرِ یَا نُوْرَ

كُلِّ نُورٍ وَخَامِدٌ لِنُورِكَ يَا مَلِيكُ
كُلِّ مَلِيكٍ يَفْنَى غَيْرُكَ يَا نُورَ النُّورِ
يَا مَنْ مَلَأَ أَرْكَانَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ
بِعَظَمَتِهِ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ
يَا هُوَ يَا هُوَ يَا مَنْ لَيْسَ كَهُوَ يَا مَنْ لَا هُوَ
إِلَّا هُوَ اَغِثْنِي اَغِثْنِي اَغِثْنِي السَّاعَةَ
السَّاعَةَ السَّاعَةَ يَا مَنْ أَمْرُهُ كَلَمْحِ الْبَصَرِ
أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا اِهْيًا شَرَاهِيًا اِذُونَا
اَصْبَاوُتَ اَلْشَدَّايِ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا
اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ
يَا غَايَةَ مُنْتَهَاهُ وَرَغْبَتَاهُ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ و دعا كن چيزيرا كه دوست
ميداري دعاء ديگر از ان حضرت عليه السلام

سید ابن طاؤس در کتاب مذکور اورده
که ملک الموت اذن خواست از پرورد
گار خود که سلام کند بر یعقوب پس
اذن یافت و سلام کرد بر و پس حضرت
یعقوب علیه السلام باو گفت که قسم
بذاتی که آفریده است ترا آیا قبض روح
یوسف را کرده گفت نه بعد از ان
ملک الموت گفت که آیا تعلیم کنم
بتو کلمهٔ چند را که سؤال نکنی بان از
خدا تعالی چیزی را مگر انکه عطا کند
ترا گفت بلی گفت بگو یا ذا المعروف
الذی لا ینقطع ابداً و لا یحصیه
غیره پس حضرت یعقوب علیه السلام

این دعا را خواند و هنوز فجر طلوع نکرده
بود که پیراهن حضرت یوسف با و رسید
دعاء یوسف علیهم السلام ابن طاوس
در کتاب مذکور اورده که انحضرت
علیه السلام در بعضی از اوقات ابتلا
این دعا را خوانده اند یا راحم المساکین
و یا رازق المتوکلین یا رب العالمین
و یا مالک یوم الدین و یا غیاث
المکروبین و یا مجیب دعوة
المضطرین و یا احکم الحاکمین
و یا اسرع الحاسبین و یا خیر
المسئولین یا ذا الجلال و الاکرام
یا کبیر کل کبیر یا من لا شریک

لَهُ وَلا وَزِيرَ لَهُ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا مَنْ هُوَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ يَا مَنْ
هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ يَا خَالِقَ الشَّمْسِ
وَالْقَمَرِ الْمُنِيرِ يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ
وَيَا مُغْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ وَيَا مُطْلِقَ
الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ وَيَا مُدَبِّرَ الْأَمْرِ
ثُمَّ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ يَا مَنْ لَا يُجَارُ عَلَيْهِ
وَهُوَ يُجِيرُ وَيَا مَنْ هُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى
وَهُوَ عَلَيْهِ يَسِيرٌ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ
الْمُسْتَجِيرِ يَا مُغْنِيَ الْفَقِيرِ الضَّرِيرِ
يَا حَافِظَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا رَاحِمَ
الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ
خَافِيَةٌ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا

يا غافر الذنوب يا علام الغيوب
يا ساتر العيوب اسئلك ان تصلي
على محمد وال محمد وان تغفر لي و
لوالدي وتجاوز عنا فيما تعلم
فانك الاعز الاكرم دعاء
حضرت فاطمه زهرا عليها السلام سيد
ابن طاوس در كتاب مهج الدعوات اورده
كه حضرت رسالت پناه صلى الله عليه
واله بحضرت فاطمه زهرا عليها السلام
فرمودند كه اى دختر من يا بياموزم
ترا دعائى كه نخوانند انرا هيچ كس مگر انكه
مستجاب شود از براى او و اثر نكند در تو
سحر و نه زهر و شماتت نكند بتو دشمن و شيطان

عارض

عارض تو نشود و رحمن از تو اعراض نکند

و هیچ نعمتی از تو دور نشود و هیچ دعای

از تو دور نشود و جمیع حاجتهای تو بر آورده

شود حضرت فاطمه علیها السلام گفتند

که ای پدر بزرگوار من هر اینه ایند عادت

تراست نزد من از دنیا و آنچه در آنست حضرت

صلی الله فرمودند که بگو یَا اَعَزَّ مَذْکُورٍ

وَاَقْدَمَهُ قِدَماً فِی الْعِزِّ وَالْجَبَرُوتِ یَا رَحِیمَ

کُلِّ مُسْتَرْحِمٍ وَمَفْزَعَ کُلِّ مَلْهُوفٍ

اِلَیْهِ یَا رَاحِمَ کُلِّ حَزِینٍ یَشْکُو بَثَّهُ وَ

حُزْنَهُ اِلَیْهِ یَا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ الْمَعْرُوفُ

مِنْهُ وَاَسْرَعَهُ اِعْطَاءً یَا مَنْ تَخَافُ

الْمَلَائِکَةُ الْمُتَوَقِّدَةُ بِالنُّورِ مِنْهُ اَسْئَلُکَ

بالاسماء التى تدعوك بها حملة عرشك
ومن حول عرشك بنورك يسبحون
شفقة من خوف عقابك وبا
الاسماء التى يدعوك بها جبرئيل
وميكائيل واسرافيل الا اجبتنى
وكشفت يا الهى كربى وسترت ذنوبى
وغفرتها يا من امر بالصيحة فى خلقه
فاذا هم بالساهرة يحشرون وبذلك
الاسم الذى احييت به العظام و
هى رميم احى قلبى واشرح صدرى
واصلح شانى يا من خص نفسه بالبقاء
وخلق لبريته الموت والحيوة و
الفناء يا من فعله قول وقوله امرو

امره

أَمْرُهُ مَاضٍ عَلَىٰ مَا يَشَاءُ أَسْئَلُكَ بِالْإِسْمِ
الَّذِى دَعَاكَ بِهِ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُكَ حِينَ
أُلْقِيَ فِي النَّارِ فَدَعَاكَ بِهِ فَاسْتَجَبْتَ
لَهُ وَقُلْتَ يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا
عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَبِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ
مُوسَىٰ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ
فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَبِالْإِسْمِ الَّذِى
خَلَقْتَ بِهِ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ مِنْ رُوحِ
الْقُدُسِ وَبِالْإِسْمِ الَّذِى تُبْتَ بِهِ
عَلَىٰ دَاوُدَ وَبِالْإِسْمِ الَّذِى وَهَبْتَ
بِهِ لِزَكَرِيَّا يَحْيَىٰ وَبِالْإِسْمِ الَّذِى
كَشَفْتَ بِهِ عَنْ أَيُّوبَ الضُّرَّ وَسَخَّرْتَ
بِهِ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ وَ

الشَّیاطین وَعلّمتَه منطِقَ الطّیرِ
وَبِالاِسْمِ الّذی خلقتَ بِه العرشَ
وَبِالاِسْمِ الّذی خلقتَ بِه العرشَ
وَبِالاِسْمِ الّذی خلقتَ بِه الرّوحانیّین
وَبِالاِسْمِ الّذی خلقتَ بِه الجِنَّ
وَالاِنسَ وَبِالاِسْمِ الّذی خلقتَ
بِه جمیعَ ما اَرَدتَ مِن شَیءٍ وَ
بِالاِسْمِ الّذی قدرتَ بِه علی کلِّ
شیءٍ اَسئلُکَ بِحقِّ هٰذِهِ الاَسماءِ
اِلّا اَعطَیتَنی سُؤلی وَقَضَیتَ
لی حَوائِجی یا کَریمُ دعاء دیگر از
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
سید ابن طاوس در کتاب مهج الدعوات

از علی بن مهزیار آورده که شنیدم از
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
که این دعا را میخواندند و این دعاء
اعتقاد است و بروایت دیگر در کتاب
مذکور همین دعا را باندک در عبارت
از حضرت امام رضا علیه السلام آورده
که بیونس ابن بکیر فرمودند که ای یونس حفظ
کن این دعا را و بخوان در هر شدتی که ابتلا
کرده میشوی و عطا کرده میشوی چیزیرا
که از زود کنی و بعضی از علما این دعا را در
ادعیه صباح و مسا نیز ذکر کرده اند این دعا است
بسم الله الرحمن الرحیم
الهی انّ ذنوبی وکثرتها قد غبّرت

وَجْهِى عِنْدَكَ وَجَنَّبْتَنِى عَنِ اسْتِبْهَالِ
رَحْمَتِكَ وَبَاعَدْتَنِى عَنِ اسْتِنْجَازِ مَغْفِرَتِكَ
وَلَوْلَا تَعَلُّقِى بِالْآئِكَ وَتَمَسُّكِى بِالرَّجَاءِ
لِمَا وَعَدْتَ أَمْثَالِى مِنَ الْمُسْرِفِينَ وَأَشْبَاهِى
مِنَ الْخَاطِئِينَ بِقَوْلِكَ يَا عِبَادِىَ الَّذِينَ
أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ
اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ
هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَحَذَّرْتَ الْقَانِطِينَ
مِنْ رَحْمَتِكَ فَقُلْتَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ
رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ثُمَّ نَدَبْتَنَا بِرَحْمَتِكَ
إِلَى دُعَائِكَ فَقُلْتَ ادْعُونِى أَسْتَجِبْ
لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِى
سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ إِلٰهِى لَقَدْ

كان

كان ذل الاياس على مشتملا والغنوط
من رحمتك بي ملتحقا الهي وقد وعدت
المحسن ظنه بك ثوابا واوعدت
المسيئ ظنه بك عقابا اللهم وقد
استبك دمعي حسن الظن بك في عتق
رقبتي من النار وتغمد زللي
واقالة عثرتي وقلت وقولك
الحق الذي لا خلف له ولا تبديل
يوم ندعوا كل اناس بامامهم
فمن اوتي كتابه بيمينه فاولئك
يقرءون كتابهم ولا يظلمون فتيلا
ذلك يوم النشور اذا نفخ في الصور
وبعثرت القبور اللهم اني اقر و

اَشْهَدُ وَاَعْتَرِفُ وَلا اَجْحَدُ وَاُسِرُّ
وَاُظْهِرُ وَاُعْلِنُ وَاُبْطِنُ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ
الَّذي لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ وَحْدَكَ لا شَريكَ
لَكَ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ عَلِيّاً اَميرَ
الْمُؤْمِنينَ وَسَيِّدَ الْوَصِيّينَ وَوارِثَ
عِلْمِ النَّبِيّينَ وَقاتِلَ الْمُشْرِكينَ وَاِمامَ الْمُتَّقينَ
وَمُبيرَ الْمُنافِقينَ وَمُجاهِدَ النّاكِثينَ
وَالْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ اِمامي وَحُجَّتي
وَعُرْوَتي وَصِراطي وَدَليلي وَحُجَّتي وَمَنْ
لا اَثِقُ بِالْاَعْمالِ وَاِنْ زَكَتْ وَلا اَراها
مُنْجِيَةً لي وَاِنْ صَلُحَتْ اِلّا بِوِلايَتِهِ وَالْ
ائْتِمامِ بِهِ وَالْاِقْرارِ بِفَضائِلِهِ وَالْقَبُولِ

مِنْ حَمَلَتِها

مِنْ جُمْلَتِهَا وَالتَّسْلِيمِ لِرُوَاتِهَا اَللّٰهُمَّ وَافْرُ
بَاَوْصِيَائِهِ مِنْ اَبْنَائِهِ اَئِمَّةً وَحُجَجًا وَاَدِلَّةً
وَسُرُجًا وَاَعْلَامًا وَمَنَارًا وَسَادَةً اَبْرَارًا
وَاٰدِيْنَ بِسِرِّهِمْ وَجَهْرِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَ
بَاطِنِهِمْ وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ وَ
غَائِبِهِمْ لَا شَكَّ فِي ذٰلِكَ وَلَا ارْتِيَابَ وَ
لَا تَحَوُّلَ عَنْهُ وَلَا انْقِلَابَ اَللّٰهُمَّ وَادْعُنِي
يَوْمَ حَشْرِي وَحِينَ نَشْرِي بِاِمَامِ مِنْهُمْ وَ
احْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ وَاكْتُبْنِي فِي اَصْحَابِهِمْ
وَاجْعَلْنِي مِنْ اِخْوَانِهِمْ وَاَنْقِذْنِي بِهِمْ يَا
مَوْلَايَ مِنْ حَرِّ النِّيرَانِ وَاِنْ لَمْ تَرْزُقْنِي
رَوْحَ الْجِنَانِ فَاِنَّكَ اِنْ اَعْتَقْتَنِي مِنْهَا
كُنْتُ مِنَ الْفَائِزِينَ اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَصْبَحْتُ فِي

يَوْمِي هٰذا وَلا ثِقَةَ لِي وَلا رَجاءَ وَلا
مَفْزَعَ وَلا مَلْجَأَ وَلا مُلْتَجا غَيْرُ مَنْ تَوَسَّلْتُ
بِهِمْ إِلَيْكَ وَهُمْ رَسُولُكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ وَعَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدَتِي
فاطِمَةُ الزَّهْراءِ سَيِّدَةُ النِّساءِ وَالْحَسَنُ
وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَجَعْفَرٌ وَمُوسَىٰ
وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَبَقِيَّةُ الْحُجَّةِ
مِنْ بَعْدِهِمُ الْحُجَّةُ الْمَسْتُورَةُ مِنْ وُلْدِهِمْ
وَالْمَرْجُوُّ لِلْأُمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ وَخِيَرَتُكَ
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ فِي
هٰذَا الْيَوْمِ وَما بَعْدَهُ حِصْنِي مِنَ الْمَكارِهِ
وَمَعْقِلِي مِنَ الْمَخاوِفِ وَنَجِّنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ
عَدُوٍّ وَطاغٍ وَفاسِدٍ وَفاسِقٍ وَباغٍ وَمِنْ

شَرِّ مَا أَعْرِفُ وَمَا أُنْكِرُ وَمَا أُسْتِرَ عَلَيَّ وَمَا
أُبْصِرُ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا
إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اَللّٰهُمَّ فَبِتَوَسُّلِي
بِهِمْ إِلَيْكَ وَتَقَرُّبِي بِمَحَبَّتِهِمْ وَتَمَسُّكِي بِإِمَامَتِهِمْ
اَفْتَحْ عَلَيَّ فِي هٰذَا الْيَوْمِ أَبْوَابَ رِزْقِكَ
وَانْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ وَمَغْفِرَتَكَ وَحَبِّبْنِي
إِلَى خَلْقِكَ وَجَنِّبْنِي عَدَاوَتَهُمْ وَبُغْضَهُمْ
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ وَلِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ
ثَوَابٌ وَلِكُلِّ ذِي شَفَاعَةٍ حَقٌّ فَأَسْأَلُكَ
بِمَنْ جَعَلْتَهُ إِلَيْكَ سَبَبِي وَقَدَّمْتُهُ أَمَامَ
طَلِبَتِي أَنْ تُعَرِّفَنِي بَرَكَةَ يَوْمِي هٰذَا وَشَهْرِي
هٰذَا وَعَامِي هٰذَا اَللّٰهُمَّ فَهُمْ مَفْزَعِي وَ
مَعُولِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي وَعَافِيَتِي

وَبَلَائِي وَنَوْمِي وَيَقْظَتِي وَظَعْنِي

وَإِقَامَتِي وَعُسْرِي وَيُسْرِي وَ

عَلَانِيَتِي وَسِرِّي وَصَبَاحِي وَمَسَائِي

وَمُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ اَللّٰهُمَّ فَلَا تُخْلِنِي

بِهِمْ مِنْ نِعْمَتِكَ وَلَا تُخَيِّبْنِي بِهِمْ مِنْ

نَائِلِكَ وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْ رَحْمَتِكَ

وَلَا تَفْتِنِّي بِإِغْلَاقِ أَبْوَابِ الْأَرْزَاقِ

وَانْسِدَادِ مَسَالِكِهَا وَارْتِتَاجِ مَذَاهِبِهَا

وَافْتَحْ مِنْ لَدُنْكَ فَتْحًا يَسِيرًا وَاجْعَلْ

لِي مِنْ كُلِّ ضَنْكٍ مَخْرَجًا وَإِلَى كُلِّ

سَعَةٍ مَنْهَجًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلِ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ هُمَا نِعْمَتَيْنِ

عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَمُعَافَاتِكَ وَمِنْكَ

وَفَضْلِكَ وَلا تَفْقِرْنِى اِلى اَحَدٍ مِنْ
خَلْقِكَ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ
اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَىءٍ
مُحِيطٌ وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

فصل در بيان اسم اعظم واسماء حسنى
وبعضى از اذكار بدانكه آيات و د
عاهائيكه موافق اخبار مشتمل است بر
اسم اعظم بسيار است بعضى از آنها بتفر
در ابواب وفصول سابقه جابجا
مذكور شد وبعضى ديگر در اينمقام
ميشود سيد ابن طاوس در كتاب
مهج الدعوات از حضرت امام جعفر
صادق عليه السلام آورده كه اسم

اعظم در بسم الله الرحمن الرحیم است ونیز
در کتاب مذکور از انحضرت علیه السلام
اورده که اسم اعظم در سورهٔ فاتحهٔ
الکتاب است ونیز در کتاب مذکور
از انحضرت علیه السلام اورده که بشخصی
فرمودند که ایا تعلیم کنم بتو اسم اعظم
را گفت بلی فرمودند که بخوان الحمد وقل
هو الله احد وایة الکرسی وانا انزلنا
را بخوان پس رو بقبله کن وهر دعائی که
خواهی بکن ونیز در کتاب مذکور از بو
امامه اورده که حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه واله فرمودند که اسم اعظم
که هرگاه دعا کرده شود وبان مستجاب

مشو

میشود در سه سوره است در بقره
و آل عمران و طه و ابوامامه گفت که
در بقره آیة الکرسی است و در آل عمران
الٓمٓ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ ﴿۱﴾
و نیز در کتاب مذکور از حضرت
رسالت پناه صلّی اللّٰهُ علیه و آله
آورده که اسم اعظمی که هرگاه دعا
کرده شود بآن مستجاب میشود
هرگاه شود سؤال کرده شود بآن
عطا کرده میشود قُلِ اللّٰهُمَّ مَالِكَ
الْمُلْكِ تُؤْتِی الْمُلْكَ است تا
قوله تعالی بغیر حساب و نیز
در کتاب مذکور از آنحضرت

صلی الله علیه واله اورده که اسم
اعظم در شش ایه است از اخر سوره حشر
ونیز در کتاب مذکور از ان حضرت
صلی الله علیه واله اورده که اسم اعظم
در این دو ایه است در لا اله الا هو
الحی القیوم ودر رب الحکم الهکم اله واحد
لا اله الا هو الرحمن الرحیم وکفعمی
در مصباح اورده که اسم اعظم در ما بین
دو لفظ جلاله است در سوره انعام
ونیز در کتاب مذکور از مقاتل بن سلیمان
اورده که بیست سال از خدای عز وجل
میخواستم که اسم اعظم را تعلیم من نماید
پس در بیت المقدس کسی در خواب

ابند عارا تعلیم من کرد و مقاتل بن سلیمان
گفت که هر که ابن دعا را بخواند ز حاجت
او بر نیاید لعنت کند بر مقاتل زند با
یا مرده ابن دعا یا قدیم یا حق یا
دایم یا قایم یا فرد یا صمد یا الله
یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم یا
ذا الجلال و الاکرام یا نور السموات
و الارض و ما بینهما و رب العرش
العظیم و یا من لم یلد و لم یولد
و لم یکن له کفوا احد یا الها فی العلم
یا اهل الحصر را تعلیم کند آن شخص گوید که
از پیش حضرت رفتم و شب بخواب
شدم پس شخصی پیش سر من آمد و چراغ

صلی الله علیه و آله اورده که اسم
اعظم دو شش آیه است از آخر سوره حشر
نیز در کتاب مذکور از آن حضرت
وَقُدْرَتُكَ فِي الْأَرْضِ كَقُدْرَتِكَ فِي السَّمَاءِ وَسُلْطَانُكَ فِي الْأَرْضِ
كَسُلْطَانِكَ فِي السَّمَاءِ أَسْئَلُكَ
بِاسْمِكَ الْكَرِيمِ وَوَجْهِكَ الْمُنِيرِ
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تُفَرِّجَ عَنِّي فَرَجاً عَاجِلاً وَتَجْعَلَ
لِي مِنْ كُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ فَرَجاً وَمَخْرَجاً
وَيُسْراً فِي كُلِّ عُسْرٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
و نیز در کتاب مذکور آورده که شخصی

در خدمت حضرت امیر المؤمنین
آمد و گفت که یا علی بیاموز بمن اسم اعظم
را پس آن حضرت علیه السلام امتناع فرمودند
و آن شخص الحاح کرد و قسم داد پس حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند
که میترسم که جهت دنیا دعا کنی آن شخص
گفت که دعا نمیکنم مگر بجهت امر آخرت
خود پس حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام فرمودند برو که بتحقیق خوا
هد آمد در این شب شخصی که بتو اسم
اعظم را تعلیم کند آن شخص گوید که
از پیش حضرت رفتم و شب بخواب
شدم پس شخصی بپیش سر من آمد و چراغ

راخاموش کرد واین دعارا تعلیم من
نمود اللهم انی اسئلک باسمک
المخزون المکنون العظیم الاعظم الاجل
الاکبر البرهان الحق المهیمن
القدوس الذی هو نور من نور
ونور مع نور علی نور ونور فوق
نور ونور فی نور ونور اضاء به
کل ظلمة وکسر به کل جبار رجیم
ولا یقوم به سماء ولا یقوم به
ارض یا من یخوف کل خائف ویبطل
به سحر کل ساحر وکید کل حاسد
وبغی کل باغ ویتصدع لعظمته
الجبال والبر ویحفظه الملائکة

حتی

حَتّٰى اَنْ تَتَكَلَّمَ بِهِ وَتَجْرِي بِهِ الْفُلْكُ
فَلَا يَكُونُ لِلْمَوْجِ عَلَيْهِ سَبِيلٌ وَيَذِلُّ
بِهِ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَشَيْطَانٍ
مَرِيدٍ وَهُوَ اسْمُكَ الْاَكْبَرُ الَّذِي سَمَّيْتَ
بِهِ نَفْسَكَ وَاسْتَوَيْتَ بِهِ عَلٰى عَرْشِكَ
وَاسْتَقْرَرْتَ بِهِ عَلٰى كُرْسِيِّكَ يَا
اَللّٰهُ الْعَظِيمُ الْاَعْظَمُ يَا اَللّٰهُ النُّورُ
الْاَكْرَمُ يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَسْئَلُكَ
بِعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ وَقُدْرَتِكَ وَ
بَرَكَاتِكَ وَبِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَسْئَلُكَ بِكَ وَبِهِمْ اَنْ
تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْتِقَنِي

وَوٰالِدَيَّ وَالمؤمنون وَالمؤمنات مِن
النَّارِ وصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اِنَّكَ
حَمِيدٌ مَجِيدٌ امّا اسماء حسنى ابن محمد
در كتاب عدة الداعى از حضرت امام
رضا از پدران بزرگوارش عليهم السلم
از حضرت رسالت پناه صلى الله عليه
وآله آورده كه خدا تعالى را نود و نه
نام است هر كه بخواند او را بان نامها
بر آورده ميشود حاجت او و هر كه احصا
كند انها را داخل ميشود به بهشت بن است
آن نامها اَللهُ الواحِدُ الاَحَدُ الصَّمَدُ
الاَوَّلُ الاٰخِرُ السَّمِيعُ البَصِيرُ القَدِيرُ
القَاهِرُ العَلِيُّ الاَعْلىٰ الباقِي البَدِيعُ
البَارِئُ الاَكرَمُ الظَّاهِرُ الباطِنُ الحَيُّ

الحكيم

الحَكِيمُ العَلِيمُ الحَلِيمُ الحَفِيظُ الحَقُّ

الحَسِيبُ الحَمِيدُ الحَفِيُّ الرَّبُّ الرَّحْمٰنُ

الرَّحِيمُ الذَّارِئُ الرَّازِقُ الرَّقِيبُ

الرَّءُوفُ الرَّائِي السَّلَامُ المُؤْمِنُ

المُهَيْمِنُ العَزِيزُ الجَبَّارُ المُتَكَبِّرُ

السَّيِّدُ السُّبُّوحُ الشَّهِيدُ الصَّادِقُ

الصَّانِعُ الطَّاهِرُ العَدْلُ العَفُوُّ

الغَفُورُ الغَنِيُّ الغِيَاثُ الفَاطِرُ

الفَرْدُ الفَتَّاحُ الفَالِقُ القَدِيمُ

المَلِكُ القُدُّوسُ القَوِيُّ

القَرِيبُ القَابِضُ البَاسِطُ القَاضِي

المُجِيبُ الوَلِيُّ المَنَّانُ المُحِيطُ المُبِينُ

المُقِيتُ المُصَوِّرُ الكَرِيمُ الوَكِيلُ

اَلْكَبِيرُ اَلْكَافِى كَاشِفُ الضُّرِّ الْوِتْرُ
النُّورُ الْوَهَّابُ اَلنَّاصِرُ الْوَاسِعُ
الْوَدُودُ الْهَادِى الْوَفِىُّ الْوَكِيلُ
الْوَارِثُ الْبَرُّ الْبَاعِثُ التَّوَّابُ
الْجَلِيلُ الْجَوَادُ الْخَبِيرُ الْخَالِقُ خَيْرُ
اَلنَّاصِرِينَ الدَّيَّانُ اَلشَّكُورُ الْمَلِكُ
الْعَظِيمُ اللَّطِيفُ اَلشَّافِى ونيز
كفعمى در كتاب مذكور اورده كه اكر كسى
را مهمى عظيمى پيش ايد يا از دشوارى
يا از مرضى بترسد يا متوجه پادشاهى
يا شهرى كه از ومى ترسيده باشد بشود
مناسب آن از اسماء الهى استخراج نمايد
ونظر كند در حروف امرى كه از من آن

مى ترسيده

میتر رسیده باشد وحروف مکرره را بیندازد
وباقی را بحساب جمل به پنسد که چند است
وبان عدد ان اسما را بخواند مثل انکه هرکاه
کسی از احمد نامی برسد پس مناسب الف الله
واحد است ومناسب حا حلیم وحکیم ومناسب میم
مؤمن ومهیمن ومناسب دال ودایم وعدد
حروف احمد پنجاه وسه است بان عدد از اسما
بخواند ونیز در کتاب مذکور از جمله خواص اسما
حسنی اورده که هرکه لفظ الله را بغیر حرف ندا
در چاشت وعصر وثلث اخر شب شصت وشش
مرتبه بخواند بمطلب خود میرسد الرحمن الرحیم
هرکه این را در عقب هر فریضه صد مرتبه
بخواند لطف الهی نسبت با و حاصل شود الملك

هر که این اسم را هر روز شصت و چهار بار
بخواند پادشاهی دوام بهم رساند
القدوس هر که این اسم را در
جمعه ها یکصد و هفتاد مرتبه بخواند
پاک میشود باطن او از رذایل السلام
هر که این اسم را صد مرتبه بر بیماری
بخواند شفا یابد المؤمن هر که
اسم را یکصد و سی و شش مرتبه بخواند
امان یابد از شر جن و انس المهیمن
هر که این اسم را یکصد و بیست و پنج مرتبه
بخواند صفای باطن بهم رساند و اطلاع
بر حقایق اشیا پیدا کند العزیز
هر که این اسم را هر روز نود و چهار

مرتبه

مرتبه در عقب نماز فجر بخواند اسرار بعضی
از علوم غریبه بروی منکشف کردد و
هرکه تا چهل روز هر روز چهل مرتبه
بخواند بجانب کسی محتاج نشود اَلْبَارُ
هرکه این اسم را بیست یکمرتبه بخواند
از شر ظالمان ایمن ماند اَلْمُتَكَبِّرُ
هرکه این اسم را نزد ظالمان جباری
بخواند ان جبار ذلیل شود اَلْخَالِقُ
هرکه این اسم را بسیار بخواند نورانی
شود دل او اَلْبَارِئُ هرکه این اسم را
بسیار بخواند در قبر تا نه بماند اَلْمُصَوِّرُ
هرکه این اسم را هفت روز روزه بکیرد
و سیزده مرتبه بخواند و بر جامی نویسد:

و محو کند و بیا شامد خدا یتعالی اورا
فرزند صالح کرامت فرماید الغفار
هرکه این اسم را بعد از نماز جمعه
صد مرتبه بخواند با نکه بگوید اللهم
اغفر لی یا غفار بیامرزد خدا یتعالی
اورا القهار هرکه این اسم را بسیار
بخواند برمی دارد خدا یتعالی محبت
دنیارا از دل او الوهاب هرکه این
اسم را چهار مرتبه در سجده بخواند
غنی میگرداند اورا خدا یتعالی و هر
بخواند انرا در اخر شب صد مرتبه
در حالتی که سر برهنه باشد و دستها
برداشته باشد و میگرداند خدا یتعالی

فقرا و

فقر او را و برمی‌دارد حاجت او را ٥ الرزاق هرکه این اسم را بسیار بخواند برکت روزی او شود الفتاح هرکه این اسم را بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه بخواند در حالتی که دست در سینهٔ خود گذاشته باشد و دور میکرداند خدا تعالی از دل او حجاب العلیم هرکه این اسم را بخواند واشمیشود ... معارف بر دل خواننده القابض هرکه این اسم را چهل مرتبه بر چهل لقمه در چهل روز بخورد از ایمن میسازد او را از عذاب گرسنگی تا زنده است الباسط هرکه این اسم را

در سحر ده مرتبه بخوانند در حالتی
که دستهای خود را برداشته باشد
محتاج نشود بجانب کسی بسؤال کردن
عالِمُ الغیبِ هر که این اسم را بعد
از نماز صد مرتبه بخواند حاصل
میشود او را کشف مر چیزهای پوشیده
اَلخافِض هر که هفتاد هزار مرتبه
این اسم بخواند دور میکرداند خدای تعالی
از و شر ظالمان را الحا اَلرّافِع هر که
اسم را در عقب نماز ظهر صد مرتبه
بخواند بلند میکرداند خدای تعالی
مرتبهٔ او را اَلمُعِزُّ هر که این اسم را
بخواند خدا تعالی او را با هیبت کرداند

الْمذِل

اَلْمُذِلُّ هر که بگوید این اسم را در
شب تاریک در حالتیکه که در سجده
باشد بر خاک هزار مرتبه و بگوید
یا مُذِلَّ الجبّارین وَ مُبیرَ الظّالمین
اِنَّ فلاناً آذَیتنی فَخُذْ لِی حَقّی
مِنْهُ دشمن او در همان وقت گرفتار
شود و هر که بخواند این اسم را پنجاه و
پنج مرتبه و سجده کند و بگوید الهی
آمنّی مِنْ فلانٍ ایمن میماند از
شر هر که بخواند برا او و خوانده باشد
اَلسَّمیعُ هر که این اسم را بسیار بگوید
مستجاب میشود دعای اَلْبَصیر
هر که این اسم را بسیار بگوید در جمعها

مخصوص میشود از جانب خدای
تعالی بعنایت و رعایت الحکم العدل
هر که این اسم را بسیار بگوید در میانه
شب مخصوص سازد او را خدای تعالی
بلطفهای خود و بگردانند باطن او را
خزانهٔ سر جود اللطیف خواندن
این اسم در شدتها باعث فرج میشود
الهادی الخبیر المبین هر که مداومت
نماید بر خواندن این در عقب گرسنگی
و بیخوابی مطلع میشود بر اسرار غیب
و همچنین است ذکر النور الهادی
و بگوید بعد از آن اِهدِنی یا هادی
وَاخبِرنی یا خبیر و بیّن لی یا مبین

الحلیم

اَلْحَلِیْمُ اَلرَّؤُوْفُ اَلْمَنَّانُ بخواند
این را هیچ نرسند مگر انکه ایمن
میماند اَلْحَکِیْمُ هرکه بنویسد این اسم
وبشوید باب و بپاشامد و بر پاشد
بر زراعت نمو می کند و برکت ان
ظاهر شود اَلْغَفُوْرُ هرکه بسیار
بگوید این اسم را دور میشود از و
وسواس اَلشَّکُوْرُ هرکه بخواند
این اسم را چهل مرتبه بر اب و چشمی را
که رمد داشته باشد ازان بشوید
شفا یابد اَلْعَلِیُّ هرکه این اسم را
بسیار بخواند و بر خود بیاویزد بالا شد
در پیش مردمان وجیه اَلْکَبِیْرُ

هرکه بگوید این اسم را بعد دان در
خلوت و ریاضت و بعد از ان دعا
کند دعاء او مستجاب میشود الحفیظ
هرکه بگوید این اسم را بعد دان نترسد
بهر جا که رود و این اسم امان ست از
غرق شدن و سریع الاجابت است
از برای ترسندگان و خوانند این
اسم همیشه محفوظ است الحسیب
هرکه این اسم را در هفت هفته در
هر روزی هفتاد مرتبه بگوید و ابتدا
از روز پنجشنبه کند خدای تعالی کفایت
مطالب او نماید و نجاة دهد او را از
هر چه بترسد الجلیل هرکه این اسم را

بیاد

بسیار بگوید هیبت او در دلها قرار
گیرد و توقیرش نماید هرکه به بیند او را
الکریم هرکه این اسم را در وقت خواب
بخواند و بر این ذکر بخواب رود دام میکند
خدایتعالی بفرشتگان اینکه دعا از
برای او و بگویند که ایمن گردانید خدای
تعالی ترا الرقیب المجیب هرکه بخواند
این را ایمن میماند الواسع هرکه این
اسم را بسیار بگوید روزی او وسیع
شود الودود هرکه اسم را هزار مرتبه
بر طعامی بخواند و بخورد جماعتی دهد
که در میان ایشان عداوت باشد
دوست یکدیگر شوند المجید هرکه

این اسم را بسیار بخواند شفا یابد
از جمیع المها آلباعِث هرکه این اسم را
صد مرتبه در وقت خواب بخواند و دست
بر سینهٔ خود کشد زنده میکرداند
خدای تعالی باطن او را و نورانی میکرداند
دل او را الشهید الحق هرکه بنویسد
این را بر چهار کنج ورقی و بنویسد نام
چیزی که از و کم شده است یا غایب شده
در وسط آن ورق و در نصف شب
در زیر آسمان آید و نظر بجانب آن نوشته
کند و هفتاد مرتبه این دو اسم را بخواند
خبر کم شده یا غایب باو رسد آلوکیل
هرکه این اسم را ورد خود سازد ایمن ماند

از غرق

از غرق شدن و سوختن اَلْقَوِیُّ
هرکه را دشمنی باشد و قدرت بدفع
آن نداشته باشد پس هزار و یک بند
از آرد بسازد و بر هر یکی این اسم را بخواند
و بمرغان دهد خدایتعالی شرّ آن دشمن را
از و دفع کند اَلْمُعِیْدُ هرکه در زوایای
خانهٔ خود در نصف شب بایستد و
هفتاد مرتبه بگوید یا مُعِیْدُ رُدَّ
عَلَیَّ فُلَانًا در آن هفته خبر غایب
باو رسد اَلْمُحِیُ اَلْمُمِیْتُ هرکه نفس او
متنفّر باشد از طاعت پس بگذارد
دست خود را بر سینهٔ خود و این
دو اسم را بخواند در وقت خواب هر

اینه نفس او اطاعت او کند اَلْحَیُّ
هرکه این اسم را بر مریض یا صاحب درد
نوزده مرتبه بخواند شفا یابد
اَلْقَیُّومُ هرکه این اسم را بسیار بگوید
تصفیهٔ قلب او را حاصل شود وهرکه
اَلْحَیُّ الْقَیُّومُ را بر انگشتری عقیق نقش
کند خدای تعالی احیاء ذکر او کند واگرچه
کمنام و بیفده باشد و این سازد او را
واگرچه خایف باشد اَلْوَاجِدُ هرکه
بنویسد و بخواند این اسم را بر طعامی
و بخورد و در باطن او نور یافته شود
اَلْمَاجِدُ خواندن این اسم در خلوت
مورث حصول نور میشود اَلْاَحَدُ
هرکه

هرکه این اسم را هزار مرتبه بعد از
ریاضت در خلوت بخواند فرشتگان
در ذکر او حاضر شوند اَلصَّمَدُ
ذکر کنندهٔ این اسم را المجوع نرسد
اَلْقَادِرُ هرکه این اسم را در وقت
وضوی خود بخواند بر خصم خود غالب
شود اَلْبَرُّ هرکرا طفلی باشد و
این اسم را بسیار بخواند سالم می ماند
ان طفل تا بمرتبهٔ بلوغ رسد اَلتَّوَّابُ
هرکه این اسم را بخواند خدای تعالی
قبول توبه او کند اَلْمُنْتَقِمُ هرکه این
اسم را بسیار بخواند خدای تعالی
او را از شر دشمن نگهدارد اَلرَّءُوفُ

هرکه بخواند این اسم را در پیش ظالمی
آن ظالم فروتنی کند از برای او الکسبوح
هرکه بنویسد این اسم را بر پارچه نانی
بعد از نماز جمعه وبخورد انراخوی
فرشتکان بهم رسانند الرب هرکه
اسم را بخواند نکهدارد خدای تعالی
اولاد او را مالک الملک هرکه این اسم را
بسیار بکوید غنی میکرداند او را خدا
تعالی در دنیا و میکرداند او را خدای تعالی
در اخرت الغنی المغنی هرکه بخواند
این را تا ده جمعه در هر جمعه ده هزار
مرتبه و ترک حیوانی نماید غنی میکرداند
او را خدای تعالی المعطی هرکه بسیار بکوید

یا معطی

يَا مُعْطِي السَّائِلِينَ بي نياز ميكرداند
خداى تعالى اورا از سوال كردن اَلْمَانِعُ
هركه بخواند اين اسم را در وقت خواب
ادا ميكند خداى تعالى دين ورا اَلنُّورُ
هركه بخواند اين اسم را هزار مرتبه ميكرداند
خداى تعالى از براى او نورى ظاهرى و باطنى
اَلْهَادِي هركه بسيار بكويد اين اسم را معرفت
روزى او شود اَلْبَدِيعُ هركه بخواند
اين اسم را هزار مرتبه روزى وكرداند
و بر آورده ميشود حاجت او اَلْوَارِثُ هركه
بخواند اين اسم را هزار مرتبه هدايت كند
او را خداى تعالى بجانب صواب اَلصَّبُورُ
هركه بخواند اين اسم را هزار مرتبه روزى

او کرداند خدایتعالی صبر را بر شدتها

فصل سیم در بیان ثواب تلاوت قرآن

و دعاهائیکه که پیش از تلاوت قرآن

و بعد ختم آن باید خواند دیلمی در ارشاد

القلوب از حضرت رسالت پناه صلی الله

علیه و اله اورده که دلها را زنگ میگیرد اند

مانند اهن و جلاء آن بخواندن قرآنست

و کلینی در کتاب کافی از حضرت امیر المومنین

اورده که خانه که خوانده میشود در ان

قرآن و ذکر خدای تعالی کرده میشو بسیار

میشود برکت انخانه و حاضر میشوند در ان

فرشتگان و دور میشوند از ان شیاطین

و می درخشد از برای اهل آسمان مانند

ستارگان

بستارگان از برای اهل زمین و خانهٔ که
خوانده نمیشود دران قران و ذکر خدا تعالی
کرده نمیشود کم میشود برکت آنخانه و دور
میشوند از ان فرشتگان و حاضر میشوند
دران شیاطین و نیز در کتاب مذکور
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
آورده که حضرت رسالت پناه صلی
الله علیه و اله فرمودند که هرکه بخواند
ده ایه را در شبی نوشته نمی شود
از غافلان و هرکه بخواند پنجاه ایه را
نوشته میشود از ذکر کنندگان و هرکه
بخواند صد ایه را نوشته میشود از
فرمان برداران و هرکه بخواند دو صد

ایه را نوشته میشود از خاشعان و
هر که بخواند سیصد ایه را نوشته
میشود از رستکاران و هر که بخواند
پانصد ایه را نوشته میشود از جهاد
کنندکان و هر که بخواند هزار ایه را
نوشته میشود از برای قنطاری از نیکی
و قنطار پانزده هزار مثقال طلا است
و مثقال بیست و چهار هزار قیراط است
که کوچک ترین انها کوه احد است و بز
کترین مثل کوه ما بین اسمان و زمین است
و نیز در کتاب مذکور از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام اورده که
هر که بشنود حرفی را از کتاب خدا بی انکه
بخواند

بخواند مینویسد خدای تعالی از برای او
یک حسنه و محو میکند از و یک سیئه و بلند
میکرداند از برای او یک درجه و هرکه بخواند
و یاد کیرد از قرآن یک حرفی را مینویسد خدای
تعالی از برای او ده حسنه و محو میکند از و
ده سیئه و بلند میکرداند از برای او ده درجه
و هرکه بخواند یکحرفی را از قرآن در نماز
خود نشسته مینویسد خدای تعالی از برای
پنجاه حسنه و محو میکند از و پنجاه درجه
و اکر حرفی را ایستاده در نماز خود بخواند
مینویسد خدا تعالی از برای او صد حسنه
و محو میکند از و صد سیئه و بلند میکرداند
از برای صد درجه و هرکه ختم کند قرآن را

خواهد بود از برای او دعائی مستجاب

و نیز در کتابی مذکور از انحضرت علیه السلام

اورده که حضرت رسالت پناه صلی الله

علیه و اله فرمودند که یاد بگیرید قرانرا

بدرستی که می اید قران در روز قیامت

نزد حامل خود بصورت جوان بسیار

خوش رو و میگوید منم ان قرانی که بسبب

من شبها بیدار میشدی و در روزها

بسبب روزه خود را تشنه میداشتی و بسبب

کثرت تلاوت من اب دهانت خشک

و اب دیدهات جاری میشد پس بشارت

باد پس تاجی می اورند و بر سرش میگذارند

و نامهٔ امان از عذاب بدست راستش

و نامه

وثابی مخلّد بودن در بهشت بدست
چپش میدهند و دو حله بر و میپوشانند
و با و میگویند که قران بخوان و بالا رو
و بعدد هر ایه بدرجه بالا میرود و پدر
و مادرش را دو حله می میپوشانند
اگر مؤمن باشند و میگویند بایشان
که از برای انست که شما آموختید
او را قران و نیز در کتاب مذکور
از انحضرت علیه السلام اورده که هرکه
از مصحف تلاوت نماید از چشمش
برخوردار شود و عذاب پدر و مادرش
را تخفیف دهند هرچند که کافر باشند
و محمد ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه

در حدیثی مناهی از حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله وارده که هر که
تلاوت قران نماید و بعد از ان حرامی را
بخورد یا انکه اختیار کند محبت دنیا را
بران مستوجب غضب خدا تعالی
گردد مگر انکه توبه کند و نیز محمد ابن
بابویه در کتاب ثواب الاعمال از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام اورده
که سه چیز است که بخدا تعالی شکایت
خواهند کرد مسجد خرابی که اهلش در ان
نماز نکنند و عالمی که در میان جاهلان باشد
و حرمتش را نگاه نه دارند و مصحفی
که او بخته باشد و از ان تلاوت ننماید

وطبرسی در کتاب مجمع البیان از حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله اورده
که بهترین عبادت خواندن قران است و
در کتاب جامع الاخبار اورده که حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله
بسلمان فرمودند که برتست بخواندن
قران بدرستی که قراءت آن کفاره
گناهان است و حجابست از اتش و
نوشته میشود از برای قاری ان بعدد
هر ایه ثواب صد شهید و عطا کرده
میشود بعدد هر سوره ثواب پیغمبری
و نازل میشود برو رحمت و استغفار
میکنند از برای او فرشتگان و مشتاق

میشود بجانب او بهشت و بدرستی که
مؤمن هرگاه بخواند قران را نظر میکند خدای تعالی
بجانب او برحمت و عطا میکند او را بعدد
هر ایه هزار حور و همچنین عطا میکند
او را بعدد هر حرفی نوری بر صراط پس هرگاه
ختم کند قران را عطا میکند باو ثواب سیصد
سیزده پیغمبر که رسانیده باشند رسالت
رسالت پروردگار خود و گویا خوانده باشد
هر کتابی را که نازل کرده است خدای تعالی
بر پیغمبران خود و حرام گرداند جسد او را
بر اتش و بر نخیزد از جای خود تا انکه ببیند
خدای تعالی او را بدرو مادر او را و عطا کند
او را خدای تعالی بعدد هر سوره شهری

در بهشت

در بهشت فردوس که از مروارید سبز باشد
و در اندرون هر شهری هزار سرا باشد
و در هر سرائی صد هزار حجره باشد و در
هر حجرهٔ صد هزار خانه باشد از نور و در هر
خانهٔ صد هزار دروازه باشد از رحمت
که بر هر دروازه صد هزار دربان باشد
و در دست هر دربانی هدیه باشد
هر کدام برنگ دیگر و بر سر هر دربانی
مندیلی باشد از استبرق که بهتر باشد
از دنیا و هر چه در اوست و در هر خانه صد
هزار دکان باشد از عنبر که وسعت هر دکان
بقدر ما بین مشرق و مغرب باشد و بر هر
دکانی صد هزار تخت باشد و بر هر تختی

صد هزار فرش باشد که از هر فرشی تا فرشی
دیگر هزار ذراع باشد و بر هر فرشی حور العینی
باشد که در سر بر ان هزار ذراع باشد
و بر و صد هزار حلّه باشد که دیده شود
مغز استخوان او از پس آن حلها و بر سر ان حور
تاجی باشد از عنبر که مکلّل باشد بدرّ و
یاقوت و شصت هزار گیسو داشته باشد
از مشک و غالیه و در گوشهای او دو گو
شواره باشد و در گردن او هزار گردن بند
از جواهر که ما بین هر گردن بندی هزار ذراع
باشد و پیش روی هر حوری هزار خادم باشد
که در دست هر خادمی کاسهٔ باشد از طلا
و در هر کاسهٔ صد هزار رنگ از شراب باشد

کد نماند

که نماند بعضی ازان بعضی دیگر را و در هر
خانهٔ هزار خوان باشد و در هر خوان صد
هزار کاسهٔ نو باشد و در هر کاسهٔ صد هزار
رنگ از طعام باشد که نماند بعضی ازان
بعضی دیگر را و می باید دوست خدا
از هر رنگی صد هزار لذت ای سلمان
مؤمن هر گاه قراءت قران کند میگشاید
خدای تعالی بر و در های رحمت را و خلق
میکند از برای او بهر حرفی که از دهن وی بر آید
فرشتهٔ که تسبیح کند اورا تا روز قیامت بدرستی
که نیست بعد از اموختن علم چیزی
دوست تر بنزد خدا تعالی از قراءت
قران و گرامی ترین بندگان نزد خدا تعالی

از قراءت قران و کرامی ترین بندکان
نزد خدا تعالی بعد از پیغمبران
علما اند و بعد از ان حاملان قران
میروند ایشان از دنیا مانند رفتن
پیغمبران و حشر میشوند ایشان با پیغمبران
و میکذرند بر صراط با ایشان و می
یابند ثواب ایشانرا و نبیند در کتاب
مذکور از انحضرت صلی الله علیه
واله اورده که هرکه بخواند هر روز
صد ایه را از مصحف بترتیل و فروتنی
وانتمام بنویسد خدا تعالی از برای
او از ثواب بقدر انچه عمل میکنند
بان جمیع اهل زمین و هرکه بخواند دو صد

ایدرا بنویسد خدای تعالی از برای او از
ثواب بقدر آنچه عمل میکند بان اهل آسمان
و اهل زمین و ابن فهد در کتاب عدة الداعی
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آورده
که بخوانند قران بعدد هر حرفی که بخوانند
در نماز ایستاده صد حسنه است و اگر بخوانند
نشسته پنجاه حسنه است و اگر بخواند در غیر نماز
با طهارت بخواند بیست و پنج حسنه است
و اگر بی طهارت بخواند ده حسنه است
اما دعاهائیکه پیش از تلاوت قران و
بعد ختم آن باید خواند بدانکه استعاذه
پیش از خواندن قران مستحب است چنانچه
حق تعالی در قران مجید میفرماید و اذا

قرأتَ القرآن فاستعذ باللهِ من الشیطان
الرّجیم و در کیفیت ان اختلاف بسیارست
اشهر انست که بگوید اعوذُ باللهِ من الشیطان
الرّجیم یا بگوید اعوذُ باللهِ السّمیع العلیم
مِن الشّیطانِ الرّجیم وحسن طبرسی در کتاب
مکارم الاخلاق اورده که حضرت امام
جعفر صادق علیه السّلام چون میخواست
که قران بخوانند در وقتی که بر می داشتند
مصحف را در دست راست اینده عا میخواندند
اَللّهُمَّ اِنّی اُشهِدُکَ اَنَّ هذا کِتابُکَ
المُنزَلُ مِن عِندِکَ علی رَسولِکَ مُحَمَّدِ بنِ
عَبدِاللهِ وَکَلامُکَ النّاطِقُ علی لِسانِ
نَبِیِّکَ جَعَلتَهُ هادِیاً مِنکَ اِلی خَلقِکَ

وجعلا

مُتَّصِلاً فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ عِبَادِكَ اللّٰهُمَّ

إِنِّي نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَكِتَابَكَ اللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ

نَظَرِي فِيهِ عِبَادَةً وَقِرَاءَتِي فِيهِ ذِكْراً

وَفِكْرِي فِيهِ اعْتِبَاراً وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ

اتَّعَظَ بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ فِيهِ وَاجْتَنَبَ

مَعَاصِيكَ وَلَا تَطْبَعْ عِنْدَ قِرَاءَتِي عَلَى

قَلْبِي وَلَا عَلَى سَمْعِي وَلَا تَجْعَلْ عَلَى بَصَرِي

غِشَاوَةً وَلَا تَجْعَلْ قِرَاءَتِي قِرَاءَةً لَا تَدَبُّرَ

فِيهَا بَلِ اجْعَلْنِي أَتَدَبَّرُ آيَاتِهِ وَأَحْكَامَهُ

آخِذاً بِشَرَائِعِ دِينِكَ وَلَا تَجْعَلْ نَظَرِي

فِيهِ غَفْلَةً وَلَا قِرَاءَتِي هَذْرَمَةً إِنَّكَ

أَنْتَ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ ونیز در کتاب مذکور

آورده که هرگاه از قرآءت فارغ شوی بگو

اَللّٰهُمَّ اِنّی قَدْ قَرَأْتُ مَا قَضَیْتَهُ مِنْ
کِتَابِکَ الَّذِی اَنْزَلْتَهُ عَلیٰ نَبِیِّکَ الصَّادِقِ
صَلَّی اللّٰه عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَلَکَ الْحَمْدُ رَبَّنَا
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِمَّنْ یُحِلُّ حَلَالَهُ وَیُحَرِّمُ
حَرَامَهُ وَیُؤْمِنُ بِمُحْکَمِهِ وَمُتَشَابِهِهِ
وَاجْعَلْهُ اُنْسًا فِی قَبْرِی وَاُنْسًا فِی حَشْرِی
وَاجْعَلْنِی مِمَّنْ تُرَقِّیهِ لِکُلِّ آیَةٍ دَرَجَةً
فِی اَعْلیٰ عِلِّیِّینَ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ
وکفعمی در کتاب بلد الامین در ادعیه
سر اورده که ای محمد هر که باشد او را حاجتی
مخفی پس بخواند مراد در میان شب در خلوت
در حالتی که با طهارت باشد و بگوید
یَا اَللّٰهُ مَا اَجِدُ اَحَدًا اِلَّا وَاَنْتَ رَجَاؤُهُ

وَمِنْ اَرْجى خَلْقِكَ لَكَ اَنَا وَبِاللّٰهِ
وَلَيْسَ شَيْءٌ مِنْ خَلْقِكَ اِلَّا وَهُوَ بِكَ
وَاثِقٌ وَمِنْ اَوْثَقِ خَلْقِكَ بِكَ اَنَا
وَبِاللّٰهِ وَلَيْسَ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ اِلَّا
وَهُوَ لَكَ فِي حَاجَتِهِ مُعْتَمِدٌ وَفِي
طَلِبَتِهِ سَائِلٌ وَمِنْ اَلْحَفِهِمْ سُؤَالًا
لَكَ اَنَا وَمِنْ اَشَدِّهِمْ اِعْتِمَادًا لَكَ
اَنَا اِلَّا اِنِّي اَمْسَيْتُ شَدِيدًا ثِقَتِي
فِي طَلِبَتِي اِلَيْكَ وَهِيَ كَذَا وَكَذَا
و نام برد ان حاجت را فَاِنَّكَ اِنْ
قَضَيْتَهَا قُضِيَتْ وَاِنْ لَمْ تَقْضِهَا
لَمْ تُقْضَ اَبَدًا وَقَدْ لَزِمَنِي مِنَ الْاَمْرِ مَا
لَابُدَّ لِي مِنْهُ فَلِذَالِكَ طَلَبْتُ

اِلَيكَ يا مُنفِذَ اَحكامِهِ بِامضا

ئِها اَمضِ قَضاءَ حاجَتى هٰذِهِ باِثبا

تِكَها فى غُيُوبِ الاِجابَةِ حَتّى تَقَلَّبَنى

بِها مُنجِحاً حَيثُ كانَت تَتَقَلَّبُ لى فيها

اَهواءُ جَميعِ عِبادِكَ وَامنُن عَلىٰ بِاِ

مضائِها وَتَيسيرِها وَنَجاحِها مِن

تَكديرِها عَلَيَّ بِتَردادِها وَبِطوالِها

فَيَسِّرها لى فَاِنّى مُضطَرٌّ اِلىٰ قَضائِها

وَقَد عَلِمتَ ذٰلِكَ فَاكشِف ما بى

مِنَ الضُّرِّ بِحَقِّكَ الَّذى بِهِ ما تُريدُ

بدرستيكه هرگاه بگويد اين را

بر آورده ميشود حاجت او پيش

از آنكه حركت كند انشاء الله تعالى

دعاء ديگر

دعاء دیگر از آن حضرت علیه السلام از
برای طلب حاجتها بجانب خدای تعالی
و این دعا از صحیفهٔ کامله است اَللّٰهُمَّ
یا مُنْتَهیٰ مَطْلَبِ الْحاجاتِ وَ یا مَنْ عِنْدَهُ
نَیْلُ الطَّلِباتِ وَ یا مَنْ لا یَبیعُ نِعَمَهُ
بِالْاَثْمانِ یا مَنْ لا یُکَدِّرُ عَطایاهُ
بِالْاِمْتِنانِ وَ یا مَنْ یُسْتَغْنیٰ بِهِ وَ
لا یُسْتَغْنیٰ عَنْهُ وَ یا مَنْ یُرْغَبُ
اِلَیْهِ وَلا یُرْغَبُ عَنْهُ وَ یا مَنْ لا
تُفْنی خَزائِنَهُ الْمَسائِلُ وَ یا مَنْ
لا تُبَدِّلُ حِکْمَتَهُ الْوَسائِلُ وَ یا
مَنْ لا تَنْقَطِعُ عَنْهُ حَوائِجُ الْمُحْتاجینَ
وَ یا مَنْ لا یُعَنّیهِ دُعاءُ الدّاعینَ

عرض ۲

تمدّحتَ بالغناء عن خلقك وانت
اهل الغنى عنهم ونسبتهم الى الفقر
وهم اهل الفقر اليك فمن حاول
سدّ خلّته من عندك ورام صرف
الفقر عن نفسه بك فقد طلب حاجته
في مظانّها واتى طلبته من وجهها
ومن توجّه بحاجته الى احد من خلقك
او جعله سبب نجحها دونك فقد
تعرّض للحرمان واستحقّ من عندك
فوت الاحسان اللّهمّ ولي اليك
حاجة قد قصّر عنها جهدي وتقطّعت
دونها حيلي وسوّلت لي نفسي
رفعها الى من يرفع حوائجه اليك

ولا يستغني

وَلا يَسْتَغْنِى فِى طَلِباتِهِ عَنكَ وَهِىَ
زَلَّةٌ مِنْ زَلَلِ الْخاطِئِينَ وَعَثْرَةٌ مِنْ
عَثَراتِ الْمُذْنِبِينَ ثُمَّ انْتَبَهْتُ
بِتَذْكِيرِكَ مِنْ غَفْلَتِى وَنَهَضْتُ
بِتَوْفِيقِكَ مِنْ زَلَّتِى وَنَكَصْتُ
بِتَسْدِيدِكَ عَنْ عَثْرَتِى وَقُلْتُ
سُبْحانَ رَبِّى كَيْفَ يَسْئَلُ مُحْتاجٌ
مُحْتاجًا وَاَنّى يَرْغَبُ مُعْدِمٌ اِلى
مُعْدِمٍ فَقَصَدْتُكَ يا اِلهى بِالرَّغْبَةِ
وَاَوْفَدْتُ عَلَيْكَ رَجائى بِالثِّقَةِ
بِكَ وَعَلِمْتُ اَنَّ كَثِيرَ ما اَسْئَلُكَ
يَسِيرٌ فى وُجْدِكَ وَاَنَّ خَطِيرَ ما
اَسْتَوْهِبُكَ حَقِيرٌ فى وُسْعِكَ

وَاَنَّ كَرَمَكَ لَا يَضِيقُ عَنْ سُؤَالِ
اَحَدٍ وَاَنَّ يَدَكَ بِالْعَطَايَا اَعْلٰى
مِنْ كُلِّ يَدٍ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَاٰلِهِ وَاحْمِلْنِى بِكَرَمِكَ عَلَى
التَّفَضُّلِ وَلَا تَحْمِلْنِى بِعَدْلِكَ
عَلَى الْاِسْتِحْقَاقِ فَمَا اَنَا بِاَوَّلِ
رَاغِبٍ رَغِبَ اِلَيْكَ فَاَعْطَيْتَهُ
وَهُوَ يَسْتَحِقُّ الْمَنْعَ وَلَا بِاَوَّلِ رَاغِبٍ
رَغِبَ اِلَيْكَ فَاَعْطَيْتَهُ وَهُوَ يَسْتَحِقُّ
الْمَنْعَ وَلَا بِاَوَّلِ سَائِلٍ سَاَلَكَ فَاَفْضَلْتَ
عَلَيْهِ وَهُوَ يَسْتَوْجِبُ الْحِرْمَانَ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَكُنْ لِدُعَائِى مُجِيبًا
وَمِنْ نِدَائِى قَرِيبًا وَلِتَضَرُّعِى رَاحِمًا

وَلِصَوْتِی سامِعًا وَلاَ تَقْطَعُ رَجائِی
عَنْكَ وَلاَ تَبُتَّ سَبَبِی مِنْكَ وَلاَ تُوَ
جِّهْنِی فِی حاجَتِی هٰذِهِ وَغَیْرِها اِلیٰ
سِواكَ وَتَوَلَّنی بِنُجْحِ طَلِبَتی وَقَضاءِ
حاجَتی وَنَیْلِ سُؤْلی قَبْلَ زَوالی عَنْ
مَوْقِفی هٰذا بِتَیْسیرِكَ لِیَ الْعَسیرَ وَحُسْنِ
تَقْدیرِكَ لی فی جَمیعِ الْاُمُورِ وَصَلِّ عَلیٰ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلوٰةً دائِمَةً نامِیَةً لاَ
انْقِطاعَ لِاَبَدِها وَلاَ مُنْتَهیٰ لِاَمَدِها
وَاجْعَلْ ذٰلِكَ عَوْنًا لی وَسَبَبًا لِنَجاحِ
طَلِبَتی اِنَّكَ واسِعٌ كَریمٌ وَمِنْ حاجَتی
یا رَبِّ كَذا وَكَذا و ذکر کن حاجت
خُود را بعد از آن سجده کن و بگو در سجده

فضلك انسنى واحسانك دلنى فاسئلك
بك وبمحمد واله صلواتك عليهم ان لا تردنى
خائبا اما ادعيه استغاثات كفعمى
در كتاب بلد الامين از حضرت امام
جعفر صادق عليه السلام اورده كه هر
كم شود روزى او يا تنك شود معيشت
او يا باشد او را حاجت ضرورى از
دنيا واخرت پس بنويسد در رقعه
سفيد انچه مذكور ميشود ودر اب
جارى بيندازد نزد طلوع افتاب وناشتا
بوده باشد بسم الله الرحمن الرحيم
الملك الحق المبين من العبد الذليل
الى المولى الجليل سلام على محمد وعلى
وفاطمه

وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ
وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَىٰ وَعَلِيٍّ وَ
مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْقَائِمِ سَيِّدِنَا
وَمَوْلَانَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ
رَبِّ إِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَالْخَوْفُ
فَاكْشِفْ ضُرِّي وَآمِنْ خَوْفِي بِحَقِّ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ نَبِيٍّ
وَوَصِيٍّ وَصِدِّيقٍ وَشَهِيدٍ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ اشْفَعُوا لِي يَا سَادَاتِي
بِالشَّأْنِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنَّ
لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ لَشَأْناً مِنَ الشَّأْنِ فَقَدْ
مَسَّنِيَ الضُّرُّ يَا سَادَاتِي وَاللَّهُ أَرْحَمُ

الرّاحمین فافعل بی یا ربّ کذا و
کذا یعنی مطلب خود را یاد کند
استغاثهٔ دیگر در کتاب مذکور آورده
که بنویس بر کاغذی و بیندازد در آب
بسم الله الرّحمن الرّحیم من العبد
الذّلیل الی المولی الجلیل ربّ انّی
مسّنی الضّرّ و انت ارحم الرّاحمین
بحقّ محمّد و آله صلّ علی محمّد و آل محمّد
و اکشف همّی و فرّج عنّی غمّی
برحمتک یا ارحم الرّاحمین
استغاثهٔ دیگر در کتاب مذکور آورده
که بنویسد چیزیکه مذکور میشود در
رقعه و بیندازد بر قبر یکی از ائمّه

علیهم السلام یا انکه رقعه را به بندد و
مهر کند و در میان انکه گل پاکیزه پاکیزه
بگذارد و در نهری و یا چاه عمیق
یا غدیری بیندازد که آن رقعه بحضرت
صاحب الامر صلوات الله علیه میرسد
و آن حضرت خود متکفل بر آوردن حاجت
او میشود و رقعه اینست
بسم الله الرحمن الرحیم
کَتَبْتُ اِلَیْکَ یَا مَوْلَایَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ
عَلَیْکَ مُسْتَغِیثًا وَشَکَوْتُ
مَا نَزَلَ بِیْ مُسْتَجِیرًا بِاللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ
ثُمَّ بِکَ مِنْ اَمْرٍ قَدْ دَهَمَنِیْ وَاَشْغَلَ
قَلْبِیْ وَاَطَالَ فِکْرِیْ وَسَلَبَنِیْ

بَعْضِ لِيَ وَغَيْرَ خَطِيرٍ نِعْمَةَ اللهِ

عِنْدِي اَسْلَمَنِي عِنْدَ تَخَيُّلِ وَ

رُودِهِ الْخَلِيلُ وَتَبَرَّاَ مِنِّي عِنْدَ وَتَدَانِي

تَرَائِي اَقْبَالِهِ اِلَى الْجَحِيمِ وَعَجَزَتْ

عَنْ دِفَاعِهِ حِيلَتِي وَخَانَنِي فِي

تَحَمُّلِهِ صَبْرِي وَقُوَّتِي فَلَجَأْتُ

فِيهِ اِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْئَلَةِ

اللهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ فِي

دِفَاعِهِ عَنِّي عِلْمًا بِمَكَانِكَ مِنَ

اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلِيِّ التَّدْبِيرِ

وَمَالِكِ الْاُمُورِ وَاثِقًا بِكَ

فِي الْمُسَارِعَةِ فِي الشَّفَاعَةِ اِلَيْهِ

جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي اَمْرِي مُتَيَقِّنًا

لاجابته

لاجابته تبارك وتعالى اياك
باعطاء سؤلي وانت يا مولاي
جدير بتحقيق ظني وتصديق
املي فيك في امر كذا وكذا
وحاجت خود را بنويسد فيما
لا طاقة لي بحمله ولا صبر لي
عليه وان كنت مستحقا له
ولاضعافه بقبيح افعالي وتفر
يطي في الواجبات التي عز و
جل فاغثني يا مولاي صلوات وسيدي
الله عليك عند اللهف وقدم
المسئلة الله عز وجل في امري
قبل حلول التلف وشماتة

الاعداء فبك بسطت النعمة
علی واسئل الله جل جلاله لی تصرا عزیزا وفتحا قریبا فیه ببلوغ انه ینصرنی
الامال وخیر المبادی وخواتیم
الاعمال والامن من المخاوف
کلها فی کل حال انه جل ثناؤه
لما یشاء فعال وهو حسبی و
نعم الوکیل فی المبدا والمال
ودر رود فت انداختن رقعه قصد
کند یکی از نایبان حضرت صاحب
الامر علیه السلام را یا عثمان بن
سعید عمروی یا پسرا و محمد بن عثمان
یا حسین بن روح یا علی بن محمد سمری را

که ایشا

که اینها نایبان آن حضرت بوده
اند در غیبت صغری پس یکی
از ایشان را ندا کند که یا فُلانَ
بْنَ فُلانٍ سَلامٌ عَلَیْكَ اَشْهَدُ
اَنَّ وَفاتَكَ فی سَبیلِ اللهِ وَاَنَّكَ
حَیٌّ عِنْدَ اللهِ مَرْزُوقٌ وَقَدْ خاطَبْتُكَ
فی حَیاتِكَ الَّتی لَكَ عِنْدَ اللهِ عَزَّ
وَجَلَّ وَهٰذِهِ رُقْعَتی وَحاجَتی
اِلیٰ مَوْلانا عَلَیْهِ السَّلامُ فَسَلِّمْها
اِلَیْهِ فَاَنْتَ الثِّقَةُ الاَمینُ
پس رقعه را بیندازد که حاجتش را
برآورده میشود انشاء الله تعالی
استغاثه دیگر کفعمی در مصباح

از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام اورده که بنویسد در رقعهٔ
سفیدی بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِاَحَبِّ
الْاَسْمَاءِ اِلَيْكَ وَاَعْظَمِهَا لَدَيْكَ
وَاَتَقَرَّبُ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِمَنْ
اَوْجَبْتَ حَقَّهُ عَلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ
وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ
جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ ابْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ
بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ
ابْنِ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةِ الْمُنْتَظَرِ صَلَوَاتُكَ

عليهم

عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ اِكْفِنِي شَرَّ كَذَا وَكَذَا
وَحاجت خود را ذكر كند بعد ازان
به پيچد ان رقعه را و در بند فند
از كل بگذارد و در ميان آب بار
يا چاهي بيندارد كه خداي تعالى
فرج كرامت ميفرمايد و بر دور
آن رقعه اين صورت بنويسد
استغاثه ديگر در كتاب
اورده و موسوم است بكشمرديه
وانرا قصه ايست طولاني بنويسد
الحمد وآية الكرسي وآيه عرش يعني
آيه اِنَّ رَبَّكُمُ اللهُ الَّذِي بعد ازان
بنويسد بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ
إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا
هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ سَلَامٌ عَلَى آلِ
يَاسِينَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَ
الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ
وَمُوسَى وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ
وَمُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ حُجَّتِكَ يَا رَبِّ
عَلَى خَلْقِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي لَمُسْلِمٌ
وَإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ اللَّهُ إِلَهِي وَ
إِلَهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَا إِلَهَ
غَيْرُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِحَقِّ هَذِهِ
الْأَسْمَاءِ الَّتِي إِذَا دُعِيتَ بِهَا
أَجَبْتَ وَإِذَا سُئِلْتَ بِهَا أَعْطَيْتَ

لَمَّا صَلَتْ عَلَيْهِمْ وَهَوَّنْتَ عَلَيَّ
خُرُوجِي وَكُنْتَ لِي قَبْلَ ذَلِكَ
عِبَادًا وَمُجِيرًا مِمَّنْ أَرَادَ أَنْ يَفْرُطَ
عَلَيَّ أَوْ يَطْغَى بعد ازان دعا كند
چیزیرا که دوست دارد و بهیچ‌دانرا
در بند فه از خال پاك و بخواند برن
سورهٔ یس را پس ببندد ازد انرا در چاه
عمیقی یا نهری یا چشمهٔ عمیقی که حاجتش
بر اورده میشود انشاء الله
تعالی

هوالله

سلام علیک ای نبی مکرم ❊ مکرم تر از آدم و نسل آدم

سلام علیک ای [illegible] ❊ ز صورت مؤخر ز معنی مقدم

سلام علیک ای [illegible] ❊ طفیل وجود تو ایجاد عالم

سلام علیک ای [illegible] ❊ جمال تو آیینهٔ اسم اعظم

سلام علیک ای [illegible] ❊ ترا ختم مرسلین لقب نقش خاتم

سلام علیک ای [illegible] ❊ که روح الامین در سرای تو محرم

سلام علیک از زائر تربت تو ❊ مرا هست [illegible] خرم

هزاران تحیت ز حق [illegible] ❊ بروح تو و آل و صحب مکرم

شفیعی [illegible] ❊ [illegible] حقیقت تام [illegible]

از فیض تو رسته وجود همه کس بی لطف ایزدی و اسلام باهم

ور زنده دلان تو روشن تمنیتی که رستی ز ظلمات جهنم

ز سهمی تو شد کعبه ابراهیم ز لطف تو شد کعبه ابرار مقدم

نسخه ادرت شوق

خزانه رحمت خود داد مرا ور رحمت شاد و شادی و درهم

تویی رسول پیمبران مرسل جلیست که شاه تخت ز علوی تو نعیم

بحکم تو گنهکاهیم ازرو قدر ز رحم علیها بما بار ترحم

دردها فراهم و دل جراحت ز لطف تو دارم امید مرهم

کشد هم بار نغز در دیار تو جبار ز بار گنه گشته ماهم

رجا واثق آمد بلطف تو ما را کم از رحمت ایزدی رحمت باهم

زهی بجناب حضرت که از آن شفیع ما بشفاعت حضرت مسلم

تم تم تم

هو

[illegible]

۲۰۹۳

[illegible]

۳۹۲

هو الرزاق بسم الله الرحمن الرحیم ذو القوة المتین

تولد نورچشم عبدالوهاب خان پسر ارجمندی

عبدالسلام خان شب پنجشنبه عید رجب ۱۷ شهر رمضان

المبارک سنه یکهزار و سیصد و چهار ۱۳۰۴ هجری شمسی در ۲۱ درجه

جوزا و قمر در ۱۰ درجه جدی و چند دقیقه طالع کدی شب عدد

از برج ... سبعه قمر از الطرف کوکب چنین مفهوم می‌شود

که این طفل سلیم النفس و حلیم و بسیار نیک اعتقاد و ما...

اهل صلاح خواهد بود و باید آن را ...

---

۲۷ ش

بسم الله الرحمن الرحیم

تولد قرة العین نورالدین خان پسر عبدالسلام یوم چهار

بتاریخ سنه هجری شش و سیصد و یکهزار ۱۳۰۶ [illegible] ۵۶ دقیقه

از طلوع آفتاب گذشته بود شمس در [illegible] درجه دلو و قمر [illegible]

جدی [illegible] طالع دو [illegible] عطارد [illegible] و [illegible]

به جوزا [illegible] زحل [illegible] جدی [illegible] در [illegible]

[illegible] و [illegible] صورت و معتدل القامت [illegible]

الخلق [illegible] و [illegible] روز [illegible] شنبه [illegible] فرج [illegible]

[illegible] و [illegible] در [illegible] العمر [illegible] مقرر [illegible]

۱۲۸ [illegible] در [illegible] طفولیت خطرات بسیار دارد

و انشاء الله [illegible] دولت [illegible]

سیم هذه خیر ابد سماء

تولد شهید لعبت صاحب بیان پسر سیوم نور چشم عبد السلام صاحب

شب شنبه ششم شهر جمادی الثانیه پنج ساعت از شب گذشته

شمس در برج دلو و قمر در اول درجه حمل و کوکب مریخ

زایچه طالع مولود آینه سیاه و شبیه و صاحب سیف و شجاع

تهور دارد و بلند آواز و سیاه قد و صاحب شان تخت و شیر

الفهم و طول العمر در مدت عمر سه خطر دارد یک در سال

دیگر در سن هفده سالگی و دیگر در سن بیست سالگی خطره از آب

حصبه و محرقه خواهد بود و به تعلیم و تمیز منافع آن

زر و خاست جمع نخست تا به سه گنبد از روشنه تعدد

[illegible] مطبوع [illegible]

[illegible] ۱۲۸۲

یا عظیم البرکات

یا منعم بعد حیر الکلما

اسامی اجداد جناب والده صاحبه ام

حاجی اکبر بن الله وله ... حاجی ولد حاجی عبد ... ولد میرزا ...

میرزا عبد الله عبد الصمد میرزا ابو ... میرزا عبد ...

ولد میرزا عبد ... ولد میرزا عبد ... میرزا ... ولد میرزا ...

میرزا عبد ... میرزا ...

ولد والده ام

[illegible]

خاکی در شاهجهان تاج سر خورشید ملکیم [illegible]
تا فرق بخت من کلیم از اوج کیوان بگذرد ..

تا کلام ... علیه الرحمه

دل را که از طاقت ... فراق جانان بگذرد

... مشتاقان ... چو خزان بگذرد

ساقیا ... والله خون ... بگذرد

هر کس که بیند حال من داند که هجران دیده‌ام

در پیش چراغ ظاهرست آنجا که ... بگذرد